شناخت‌نامه

زندگی نامه و آثار علامه میرزا عبد الله بهابادی یزدی

به کوشش و نگارش

عباسعلی مردی

دبیرخانه کنگره بین المللی علامه ملاعبدالله بهابادی;

تابستان ۱۳۹۵

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

سخن دبیرخانه کنگره ۲۱

پیشگفتار ۲۵

روزشمار ملاعبدالله یزدی[۱] ۲۹

بخش نخست: زادگاه و مدفن میرزا عبدالله بهابادی یزدی

۱. بهاباد (زادگاه علامه میرزا عبدالله یزدی بهابادی[۱]) ۴۰

چگونگی پیدایش و قدمت تاریخی ۴۱

سرفصل‌های تاریخ بهاباد ۴۲

آثار و ابنیه تاریخی ۴۶

۲. مدفن میرزا عبدالله یزدی و خزانه‌داری آرامگاه امیرمؤمنان[۷] در گذر تاریخ ۴۸

منشأ نام نجف ۴۹

نام‌های دیگر نجف ۴۹

آب و هوا ٤٩
نجف در آینهٔ تاریخ ٥٠
الف) نجف پیش از اسلام ٥٠
ب) نجف پس از اسلام ٥٠
تشکیل و توسعه حوزه علمیهٔ نجف ٥٢
کوفه و نجف ٥٣
آرامگاه مطهر امیرمؤمنان۷ در نجف ٥٤
سدانت و خزانه‌داری حرم امیرمؤمنان۷ ..... ٥٦
وظایف کلیدداران حرم علوی۷ ..... ٥٨

بخش دوم: شرح حال ملا عبدالله بهابادی یزدی

۱. شرح حال مختصر ملاعبدالله یزدی۱ ..... ٦٤
جایگاه علمی و معنوی ملاعبدالله بهابادی یزدی۱ ..... ٦٧
فرزندان ٦٩
خاندان ملاعبدالله یزدی (بیت الملالی) ٧١
استادان ٧٢
همدرسان ٧٥
شاگردان ٧٥
ارتباط ملاعبدالله یزدی۱ با شاهان صفوی ٧٧
آثار علمی ملاعبدالله یزدی۱ ..... ٧٩
یک. منطق ٧٩
الف) حاشیه‌های ملاعبدالله بر تهذیب المنطق نوشتهٔ سعدالدین مسعود

بن عمر تفتازانی (م ۷۹۲ق). ۷۹
ب) حواشی بر حاشیه دوانی بر تهذیب ۸۲
ج) حاشیه بر حاشیه قدیمیه جلالیه بر شرح مطالع ۸۳
د) حاشیه بر تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الشمسیه ۸۳
ه) حاشیه بر حاشیه شریفیه بر شرح المطالع ۸۳
دو. فلسفه ۸۳
سه. کلام ۸۴
الف) حاشیه بر حاشیهٔ قدیم ملاجلال بر شرح جدید تجرید العقائد خواجه نصیر طوسی ۸۴
ب) حاشیه بر شرح جدید تجرید مبحث جواهر ۸۴
چهار. فقه ۸۵
الف) الدرة السنیة فی شرح الرسالة الألفیة الشهیدیة ۸۵
ب) شرح قواعد الأحکام ۸۵
ج) حاشیه بر ارشادالأذهان ۸۶
د) حاشیه بر استبصار ۸۶
پنج. بلاغت ۸۶
الف) حواشی بر حاشیه خطایی (حاشیه بر مختصر و مطول) ۸۶
ب) حاشیه بر حاشیه شریفیه بر مطول ۸۷
شش. تفسیر ۸۷
الف) التجارة الرابحة در تفسیرِ سوره و فاتحه ۸۷
ب) درة المعانی یا خلاصهٔ التجارة الرابحه ۸۸
ج) تفسیر شهابادی یا حاشیه بر تفسیر بیضاوی ۸۸

وفات ملاعبدالله یزدی۱ ..... ۸۸
۲. ملاعبدالله یزدی۱ در آثار علما ۹۰
۱. احسن التواریخ حسن از بیک روملو (متوفای حدود ۹۸۵ق) ۹۲
۲. جامع مفیدی از محمدمفید مستوفی بافقی (زنده در ۱۰۹۱ق) ۹۳
۳. أمل الآمل فی علماء جبل عامل از شیخ حر عاملی (۱۱۰٤ق) ۹۳
٤. خلاصة الأثر محمد أمین بن فضل الله حنفی (م ۱۱۱۱ق) ۹٤
٥. سلافة العصر از سید علی خان کبیر (م ۱۱۱۸ق) ۹٥
٦. تذکرهٔ هفت اقلیم از امین رازی (متوفای اوایل سدهٔ یازدهم) ۹٥
۷. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء میرزاعبدالله اصفهانی افندی (حدود ۱۱۳۰ق) ۹۷
۸. نجوم السماء محمدعلی آزاد کشمیری (م ۱۲۸٦ق) ۱۰۲
۹. قصص العلماء میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی (۱۳۰۲ق) ۱۰۳
۱۰. روضات الجنات فی أحوال العلماء والسادات محمد باقر خوانساری (م۱۳۱۳ق) ۱۰٤
۱۱. مرآة الکتب ثقة الاسلام علی بن موسی بن شفیع التبریزی (۱۳۳۰ق) .. ۱۰۷
۱۲. تکملة أمل الآمل سید حسن صدر (۱۳٥٤ق) ۱۰۹
۱۳. هدیة العارفین از اسماعیل‌پاشا بن محمدامین بغدادی ۱۱۱
۱٤. فوائد الرضویه از شیخ عباس قمی (۱۳٥۹ق) ۱۱۲
۱٥. معارف الرجال از شیخ محمد حرزالدین (م ۱۳٦٥ق) ۱۱۳
۱٦. أعیان الشیعة سید محسن امین (م ۱۳۷۱ق) ۱۱۷
۱۷. ریحانة الأدب از میرزا محمدعلی مدرس (م ۱۳۷۳ق) ۱۱۷
۱۸. ماضی النجف وحاضرها از شیخ جعفر باقر آل محبوبه (م ۱۳۷۷ق) ۱۱۹

۱۹. نجوم السرد جواد مدرسی (م ۱۳۸۷ق) ۱۲۲
۲۰. طبقات اعلام الشیعه از علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی (م ۱۳۸۹ق) ۱۲۵
۲۱. خدمات متقابل اسلام و ایران از استاد شهید مرتضی مطهری(ره)
(۱۳۵۸ش / ۱۳۹۹ق) ۱۲۵
۲۲. آینهٔ دانشوران از سید علیرضا ریحان یزدی (م ۱۳۶۳ش) ۱۲۶
۲۳. معجم المؤلفین از عمر رضا کحاله (م ۱۴۰۸ق) ۱۲۶
۲۴. معجم رجال الحدیث از آیت الله خوئی (م ۱۴۱۳ق) ۱۲۷
۲۵. رجال الفکر والادب فی النجف شیخ محمدهادی امینی (م ۱۳۷۹ش/
۱۴۲۱ق) ۱۲۸
۲۶. مشاهیر مدفونین در نجف نوشته کاظم عبود فتلاوی (م ۱۴۲۸ق) ۱۲۹
۲۷. موسوعة طبقات الفقهاء ۱۳۰
۲۸. اثرآفرینان ۱۳۲
۲۹. گفتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر قاسم کاکایی ۱۳۳
۳۰. ملاعبدالله بهابادی یزدی در سخن مقام معظم رهبری: ۱۳۷

بخش سوم: خاندان ملا عبدالله بهابادی یزدی

الف) کلیدداران حرم امیرمؤمنان۷ (بیت الملالی) ۱۴۳
۱. ملامحمد طاهر ۱۴۴
۲. ملاعبدالله بن ملامحمد طاهر ۱۴۵
۳. ملاعبدالمطلب بن ملاعبدالله بن مولی محمد طاهر ۱۴۸
۴. ملااحمد بن ملاعبدالله بن ملامحمد طاهر نجفی یزدی ۱۵۰
۵. ملامحمود ۱۵۰

٦. ملامحسن ۱۵۱
۷. ملامحمود بن عبدالمطلب بن ملاعبدالله ۱۵۱
۸. احمد بن ملاصالح بن ملامحسن بن ملاعبدالله ۱۵۲
۹. ملامحمد صالح بن ملامحسن بن ملاعبدالله ۱۵۳
۱۰. ملامحمود بن ملامحمد صالح بن ملامحسن بن ملاعبدالله ۱۵٤
۱۱. ملاسلیمان بن ملامحمد طاهر ۱۵٤
۱۲. ملامحمد طاهر بن ملامحمود ۱۵۵
۱۳. ملایوسف بن ملاسلیمان بن ملاطاهر بن ملامحمود ۱۵۵
۱٤. ملامحمود بن ملایوسف بن ملاسلیمان بن ملاطاهر بن ملامحمود ۱۵۷
۱۵. ملایوسف بن ملاسلیمان بن ملاطاهر، آخرین بازماندهٔ مشهور در نجف ۱۵۸
ب) منجمان دربار صفوی ۱٦۰
۱. جلال‌الدین محمد یزدی مشهور به ملاجلال (م ۱۰۲٦) ۱٦۰
۲. ملا کمال منجم ۱٦۲
۳. ملا جلال ثانی ۱٦۳
ج) خویشان و بستگان ملاعبدالله یزدی ۱٦٤
۱. میرزا خلیل الله بهابادی ۱٦٤
۲. نورا محمد اعلمی ۱٦٦

بخش چهارم: آثار ملا عبدالله بهابادی یزدی

۱. آثار ملاعبدالله بهابادی ۱۷۰
یک. منطق ۱۷۰

الف) حاشیه‌های ملاعبدالله بر تهذیب المنطق ۱۷۰
یکم: شرح عربی بر تهذیب المنطق ۱۷۳
شیوه حواشی در این کتاب ۱۷۵
معنی واژگان ۱۷۵
ترکیب نحوی عبارات ۱۷۶
بیان مراد مصنف ۱۷۶
بیان مسئله و پروراندن موضوع ۱۷۶
شروح و حواشیِ حاشیهٔ عربی تهذیب المنطق ۱۷۷
نسخه‌های خطی حاشیه ۱۹۲
ترجمه‌های حاشیه ۱۹۳
چاپ‌های حاشیه ۱۹۳
دوم: شرح تهذیب المنطق به فارسی ۱۹۴
حاشیه بر حاشیه فارسی ۱۹۶
سوم: شرح بخش ضابطه اشکال اربعه ۱۹۶
چهارم: حاشیه غیر مشهور ۱۹۷
ب) حواشی بر حاشیه دوانی بر تهذیب ۱۹۷
۱. الخرارة فی شرح العجالة ۱۹۸
۲. شرح دیباجة العجالة ۱۹۹
۳. حاشیه بر مطلب «موضوع» خاصةً ۲۰۰
٤. حاشیه بر موضوع علم ۲۰۰
ج) حاشیه بر حاشیه قدیمیه جلالیه بر شرح مطالع ۲۰۱
د) حاشیه بر تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الشمسیه ۲۰۱

ه) حاشیه بر حاشیه شریفیه بر شرح المطالع ۲۰۱
نکته‌ای دربارهٔ کتاب تحفهٔ شاهجهانیه ۲۰۲
دو. فلسفه ۲۰۲
رساله در تشکیک (رسالة فی التشکیک) ۲۰۲
سه. کلام ۲۰۳
۱. حاشیه بر حاشیهٔ قدیم ملاجلال بر شرح جدید تجرید العقائد خواجه نصیر طوسی ۲۰۳
۲. حاشیه بر شرح جدید تجرید مبحث جواهر ۲۰۳
چهار. فقه ۲۰٤
۱. الدرة السنیة فی شرح الرسالة الألفیة الشهیدیة ۲۰٤
۲. شرح قواعد الأحکام ۲۰۷
۳. حاشیه بر ارشادالأذهان ۲۰۸
٤. حاشیه بر استبصار ۲۰۹
پنج. بلاغت ۲۰۹
۱. حواشی بر حاشیه خطایی (حاشیه بر مختصر و مطول) ۲۰۹
۲. حاشیه بر حاشیه شریفیه بر مطول ۲۱۲
شش. تفسیر ۲۱۲
۱. التجارة الرابحة در تفسیرِ سوره و فاتحه ۲۱۲
۲. درة المعانی یا خلاصهٔ التجارة الرابحه ۲۱۳
۳. تفسیر شهابادی یا حاشیه بر تفسیر بیضاوی ۲۱۵
۲. آثار ملا عبدالله یزدی و حواشی آن‌ها در الذریعه ۲۱۷
الف) آثار ملاعبدالله یزدی ۲۱۸

۱. الدرة السنیه ۲۱۸
۲. شرح قواعد الأحکام ۲۲۱
۳. الخرارة در شرح العجالة ۲۲۲
٤. حاشیه بر تهذیب دوانی (بحث موضوع) ۲۲٤
٥. حاشیه بر تهذیب المنطق (عربی) ۲۲٥
٦. حاشیه بر تهذیب المنطق (فارسی) ۲۲٥
۷. حاشیه بر تهذیب المنطق (ضابطهٔ أشکال) ۲۲٦
۸. حاشیه بر تهذیب المنطق (غیر معروف) ۲۲۷
۹. التجارة الرابحة در تفسیر سوره و فاتحه ۲۲۸
۱۰. تفسیر الشهابادی یا حاشیه بر تفسیر بیضاوی ۲۲۸
۱۱. رساله در تشکیک ۲۲۸
۱۲. اجازه علامه مجلسی به مولی عبدالله یزدی ۲۲۹
۱۳. تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الشمسیه ۲۲۹
۱٤. حاشیه بر شریفیه بر شرح مطول ۲۳۰
۱٥. حاشیه بر حاشیه شریفیه ۲۳۰
۱٦. حاشیه بر حاشیه دوانی ۲۳۰
۱۷. حاشیه بر شرح شمسیه ۲۳۱
۱۸. حاشیه بر خطائی ۲۳۱
۱۹. حاشیه خطابیه ۲۳۲
۲۰. حاشیه خطائی ۲۳۳
ب) حواشی حاشیه تهذیب المنطق ۲۳۳
۱. حاشیه سید شهابالدین بن محمد حسینی تبریزی ۲۳۳
۲. حاشیه از متأخرین ۲۳۳

٣. حاشیه سید أبوالقاسم بن سید رضا طباطبائی مشهور به علامه تبریزی ٢٣٤
٤. حاشیهٔ سید محمدحسن بن سید عبدالرسول طالقانی نجفی ٢٣٤
٥. حاشیهٔ شیخ علی بن حسین جامعی عاملی ٢٣٥
٦. حاشیه محسن بن محمد طاهر قزوینی ٢٣٦
٧. حاشیه میرزا علیرضا تجلی ٢٣٦
٨. حاشیه ملا محمّدحسین بن اسماعیل یزدی اردستانی ٢٣٨
٩. حاشیه ملا محمّد حسین بن اسماعیل ٢٣٨
١٠. کشف الاستار ٢٣٩
١١. حاشیه از ناشناخته ٢٣٩
١٢. حاشیهٔ شیخ اسحاق حویزی ٢٣٩
١٣. حاشیه آقا محمد جعفر کرمانشاهی ٢٤٠
١٤. حاشیه شیخ حسن بن محمد حسن شریعتمدار ٢٤٠
١٥. حاشیه سید محمدسعید سراج ٢٤٠
١٦. حاشیهٔ سید بهاءالدین محمد بن محمدباقر حسینی مختاری نائینی (متوفی در اوائل فتنه افغان). ٢٤٠
١٧. حاشیهٔ شیخ عبدالرحیم ٢٤١
١٨. حاشیهٔ ملاعبدالرزاق لاهیجی ٢٤١
١٩. حاشیهٔ میرزا عبدالغفّار ٢٤١
٢٠. حاشیهٔ میرزا محمّد فرزند احمد علی قراچه داغی تبریزی (م ١٣١٠ق) ٢٤٢
٢١. حاشیهٔ محمدعلی فرزند قربان علی اردبیلی ٢٤٢

۲۲. حاشیهٔ ملامحسن تهرانی ۲۴۲
۲۲. حاشیهٔ ملامحسن فرزند محمدطاهر قزوینی ۲۴۳
۲۳. حاشیهٔ میرزا محمد تنکابنی ۲۴۴
۲۴. حاشیهٔ میرزا محمد یزدی ۲۴۴
۲۵. حاشیهٔ سید محمدمهدی بن جعفر موسوی ۲۴۴
۲۶. حاشیه ملانظر علی فرزند محسن گیلانی از حکمای اواخر قرن ۱۲ق ۲۴۴
۲۷. حاشیهٔ یعقوب بختیاری حویزی ۲۴۵

بخش پنجم: مأخذشناسی کتاب‌ها و مقالات مرتبط با ملا عبدالله بهابادی یزدی

الف. کتاب‌های مستقل ۲۵۰
ب. کتاب‌های مشتمل ۲۵۶
ج. مقالات ۲۶۱
د. پایان نامه‌ها ۲۶۶

بخش ششم: ملحقات

ملاعبدالله بهابادی یزدی; (متوفای۹۸۱قمری)، معلم منطق؛ نوشته علی براری ۲۷۲
بهاباد در یک نگاه ۲۷۲
تولد و تحصیل ۲۷۳

استادان ۲۷۵
همدرسان ۲۷۷
شاگردان ۲۷۸
۱. شیخ بهایی ۲۷۸
۲. فرزند شهید ثانی ۲۸۰
۳. سید محمد ملقب به شمس‌الدین ۲۸۱
ملاعبدالله و دربار صفوی ۲۸۳
مقام معنوی و علمی ۲۸٤
شهرت ملاعبدالله ۲۸۵
در آینهٔ دیگران ۲۸۷
تألیفات ملاعبدالله ۲۸۹
استقبال علما از حاشیه ملاعبدالله ۲۹۱
اشتباه تاریخ نگاران ۲۹۲
یادگارهایی از ملاعبدالله در بهاباد ۲۹۳
غروب غم‌انگیز ۲۹٤

حاشیه‌نویسی؛ نوشته قنبرعی رودگر Error! Bookmark not defined.
تعریف و معنا **Error! Bookmark not defined.**
پیام سفید گذاشتن کنار صفحات **Error! Bookmark not defined.**
سابقه **Error! Bookmark not defined.**
نخستین حاشیه‌نویس **Error! Bookmark not defined.**

در تمدن اسلامی ..... Error! Bookmark not defined.
شرح‌ها به دلیل قدمت و سابقه، از حاشیه‌ها رایج‌تر شدند. Error! Bookmark not defined.
بعد از قرن ششم ..... Error! Bookmark not defined.
حاشیه‌هایی بیشتر از متن ..... Error! Bookmark not defined.
هدف اصلی و انواع ..... Error! Bookmark not defined.
در فرهنگ اسلامی ..... Error! Bookmark not defined.
فواید ..... Error! Bookmark not defined.
مشکلات ..... Error! Bookmark not defined.
بعد از صنعت چاپ ..... Error! Bookmark not defined.
فهرست منابع ..... Error! Bookmark not defined.

بخش هفتم: تصاویر

۱. صفحه آغاز؛ حاشیه خطائی؛ دستخط میرزا عبدالله یزدی، تالیف و کتابت ۹۶۲ ..... ۳۰۵
۲. صفحه انجام؛ حاشیه خطائی؛ دستخط میرزا عبدالله یزدی، تالیف و کتابت ۹۶۲ ..... ۳۰۶
۳. صفحه آغاز؛ حاشیه عربی تهذیب؛ (حاشیه ملا عبدالله)؛ کتابت ۹۷۱ ..... ۳۰۷
٤. صفحه انجام؛ حاشیه عربی تهذیب؛ (حاشیه ملا عبدالله)؛ کتابت ۹۷۱ ..... ۳۰۸
٥. صفحه آغاز؛ حاشیه فارسی تهذیب؛ کتابت ۹۵۲ ..... ۳۰۹
٦. صفحه انجام؛ حاشیه فارسی تهذیب؛ کتابت ۹۵۲ ..... ۳۱۰

۷. صفحه آغاز؛ حاشیه بر مبحث موضوع؛ کتابت ۹۷۱ ..... ۳۱۱
۸. صفحه انجام؛ حاشیه بر مبحث موضوع؛ کتابت ۹۷۱ ..... ۳۱۲
۹. صفحه آغاز؛ حاشیه ارشاد الاذهان، کتابت ۱۰۱۱ ..... ۳۱۳
۱۰. صفحه انجام؛ حاشیه ارشاد الاذهان، کتابت ۱۰۱۱ ..... ۳۱٤
۱۱. صفحه آغاز؛ حاشیه عربی تهذیب؛ (حاشیه ملا عبدالله)؛ کتابت ۱۰۷۹ ..... ۳۱۵
۱۲. صفحه انجام؛ حاشیه عربی تهذیب؛ (حاشیه ملا عبدالله)؛ کتابت ۳۱٦۱۰۷۹
۱۳. صفحه انجام؛ حاشیه عربی تهذیب؛ (حاشیه ملا عبدالله)؛ کتابت ۹۷۱. ۳۱۷

سخن دبیرخانه کنگره

بـا گسـترش تشـیع در دوره صـفویه، جامعـه ایرانـی علیـرغم تفاوت‌های نژادی، فرهنگی و زبانی، به جامعه‌ای تقریباً یک‌دست از نظر مـذهبی مبـدل شـد و مـذهب بـه یکـی از عوامـل اساسی استقلال و وحدت ملی ایران تبدیل گردید. نفوذ آرمان‌ها و عناصر اعتقادی شیعه در فرهنگ ایران جامعه‌ای مـذهبی بـه وجـود آورد کـه قـدرت‌هـای حـاکم را وامی‌داشـت نهـاد مـذهب را در اقـدامات خود در نظر گیرند؛ به نحوی که چشم‌پوشی از این نهاد معمولاً بـه شکست سیاست‌ها می‌انجامید.

در این دوره هم‌چنین به لحاظ وجهه مذهبی حکومت، فرصـتی مناسب برای فعالیت علما ایجـاد شـد و در نتیجـه، متـون علمـی - مـذهبی تشـیع گسـترش یافـت و اندیشـه‌هـای فقهـی و کلامی - فلسـفی شـیعه در سـطح وسـیعی مطـرح گردیـد. در سلسـله ایـن اندیشـمندان و فقیهـان مـی‌تـوان بـه محقـق کرکـی، شـیخ بهـایی و ملاعبـدالله بهابـادی و... اشـاره کـرد. از آنجـا کـه علامـه ملاعبـدالله بهابادی یزدی; جز شخصیت‌هایی بـود کـه کمتـر شـناخته شـده یـا

بیشتر به چهره منطقی در حوزه‌های علمیه شیعه و اهل سنت شناخته شده بود، تصمیم بر این شد به منظور ارج نهادن به مقام شامخ علم و فقاهت کنگره‌ای بین‌المللی با موضوع شناساندن شخصیت علمی - معنوی حکیم ملاعبدالله بهابادی یزدی صورت گیرد.

شناسایی بخشی از زوایای متعدد سیاسی - اجتماعی و معنوی فرزانگانی همچون ملاعبدالله بهابادی با بررسی آثار، اساتید، شاگردان، جلوه‌های تمدنی برجای مانده و خدمات اجرایی این بزرگان حاصل می‌گردد. از آنجا که منابع موجود در خصوص ملاعبدالله توان معرفی جامع ایشان را نداشت، دبیرخانه کنگره بین‌المللی با همکاری موسسه آل‌البیت و جامعه المصطفی اقدام به حضور یک هفته ای به منظور جمع‌آوری اطلاعات دقیق در خصوص ملاعبدالله بهابادی کرد. در طول این مدت هیات اعزامی از کتابخانه‌های حکیم، امیرالمومنین و ... دیدار و اطلاعات مرتبط با ملاعبدالله را دریافت و در اختیار محققین و اساتید گرامی قرار دادند که نتیجه آنها در قالب کتب متعدد استخراج و در دسترس محققین قرار گرفته است.

با این وجود خلأ جدی در مورد آثاری که در مورد این شخصیت فقهی منطقی نگاشته شده است، وجود داشت که دبیرخانه کنگره بین المللی علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی; به منظور پر کردن این خلا با تتبع گسترده در فهرست نامه‌های کُتب خطّی و چاپی و مقالات و مجموعه گفتارها و پایان نامه‌ها و فهرست

های کتاب خانه‌ها و نمایه های مطبوعات و ... ، تدوین شناخت نامه علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی; را در دستور کار خود قرار داد که این مهم توسط محقق گرامی جناب آقای عباسعلی مردی به سرانجام رسید. آماده سازی این مجموعه، با شناسایی متون مرتبط، آغاز شد و با تفکیک و تقطیع و فصل بندی و مرتّب سازی این متون و حذف مطالب تکراری و ویرایش و یکدست کردن آنها و... به انجام رسید.

در مرحله ویرایش، سعی شد که تا جای ممکن، تصرّفی در متن آثار گردآوری شده صورت نگیرد و همه این متون، صرفا با ویرایش صوری و یکسان سازی رسم الخطّی در معرض دید پژوهشگران قرار گیرند.

در پایان لازم می‌دانم از شورای سیاست‌گذاری کنگره علامه بهابادی; و رئیس محترم آن جناب آقای عباس اقبال، امام جمعه محترم شهرستان بهاباد، ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، محققان مرکز احیای آثار اسلامی و کلیه کسانی که زمینه و بستر معرفی و تکریم چنین شخصیتی را فراهم آورند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.

امید است این کنگره فرصتی مناسب برای تضارب آراء و تعاطی افکار و تجربه‌ای جدید برای تبادل و تعامل بیشتر فرهیختگان و پژوهشگران علوم دینی پدید آورد.

حسن عبدی‌پور

دبیر علمی کنگره بین‌المللی آخوند ملاعبدالله

بهابادی یزدی;

پیشگفتار

نوشتن دربارۀ عالمی مشهور، اما غریب، سخت مشکل می‌نماید. علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی[1] چونان ویژگی‌ای دارد؛ دانشمندی که کتاب‌هایش نزدیک به پنج قرن در مدارس علمیه تدریس می‌شود، اما از زندگی‌اش چنانکه باید و شاید، آگاهی‌ای در دست نیست. تراجم نگاران مطالبی پراکنده ذیل نام وی درج کرده‌اند، اما آن اطلاعات اندک در عین پراکندگی، پریشان نیز هستند. برای نمونه، تاریخ وفات، در برخی منابع ۹۸۱ ه .ق و در برخی دیگر ۱۰۱۵ه .ق آمده است؛ یکی برای وی فرزندی نسبت داده و دیگری آن را رد کرده است و ... .

به هر حال، دوستان فاضل و کوشای ما در کنگره بزرگداشت علامه بهابادی، با همت عالی و آگاهی از دشواری‌های مسیر گام نخستین را برداشتند، اندکی نگذشت که گروهی همدل گردهم آمدند تا با کاوش در متون تاریخی و تراجمی، و مراجعه به محققین و دانش‌پژوهان مختلف و انجام مصاحبه‌ها، زوایای پنهان شخصیت علمی - دینی علامه ملاعبدالله یزدی بهابادی[1] را

نمایان سازند.

این نوشتار نیز تلاشی در راستای اهداف کنگره برای شناخت بیشتر شخصیت علامه ملاعبدالله بهابادی۱ پدید آمد؛ و در شش بخش به قرار ذیل تدوین گشت:

الف) معرفی زادگاه و مدفن ملاعبدالله بهابادی۱ (بهاباد و شهر نجف اشرف)؛

ب) شخصیت‌شناسی؛ ابتدا شرح حال مختصری از میرزا عبدالله یزدی۱ با توجه به متون و آثار وی نگاشته شد؛ سپس شرح حال وی از سی عنوان کتب تراجم و تاریخ و... نقل شد.

ج) خاندان علامه ملاعبدالله یزدی۱؛

د) آثار؛ ابتدا معرفی تفصیلی آثار وی بر اساس نسخ موجود و فهارس صورت گرفت. شایان ذکر است که فهرستواره دست نوشته‌های ایران (دنا) و فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) بر اساس نام میرزا عبدالله یزدی۱ و آثارش دیده شدند؛ سپس هر آنچه که علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی; دربارهٔ آثار میرزا عبدالله یزدی۱ نوشته است، درج شد.

ه) مأخذشناسی؛ معرفی کتاب‌های مستقل و شامل. هم‌چنین فهرستی از مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی که دربارهٔ میرزا عبدالله یزدی۱ و خاندان وی پدید آمده‌اند.

و) ملحقات؛ شامل دو نوشتار است: مقاله‌ای از آقای براری که سال‌ها پیش در گلشن ابرار چاپ شده است و مقاله‌ای از دانشنامه جهان اسلام دربارهٔ حاشیه‌نویسی.

در تدوین این اثر مرهون لطف و همراهی بزرگوارانی هستم که واجب است برای تشکر نامشان را یاد کنم: آقایان حجج‌اسلام علی اوسط ناطقی، حسن عبدی‌پور، شیخ محمدعلی نجفی کرمانشاهی، و حسن محمدی.

عباسعلی مردی

روزشمار زندگانی و رخدادهای مرتبط با ملاعبدالله یزدی[1]

۷۸۹ق: نگارش تهذیب المنطق و الکلام تفتازانی

۹۱۱ق: تولد حسن بن زین‌الدین[1] صاحب معالم شاگرد ملاعبدالله[1]

۹۵۲ق: پنجشنبه دهم رمضان: کتابت شرح تهذیب المنطق فارسی به خط باقر بن حاج حسین علی ساکن بافق

۹۵۳ق: تولد شیخ بهائی; شاگرد ملاعبدالله[1]

۹۶۲ هفدهم ذی‌حجه: اتمام تألیف حاشیهٔ خطائی در مدرسه صدریه منصوریهٔ شیراز.[1]

۹۶۷ق صبح چهارشنبه ۲۷ ذیقعده: اتمام تألیف حاشیه بر تهذیب المنطق در نجف

۹۷۱ق: کتابت حاشیه فارسی بر تهذیب به خط إبراهیم بن خلیل

---

۱. دبیرخانه کنگره بین‌المللی علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی[1] بعد از تحقیق‌های مفصل موفق گردید، تصویر این نسخه را که دستخط مؤلف است، تهیه نماید.

الله

۹۷۱ق چهار شنبه ۲۱ شعبان المعظم: کتابت حاشیه تهذیب دوانی (حاشبه بر مبحث موضوع) به خط إبراهیم بن خلیل الله.[۲]

۹۷۱: کتابت حاشیهٔ غیرمتداول بر تهذیب

۹۸۱ق: وفات علامه ملاعبدالله یزدی۱

۹۹۳ق: وفات محقق اردبیلی۱ همدرس علامه ملاعبدالله۱

۱۰۰۹ق: وفات سید محمد; صاحب مدارک شاگرد علامه ملاعبدالله۱

۱۰۱۱ق سه‌شنبه هفدهم ذیقعده: کتابت حاشیه ارشادالأذهان به خط محمد بن نعمةالله شولستانی.[۳]

۱۰۱۸ق: کتابت رسالة فی التشکیک به خط سید محمد علی موسوی

۱۰۱۹ق: وفات سید عبدالمطلب ابن حیدر بن فلاح بن محسن بن محمد بن فلاح مشعشعی که مولاعبدالله، الدرة السنیة را به نام وی نوشته است.[٤]

۱۰۲۸ق: کتابت حاشیهٔ تجلی شیرازی

---

۲. دبیرخانه کنگره بین‌المللی علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی۱ تصویر این نسخه را از کتابخانهٔ آستان قدس رضوی۷ تهیه کرده است.

۳. دبیرخانه کنگره بین‌المللی علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی۱ تصویر این نسخه را از کتابخانهٔ امام الحکیم نجف اشرف تهیه کرده است.

٤. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج۸، ص۹۸.

۱۰۳۰ق: وفات شیخ بهائی; شاگرد ملاعبدالله۱

۱۰۳۲ق: تعمیر مرقد مطهر و هدیهٔ پرندگان هندی توسط شاه عباس اول به ملاعبدالله۱ که بعدها معروف به پرندگان حضرت شدند.[۵]

۱۰۵۱ق: وفات ملاعبدالرزاق لاهیجی; صاحب حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله

۱۰۶۰ق: کتابت الخرارة (نسخه رضویه به خط محمدتقی بن محمد أشرف شریف استرآبادی)[۶]

۱۰۷۹ق: کتابت حاشیه ملاعبدالله به خط محمدامین گیلانی فرزند محمد مفید طبیب از فضلای عصر خویش.[۷]

۱۰۸۵ق: کتابت حاشیهٔ یعقوب بختیاری حویزی

۱۰۹۲ق: وفات شیخ محمد سعید بن سید محمد طباطبایی صاحب حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله

۱۰۹۶ق اول صفر: شرح تهذیب المنطق (حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله) از شیخ علی بن حسین جامعی عاملی

---

۵. حکیم، حسن عیسی؛ *المفصل فی تاریخ النجف الاشرف*؛ ج۲، ص۱۸۹. ظاهرا از نوادگان علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی۱ صاحب حاشیه باشد؛ چرا که ملاعبدالله یزدی سال ۹۸۱ وفات کرده است.

۶. همان؛ ج۷، ص۱۴۵.

۷. تهرانی، آقابزرگ؛ *طبقات اعلام شیعه*؛ ج۵، ص۵۵. دبیرخانه کنگره بین‌المللی علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی۱ تصویر این نسخه را از کتابخانهٔ آستان قدس رضوی۷ تهیه کرده است.

۱۱۲۲ق: کتابت حاشیهٔ میرزا علیرضا فرزند کمال‌الدین حسین.[۸]

۱۱۳۲ق: کتابت حاشیه میرزا علیرضا بر حاشیه ملاعبدالله (نسخه کتابخانهٔ ملی)

۱۱۶۰ق: تولد ملااحمد بن ملا صالح کلیددار حرم و نواده ملاعبدالله بهابادی یزدی۱

۱۱۶۰ق: وفات محمد علی فرزند قربان علی اردبیلی صاحب حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله

۱۲۱۸ق یکشنبه ۱۹ ذیقعده: کتابت حاشیه به خط معصوم بن کربلای ابراهیم (کتابخانه ملی)

۱۲۲۳ق: ملاسلیمان بن ملامحمد طاهر کلیددار حرم امیرمؤمنان۷ از فرزندان ملاعبدالله بهابادی یزدی۱

۱۲۳۲ق: تألیف حاشیهٔ سید إبراهیم بن إسماعیل بن محمود آل بالیل موسوی بر حاشیه ملاعبدالله بهابادی یزدی۱

۱۲۴۰ق: کتابت حاشیهٔ یعقوب بختیاری حویزی به خط سید أحمد بن محمد بن عبد الکریم بن جواد سید عبدالله جزائری تستری

۱۲۴۲ق: کشته شدن ملامحمد طاهر بن ملامحمود

۱۲۴۳ق: چاپ سنگی حاشیه ملاعبدالله در کلکته

۱۲۴۴ق: چهارشنبه۲۲ ربیع‌الأول: کتابت حاشیهٔ ملاعبدالله به خط محمد مهدی بن شیخ محمد جعفر قاضی

---

۸. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج۶، ص۱۸۹.

۱۲٤٦ق: کتابت حاشیهٔ ملاعبدالرزاق لاهیجی موجود در کتابخانه سید جعفر بحرالعلوم در نجف

۱۲۵۵ق: کتابت حاشیهٔ ملانظر علی بن محسن گیلانی به خط شیخ محمد بن حسن قرمسینی (کرمانشاهی)

۱۲۵۷ق صفر: تألیف حاشیهٔ ملا محسن تهرانی (حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله)

۱۲۵۷ق: ربیع‌الثانی: استنساخ تألیف حاشیهٔ ملامحسن تهرانی (حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله) توسط شاگردش محمد بن ملک حسین

۱۲۵۸-۱۲۵۹ق: کتابت حاشیه ملاعبدالله به خط حسین بن کربلایی رمضان خبوشانی (فهرست نسخه‌های خطی مدرسه باقریه مشهد)

۱۲٦۸ق: چاپ سنگی حاشیه ملاعبدالله در تهران

۱۲۷۰ق: چاپ سنگی حاشیه ملاعبدالله در تبریز

۱۲۷۲ق: کتابت حاشیهٔ ملاعبدالعلی به خط عبد الوهاب

۱۲۷٤ق: چاپ سنگی حاشیه ملاعبدالله در تهران، مطبعهٔ محمد قلی کربلائی و محمد حسین

۱۲۷٦ق: چاپ سنگی حاشیه ملاعبدالله در تهران

۱۲۸۰ق: چاپ حاشیه نفیس نوشته سید مصطفی حسینی مازندرانی در دو جلد.

۱۲۸۰ق: چاپ سنگی حاشیه ملاعبدالله در تهران

۱۲۸۲ق: چاپ حاشیهٔ تجلی شیرازی

۱۲۸٦ق: چاپ حاشیه ملاعبدالله در هند[۹]

۱۲۸۷ق: چاپ سنگی حاشیه ملاعبدالله در تبریز مطبعه عبدالرحیم

۱۲۹۲ق: چاپ سنگی حاشیه ملاعبدالله دارالطباعه حاجی ابراهیم به خط عبدالرحیم بن محمد تقی

۱۲۹۵ق: چاپ سنگی حاشیه ملاعبدالله در تهران به اهتمام تبریزی

۱۲۹٦ق: چاپ سنگی حاشیهٔ میرزا علیرضا بن کمال‌الدین حسین (فهرست مشار)

۱۲۹۹ق: وفات محمدعلی کرمانشاهی صاحب حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله

۱۳۰۲ق: وفات میرزا محمد تنکابنی صاحب حاشیه

۱۳۰٦ق: چاپ حاشیه ملاعبدالله، به اهتمام محمدتقی حسینی تبریزی و میرزا محسن واعظ

۱۳۰۸ق: چاپ حاشیه ملاعبدالله، به ضمیمه حاشیه میرزا علیرضا بر حاشیه ملاعبدالله

۱۳۱۰ق: وفات میرزا محمّد بن احمد علی قراچه داغی تبریزی صاحب حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله

۱۳۱۱ ق: چاپ سنگی حاشیه ملاعبدالله به خط محمدباقر دستگردی (۲۰٦ صفحه) با حواشی «شیخ عبدالرحیم، ملاجلال‌الدین، محمدعلی، جلال‌الدین، میرزا محمدعلی، میرزا

---

۹. سرکیس، یوسف الیان، *معجم مطبوعات العربیه*؛ ج۲، ص۱۹۸۵.

رضا» به سعی و اهتمام حاج محمدحسن کاشانی

۱۳۱۸ق: وفات شیخ محمدحسن فرزند ملامحمد جعفر شریعتمدار صاحب حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله

۱۳۲۳ق: چاپ تعدیل المیزان (حاشیهٔ حاشیه ملاعبدالله)

۱۳۲۳ق: چاپ حاشیه شیخ عبدالرحیم

۱۳۲۳ق: چاپ حاشیهٔ میرزا محمد یزدی

۱۳۲۳ق: چاپ حاشیهٔ میرزا عبدالغفّار

۱۳۲۳ق: چاپ حاشیهٔ میرزا محمّدفرزند احمد علی قراچه داغی تبریزی

۱۳۳۹ق: تألیف رفع الغاشیة عن وجه الحاشیة از حاشیه سید شهاب‌الدین بن محمد حسینی تبریزی

۱۳۷۰ق ربیع‌الاول: تألیف سعادة المتأنق فی توضیح حاشیة المولی عبدالله فی المنطق از سید حسن بن سید عبد الرسول آل‌طالقانی نجفی صاحب مجلهٔ معارف

۱۳۹٤ق: چاپ حاشیه با ترجمه محسن صدر رضوانی

۱٤۱٥ق: چاپ حاشیه، انتشارات جامعه مدرسین.

۱٤۳۷ق: برگزاری کنگره بزرگداشت ملاعبدالله بهابادی۱

بخش نخست

زادگاه و مدفن میرزا عبدالله بهابادی یزدی

درآمد

ردپای علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی[1] را در گسترهٔ جغرافیایی می‌توان در مراکز علمی مختلف قرن دهم ه .ق جستجو کرد. وی در بهاباد متولد شد، در اصفهان و شیراز رشد کرد و در نجف مقیم شد. هم‌چنین می‌توان با استناد به نامهٔ شهید ثانی; از حضور وی در مشهد سخن گفت، اما از این میان، در این نوشتار بهاباد به‌عنوان زادگاه وی و شهر نجف به‌عنوان مدفن وی به‌طور مستقل معرفی شده‌اند. به شهر نجف از آن رو توجه شد که افزون بر حضور ملاعبدالله یزدی[1] به‌عنوان کلیددار حرم علوی، فرزندان وی این منصب را از او به ارث بردند و سالیان متمادی به عنوان امینان مردم و حکومت به امور حرم مطهر علوی[7] رسیدگی می‌کردند. کوشش شد شهر نجف از این زاویه معرفی شود و خاندان‌هایی که سلسله‌وار دارای منصب خزانه‌داری بوده‌اند، شناسانده شوند.

۱. بهاباد (زادگاه علامه میرزا عبدالله یزدی بهابادی۱)

بهاباد،[۱۰] یکی از شهرهای استان یزد در ۲۲۰ کیلومتری شمال شرقی آن است. این شهر با اینکه در حاشیه دشت لوت واقع شده، اما شهری سرسبز و پر باران است.

بهاباد، از دو واژهٔ «به» و «آباد» تشکیل شده است. واژه «به» با تلفظ فتحه، به معنی تحسین و با تلفظ کسره، به معنی خوب و نیکی و بهتر است. در این صورت، کلمهٔ «بهاباد»، به معنی بهترین آبادی می‌باشد. البته، شاید نام قبلی آن غیر از این بوده و به علت ویرانی آن و ساختن آبادی جدید، به بهاباد تغییر نام یافته است که «بهتر از آبادی قبلی» معنی می‌شود. نام قدیم آن، تالی بوده است. هم‌چنین «به آواز» را نیز از نام‌های قدیم این شهر دانسته‌اند.

احمدآباد، کویجان و بنستان، آسفیچ از روستاهای مهم این منطقه است.

گویش محلی مردم این منطقه بیشتر به گویش مردم استان کرمان نزدیک است. برای مثال، به آخر کلمات خود حرف «او» اضافه می‌کنند، مانند اینو به جای این و کوچکو به جای کوچک.

---

۱۰. *معجم‌البلدان* و *مراصدالاطلاع* این شهر را از توابع کرمان دانسته‌اند. (الحموی، ابوعبدالله، *مُعجَم‌البُلدان*؛ ج۱، ص٥١٤، مدخل بهاباد. البغدادی، صفی‌الدین؛ *مراصدالاصلاع*؛ ج۱، ص۲۳۳، مدخل بهاباد)

مذهب مردم شهر، شیعه اثنی عشری است.

بیشتر مردم آن به کشاورزی و دامپروری مشغول‌اند. از محصولات کشاورزی این منطقه می‌توان گندم، جو، زیره، پسته، انگور، انار و اخیراً زعفران با کیفیت مرغوب را نام برد. در قدیم، انگور بهاباد بسیار معروف بوده؛ ولی اکنون، بیشتر باغات این منطقه مربوط به پسته است. در روستاهای اطراف این شهر، به دلیل سردی آب و هوا گردو و بادام پرورش داده می‌شود. از غذای محلی این شهر می‌توان نون کوتو را نام برد.

چگونگی پیدایش و قدمت تاریخی

شهر بهاباد، شهری قدیمی است و به علت موقعیت جغرافیایی بارها در جنگ‌ها و یا توسط عوامل طبیعی به کلی نابود شده است. تا پیش از حمله مغول بر ایران بهاباد شهری آباد بوده است و فرقه اسماعیلیه در اطراف این بخش قلعه‌های مستحکمی در ارتباط با قلعه طبس احداث نموده بودند. هلاکوخان برای سرکوب این فرقه به منطقه حمله برده و علاوه بر انهدام قلعه‌ها شهر را هم با خاک یکسان کرده است. آثار خرابه‌های آن هنوز در چند کیلومتری شهر بهاباد فعلی به نام شهرک قرار دارد.

سرفصل‌های تاریخ بهاباد[۱۱]

از گذشته پیش از اسلام بهاباد و حتی اوایل دوره اسلامی منابعی سراغ نداریم. گرچه قبرهای شمالی و جنوبی فراوان در بهاباد حکایت از قدمت دیرینه شهر دارد. نخستین بار نام بهاباد را مقدسی در قرن چهارم (بهاوذ) ضبط کرده است. به نقل مقدسی در ۱۱۰۰ سال قبل شهری آباد و خوش آب و هوا بوده و توتیای آن به شهرهای دیگر صادر می‌شده است.

در ۵۳۷ق در زمان سلطنت محمد بن ارسلان شاه سلجوقی (۵۵۱-۵۳۷) نام بهاباد مکرر در کتاب‌های تاریخی دیده می‌شود.

به نوشته محمد بن ابراهیم باستانی پاریزی در تاریخ کرمان در میان بافق و بهاباد سپاهیان سلجوق شاه بر سواران یزدی در جنگی پیروز شدند.

در تاریخ ۵۷۸ بهاباد جزء یزد بود.

در سال ٦٠١ هنگام آمدن ملک زوزون و تغان تکین از خراسان به کرمان جمعی از سواران و پیادگان فارسی در شهر کرمان شورش کردند و راور و کوهبنان و بهاباد را گرفتند.

در هنگام هجوم مغولان بهاباد با راور و خبیص (شهداد) در دست خواجه رضی از حکام محلی بود. در همان هنگام به نوشته یاقوت حموی بهاباد از قراء کرمان شمرده می‌شد و در کنار آبادی

---

۱۱. سرفصل‌های تاریخ بهاد از نوشتار آقای محمدرضا خادمی از سایت یزد فردا است (www.yazdfarda.com).

لوبیان قرار داشت.

یاقوت در قرن هفتم می‌گوید: توتیای بهاباد و کوهبنان معروف است و به تمام ممالک صادر می‌شود.

به نوشته سون هدین، مارکو پولو در نیمه قرن هفتم از بهاباد به طبس رفته است.

در ۷٦٦ شاه شجاع حکومت بافق، بهاباد و کوهبنان را به اختیار الدین حسن واگذارکرد.

در ۱۰۳٤ به نوشته محمد بن مفید بن محمود بافقی میرزا خلیل الله از اعیان و اشراف بهاباد به وزارت تامه منصوب شد (وزیر خطه یزد) که یکی از شعرا تاریخ انتصاب وی را به حروف ابجد (کعبه یزد را خلیل آمد) در آورده است.

به گفته مرحوم بافقی در اوایل قرن دهم ه .ق فاضل عالم و فقیه منطقی امامی جامع معقول و منقول دانشمند بزرگ ملاعبدالله بهابادی[۱] که در حوزه‌های علمیه به ملاعبدالله صاحب حاشیه معروف است پا به عرصه وجود گذاشت. پدرش شهاب‌الدین از جمله اشراف و اعیان بهاباد و از منزلت و مرتبت خاص بر خوردار بوده است.

از ۱۰٤۰ تا ۱۰۸٤ حکومت بافق و بهاباد و نواحی اطراف آن در دست مین باشیان و یوزباشیان بود.

در ۱۱۳۲ در حمله محمود افغان به کرمان قلعه بهاباد به سختی مقاومت کرد.

در ۱۱۷۲ پس از اینکه خدا مرادخان زند به سرداری برگزیده شد

برای تنبیه شاهرخ خان که ۱۸ سال در ناحیه کرمان از جمله بهاباد حکومت کرده بود، لشگرکشید. شاهرخ خان قلعه بهاباد را که محلی از محال کرمان بود در محاصره داشت.

در ۱۱۹۲ مرحوم حاج مهدی، مسجد جامع و مجموعه اطراف آن را احداث کرد. البته مسجد کوچکی بوده که پس از تخریب از نو احداث می‌کند.

در ۱۲٤۷ عبدالرضا خان حاکم محل قلاع بافق و بهاباد را تسخیر کرد و علم طغیان برافراشت، اما سرداران قاجار یوسف خان و سلیمان خان شورش او را در هم شکستند.

از ۱۲٦٤ مردم بهاباد برای نپیوستن آنجا به کرمان جنگ کردند؛ زیرا می‌خواستند در ولایت یزد بمانند.

در اواخر قرن دوازدهم خانمی ثروتمند به نام بیچه عظیمه و خواهر دیگرش بیچه خدیجه در بهاباد زندگی می‌کردند که احداث روستای عظیم آباد و ساختن برج آن آبادی که هنوز قسمتی از آن باقی مانده، منسوب به آنهاست. مرحوم حاج مهدی بزرگ ابتدا به‌عنوان سرکاری کارهای بیچه عظیمه انتخاب می‌شود؛ سپس به همسری او در می‌آید.

در سال‌های حدود ۱۲۵۰ بعد از وفات مرحوم حاج مهدی یکی از فرزندان ارشدش به نام ملاعلیرضا به عنوان کلانتر بهاباد

منصوب می‌شود. روستای علی‌آبادِ ملاعلیرضا در منطقه جلگه از مستحدثات اوست.

در اوائل قرن سیزدهم ه .ق پس از فوت مرحوم ملاعلیرضا چون پسرش هنوز متولد نشده بود، داماد ملاعلیرضا به نام سیدرضی کلانتر بهاباد می‌شود. در همین زمان به علت ناسازگاری سیدرضی با اولاد حاج مهدی دو دستگی و زد و خورد در بهاباد شروع می‌شود. به علت همین اختلاف اولاد حاج مهدی به یزد می‌روند و مالیات یک سال بهاباد را می‌پردازند و کلانتری بهاباد را برای حسین مهدی می‌گیرند. اختلاف اوج می‌گیرد به حدی که اطراف منزل کلانتر بزرگ حسین مهدی و منزل سید رضی افرادی مسلح نگهبانی می‌دادند.

در اردیبهشت ۱۲۹۱ آقای حسین کلانتر به وسیله کارد و دشنه توسط سیدرضی و همدستانش کشته شد. این حادثه باعث نزاع می‌شود.

در همین سال فرزند کلانتر بزرگ به نام محمد کلانتر می‌شود که به کلانتر کوچک شهرت دارد. و چندین سال با اقتدار در بهاباد حکومت می‌کند.

در سال ۱۳۳۷ که به سال وبایی مشهور است محمد کلانتر و دو پسرش به نام‌های علی‌اکبر و علی‌اصغر هر سه از دنیا رفتند. اختلاف و دو دستگی که متأسفانه در بهاباد شروع شده بود تا سال‌های نزدیک انقلاب اسلامی همچنان ادامه داشت

که خوشبختانه با پیروزی انقلاب اسلامی وحدت و همدلی میان همه اهالی بهاباد برقرار گردید.

پس از فوت کلانتر کوچک عنوان کلانتری به کدخدایی تبدیل می‌شود و پسر برادر کلانتر کوچک مرحوم آقای غلامحسین کلانتری کدخدای بهاباد می‌شود. مرحوم آقا غلامحسین شخصی با همت بوده و خدمات زیادی نیز به منطقه کرده است. این منصب بین مرحومان کلانتری و آقای محمد بهابادی دست به دست می‌گشته است.

از سال ۱۳۲۱ش زمان فوت آقا غلامحسین کلانتری تا سال ۱۳٤۸ اداره امور بهاباد بر عهده نوه محمد کلانتر آقای محمدتقی خان تقویه بوده است هر چند که آقای جواد صالحی برادرزاده کلانتر نیز چند گاهی عنوان کدخدایی داشته است. مرحوم محمدتقی تقویه در احداث خیابان بهاباد، برق کشی اولیه و شبکه آبرسانی پیشقدم بوده است.

در سال ۱۳٤۸ بخشداری بهاباد تأسیس و این منطقه به بخش تبدیل شد و در سال ۱۳٦۲ شهرداری در آن دایر گردید.

آثار و ابنیه تاریخی

از جمله آثار و ابنیه تاریخی شهر بهاباد می‌توان مسجد جامع، مزار شیخ ضیاءالدین، مزار ملاعبدالله و موزه علوم طبیعی (که

در چهار بخش آبزیان، مینرال، بی‌مهرگان و آموزش عینی دایر است) را نام برد. شهر بهاباد دارای ۱۳ مسجد و یک حسینیه بوده، و ساختمان ۵ مسجد دیگر در حال احداث است.

۲. مدفن میرزا عبدالله یزدی و خزانه‌داری آرامگاه امیرمؤمنان۷ در گذر تاریخ[۱۲]

نجف از شهرهای مهم عراق است. این شهر پیش از اسلام نیز محل سکونت بوده، اما عمده اهمیت این شهر به سبب وجود حرم امام علی۷ و حوزه علمیه نجف در آن است. امروزه این شهر به خاطر وجود مرجعیت دینی که در ساختار سیاسی قدرت در عراق نیز اثرگذار است، اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

این شهر در ۱۶۵ کیلومتری جنوب غربی بغداد و ۷۷ کیلومتری جنوب شرقی کربلا و ۱۰ کیلومتری جنوب کوفه قرار دارد. وجود شهر باستانی حیره در مجاورت آن، که تمدن درخشانی در تاریخ عراق دارد، از سابقه تاریخی این منطقه خبر می‌دهد. وادی السلام در شمال، دریای خشک شده نجف در مغرب، و صحرایی متصل به بادیة الشام که تا عربستان و اردن و سوریه ادامه دارد در مغرب آن واقع شده است.

---

۱۲. بخشی از مطالب این بخش، از سایت دانشنامه اسلامی (http://wiki.ahlolbait.com) اخذ شده است.

منشأ نام نجف

دو وجه تسمیه برای این نامگذاری ذکر شده است:

الف) نجف واژه‌ای عربی به‌معنای منجوف است. منجوف به مکانی مستطیل شکل و مرتفع گفته می‌شود که آب در اطراف آن جمع می‌شود، ولی بر سطح آن نمی‌رسد. وضعیت جغرافیایی شهر نجف که مستطیل شکل بوده و از اراضی اطراف بلندتر است موجب شده این نام بر آن نهاده شود.[۱۳]

ب) در زمان طوفان نوح، این شهر مکانی مرتفع بود، سپس دریاچه‌ای پهناور در آن شکل گرفت که به «نی» اشتهار یافت. این دریاچه با گذشت زمان به تدریج خشک شد و از این رو به آن «نی جَفّ» گفتند؛ یعنی دریای نی خشک شد.[۱۴]

نام‌های دیگر نجف

الغری یا غرّیان، حدالعذراء، حوار، جودی، وادی السلام، ظهر، ربوه،[۱۵] بانقیا[۱۶] و مشهد از دیگر نام‌های این سرزمین است.

آب و هوای نجف

---

۱۳. الحموی، ابوعبدالله، *مُعجَم‌البُلدان*؛ ج۵، ص۲۷۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان‌العرب*؛ ج۹، ص۳۳۴.

۱۴. صدوق، محمد بن علی؛ *علل‌الشرائع*؛ ص۲۲، باب۲۶.

۱۵. متقی هندی، علاء الدین؛ *کنزالعمال*؛ ج۲، ص۴۷۳.

۱۶. مجلسی، محمدتقی؛ *لوامع صاحبقرانی*؛ ج۵، ص۴۹۱.

نجف، به لحاظ موقعیت جغرافیایی، در حقیقت مرز بین شهر و صحرا است. شهر آن کوفه و صحرا نیز شن‌زارهایی است که در اطراف، گرما و باد زیادی را برای آن به ارمغان می‌آورد و دمای شهر را در برخی زمان‌ها به پنجاه درجه می‌رساند. گرچه شهر نجف همواره به لحاظ آب در تنگنا و سختی بود؛ با این حال در بعضی زمان‌ها از جمله قرن هفتم از آب آن بیست هزار نخل آبیاری می‌شد.[۱۷]

نجف در آینهٔ تاریخ

الف) نجف پیش از اسلام

نجف به دلیل همسایگی با شهر باستانی حیره که از هزاره اول قبل از میلاد مرکز تمدن لخمیها و آل‌منذر بود از نعمت فرهنگ و تمدن و آبادانی برخوردار شد. عرب‌های ساکن این شهر در آن زمان به مذهب مسیحیت گرایش داشتند و کلیساهای زیادی از جمله دیر «مارت مریم» را بنا نهادند که تا عصر اسلام هم چنان باقی بود.[۱۸]

ب) نجف پس از اسلام

در عصر اسلامی، نام نجف تنها به سبب فتح و گشایش ایران

---

۱۷. الحموی، ابوعبدالله، *مُعجَم‌البُلدان*؛ ج۵، ص۲۷۱.
۱۸. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۱، ص۱۶.

و عراق در متون تاریخی دیده می‌شود.[۱۹]

تا زمان عباسیان نام چندانی از آن به چشم نمی‌خورد. از دوران هارون‌الرشید، به سبب آشکار شدن مرقد مطهر امام علی۷، این شهر بسیاری را به سکونت پیرامون خود راغب کرد.

مرقد مطهر امیرمؤمنان۷ موجب شد بسیاری از امرای شیعی دیگر سرزمین‌های اسلامی به شهر نجف و مرقد مطهر حضرت توجه ویژه‌ای داشته باشند. از آن می‌توان به علویان طبرستان، پادشاهان شیعی دیلمی، حاکمان شیعی موصل، جلایریان و ایلخانان مغول در قرن هفتم و هشتم اشاره کرد.

همچنین در عصر صفوی، شاه اسماعیل و شاه طهماسب، برای حل مشکل آب شهر نجف، نهرهایی حفر کردند و آب فرات را به شهر منتقل ساختند. نهرشاه، که توسط شاه اسماعیل حفر شد، از یادگارهای آن دوران است.

سلطان سلیمان قانونی، از پادشاهان سنی عثمانی، در آبادانی نجف تلاش فراوانی کرد. او و پادشاهان شیعی صفوی در یک رقابت گسترده به نجف رونق زیادی بخشیدند.

برای پیشگیری از حملات وهابیان در عصر قاجار، نظام الدوله اصفهانی، وزیر فتحعلی شاه، از ۱۲۱۷ تا ۱۲۵۷ق دیواری محکم پیرامون شهر ساخت.

---

۱۹. طبری، محمد بن جریر؛ *تاریخ الطبری*؛ ج۳، ص۳۶۰. یعقوبی، احمد بن اسحاق؛ *تاریخ یعقوبی*؛ ج۲، ص۱۴۴.

حکومت نجف در سال ۱۳۵۰ق این دیوار را برداشت و به جای آن مدرسه و بیمارستان احداث کرد و مردم نیز خانه‌هایی در جوار آن ساختند.[۲۰]

نجف تا پیش از این دارای ۴ محله اصلی مشراق، حویش، عماره و براق بود و هر کدام از این محلات در خود چندین محله کوچک را جای داده بودند و کل نجف از همین چهار محله تشکیل شده بود که با این توسعه شهر نجف به دو بخش شهر قدیمی و شهر جدید تقسیم شد. شهر قدیمی همان چهار محله سابق و شهر جدید همان بخشهای تازه افزوده شده است.[۲۱]

تشکیل و توسعه حوزه علمیهٔ نجف

شیخ طوسی; در ابتدای قرن پنجم هجری، به نجف مهاجرت کرد و با تشکیل مجلس درس خود، آن شهر را به یکی از مرکزهای علمی و فرهنگی شیعی تبدیل کرد.

سال‌ها بعد در دوران صفویه، شاه عباس کوشید تا نجف مرکزیت علمی خود را بازیابد و حوزه علمیه آن رونق گیرد. او حتی در مذاکره‌های خود با عثمانی‌ها می‌خواست نجف را به ایران ملحق کند، ولی وزیر عثمانی در پاسخ او گفت: «سنگ‌های

---

۲۰. علوی، سیداحمد؛ *مزارات اهل‌البیت*:؛ ص۴۸.
۲۱. المحلات السکنیة القدیمة فی مدینة النجف.

نجف در نظرش با هزار انسان برابر است».[۲۲]

این مرکزیت با ورود علمایی همچون ملااحمد اردبیلی۱، معروف به مقدس اردبیلی، همدرس ملاعبدالله یزدی۱ و برپا شدن حوزه درس او رونق بیشتری یافت.

در قرن دوازدهم هجری، با انتقال درس علامه وحید بهبهانی۱ به کربلا، حوزه نجف از رونق افتاد؛ ولی در قرن سیزدهم هجری، به سبب وجود فقیهان و بزرگانی چون مرحوم کاشف الغطاء۱، بحرالعلوم۱ و شیخ مرتضی انصاری۱ اهمیت علمی گذشته را بازیافت و حوزه علمیه آن رونقی بسزا گرفت.

در دوران انقلاب مشروطه ایران، مجتهدهای مقیم نجف از جمله آخوند خراسانی و میرزای نایینی، رهبری فکری و مذهبی مشروطه را در دست گرفتند و به هدایت و حمایت از آن پرداختند.

حوزه علمیه نجف در دوران حکومت بعث خیلی تحت فشار بود با این حال حوزه نجف باقی ماند و همچنان، به‌عنوان یکی از مراکز علمی جهان تشیع مطرح و منشأ اثر است.

کوفه و نجف

---

۲۲. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۱، ص۲۸-۲۹.

کوفه از شهرهای جنوب کشور عراق، در ۱۰ کیلومتری شمال شرق نجف و دومین شهری است که به دست مسلمانان بنا شده است. امام علی۷ این شهر را به‌عنوان مرکز خلافت خود برگزید و در همین شهر به شهادت رسید. بیشتر شیعیان در قرن نخست از شهر کوفه بودند. امام صادق۷ دو سال در این شهر اقامت داشت. از آثار مهم این شهر، مسجد کوفه و مسجد سهله است.

امروزه کوفه یکی از شهرهای استان نجف به شمار می‌آید.

رونق شهر نجف

پس از حضور شیخ طوسی۱ و رونق مرکز علمی این شهر، کوفه را تحت‌الشعاع قرار داد.

آرامگاه مطهر امیرمؤمنان۷ در نجف

امیرمؤمنان۷ - بر اساس وصیت خود[۲۳] - شبانه و پنهانی دفن شد و جز عده‌ای خاص از یاران و فرزندان حضرت از محل دفن امام۷ آگاه نبودند تا اینکه در دوران هارون‌الرشید، مدفن مطهر امام۷ شناخته و مشهور شد. همین امر باعث شد تا هارون در حدود سال ۱۷۱ق اولین بارگاه و ساختمان مرقد علوی را بنا کند. پس از آن یاران حضرت در آبادانی و نگهداری حرم مطهر همت

۲۳. مفید، محمد بن نعمان؛ *الارشاد*؛ ج۱، ص۳٤.

گماشتند و ساختمان عمارت مرقد را توسعه دادند تا اینکه عضدالدوله در حدود سال ۳۲۷ق ساختمان دیگری بر مرقد ساخت. عضدالدوله عمارت آستانه را با شکوه و عظمت درست کرد و همچنین همه شاهان این خاندان و وزیرانشان در بازسازی و آراستن این آستانه نهایت پشت‌کار را داشتند.

عضدالدوله افزون بر بنای عمارت آستانه، شهر نجف را هم بنا نمود و در آن خانه‌های بسیار و حمام‌ها و بازارهای متعددی ساخت. شیعیان را تشویق به سکونت در آنجا کرد و خدمت‌گزارانی برای آستانه تعیین کرد و بر حرم مطهر خزانه‌دار و کلیدداری گمارد و موقوفات زیادی بر آن وقف کرد. آل شهریار خزانه‌دار و کلیددار حرم علوی[۷] از سوی دیلمیان بودند.

علویان طبرستان نیز بنایی بر مرقد امام علی[۷] ساختند و دیواری نیز پیرامون شهر کشیدند تا امنیت در آنجا برقرار باشد.[۲۴]

ابوالهیجاء عبداللّه بن حمدان، حاکم شیعی موصل، دیوار پیرامون شهر را بازسازی کرد و درهایی برای آن قرار داد.

جلایریان و ایلخانان مغول، در قرن هفتم و هشتم، ثروت فراوانی را برای توسعه و بازسازی شهر و حرم مطهر اختصاص دادند.[۲۵]

---

۲۴. تسبیحی، محمدحسین؛ *تاریخ طبرستان و رویان مازندران*؛ ج۱، ص۹۵.

۲۵. بابایی، سعید؛ *سیمای نجف اشرف*؛ ص۳۲.

امیر فیروز و امیر احمد اول، از امیران هند در پایان قرن هشتم، موقوفه‌هایی را از دکن برای اداره حرم و بازسازی شهر اختصاص دادند.

از قرن نهم به بعد پادشاهان شیعی صفوی در یک رقابت گسترده با شاهان عثمانی به نجف رونق زیادی بخشیدند.

شاه اسماعیل بعد از فتح عراق در سال ٩١٤ تولیت نجف اشرف و بعضی محال عراق را به سید محمد کمونه شفقت فرمود.[٢٦]

سالها بعد شاه طهماسب صفوی، ملاعبدالله بهابادی یزدی١ را به خزانه‌داری حرم امیرمؤمنان٧ منصوب کرد و این منصب پس از ملاعبدالله بهابادی یزدی١ در بین خاندان وی (بیت الملالی) بود تا اینکه از سوی علامه شیخ محمد کاشف الغطا; به آل رفیعی واگذار شد.

سدانت و خزانه‌داری حرم امیرمؤمنان٧

همانطور که گذشت، عضد الدوله دیلمی نخستین کسی بود که بر حرم مطهر امیرمؤمنان٧ خزانه‌دار تعیین کرد تا آن شخص بر حفاظت از حرم و انجام امور آستانه مبارکه و مدیریت اوقاف و ... مبادرت کند و نظارت داشته باشد.

همین امر باعث شد تا منصب «کلیداری حرم مطهر علوی»

---

٢٦. بیگ ترکمان، اسکندر؛ *تاریخ عالم آرای عباسی*؛ ج١، ص٣٤.

که از آن باعنوان سدانت و خزانه داری هم یاد می‌شود به‌عنوان منصبی رسمی اعتبار گیرد.

به‌خاطر اهمیت و جایگاه حرم علوی۷ خزانه‌دار یا تولیت بر اساس امر سلطان یا نظر آقایان علما انتخاب می‌شد و نسل به نسل با توجه به صلاحیت علمی و عملی افراد از پدر به فرزند منتقل می‌شد. افزون بر آن علما یا امرا بر کار خزانه‌دار نظارت داشتند و اگر خزانه‌داری صلاحیت خویش را از دست می‌داد منصب را از او می‌ستاندند. چنانکه ملامحمود بن ملایوسف را به خاطر عدم امانت‌داری از این منصب عزل کردند.

خاندان کلید داری حرم حضرت امیر مؤمنان ۷

در میان خزانه‌داران حرم علوی۷ سه خاندان از جهت مدت کلیدداری مشهورند. این سه خاندان عبارتند از:

الف) آل شهریار؛ ابو طاهر عبدالله بن احمد بن شهریار، ابو عبدالله محمد بن احمد شهریار، ابو طالب حمزة بن محمد، و علی بن حمزة بن محمد بن شهریار از معروفین و مشهورین این خاندانند که فقیه و اهل علم بودند.

ب) بیت الملالی(خاندان ملاعبدالله یزدی۱)؛ ملاعبدالله یزدی۱ نخستین کلیدار حرم مطهر از این خاندان است. وی در حکومت شاه طهماسب صفوی به این سمت منصوب شد. پس از وی این منصب در میان فرزندان وی برقرار بوده است و نوادگان او

کلیددار حرم امیرمؤمنان[۱] بوده‌اند. سید حسن صدر دربارهٔ این خانواده می‌نویسد:

و هؤلاء بیت الملّا المشهورین فی النجف، ذرّیة المولی عبداللّه الیزدی. کانت فیهم خازنیة الحرم الشریف متلقّاة من جدّهم المولی عبداللّه الیزدی إلی زمن المولی یوسف فأخذت منهم بعد موته و انتقلت إلی السادات الأشراف الرفیعیّة الموسویّة، أولهم السید رضا الشهید.[۲۷]

معرفی بزرگان این خاندان در بخش مستقلی خواهد آمد.

ج) آل‌رفیعی؛ سیدرضا بن سید محمد نخستین کس از این خاندان است که از سوی علامه کاشف الغطا[۱] به این سمت منصوب شد. وی در ۱۲۸۵ به قتل رسید. سید جواد، سیدمحمد حسن، سید احمد و سید عباس از خزانه‌داران مشهور این خاندانند.[۲۸]

وظایف کلیدداران حرم علوی[۷]

کلیدداران حرم علوی[۷] افرادی امین، دانشور و صالح بودند و در درجهٔ نخست وظیفه رسیدگی به امور مربوط به حرم مطهر را داشتند؛ مدیریت اوقاف حرم، بازسازی عمارت مرقد و ... از وظایف اولیه خزانه‌داران بوده است؛ سپس باتوجه به قابلیت‌ها و

---

۲۷. صدر، سیدحسن؛ *تکملة أمل الأمل*؛ ج۳، ص۳٤٦.

۲۸. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۱، ص۲۵۸ به بعد.

توانمندی‌های خزانه‌دار، امور دیگری نیز به وی محول می‌شده است؛ از جمله ادارهٔ شهر؛ و حتی گسترده‌تر که عنوان حاکم و امیری را نیز یدک می‌کشیدند؛ مانند سید محمد کمونه که افزون بر تولیت نجف، امارت بعضی محال عراق را هم داشت؛ هم‌چنین برخی از افراد خاندان ملاعبدالله یزدی[۱] چنین اختیاراتی داشته‌اند که ملاسلیمان بن ملامحمد طاهر یکی از آنان است.

بخش دوم

شرح حال ملا عبدالله بهابادی یزدی

درآمد

این بخش شامل دو نوشتار است:

ابتدا شرح حال مختصری از علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی[1] خواهد آمد. در این نوشتار ضمن بیان جایگاه علمی وی، اساتید، شاگردان، همدرسان و آثارش معرفی خواهند شد؛ سپس نوشتاری با عنوان «ملاعبدالله بهابادی یزدی در آثار علماء» خواهد آمد که شامل نوشته‌های تراجم‌نگاران و شرح حال‌نویسان درباره ملاعبدالله بهابادی یزدی[1] است.

۱. شرح حال مختصر ملاعبدالله یزدی[۱]

نجم‌الدین عبدالله بن شهاب‌الدین حسین یزدی بهابادی از علمای شیعی، اوایل قرن دهم ه .ق است. در بهاباد به دنیا آمد. پدرش شهاب‌الدین حسین از متدینان بهاباد و دارای تمکن مالی و از منزلت و مرتبتی خاص برخوردار بوده است.[۲۹] او - احتمالاً - تحصیلات مقدماتی را در شهر خود آموخته، سپس به شهرهای دیگر از جمله اصفهان، شیراز، مشهد، نجف و ... هجرت، و مراتب علمی خود را تکمیل کرده است. مدتی در اصفهان بوده و شاید در همین شهر با جمال‌الدین محمود شیرازی آشنا گشته و به حوزه درس وی راه یافته است.

در شیراز مقیم مدرسهٔ صدریهٔ منصوریه بوده و برخی از آثارش از جمله حاشیهٔ عربی کتاب تهذیب المنطق را آنجا نگاشته است.[۳۰] و در همین شهر به همراه احمد بن محمد اردبیلی; (مقدس اردبیلی) از درس جمال‌الدین محمود شیرازی بهره برده

---

۲۹. مفید مستوفی بافقی، محمد؛ *جامع مفیدی*؛ ج۳، ص۳۳۱.

۳۰. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج۳، ص۱۹۱.

است.[٣١] نیز همانطور که بعضی از منابع امیر غیاث‌الدین منصور شیرازی را از اساتید وی به شمار آورده‌اند شاید در همین شهر به درس وی رفته باشد.

در نجف اشرف کلیددار حرم مطهر علوی[٧] بوده است. هم در این شهر رابطه استادی و شاگردی با حسن بن زین الدین (صاحب معالم) (م ١٠١١ق) و سید محمد عاملی (صاحب مدارک) (م ١٠٠٩ق) برقرار کرده[٣٢] و از آنان قرائت علم فقه و حدیث آموخته[٣٣] و بدیشان علم منطق و معانی یاد داده است.[٣٤]

در اصفهان نیز مدرسه‌ای با نام ملاعبدالله است که برخی به وی منسوب دانسته‌اند.

با توجه به نامهٔ شهید ثانی به وی در مشهد، مدتی هم در مشهد بوده است؛ نسخهٔ خطی این نامه در کتابخانه آستانه قدس رضوی موجود است.[٣٥]

از تلاش‌های علمی میرزا عبدالله آثار بسیاری در علوم فلسفه، منطق، فقه، کلام؛ تفسیر و علم معانی و بیان (بلاغت) به جای

---

٣١. آشنایی با مکتب شیراز، شاگردان میر غیاث‌الدین دشتکی نوشتهٔ حجه‌الاسلام دکتر قاسم کاکائی

٣٢. خوانساری، محمد باقر؛ *روضات‌الجنات*؛ ج٤، ص٢٢٨. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *امل‌الأمل*؛ ج٢، ص١٦٠ ـ ١٦١.

٣٣. کشمیری، آزاد؛ *نجوم‌السماء*؛ ص٢٤، شماره ١٠.

٣٤. همان.

٣٥. متن این نامه که سفارش شهید ثانی; دربارهٔ یکی از علوم دینی به ملاعبدالله یزدی[١] است به تحقیق استاد رضا مختاری از سوی کنگرهٔ بزرگداشت علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی[١] منتشر خواهد شد.

مانده است. متن برخی از آن‌ها از آن عصر تاکنون، کتاب درسی حوزه‌های علمیه بوده است. در بین آن‌ها حاشیه تهذیب المنطق به عربی بیشترین توجه را به خود جلب کرده است. از این رو شروح و حواشی بسیاری به خود دیده است.

برای آگاهی بیشتر دربارهٔ فعالیت‌های علمی و آشنایی با آثارش، او را با عناوین زیر می‌توان در منابع جستجو کرد؛ چراکه منابع، با عناوین مختلفی از او نام برده‌اند:

«مولانا عبدالله یزدی»،[۱] «ملاعبدالله بهابادی»،[۲] «عبدالله مدرس یزدی»،[۳] «عبدالله بن شهاب‌الدین یزدی»،[٤] «مولانا عبدالله عبدالله بن الحسین الیزدی»،[٥] «عبدالله بن الحسین الیزدی»،[٦] «مولی عبدالله بن الحسین الیزدی»،[۷] «مولانا عبدالله»،[۸] «ملاعبدالله بن شهاب‌الدین حسین یزدی شهابادی»،[۹] «المحقق

---

۱. مفید مستوفی بافقی، محمد؛ *جامع مفیدی*؛ ج۳، ص۳۳۰.

۲. کشمیری، آزاد؛ *نجوم‌السماء*؛ ص٢٤، شماره ۱۰.

۳. ترکمان، اسکندر بیگ؛ *تاریخ عالم آرای عباسی*؛ ج ۱، ص ١٥٦.

٤. پایان حاشیهٔ خطائی به دستخط مؤلف در ۱۷ ذیحجه ۹٦۲. مؤلف خود را بدین اسم معرفی کرده است.

٥. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *امل‌الأمل*؛ ج۲، ص١٦٠ - ١٦١. کشمیری، آزاد؛ *نجوم‌السماء*؛ ص٢٤،
شماره ۱۰.

٦. محبی، محمد بن فضل‌الله؛ *خلاصة‌الأثر*؛ ج۳، ص۳۸ - ۳۹.

۷. صدرالدین الحسینی، علی؛ *سلافة‌العصر*؛ ج۱، ص۲۸۹.

۸. رازی، امین احمد؛ *هفت اقلیم*، ج۱، ص۱٥٥.

۹. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج۳، ص۱۹۱. خوانساری، محمد باقر؛ *روضات‌الجنات*؛ ج٤، ص۲۲۸.

الیزدی».[1]

جایگاه علمی و معنوی ملاعبدالله بهابادی یزدی[1]

اوصافی که در منابع از سوی علمای تراجم و رجال درباره وی آمده، نشان از جایگاه برجستهٔ وی در نزد علما و بیانگر عظمت علمی اوست. برای نمونه محمد أمین بن فضل الله حنفی (م ۱۱۱۱ق) در خلاصة الأثر او را چنین وصف کرده است:

صَاحب التحقیقات، عَلامَة زَمَانه بِغَیْر دفاع، و خاتمة محققی الْعَجم من غیر نزاع، لم یدانه أحد فی عصره مِنْهُم فی جلالة الْقدر و علوّ الْمنزلَة وَ کَثْرَة الْوَرع، وَ کَانَ منهمکا علی المطالعة و الاشتغال بِالْعلمِ و منحه لمستحقیه، وَ کَانَ مبارک التدریس، مَا اشْتغل عَلَیْهِ أحد الّا انْتفع بِهِ، وَ کَانَ عَظِیم الْهَیْئَة، نیر الصُّورَة، شَدِید الْخَوْف و الخشیة، ذَا سکینَة و انصاف فی الْبَحْث، وَ أخذ عَنهُ خلق لَا یُحصونَ، مِنْهُم بهاء الدّین مُحَمَّد بن الْحُسَیْن العاملی و المیرزا ابراهیم الهمدانی وَ ولده حسن علی. وَله مؤلفات مفیدة، سهلة الْعبارَة مَعَ الوجازة، مِنْهَا شرح الْقَوَاعِد فی الْفِقْه ... وَ کلّهَا مرغوبة ممتعة، قد رزقه الله تَعَالَی فِیهَا الْقبُول.[2]

سید علی خان مدنی (م ۱۱۱۸ق) هم دربارهٔ او می‌نویسد:

کان علامة زمانه من غیر نزاع، ولم یدانه أحد فی جلالة القدر و

---

۱. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض العلماء*؛ ج۷، ص۲۵۰.

۲. محبی، محمد بن فضل‌الله؛ *خلاصة الأثر*؛ ج۳، ص۳۸ ـ ۳۹.

علوّ المنزلة و كثرة الورع. و له مؤلفات مفيدة... .[١]

امین رازی (متوفای اوایل سدهٔ یازدهم) در تذکرهٔ هفت اقلیم می‌نویسد:

> مولانا عبدالله پیوسته به قلم گوهر نگار نقش تألیف و تصنیف بر لوح روزگار می‌نگاشت و در میدان و افادهٔ لوای سبقت بر امثال و اقران می‌افراشت و مهارتش در فنون علم فقه به غایتی بوده که می‌گفته اگر متوجه بدان علم گردم، به توفیق الله تعالی، برهان و دلایل عقلی بر مسائل فقهی گفته، چنان علم فقه را مدلل سازم که مجال چون و چرا نماند.[٢]

افزون بر اینان، تراجم‌نگاران دیگر وی را به زهد، علم، فقه و ... ستوده‌اند. عبارتشان چنین است:

«قدوة المحقّقین و أفضل المتأخرین»،[٣] «الفاضل العالم العلامة المتكلّم الفقيه المنطقی الجامع الكامل المعروف»،[٤] «از مشاهیر فضلای کاملین و نحاریر علمای عاملین»،[٥] «فاضل کامل عالم جلیل منطقی امامی -

---

١. صدرالدین الحسینی، علی؛ *سلافة‌العصر*؛ ج١، ص٢٨٩.
٢. رازی، امین احمد؛ *هفت اقلیم*، ج١، ص١٥٥.
٣. بیگ روملو، حسن؛ *احسن التواریخ*، ص٥٩١.
٤. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج٣، ص١٩١. خوانساری، محمد باقر؛ *روضات‌الجنات*؛ ج٤، ص٢٢٨.
٥. کشمیری، آزاد؛ *نجوم‌السماء*؛ ص٢٤، شماره ١٠.

نوّر الله مرقده السامی».[1]

توصیف علما دربارهٔ ایشان، نشان از جایگاه علمی و شخصیت دینی وی دارد. آثار قلمی ایشان گواه صدق این نویسندگان است. مثلاً کتاب حاشیه وی بر تهذیب المنطق از زمان نگارش تاکنون متن کتاب درسی حوزه‌های علمیه در آموزش منطق بوده است.

برخی از نویسندگان ضمن اشاره به تبحر ایشان در علوم مختلف اسلامی، کراماتی را هم از ایشان نقل کرده‌اند.[2]

فرزندان

درباره فرزندان ملاعبدالله با اطلاعات پراکنده‌ای مواجهیم؛ چراکه هیچ یک از منابع به این عنوان موضوعی را مطرح نکرده‌اند. در برخی از منابع دو تن از علما، از فرزندان وی به شمار آمده‌اند:

۱. ملا حسن علی؛ محمد أمین بن فضل الله حنفی (م ۱۱۱۱ق) در خلاصة الأثر ذیل نام شاگردان ملاعبدالله از فرزند وی با نام «حسن علی» نام می‌برد.[3]

نیز سید علی‌خان مدنی در سلافة العصر فرزندی به نام «مولا

---

۱. قمی، عباس؛ *فوائدالرضویه*؛ ج۱، ص٤٢٠.

۲. تنکابنی، میرزا محمد بن سلیمان؛ *قصص العلماء*؛ ص١٧٤.

۳. محبی، محمد بن فضل‌الله؛ *خلاصة‌الأثر*؛ ج۳، ص۳۸ ـ ۳۹.

حسن علی» که از علماست برای وی ذکر می‌کند و تاریخ وفاتش را ۱۰۶۹ق درج می‌نماید.

همچنین آزاد کشمیری در نسبت فرزندی حسنعلی برای ملاعبدالله بهابادی یزدی[۱] به سخن سید علی خان مدنی استناد می‌کند:

> صاحب تذکره آورده که پسر ملاعبدالله بهابادی که ملاحسنعلی است عالم صالح و قدوهٔ فضلای کرام و در سنهٔ یکهزار و شصت و نه هجری وفات یافت.[۱]

با این حال می‌توان گفت: از آنجا که ملاعبدالله در سال ۹۸۱ ه .ق وفات کرده است؛ این انتساب کمی مشکل می‌نماید. ممکن است وی فرزند ملاعبدالله (از فرزندان ملاعبدالله) باشد. البته برخی نیز معتقدند که حسنعلی مذکور فرزند ملاعبدالله شوشتری متوفای ۱۰۲۱ ه .ق است.

همچنین علامه آقابزرگ تهرانی ذیل معرفی کتاب شرح قواعد الأحکام ملاعبالله یزدی، معتقد است که در عبارت سلافة العصر تصحیف رخ داده و التستری به الیزدی تبدیل شده است:

> (۱۵٦٦: شرح قواعدالأحکام) للمولی الحکیم عبدالله بن شهاب‌الدین حسین الیزدی الشهابادی المعاصر للمقدس الأردبیلی... . و نسب الشرح إلیه فی أمل الآمل أخذا من عبارة

---

۱. کشمیری، آزاد؛ *نجوم‌السماء*؛ ص۳٤، شماره ۱۰.

السلافة؛[۱] لکن المقطوع ان مراد السلافة هو شرح التستری السابق. ذکره لأنه ترجم أولاً التستری و ذکر الشرح له؛ لکن صحف فی النسخة التستری بالیزدی بشهادة انه بلا فصل ترجم ولده المولی حسن علی إذ لا شک فی أنه ابن التستری لا الیزدی و لفظ الیزدی غلط فی نسخة السلافة حیث لا یترجم فیه إلا أهل المائة الحادیة عشرة. والمولی الشهابادی من أهل القرن العاشر لأنّه توفی سنة ۹۸۱ ه .ق».[۲]

۲. ملاجلال‌الدین محمد منجم (م ۱۰۲٦)؛ وی نویسندهٔ کتاب‌های تحفة المنجمین و تاریخ عباسی است و سال‌ها منجم و ملازم شاه عباس بوده است.

دربارهٔ این شخص علامه شیخ آقا بزرگ; در ذریعه به هنگام معرفی کتاب تحفةالمنجمین، احتمال داده است که از فرزندان ملاعبدالله صاحب حاشیه باشد.[۳]

خاندان ملاعبدالله یزدی (بیت الملالی)

خاندان ملاعبدالله یزدی را در دو تیره جستجو کردیم:

---

۱. عبارت سلافه چنین است: «...والمولی عبدالله بن الحسین الیزدی، استاذ الشیخ بهاءالدین محمد المقام المذکر، کان علامة زمانه من غیر نزاع، و لم یدانه أحد فی جلالة القدر و علوّ المنزلة و کثرة الورع. و له مؤلفات مفیدة کشرح القواعد فی الفقه و شرح العجالة و التهذیب فی المنطق و غیر ذلک. و منهم ابنه المولی حسن علی خلفه الصالح. و قدوة کلّ فالح. توفی سنة تسع و ستین و ألف;» [صدرالدین الحسینی، علی؛ *سلافةالعصر*؛ ج۱، ص۲۸۹.]

۲. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج۱٤، ص۲۰.

۳. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج۳، ص٤۷۲ ـ ٤۷۳.

الف) تیره‌ای از آنان که از فرزندان ملاجلال‌الدین محمد منجم هستند، منجمان دربار صفوی بوده‌اند. مجموعاً به نام سه نسل از ایشان دست یافتیم که عبارتند از: فرزندش ملاجلال‌الدین محمد منجم، نوه‌اش ملاکمال منجم و نتیجه‌اش ملاجلال ثانی (که هر سه پدر، فرزند و نوه هستند).

ب) تیره‌ای از آنان کلیدداران حرم مطهر علوی[۷] بوده‌اند. نخستین شخص از اینان ملامحمد طاهر است، اما حلقهٔ اتصال وی به ملاعبدالله را ندانستیم که از طریق کدام یک از فرزندانش این نسل ادامه پیدا کرده است. تنی چند از بزرگان این خاندان پس از ملاعبدالله یزدی به‌عنوان کلیدداران حرم مطهر[۷] منصوب گشته‌اند. حتی برخی از اینان دارای امارت و حکومت بر نجف و بخشی از بلاد عراق از سوی شاهان صفوی بوده‌اند.[۱]

ملامحمد طاهر، ملاعبدالله بن ملامحمد طاهر، ملاعبدالمطلب بن ملاعبداللّه بن مولی محمد طاهر، ملااحمد بن ملاعبدالله بن ملا محمد طاهر نجفی یزدی، و ملامحمود از خزانه‌داران حرم مطهر بوده‌اند. در بخش خاندان، پانزده تن از این بزرگان شناسانده شده‌اند.

---

۱. عاملی، سیدمحسن امین؛ *اعیان‌الشیعة*؛ ج۳، ص۱۸. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۱، ص۱۶. امینی نجفی، محمدهادی؛ *معجم رجال الفکر والأدب*؛ ج۳، ص۱۳٤۰.

استادان

برخی از اساتید نامدار ملاعبدالله در مآخذ و منابع یاد شده‌اند که عبارتند از:

۱. امیر غیاث‌الدین منصور شیرازی (م۹٤۰ یا ۹٤۸ یا ۹٤۹ق)؛ استاد علوم عقلی میرزا عبدالله یزدی. میرزاعبدالله اصفهانی افندی (حدود ۱۱۳۰ق)، در ریاض‌العلماء بدان متذکر شده است.[۱]

۲. جمال‌الدین محمود شیرازی (م شاگرد جلال‌الدین دوانی (علوم معقول)؛

او را باید سرآمد شاگردان غیاث‌الدین منصور دانست. از احوال او در کتب تاریخی و تراجم به طور مستقیم سخنی به میان نیامده است. قدر مسلم آنکه در حدود سال ۹٦۰ تا ۹٦٥ حوزه فلسفی بزرگی در شیراز داشته است و فضلای بسیاری چون مقدس اردبیلی، عبدالواحدبن علی استاد قاضی نورالله شوشتری، ملاعبدالله یزدی و ... همزمان در این حوزه نزد او درس می‌خوانده‌اند.[۲]

ملاعبدالله یزدی که علوم عقلی را از وی فراگرفته، شرح بخش ضابطه اشکال

---

۱. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج۳، ص۱۹۱.

۲. آشنایی با مکتب شیراز، شاگردان میر غیاث‌الدین دشتکی نوشتهٔ حجه‌الاسلام دکتر قاسم کاکائی

اربعه تهذیب المنطق را به امر وی نگاشته است.[۱] منابعی چون ریاض العلماء،[۲] روضات‌الجنات[۳] بر این مطلب تصریح دارند.

۳. حسن بن زین‌الدین (صاحب معالم) (م ۱۰۱۱ق)؛

٤. سید محمد عاملی (صاحب مدارک) (م ۱۰۰۹ق).

این دو با علامه ملاعبدالله یزدی۱ رابطه استادی و شاگردی متقابل دارند؛ یعنی در بعضی علوم اینان استاد او بوده‌اند و در برخی علوم نزد او شاگردی کرده‌اند. صاحب ریاض در رابطه استادی و شاگردی بین این دو بزرگوار و میرزا عبدالله یزدی۱ تشکیک کرده است، اما منابع دیگری همچون روضات الجنات آن را نظیر رابطه استاد و شاگردی بین علامه حلی و خواجه نصیر تعبیر آورده‌اند.[٤] نیز بنگرید: أمل الآمل فی علماء جبل عامل از شیخ حر عاملی (۱۰٤۱ق).[٥]

محمدعلی آزاد کشمیری (م ۱۲۸٦ق) در نجوم السماء می‌نویسد: استاد قرائت علم فقه و حدیث میرزا عبدالله یزدی۱

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج٦، ص٥٤.
۲. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج۳، ص۱۹۱.
۳. خوانساری، محمد باقر؛ *روضات‌الجنات*؛ ج٤، ص۲۲۸.
٤. همان.
٥. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *امل‌الأمل*؛ ج۲، ص۱٦۰ ـ ۱٦۱.

است.[۱]

محمد باقر خوانساری (م ۱۳۱۳ق) در روضات الجنات می‌گوید که این اتفاق در نجف اشرف افتاده است.[۲]

همدرسان

برخی از علمای نامدار همدرس ملاعبدالله یزدی[۱] بوده‌اند که دو تن از آنان به خاطر همدرسی در دروس علوم عقلی جمال‌الدین محمود شیرازی مشهور شده‌اند:

۱. احمد بن محمد اردبیلی(مقدس اردبیلی)

۲. ملا میرزاجان باغنوی(از علمای اهل سنت)

بنگرید: ریاض العلماء از میرزاعبدالله اصفهانی افندی (حدود ۱۱۳۰ق)،[۳] روضات الجنات از محمد باقر خوانساری (م ۱۳۱۳ق)،[۴] و طبقات اعلام‌الشیعه از علامه آقابزرگ تهرانی(م ۱۳۸۹ق).[۵]

شاگردان

ملاعبدالله یزدی[۱] از مدرسان حوزه‌های علمیه بوده و شاگردان بسیاری نزد او درس خوانده اند، اما از این میان برخی از آنان که

---

۱. کشمیری، آزاد؛ *نجوم‌السماء*؛ ص۲٤، شماره ۱۰.

۲. خوانساری، محمد باقر؛ *روضات‌الجنات*؛ ج٤، ص۲۲۸.

۳. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج۳، ص۱۹۱.

٤. خوانساری، محمد باقر؛ *روضات‌الجنات*؛ ج٤، ص۲۲۸.

٥. تهرانی، آقابزرگ؛ *طبقات اعلام الشیعه*؛ ج٤، ص۱۳٥.

مشهورند به قرار ذیل‌اند:

۱. شیخ بهاءالدین محمد بن حسین عاملی (م ۱۰۳۰ق)؛ محمد أمین بن فضل الله حنفی (م ۱۱۱۱ق) در خلاصة الأثر ،[۱] و محمدعلی آزاد کشمیری (م ۱۲۸٦ق) در نجوم السماء،[۲] بر این مطلب تصریح دارند.

در تاریخ عالم آرای عباسی آمده است:

مشارالیه ... و حکم کلام و بعضی علوم معقول را از فیض صحبت مولانا عبدالله مدرس یزدی به دست آورده... .[۳]

مدرس تبریزی نیز می‌نویسد: «علوم عقلی را نزد وی خوانده است».[٤]

میرزا عبدالله افندی نوشته است که شیخ بهایی; در برخی از آثارش تصریح کرده است که کلیات قانون بوعلی سینا را نزد ملاعبدالله یزدی خوانده است.[٥] شیخ بهایی۱ در حاشیه بر تفسیر قاضی می‌نویسد که در خدمت آخوند ملاعبدالله یزدی۱ که صاحب حاشیه بر تهذیب المنطق است، شاگردی کرده و او را وصف به علامه یزدی کرده است.[٦]

---

۱. محبی، محمد بن فضل‌الله؛ *خلاصة‌الأثر*؛ ج۳، ص۳۸ ـ ۳۹.
۲. کشمیری، آزاد؛ *نجوم‌السماء*؛ ص۲٤، شماره ۱۰.
۳. ترکمان، اسکندر بیگ؛ *تاریخ عالم آرای عباسی*؛ ج ۱، ص ۱٥٦.
٤. مدرس تبریزی، محمدعلی؛ *ریحانة الأدب*، ج٦، ص۳۹۰ ـ ۳۹۱.
٥. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج٥، ص ۹٥.
٦. تنکابنی، میرزا محمد؛ *قصص العلماء*؛ ص ۱۷٤.

شیخ بهایی; در تألیفات خود، حاشیه‌ای بر حاشیه استاد خود ملاعبدالله بر شرح ملاجلال‌الدین محمد دوانی بر تهذیب المنطق تفتازانی نوشته است.[۱]

۲. میرزا ابراهیم همدانی؛ محمد أمین بن فضل الله حنفی (م ۱۱۱۱ق) در خلاصة الأثر[۲] بر این مطلب تصریح دارد.

۳. حسن بن زین الدین (صاحب معالم) (م ۱۰۱۱)؛

٤. سید محمد عاملی (صاحب مدارک) (م ۱۰۰۹ق)؛

رابطه شاگردی این دو با ملاعبدالله بهابادی در بخش اساتید گذشت. نیز محمدعلی آزاد کشمیری (م ۱۲۸٦ق) در نجوم السماء می‌نویسد:

> در علم منطق و معانی شاگرد ملاعبدالله بهابادی یزدی بوده‌اند.[۳]

۵. فرزندش حسنعلی؛ محمد أمین بن فضل الله حنفی (م ۱۱۱۱ق) در خلاصة الأثر[٤] بر این مطلب تصریح دارد.

ارتباط ملاعبدالله یزدی۱ با شاهان صفوی

شاهان صفوی به دلائل مختلف به تعظیم و تکریم علمای

---

۱. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج۵، ص ۹۵.
۲. محبی، محمد بن فضل‌الله؛ *خلاصة‌الأثر*؛ ج۳، ص۳۸ ـ ۳۹.
۳. کشمیری، آزاد؛ *نجوم‌السماء*؛ ص۲٤، شماره ۱۰.
٤. محبی، محمد بن فضل‌الله؛ *خلاصة‌الأثر*؛ ج۳، ص۳۸ ـ ۳۹.

شیعه همت گماشتند؛ علمای شیعه هم از این فرصت استفاده کردند و در گسترش فرهنگ تشیع کوشیدند؛ به طوری که مذهب تشیع عنوان رسمی گرفت و با رسمیت مذهب تشیع، نشر و تبلیغ اندیشه‌های شیعی رواج فراوان یافت و دانشمندان و بزرگانی مانند محقق ثانی، شیخ بهایی، علامه مجلسی و ... با جهت دادن سیاست‌های دربار صفوی به سمت ترویج و تبلیغ تشیع، خدمات بی‌نظیری را برای اسلام و تشیع به انجام رساندند.

اما از جزئیات رابطه ملاعبدالله یزدی[۱] با شاهان و شاهزادگان صفوی اطلاع چندانی در دست نیست؛ جز اینکه وی در زمان شاه طهماسب و احتمالاً از سوی همو به کلیدداری حرم مطهر[۲] منصوب شد و این منصب سالیان متمادی از وی به فرزندانش منتقل گشت. بزرگان این خاندان که به بیت الملالی مشهورند با خدمات ارزندهٔ خود اعتماد بزرگان دین و شاهان صفوی را سال‌های سال حفظ کردند. بی‌شک دربار صفوی در ابقای این منصب در

ایـــــــــــــــــــــــن خانـــــــــــــــــــــــــــدان نقش اساسی داشتند و گرنه فرد دیگری از خاندان دیگر را به این سمت منصوب می‌کردند.[۱]

همچنین فرزند وی ملاجلال‌الدین محمد منجم به دربار صفوی راه یافت و به عنوان منجم باشی دربار خدمت کرد. پس از وی فرزندش ملاکمال منجم و سپس نوه‌اش ملاجلال ثانی به عنوان منجمین دربار منصب داشتند.

آثار علمی ملاعبدالله یزدی۱

ملاعبدالله یزدی۱ از اساتید و دانشمندان بسیارنویس بوده است؛ حجم آثار برجای مانده از وی بیانگر این مطلب است. آثار قلمی وی به دو زبان عربی و فارسی است و حجم گسترده‌ای از آن به شروح و حواشی بر کتب پیشینیان اختصاص دارد. از آنجایی که در این دفتر بخش مستقلی در معرفی آثار باز کرده‌ایم، در این قسمت به‌طور خلاصه عناوین آثار را می‌شناسانیم:

شایان ذکر است که معرفی آثار بر اساس موضوع علوم مرتب شده؛ و با توجه به حجم حاشیه‌های ملاعبدالله در موضوع منطق، ابتدا این موضوع آمده است:

یک. منطق

---

۱. کلیدداران حرم مطهر علی۷ از خاندان ملاعبدالله یزدی در بخش جداگانه‌ای معرفی شده‌اند.

الف) حاشیه‌های ملاعبدالله بر تهذیب المنطق نوشتهٔ سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی (م ۷۹۲ق).

تفتازانی کتابی در منطق و کلام در دو بخش نگاشت باعنوان تهذیب المنطق و الکلام؛ بخش نخست آن، منطق، مورد توجه علما قرار گرفت به طوری که متن درسی حوزه‌های علمیه گشت و در مراکز علمی بزرگ قرن نهم به بعد در ایران، هند، ترکیه، عراق و... تدریس شد. از این رو شروح و حاشیه‌های بسیاری بر آن نوشته شد به‌طوری که می‌توان بالغ بر صد شرح و حاشیه- و شرح شرح- برای تهذیب نشان داد. حاشیهٔ دوانی و حاشیهٔ غلامحسین فیض از آن جمله‌اند؛ در آن میان تنها حاشیه ملاعبدالله یزدی بود که خود هویتی مستقل پیدا کرد. ملاعبدالله یزدی[۱] بر بخش منطق کتاب تهذیب المنطق و الکلام تفتازانی شروح متعددی نگاشته است که عبارتند از:

۱. شرح عربی بر تهذیب المنطق تفتازانی

ملاعبدالله نگارش حاشیه را در صبح چهارشنبه ۲۷ ذیقعده ۹۶۷ق (مصادف با ایام حکمرانی شاه تهماسب صفوی) به پایان برده است. این حاشیه اگر چه خود حاشیه‌ای است بر کتاب تهذیب، و حتی بدین نام، مشهور است، ولی خود هویتی مستقل دارد. حتی بخشی از شهرت تهذیب به جهت آوازهٔ همین حاشیه است.

این حاشیه چنان دقیق و کامل بوده که در ایران، هند و عراق خود متن درسی گشته است. حتی امروزه نیز در حوزه‌های علمیهٔ

قم، نجف، مشهد و دیگر حوزه‌های علمی به سبک قدیم تنها کتاب درسی منطق همانا همین حاشیهٔ ملاعبدالله کتاب تهذیب منطق تفتازانی است.

بر این کتاب ده‌ها حاشیه نگاشته شده است. در بخش معرفی آثار، نزدیک به شصت عنوان از این حواشی ذیل معرفی حاشیه شناسانده شده‌اند.

همچنین این کتاب دارای نسخه‌های خطی فراوانی است به‌طوری که در کتاب فهرستواره نسخه‌های خطی ایران (دنا) ٦٤٦ نسخهٔ خطی از این کتاب شناسانده شده است؛[۱]

همچنین دارای ترجمه‌های فراوانی است که در فهرست دنا ۳۲ نسخه خطی از ترجمه‌های این کتاب شناسانده شده‌اند[۲] را در صفحات ۱۰٤ ـ ۱۰۵ شناسانده است.

۲. شرح تهذیب المنطق به فارسی

بر اساس تاریخ کتابت نسخه‌ای از آن‌که در کتابخانه وزیری یزد است، یعنی دهم رمضان ۹۵۲ هجری، این شرح سال‌ها پیش از شرح معروف عربی به نگارش در آمده است.

۳. شرح بخش ضابطه اشکال اربعه

---

۱. فهرست‌واره نسخه‌های خطی ایران (دنا)؛ ج٤، ص۸۷ ـ ۱۰٤.
۲. فهرست‌واره نسخه‌های خطی ایران (دنا)غ ج٤، ص۱۰٤ ـ ۱۰۵.

این شرح را ملاعبدالله به امر استادش جمال‌الدین محمود شیرازی که خود شاگرد ملاجلال‌الدین دوانی بوده نگاشته است.[۱]

٤. حاشیه غیر مشهور

از این حاشیه علامه شیخ آقا بزرگ نام برده است.[۲]

ب) حواشی بر حاشیه دوانی بر تهذیب

ملاعبدالله حاشیه‌های مختلف بر حاشیه دوانی بر تهذیب دارد، یکی از آن‌ها دارای عنوان خاص و مستقل باعنوان الخراره است، اما بقیه شامل شرح بخش‌هایی از حاشیه دوانی هستند.

۱. الخرارة فی شرح العجالة

شرحی بر شرح دوانی بر تهذیب المنطق است.

۲. شرح دیباجة العجالة

شرح مزجی مختصری است توضیحی بر مقدمهٔ رساله «العجالة فی شرح تهذیب المنطق» دوانی.

۳. حاشیه بر مطلب «موضوع» خاصةً

این رساله بحث موضوع را شامل است. از این رساله صاحب ریاض نام برده و گفته که در همدان آن را دیده است و نسخه‌ای نیز از آن دارد.[۳] همچنین علامه شیخ آقابزرگ آن را به تفصیل معرفی کرده است.[٤]

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج٦، ص٥٤.
۲. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج٦، ص٥٤.
۳. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج۳، ص١٩٤.
٤. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج٦، ص٦٠.

٤. حاشیه بر موضوع علم

در این رساله ملاعبدالله خود را بهابادی معرفی کرده است: «... علقّها اقلّ خلق الله الهادی عبدالله البهابادی تذکرة لببعض الأخیار نفعه الله بها و سائر الأذکیاء انه قادر علی ما یشاء...».

نسخه ای از آن را کنگره علامه بهابادی از کتابخانه آستان قدس تهیه کرده است که تاریخ کتابت ۹۷۱ دارد.

ج) حاشیه بر حاشیه قدیمیه جلالیه بر شرح مطالع

نخست بار صاحب ریاض از این اثر خبر داده و نوشته که آن را دیده است؛[۱] نسخه‌ای از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی; به شمارهٔ ۱۱۲۷۲ موجود است که کنگرهٔ علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی[۱] تصویری از آن را تهیه کرده است.

د) حاشیه بر تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الشمسیه

علامه شیخ آقا بزرگ نسخه‌ای از آن را در موقوفه سید محمد خامنه‌ای در شوشتر، چنین معرفی کرده است.[۲]

ه) حاشیه بر حاشیه شریفیه بر شرح المطالع

به نوشتهٔ صاحب ریاض، ملاعبدالله یزدی[۱] بر این حاشیه دارای حواشی است که وی آن را دیده است.[۳] همچنین علامه شیخ

---

۱. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج۳، ص۱۹٤.
۲. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج٦، ص۳٦، ش۱۷۰.
۳. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج۳، ص۱۹٤.

آقابزرگ نیز در الذریعه آن را شناسانده است.[۱]

دو. فلسفه

رساله در تشکیک (رسالة فی التشکیک)

علامه شیخ آقا بزرگ این رساله را معرفی کرده است. هم‌چنین نسخه‌ای از آن را به خط سید محمدعلی موسوی که دارای کتابت ۱۰۱۸ و در تملک جلال‌الدین محمد بن قطب‌الدین محمد اصفهانی در کتابخانه شوشتریه بوده، شناسانده است.[۲]

پس از وی شیخ هادی امینی نیز آن را بدو نسبت داده است.[۳]

گفتنی است که برخی این رساله را شرح مبحث تشکیک از آثار ملاجلال دوانی (م۹۰۸ق) به شمار آورده‌اند.[٤]

سه. کلام

الف) حاشیه بر حاشیهٔ قدیم ملاجلال بر شرح جدید تجرید العقائد خواجه نصیر طوسی

میرزا عبدالله افندی از این حاشیه نام برده و نوشته که آن را در استرآباد دیده است. هم‌چنین از نسخه‌ای از آن نزد خود یاد کرده

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج٦، ص٧٦، ش٣٩٤.
۲. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج١١، ص١٤٨، ش ٩٢٨.
۳. امینی نجفی، محمدهادی؛ *معجم رجال الفکر والأدب*؛ ج٣، ص١٢٣٩.
٤. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ ج ٥، ص ٢٨١.

است.[۱]

ب) حاشیه بر شرح جدید تجرید مبحث جواهر

علامه خوانساری در روضات الجنات[۲] و سید حسن صدر در تکمله آن را نسبت داده است؛[۳] گرچه برخی در نسبت آن به ملاعبدالله یزدی۱ تشکیک کرده و آن را از عبدالخالق قاضی زاده کرهرودی دانسته‌اند.[٤]

همچنین نسخه‌ای از حاشیه شرح بر مبحث جواهر در فنخا معرفی شده است.[٥]

چهار. فقه

الف) الدرة السنیة فی شرح الرسالة الألفیة الشهیدیة

شرح مزجی بر کتاب الفیه شهید ثانی۱ است. علامه شیخ آقا بزرگ نسخه‌ای از آن را که در عصر مؤلف کتابت شده، و در کتابخانهٔ آل‌مشکور در نجف دیده، به تفصیل وصف کرده است.[٦]

محمدحسن نجفی; (صاحب جواهر) در *جواهرالکلام* (جلد دوازدهم) سه بار از الدرة السنیه نام برده، در یک مورد آن را شرح

---

۱. افندی، میرزاعبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج۳، ص۱۹۱.
۲. خوانساری، محمدباقر؛ *روضات‌الجنات*؛ ج٤، ص۲۲۹.
۳. صدر، سیدحسن؛ *تکملة أمل‌الأمل*؛ ج۳، ص۳۲٦ ـ ۳۲۸.
٤. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ ج۱۱، ص۹۲۳.
٥. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ ج۱۹، ص۲٤٤.
٦. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج۸، ص ۹۸ ـ ۹۹.

الفیه نامیده، اما اشاره نکرده است که آیا مراد وی همین الدرة السنیه تألیف ملاعبدالله یزدی است یا کتاب دیگری را مد نظر داشته است.[۱]

ب) شرح قواعد الأحکام

برخی در انتساب این شرح به وی تشکیک کرده و گفته‌اند که شرح قواعد الأحکام از همنام وی یعنی عبدالله شوشتری است.[۲]، اما شرح عبدالله شوشتری دارای عنوان مستقل «جامع الفوائد فی شرح القواعد» است که در سال ۱۰۰٤ کتابت شده است.

نیز بنگرید مقدمهٔ مصححین کتاب قواعد الأحکام را که ۲۷ عنوان از شروح آن کتاب را فهرست کرده‌اند.[۳]

ج) حاشیه بر ارشادالأذهان

حاشیه ارشادالاذهان علامه بهابادی حاشیه‌ای کاملا استدلالی است که قرآن و سنت جایگاهی اساسی در آن دارد. این رساله از سوی دبیرخانه کنگره بین‌المللی ملاعبدالله بهابادی یزدی[۱] تصحیح و در کنار شروح دیگر در یک مجلد به چاپ خواهد رسید.[٤]

د) حاشیه بر استبصار

---

۱. از آقای خادمیان که مرا به این مطلب راهنمایی کردند تشکر می‌کنم.

۲. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج۳، ص۱۹۳. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج۱٤، ص۳۰.

۳. علامه حلی؛ *قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام*؛ ج۱، ص۱٦۰ - ۱٦۳.

٤. دبیرخانهٔ بزرگداشت علامه میرزا عبدالله بهابادی http://www.molaabdellah.ir

شیخ عباس قمی[۱] در فوائد الرضویه،[۱] و جواد مدرسی در نجوم السرد[۲] آن را نسبت داده‌اند.

پنج. بلاغت

الف) حواشی بر حاشیه خطایی (حاشیه بر مختصر و مطول)؛

سعدالدین تفتازانی بر تلخیص المفتاح دو گونه شرح نوشته است: یکی مختصر و دیگری مطول که هر دو به همین عنوان یاد می‌شوند (شرح مختصر و مطول).

ملاعبدالله یزدی[۱] هم بر مختصر حاشیه دارد و هم بر مطول. در فهارس هم ظاهراً به این مسأله توجه نکرده‌اند همچنان که در فهرستوارهٔ دنا همه ۱۳۸ نسخه را در یک عنوان حاشیه خطائی آورده است.[۳]

ب) حاشیه بر حاشیه شریفیه بر مطول

علامه شیخ آقا بزرگ از این اثر نام برده که در فهرست آستان قدس رضوی (ج۳، ص۶۰) نسخه‌ای که از آخر افتادگی دارد، معرفی شده است.[۴]

شش. تفسیر

---

۱. قمی، عباس؛ *فوائدرضویه*؛ ج۱، ص۴۲۰.
۲. مدرسی، جواد؛ *نجوم‌السرد*؛ ص۴۵۲.
۳. فهرست *دنا*؛ ج۴، ص۱۴۱ ـ ۱۴۵.
۴. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج۶، ص۷۲ ـ ۷۳، ش۳۷۱.

الف) التجارة الرابحة در تفسیر سوره و فاتحه

این کتاب تفسیری به جز ذریعه، در ریحانة الأدب[۱] و مشاهیر مدفونین در نجف[۲] نیز معرفی شده است. علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، افزون بر مدخل مستقل آن،[۳] ذیل معرفی الدرة السنیه نیز به این کتاب اشاره کرده است.[٤]

ب) درة المعانی یا خلاصة التجارة الرابحه

درة المعانی، خلاصة التجاره الرابحة است. ساختار آن موجز و تفکیکی و محتوایش ناظر به علوم ادبی، لغوی، بلاغی، تجویدی، روایی، عقلی و معرفتی است. امری که نشان می‌دهد مرحوم بهابادی نگاهی اجتهادی به علوم تفسیر قرآن داشته و در این زمینه نیز دارای مهارت مخصوص به خود بوده است.

ج) تفسیر شهابادی یا حاشیه بر تفسیر بیضاوی

از این کتاب علامه شیخ آقا بزرگ نام برده است.[٥] هم‌چنین در

---

۱. مدرس تبریزی، محمدعلی؛ *ریحانة الأدب*؛ ج٦، ص۳۹۰.

۲. عبودالفتلاوی، کاظم؛ *مشاهیر المدفونین فی الصحن العلوی الشریف*؛ ص۱۸۸-۱۸۹.

۳. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج۳، ص۳٤۸: (۱۲٥٦: التجارة الرابحة) فی تفسیر السورة و الفاتحة للمولی عبدالله ابن شهاب‌الدین حسین الشهابادی الیزدی المتوفی سنة ۹۸۱ قال فی أول الدرة السنیة فی شرح الرسالة الألفیة عند شرح البسملة (إنی قد بسطت القول فیه فی مؤلفاتی خصوصا فی رسالتنا المسماة بالتجارة الرابحة فی تفسیر السورة و الفاتحة) أی سورة التوحید و فاتحة الکتاب لحاجة کافة المسلمین إلی معرفة تفسیرهما.

٤. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج۸، ص۹۸ - ۹۹.

٥. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج٤، ص۲۷۸.

ج ٦، ص ٤٢ به هنگام ذکر حاشیه سیالکوتی از این تفسیر یاد می‌کند؛ با این حال آن را به طور مستقل در مدخلی جداگانه نیافتیم.

وفات ملاعبدالله یزدی[۱]

مشهور آن است که ملاعبدالله یزدی[۱] در سال ۹۸۱ ه .ق در اواخر حکومت شاه طهماسب صفوی، وفات کرده است. حسن از بیک روملو (متوفای حدود ۹۸۵ق) در احسن التواریخ ذیل وقایع سال ۹۸۱ نوشته است:

> در این سال، قدوة المحققین و افضل المتأخرین عبدالله یزدی در عربستان از عالم انتقال نمود... .[۱]

بسیاری از تاریخ نویسان و تراجم‌نگاران نیز این تاریخ را پذیرفته و محل دفن وی را حرم امیرمؤمنان[۷] در نجف اشرف دانسته‌اند.

دو نکته شایان توجه است:

۱. در کتاب خلاصة الأثر نوشتهٔ محمدأمین بن فضل الله حنفی (م ۱۱۱۱ق) سال وفات ملاعبدالله ۱۰۱۵ در اصفهان درج شده است.

۲. در بهاباد، بقعه‌ای است که به مزار ملاعبدالله بهابادی یزدی (صاحب حاشیه) مشهور و منسوب است.[۲] این بقعه زیارتگاه و مورد توجه اهالی بهاباد و سایر مناطق اطراف است و در

---

۱. بیگ روملو، حسن؛ *احسن التواریخ*؛ ص۵۹۱.

۲. ایرج افشار؛ *یادگارهای یزد*؛ ج۱، ص۱۹۵.

محدوده‌ای واقع شده که بنابر قولی، سابقاً جزء املاک پدری ملاعبدالله بهابادی یزدی[۱] بوده است.[۱]

۱. ترحمی، احمد؛ *آخوند ملاعبدالله بهابادی صاحب حاشیه*)؛ ص۱۱۱.

۲. ملاعبدالله یزدی۱ در آثار علما

ملاعبدالله یزدی بهابادی۱ در کتب تراجم و تذکره‌ها و فهارس یاد شده و آثار و زندگی وی - هر چند به اجمال - در مهم ترین کتاب‌های تراجم آمده است؛ از آنجایی که حجم مطالب مرتبط با ملاعبدالله یزدی۱ در هر یک از این نوع کتب اندک بود و هر کدام مطلبی نقل کرده بودند، همه را یک جا نقل کردیم. نکاتی که در این مصادر دربارهٔ زندگی ملاعبدالله یزدی۱ می‌توان یافت، فهرست‌وار چنین است:

نام: ملاعبدالله یزدی

نام پدر: شهاب‌الدین یا حسین (که ظاهراً شهاب‌الدین حسین درست است)

شهرت مشهور: یزدی

شهرت فرعی: شهابادی، شاه آبادی، بهابادی

فرزندان: محمد أمین بن فضل الله حنفی (م ۱۱۱۱ق) در خلاصة الأثر ذیل نام شاگردانش از فرزند وی با نام حسن علی نام می‌برد.[۱] هم‌چنین سلافة العصر نیز فرزندی به نام مولا حسنعلی که از علماست برای وی ذکر کرده و تاریخ وفاتش را ۱۰۶۹ق درج کرده است، اما از آنجا که ملاعبدالله در سال ۹۸۱ وفات کرده

---

۱. محبی، محمد بن فضل‌الله؛ *خلاصة‌الأثر*؛ ج۳، ص۳۸ ـ ۳۹.

است. این انتساب کمی مشکل می‌نماید؛ ممکن است وی فرزند ملاعبدالله (از فرزندان ملاعبدالله یزدی) باشد. البته برخی نیز معتقدند که حسنعلی مذکور فرزند ملاعبدالله شوشتری متوفای ۱۰۲۱ است.

دیگر اینکه ملاجلال‌الدین محمد منجم را نیز از فرزندان ملاعبدالله یزدی به شمار آورده‌اند.

خاندان وی در سه عنوان «کلیدداران حرم امیرمؤمنان۷، منجمان دربار عباسی، و خویشان و بستگان ملاعبدالله» در فصلی جداگانه معرفی شده‌اند.

آثار: حاشیهٔ تهذیب المنطق به عربی، حاشیهٔ تهذیب المنطق به فارسی، حاشیهٔ تهذیب المنطق به عربی بحث ضابطهٔ اشکال اربعه، حاشیه بر بحث «موضوع» از تهذیب المنطق، حاشیه بر حاشیه خطائی، شرح قواعد در فقه، شرح عجاله (الخراره)، حاشیه بر شمسیه، التجارة الرابحة فی تفسیر السورة والفاتحة، حاشیهٔ استبصار، حاشیهٔ مختصر مطول، الدرة السنیة فی شرح الرسالة الألفیة الشهیدیه، حاشیه بر مبحث الجواهر از شرح التّجرید، حاشیه بر مختصر التّلخیص، و ... .

مناصب: کلیدداری حرم حضرت امیرمؤمنان۷، استادی مدرسهٔ ملاعبدالله در نجف.

اساتید: جمال‌الدین محمود شیرازی شاگرد جلال‌الدین دوانی

(علوم معقول)، حسن بن زین الدین و سید محمد عاملی صاحب مدارک در فقه.

همدرسان: مقدس اردبیلی، ملامیرزاجان باغنوی.

شاگردان: شیخ بهاءالدین محمد بن حسین عاملی، میرزا ابراهیم همدانی، حسن بن زین الدین و سید محمد عاملی صاحب مدارک، و فرزندش حسنعلی.

وفات: ۹۸۱ه .ق.

محل دفن: حرم امیرمؤمنان[۷] (کنار بقعهٔ مقدس اردبیلی[۱]).

شایان ذکر است که مصادر بر اساس تاریخ وفات نویسندگان مرتب شده‌اند.

۱. احسن التواریخ از حسن بیک روملو (متوفای حدود ۹۸۵ق)

احسن التواریخ ذیل وقایع سال ۹۸۱ ه .ق نوشته است:

> در این سال، قدوة المحققین و افضل المتأخرین عبدالله یزدی در عربستان از عالم انتقال نمود. جناب مولوی نزد خواجه جمال‌الدین محمود شرط تلمذ به جای آورده بود. از جملهٔ نتایج قلم خجسته رقمش: حاشیه بر حاشیهٔ قدیم مولانا جلال‌الدین محمد دوانی و شرح بر تهذیب منطق.[۱]

---

۱. بیگ روملو، حسن؛ احسن‌التواریخ، ص۵۹۱

۲. جامع مفیدی از محمدمفید مستوفی بافقی (زنده در ۱۰۹۱ق) [۱]

مولانا عبدالله یزدی صاحب حاشیه؛ از جمله اشراف و اعیان بهاباد بافق است و پیوسته به قلم گوهرنگار نقش تألیف و تصنیف بر لوح روزگار می‌نگاشت و در میدان درس و افاده گوی سبقت و رجحان بر امثال و اقران می‌ربود.

از جمله تألیفاتش دو حاشیه است: یکی بر مختصر معانی و دیگری بر حاشیه خطائی. و مهارتش در فنون علم فقه به غایتی بود که می‌گفته اگر متوجه بدان علم گردم، به توفیق الله تعالی، برهان دلایل عقلی بر مسائل فقهی گفته، چنان علم فقه را مدلل سازم که مجال چون و چرا نماند. بر خواطر دانایان سلسله انساب پوشیده نماد که فخر الوزرا برهانا میرزا خلیل الله وزیر خطّه یزد نسبت قرابت قریبه با آن فاضل افادت دستگاه داشت و بدان واسطه علم مفاخرت می‌افراشت.[۲]

۳. أمل الآمل فی علماء جبل عامل از شیخ حر عاملی (۱۱۰٤ق)[۳]

٤٦٥. مولانا عبدالله بن الحسین الیزدی

فاضل عالم جلیل إمامی، له حاشیة علی حاشیة الخطائی، و حاشیة علی شرح الشمسیة، و غیر ذلک. و قرأ علیه الشیخ حسن

---

۱. جامع مفیدی، محمدمفید مستوفی بافقی؛ به کوشش ایرج افشار، اساطیر، ۱۳۸۵، تهران.

۲. مفید مستوفی بافقی، محمد؛ *جامع مفیدی*؛ ج۳، ص۳۳۰.

۳. *أمل الأمل*، محمد بن حسن حر عاملی، تصحیح سید احمد حسینی اشکوری، دارالکتاب الاسلامی.

بن الشهید الثانی و السید محمد بن أبی الحسن العاملی، و قرأ علیهما. و ذکره صاحب السلافة فقال: عبدالله بن الحسین الیزدی، أستاذ الشیخ البهائی، کان علامة زمانه، لم یدانه أحد فی العلم و الورع، و له مؤلفات مفیدة کشرح القواعد فی الفقه، و شرح العجالة، و التهذیب فی المنطق، و غیر ذلک - انتهی.[۱]

٤. خلاصة الأثر از محمد أمین بن فضل الله حنفی (م ۱۱۱۱ق)[۲]

٦٥٠. عبدالله بن الْحُسَیْن الیزدی:

صَاحب التحقیقات، عَلامَة زَمَانه بِغَیْر دفاع، و خاتمة محققی الْعَجم من غیر نزاع، لم یدانه أحد فی عصره مِنْهُم فی جلالة الْقدر و علوّ الْمنزلَة وَ کَثْرَة الْوَرع، وَ کَانَ منهمکا علی المطالعة و الاشتغال بِالْعلمِ و منحه لمستحقیه، وَ کَانَ مبارک التدریس، مَا اشْتغل عَلَیْهِ أحد الّا انْتفع بِهِ، وَ کَانَ عَظِیم الْهَیْئَة، نیر الصُّورَة، شَدِید الْخَوْف و الخشیة، ذَا سکینَة و انصاف فی الْبَحْث، وَ أخذ عَنهُ خلق لَا یُحصونَ، مِنْهُم بهاء الدّین مُحَمَّد بن الْحُسَیْن العاملی و المیرزا ابراهیم الهمدانی وَ ولده حسن علی. وَله مؤلفات مفیدة، سهلة الْعبارَة مَعَ الوجازة، مِنْهَا شرح الْقَوَاعِد فی الْفِقْه وَ شرح العجالة و حاشیة علی الشَّرْح الْمُخْتَصر علی التَّلْخِیص

---

۱. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *امل الأمل*؛ ج۲، ص۱٦۰ - ۱٦۱.

۲. خلاصة الأثر فی أعیان القرن الحادی عشر، محمد أمین بن فضل الله محبّی حنفی (م ۱۱۱۱ق)، تحقیق محمد حسن محمد حسن اسماعیل، دار الکتب العلمیة، ۲۰۰٦م، بیروت.

للسعد و حاشية على حَاشِيَة الْعَلامَة الخطائى على الشَّرْح الْمَذْكُور وَ شرح على تَهْذِيب الْمنطق للسعد، وَ كلّهَا مرغوبة ممتعة، قد رزقه الله تَعَالَى فِيهَا الْقبُول، وَ كَانَت وَفَاته فى سنة خمس عشرَة بعد الألف بِمَدِينَة أَصْبَهَان.[١]

٥. سلافة العصر از سيد على خان كبير (م ١١١٨ق)

و المولى عبدالله بن الحسين اليزدى، استاذ الشيخ بهاءالدين محمد المقام المذكر، كان علامة زمانه من غير نزاع، و لم يدانه أحد فى جلالة القدر و علوّ المنزلة و كثرة الورع. و له مؤلفات مفيدة كشرح القواعد فى الفقه و شرح العجالة و التهذيب فى المنطق و غير ذلک. و منهم ابنه المولى حسن على خلفه الصالح. و قدوة كلّ فالح. توفى سنة تسع و ستين و ألف;.[٢]

٦. تذكرهٔ هفت اقليم از امين رازى (متوفاى اوايل سدهٔ يازدهم)

مولانا عبدالله پيوسته به قلم گوهر نگار نقش تأليف و تصنيف

---

١. محبى، محمد بن فضل‌الله؛ *خلاصة‌الأثر*؛ ج٣، ص٣٨ - ٣٩. شايان توجه است كه اين منبع تنها منبعى است كه وفات ملاعبدالله بهابادى را سال ١٠١٥ق نوشته و از اين كتاب به منابعى همچون الاعلام زركلى و.... راه يافته است.

٢. صدرالدين الحسينى، على؛ *سلافة‌العصر*؛ ج١، ص٢٨٩. قمى، عباس؛ *الفوائد الرضويه*، ص٥٠٦. سيد على خان كبير در كتاب سلافة العصر درباره‌اش مى‌نويسد: عبدالله پسر حسين يزدى، استاد شيخ بهاءالدين، علامهٔ روزگار خويش است. كسى در دانش و تقوا و فضيلت به او نرسد. وى كتاب‌هايى مفيد در علم فقه و در علم منطق و... تأليف كرده است.

بر لوح روزگار می‌نگاشت و در میدان و افادهٔ لوای سبقت بر امثال و اقران می‌افراشت و مهارتش در فنون علم فقه به غایتی بوده که می‌گفته اگر متوجه بدان علم گردم، به توفیق الله تعالی، برهان و دلایل عقلی بر مسایل فقهی گفته، چنان علم فقه را مدلل سازم که مجال چون و چرا نماند.[۱]

۷. فوائد الارتحال و نتائج السفر فی اخبار القرن الحادی العشر از مصطفی بن فتح الله الحموی (م ۱۱۲۳ق)

الملا عبداللّه بن الحسین الیزدی

علامة زمانه بغیر نزاغ، و خاتمة محققی العجم من غیر دفاع، لم یدانه أحد منهم فی عصره منهم فی جلالة القدر، وعلو المنزلة، و کثرة الورع، وکان شیخاً جلیل القدر، شهیر الذکر، فی سائر الأقطار، منهمکاً علی المطالعة والاشتغال بالعلم، و منحه لمستحقه، وکان مبارک التدریس، مااشتغل أأحد علیه إلا انتفع به.

وکان عظیم الهیئة، نیر الصورة، شدید الخوف والخشیة، ذاسکینةٍ و تؤدةٍ وانصاف فی البحث، أخذ عن شیوخ کثیرین، منهم: السید جمال الدین محمود الشیرازی، قرأ علیه کتاب المغنی فی العقائد للقاضی عبد الجبار الهمذانی، و کتاب مدینة العلم فی الحدیث لحمد بن بابویه، و أخذ عنه خلق لایحصون،

---

۱. رازی؛ *هفت اقلیم*؛ ج۱، ص۱۵۵.

منهم: شمس الدین محمد بن الحسین، و ولده المولی حسن علی العاملی والمیرزا ابراهیم الهمذانی.

وله مؤلفات مفیدةٌ، سهلة العبارة مع الوجازة، منها شرح القواعد فی الفقه، و شرح العجالة و حاشیة علی الشرح المختصر علی التلخیص للسعد و حاشیة علی حاشیة العلامة الخطائی علی الشرح و شرح علی منطق التهذیب للسعد و عقائده ببلاد العرب، والأول کثیر موجود والثانی عزیز الوجود و کانت وفاته سنة خمس عشرة بعد الألف بأصبهان رحمه لله تعالی.[۱]

۸. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء میرزاعبدالله اصفهانی افندی (حدود ۱۱۳۰ق)[۲]

المولی عبدالله بن شهاب‌الدین حسین الیزدی الشهابادی الفاضل العالم العلامة المتکلم الفقیه المنطقی الجامع الکامل المعروف، صاحب الحواشی علی تهذیب المنطق للعلامة التفتازانی المعروفة بحاشیة مولانا عبدالله و غیرها من المؤلفات.

و کان قدس سره شریک الدرس مع المولی أحمد الاردبیلی المعروف و المولی میرزا جان الباغنوی الشیرازی السنی

---

۱. حموی، مصطفی بن فتح الله، فوائد الارتحال و نتائج السفر فی اخبار القرن الحادی العشر، ج ٤، ص ٤٣٩ - ٤٤٠.

۲. افندی، میرزاعبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ تصحیح: سید احمد حسینی اشکوری، محمود بن شهاب‌الدین مرعشی، مطبعة الخیام.

المشهور فی قراءة العلوم العقلیة عند المولی جمال‌الدین محمود تلمیذ العلامة الدوانی.

و قد اشتهر قدس سره أنه لم یکن له اطلاع علی العلوم الشرعیة، و سیجیء فی کلام صاحب السلافة شرحه علی قواعد الفقه مع الکلام علیه أیضا، و لکن المولی أمین الرازی الساکن ببلاد الهند ذکر فی کتابه الفارسی المسمی به هفت‌اقلیم هذا المولی و قال ما معناه: انه قدس سره کان فی فنون الفقه فی غایة المهارة، حتی أنه «ره» کان یقول انی لو أردت أن أتوجه الی الاستدلال بالبراهین العقلیة علی المسائل الشرعیة بحیث لا مجال لاحد فی المناقشة فیها لا مکننی ذلک.

و أقول: هذا الکلام جزاف من القول، سیما لو أراد جمیع المسائل الشرعیة الفرعیة، کیف و العقل معزول فی ادراک وجه حسن بعضها و قبح بعضها البتة.

علی أن احتمال اشتباهه بالمولی عبداللّه التستری أیضا ممکن.

ثم انه «ره» قد قرأ علی السید الامیر غیاث‌الدین منصور الشیرازی المعروف و صاحب المدرسة المعروفة بها علی ما یخطر بالبال، و لعل قراءته علیه قریبا من زمان صدارته. فلاحظ.

و قال حسن بیک روملو فی أحسن التواریخ: ان قدوة المحققین و أفضل المتأخرین المولی عبداللّه الیزدی توفی فی بلاد عراق العرب فی أواخر دولة السلطان شاه طهماسب الصفوی فی سنة احدی و ثمانین و تسعمائة، و کان المولی

المذکور من تلامذة المولی جمال‌الدین محمود، و من مؤلفاته حاشیة علی الحاشیة القدیمة الجلالیة و شرح علی تهذیب المنطق- انتهی.

و أقول: و له تعلیقات متفرقة أخری أیضا علی الحاشیة القدیمة الجلالیة، منها حاشیة علی بحث العدم من الحاشیة الجلالیة، و هی موجودة عند ابن أخی.

و، اما حاشیته المدونة علیها فهی موجودة عندنا، و هی حسنة الفوائد.

و قال الشیخ المعاصر فی أمل الامل: مولانا عبداللّه بن الحسین الیزدی، فاضل عالم جلیل امامی، له حاشیة علی حاشیة الخطائی و حاشیة علی شرح الشمسیة و غیر ذلک، قرأ علیه الشیخ حسن بن الشهید الثانی و السید محمد بن ابی الحسن العاملی و قرأ علیهما، و ذکره صاحب السلافة فقال: عبداللّه بن الحسین الیزدی، أستاذ الشیخ بهاءالدین، کان علامة زمانه، لم یدانه أحد فی العلم و الورع، و له مؤلفات مفیدة کثیرة کشرح القواعد فی الفقه و شرح العجالة و التهذیب فی المنطق و غیر ذلک- انتهی[۱] هذا ما أورده فی أمل الامل.[۲]

و أقول: و فیه نظر من وجوه: الاول ان اسم والده هو- الخ. الثانی فی قوله «انه قرأ علیهما» لانه من شرکاء المولی أحمد

---

۱. صدرالدین الحسینی، علی؛ *سلافةالعصر*؛ ج۱، ص۴۲۸۹.

۲. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *امل‌الأمل*؛ ج۲، ص۱۶۰.

الاردبیلی فی القراءة علی المولی جمال‌الدین محمود الشیرازی، و هما قد قرآ علی المولی احمد المذکور و کان أستاد الشیخ البهائی و نظرائه، و هما من المعاصرین للبهائی بل بقیا بعده أیضا، فکیف یصح قراءته علیهما. فتأمل. و لو صح فلعله قرأ علیهما فی العلوم الشرعیة و قرءا علیه فی العلوم العقلیة، و نظیر هذا السهو قد تقدم من الشیخ المعاصر فی ترجمة العلامة بالنسبة الی الخواجة نصیر الدین الطوسی. و لا یبعد أن یکون المولی عبداللّه الذی قرأ علیهما هو التستری المذکور سابقا. فلاحظ.

و ان کان فیه أیضاً بعد. الثالث فی نسبة شرح القواعد فی الفقه الیه، لان الظاهر أنه لم یؤلف شرح القواعد و انما هو للمولی عبداللّه التستری کما مر. الرابع فی نسبة التهذیب فی المنطق الیه و انما هو للعلامة التفتازانی، و لهذا المولی حاشیة علیه معروفة. اللهم الا أن یقال الغلط من الناسخ، أو یقال و التهذیب عطف علی العجالة، فیدخل علیه لفظ «الشرح» و یکون مراده تلک الحاشیة، لکن لیس بشرح حقیقة اذ هی مشهورة بالحاشیة، و کذا الخرارة فی شرح العجالة فانها أیضا حاشیة لا شرح، أو یقال المراد شرحه الفارسی علیه. ثم المراد من حاشیة الشمسیة بعینها حاشیة علی حاشیة العلامة الدوانی القدیمة علی شرح الشمسیة و علی حاشیة السید علیه، و، اما شرح العجالة فهو حاشیة علی حاشیة العلامة الدوانی علی تهذیب المنطق أیضا، و انما سمیت حاشیة العلامة الدوانی بالعجالة لانه

وقع فی أوائلها هکذا «هذه عجالة نافعة و غلالة رائعة» الخ. و قد فرغ; من حاشیته علی تهذیب المنطق ضحوة الاربعاء لسبع و عشرین خلون من ذیقعدة سنة سبع و ستین و تسعمائة فی المشهد المقدس الغروی.

و، اما حاشیته علی حاشیة الخطائی فقد فرغ من تألیفها فی سابع عشر ذیالحجة سنة اثنتین و ستین و تسعمائة فی شیراز فی المدرسة الصدریة المنصوریة المذکورة.

ثم له مؤلفات أخر أیضاً: منها حاشیة علی الحاشیة القدیمة الجلالیة علی الشرح الجدید للتجرید، قد رأیتها باستراباد، و عندنا منها نسخة عتیقة أیضاً، و هی حسنة الفوائد.

و له; أیضا حاشیة علی الحاشیة القدیمة الجلالیة علی شرح المطالع و حاشیة السید علیه قد رأیتها أیضا.

و له شرح فارسی علی تهذیب المنطق للعلامة التفتازانی أیضا و قد مرت الاشارة الیه، و کان عندنا منه نسخة أیضا.

و له حاشیة علی بحث الموضوع من تهذیب المنطق المذکور و علی حاشیة العلامة الدوانی المذکورة، قد أفردها و جعلها رسالة برأسها، رأیتها بهمدان و عندنا منه نسخة أیضا.

ثم قد نسب الیه أیضا صاحب کتاب هفت اقلیم المذکور حاشیة علی مختصر التلخیص أیضا، و الحق بعینها حاشیة علی حاشیة الخطائی علیه المذکورة أیضا.

و من مؤلفاته أیضا حاشیة علی...

و قد مضی شطر من أحواله فی ترجمة المولی احمد الاردبیلی، و سیجیء بعض من أحواله فی القسم الثانی فی ترجمة المولی میرزا جان الشیرازی السنی المشهور أیضا. و الیزدی بفتح الیاء....[۱]

۹. نجوم السماء از محمدعلی آزاد کشمیری (م ۱۲۸۶ق)

ملاعبدالله بن حسین یزدی

منسوب است به سوی یزد که بلده‌ای از بلاد فارس است.

مولانای مذکور از مشاهیر فضلای کاملین و نحاریر علمای عاملین و از جملهٔ استاتذهٔ مولانا شیخ بهاءالدین است. قرائت علم فقه و حدیث به خدمت شیخ حسن و سید محمد صاحب مدارک فرموده و شیخ حسن مذکور، استفادهٔ علوم منطق و معانی و امثال آن پیش او می‌کرد. او در آن وقت به تصنیف حاشیه بر تهذیب المنطق مشغول بود و آن به شرح تهذیب مشهور و درس آن میان طلبه معمول است.

صاحب تاریخ عالم آرای عباسی آورده که شیخ بهاءالدین

---

۱. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج۳، ص۱۹۱.

عاملی، مرتبهٔ کمال در حکمت و کلام و بعضی علوم معقول از فیض صحبت مولانا عبدالله یزدی به دست آورده. انتهی

در سلافة العصر آورده که: «مولی عبدالله بن حسین یزدی استاد شیخ بهاءالدین عاملی بود و علامهٔ زمان خود بود و هیچ کس نزاع همسری با او نداشت و احدی در جلالت قدر و علو منزلت و کثرت ورع و پرهیزکاری به او نمی‌رسید. و او را تصانیف مفیده است مثل شرح قواعد در فقه، و شرح عجاله، و شرح تهذیب المنطق، و حاشیه بر حاشیهٔ خطائی، و حاشیه بر شمسیه، و غیر اینها».

صاحب تذکره آورده که پسر ملاعبدالله بهابادی که ملاحسنعلی است عالم صالح و قدوهٔ فضلای کرام و در سنهٔ یکهزار و شصت و نه هجری وفات یافت.[۱]

۱۰. قصص العلماء از میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی (۱۳۰۲ق)

مقام معنوی علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی;

میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی در کتاب قصص‌العلماء، نقل می‌کند آخوند ملاعبدالله یزدی وقتی وارد اصفهان شد، چون قدری از شب گذشت، با توجه باطنی نظری به شهر اصفهان کرد. پس به همراهانش گفت: وسایل ما را جمع کنید تا از این

---

۱. کشمیری، آزاد؛ *نجوم‌السماء*؛ ص۲٤، شماره ۱۰.

شهر با عجله بیرون رویم؛ زیرا چند هزار بساط شراب می‌بینم که در این شهر چیده شده است که اگر خدای تعالی عذابی نازل کند، ما هم با آن می‌سوزیم. پس همراهانش اسباب و وسایل را برداشتند و ملاعبدالله سوار بر مرکب خویش شد. هنوز بیرون شهر نرسیده بودند که وقت سحر فرار رسید آخوند دوباره توجه باطنی به شهر اصفهان کرد. پس به همراهانش گفت: برگردید؛ زیرا چندین هزار سجاده را می‌بینم که پهن شده و نماز شب می‌خوانند. این جبران آن را می‌کند. آن‌گاه به منزلی که در شهر داشت، مراجعت کرد.[۱]

۱۱. روضات الجنات فی أحوال العلماء والسادات از محمد باقر خوانساری (م۱۳۱۳ق)

۳۸٦. المولی عبداللّه بن شهاب‌الدین حسین الیزدی الشهابادی[۲]

الفاضل العالم، العلّامة الفقیه المنطقی، الجامع الکامل المعروف، صاحب الحواشی علی«تهذیب المنطق» للعلّامة التّفتازانی، المعروفة بحاشیة مولانا عبداللّه و غیرها من

---

۱. تنکابنی، میرزا محمد بن سلیمان، *قصص‌العلماء*، ص۱۷٤.

۲. له ترجمة فی: حر عاملی، محمد بن حسن؛ *امل‌الأمل*؛ ج۲، ص۱٦۰. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج٦، ص۵۳. قمی، عباس؛ *سفینة البحار*؛ ج۲، ص۱۳۲. قمی، عباس؛ *فوائدالرضویة*؛ ص۲٤۹. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۳، ص۳۸٤.

المؤلفات، كما ذكره صاحب «رياض‌العلماء» كان شريک الدّرس مع المولى أحمد الأردبيلى المعروف، و المولى ميرزا جان الباغنوى الشّيرازى السنّى المشهور، فى قراءة العلوم العقلية عند المولى جمال‌الدين محمود تلميذ العلّامة الدّوانى، و قد اشتهر انّه; لم يكن له اطّلاع على العلوم الشّرعية، و لكنّ المولى أمين الرّازى السّاكن ببلاد الهند ذكر فى كتابه الفارسى الملقّب بـ«هفت اقليم»ترجمة هذا المولى و قال ما معناه انّه كان فى فنون الفقه فى غاية المهارة حتّى انّه; كان يقول: انّى لو شئت أن أقيم على كلّ مسئلة شرعيّة برهانا من أدلة العقول بحيث لم يكن لاحد ردّه لفعلت، و هذا نظير ما قد نقل عن الخطائى المشهور فى أيّام خلافته للشّيخ علىّ المحقّق، و انّ الشّيخ المرحوم لمّا رجع من سفره تعجّب من موافقة عقله الشّرع فيما ارتكبه من الفتيا و الحكومات فلا تعجب.

و قال فى حقّه أيضا صاحب «الأمل» من بعد التّرجمة له بعنوان مولانا عبداللّه بن حسين اليزدى فاضل عالم جليل إمامى، له حاشية على حاشية الخطائى و «حاشية على شرح الشّمسية» و غير ذلک، قرء عليه الشّيخ حسن ابن الشّهيد الثّانى، و السّيد محمّد بن أبى الحسن العاملى، و قرء عليهما، و ذكره صاحب «السّلافة» فقال عبداللّه بن الحسين اليزدى أستاد الشّيخ بهاءالدّين كان علّامة زمانه لم يدانه أحد فى العلم و الورع و له مؤلفات مفيدة كثيرة كـ«شرح القواعد» فى الفقه: و «شرح

العجالة»، و «التّهذیب»فی المنطق، و غیر ذلک انتهی و انّما کان قراءته علی ولدیّ الشّهید المذکور، و إن تقدّم علیهما طبقة فی خصوص العلوم الشّرعیة، و ذلک بالنّجف الأشرف کما أشیر إلیه فی ترجمة الشّیخ حسن، فاشبهت قراءة المحقّق الطّوسی علی العلّامة فی هذه المراتب، لو ثبتت فی مقابلة قراءته علیه فی العقلیّات و علیه فیمکن أن یکون شرحه علی «القواعد» أیضاً بعد تلک القراءة لو أمن اشتباهه لصاحب «السلافة» بشرح قواعد سمیّه المتعقّب ذکره، فلا وجه لتنظّر صاحب «الرّیاض» من تینک الجهتین فی کلام صاحب «السلافة» و «الامل» خصوصاً الأوّل، ثمّ انّ المراد من حاشیته علی «شرح الشّمسیة» هی حاشیته القدیمة الدّوانیّة علی«شرح الشّمسیة»و علی حاشیة السیّد علیه و أمّا «شرح العجالة» فهو حاشیة علی حاشیة العلّامة الدّوانی أیضاً علی «تهذیب المنطق» و وجه تسمیتها بالعجالة لما یقول فی أوایلها هکذا: هذه عجالة نافعة و غلالة رابعة، و قد فرغ; من حاشیته علی «تهذیب المنطق» فی أواخر ذیقعدة سنة سبع و ستین و تسعمائة فی المشهد المقدس الغروی، اما حاشیته علی «حاشیة الخطائی» فقد فرغ منها فی أواخر سنة اثنتین و ستین و تسعمائة فی شیراز، فی المدرسة الصّدریّة المنصوریّة، الّتی هی منسوبة إلی السیّد الأمیر غیاث‌الدین منصور الشّیرازی، و کان هو أیضا من جملة أساتید المولی عبداللّه المذکور، و لعلّ قراءته علیه کانت قریبة من زمان صدارته

کما فی «الرّیاض» و له أیضا من المصنّفات حاشیة علی «الحاشیة القدیمة الجلالیّة علی الشّرح الجدید للتّجرید» و حاشیة علی«الحاشیة القدیمة الجلالیّة علی شرح المطالع» و حاشیة السیّد علیه، و «شرح فارسی علی تهذیب المنطق» عندنا منه نسخة و حاشیة أخری علی بحث الموضوع من «تهذیب المنطق» و علی حاشیة الدّوانی المذکورة قد أفردها و جعلها رسالة برأسها، و حاشیة اخری علی مبحث الجواهر من «شرح التّجرید» و «حاشیة علی مختصر التّلخیص» کما فی نسبة بعضهم، و کانّها اشتباه بحاشیته علی الخطائی المذکور، إلی غیر ذلک هذا و عن کتاب «أحسن التواریخ» لحسن بیک روملو انّ قدوة المحققین و افضل المتأخرین المولی عبداللّه الیزدی توفی فی بلاد العراق العرب فی أواخر دولة السّلطان شاه طهماسب الصّفوی فی سنة إحدی و ثمانین و تسعمائة انتهی و کان مدفنه الشریف أیضا فی جوار ائمة العراق:.[۱]

۱۲. مرآة الکتب از ثقة الاسلام علی بن موسی بن شفیع التبریزی (۱۳۳۰ق)[۲]

المولی عبداللّه بن الحسین الیزدی.

---

۱. خوانساری، محمد باقر؛ *روضات الجنات*؛ ج٤، ص۲۲۸ ـ ۲۳۰.
۲. تبریزی، علی بن موسی؛ *مرآة الکتب*؛ ج۳، ص۱٦۰ـ۱٦۳.

قال فی الأمل: فاضل عالم جلیل إمامی، له حاشیة علی حاشیة الخطائی- وعد سائر مؤلفاته الی ان قال: قرأ علیه الشیخ حسن ابن الشهید الثانی و السید محمد ابن أبی الحسن العاملی، و قرأ علیهما.

و ذکره صاحب «السلافة» فقال: عبداللّه بن الحسین الیزدی، استاد الشیخ بهاءالدین، کان علّامة زمانه، لم یدانه أحد فی العلم و الورع، و له مؤلفات جلیلة کشرح القواعد فی الفقه، و شرح العجالة، و التهذیب فی المنطق، و غیر ذلک-انتهی. و انتهی کلام الأمل.

أقول: نسبة شرح القواعد إلیه اشتباه بسمیه المولی عبداللّه التستری. قال فی الریاض: قد اشتهر انه لم یکن له اطلاع علی العلوم الشرعیه، و سیجئ فی کلام صاحب «السلافة» شرحه علی قواعد الفقه مع الکلام علیه، و لکن المولی امین الرازی ذکر فی کتابه الفارسی المسمی بـ «تذکرهٔ هفت اقلیم»، هذا المولی و قال ما معناه: «انه کان فی فنون الفقه فی غایة المهارة، حتی کان یقول: لو أردت الاستدلال بالبراهین العقلیة علی المسائل الشرعیة الفرعیة بحیث لا یکون مجال فی المناقشة فیها لا مکننی ذلک». قال صاحب الریاض: و أقول: هذا الکلام جزاف من القول، سیما لو أراد جمیع المسائل الفرعیة، کیف و العقل معزول عن ادراک وجه حسن بعضها. . . البتة. و یحتمل الاشتباه بالمولی عبداللّه التستری أیضاً.

ثم اعترض علی صاحب الأمل فی قوله: «قرأ علیه الشیخ

حسن و السید محمد، و قرأ علیهما»، بانه کان شریک الدرس مع المولی أحمد المقدس الاردبیلی و المولی میرزا جان الباغنوی فی قراءة العلوم العقلیة عند المولی جمال‌الدین محمود تلمیذ العلامة الدوانی، و هما أی الشیخ و السید قد قرءآ علی المولی أحمد المزبور، فکیف یصح قراءته علیهما - ثم وجهه: بأنه یحتمل أن یکون قرءآ علیه فی العقلیات و هو قرأ علیهما فی النقلیات - الی آخر کلامه.

أقول: لو صح ما اشتهر من ان المولی المزبور لم یکن له اطلاع فی الفقهیات، لا مکن الاعتذار بانه قرأ علیهما الأخبار دخولا فی سلسلة الرواة، و اللّه اعلم.

توفی کما فی الریاض نقلا عن کتاب «احسن التواریخ» فی سنة احدی و ثمانین و تسعمائة فی بلاد عراق العرب.[۱]

۱۳. تکملة أمل الآمل از سید حسن صدر (۱۳۵٤ق)[۲]

۱۰۸۷. المولی عبداللّه الیزدی بن شهاب الدین حسین

ذکره فی الأصل[۳] و لم یستوف ترجمته، بل نسب إلیه شرح القواعد فی الفقه و هو لسمیّه المولی عبداللّه بن حسین التستری المتقدّم ذکره، المتأخّر عنه. و کأنه تبع صاحب السلافة[٤] فی هذا الوهم.

---

۱. تبریزی، علی بن موسی؛ *مرآة الکتب*؛ ج۳، ص۱٦۰ـ۱٦۳.
۲. صدر، حسن؛ *تکملة أمل الأمل*؛ ص۲۳٦.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *امل‌الأمل*؛ ج۲، ص۱٦۰.
٤. مدنی، سیدعلی‌خان؛ *سلافة العصر*؛ ص٤۹۰.

كان المولى عبداللّه اليزدى فى طبقة المولى أحمد الأردبيلى و شريكه فى الدرس عند المولى جمال‌الدين محمود تلميذ المحقّق الدوانى، و كان من سكنة النجف و أعلام علمائها، و رحل إلى شيراز سنة ۹٦۱ للحضور على غياث الحكماء منصور بن سيد المدقّقين السيد صدرالدين الدشتكى و نزل المدرسة المنصوريّة التى بناها غياث‌الدين منصور المذكور و حضر عليه مدّة من الزمان، و صنّف:

۱. حاشية على حاشية الخطائى هناك سنة ۹٦۲؛

۲. حاشية على الحواشى القديمة الجلاليّة على شرح التجريد؛

۳. حاشية على الحواشى القديمة الجلاليّة على شرح المطالع؛

٤. حاشية على حاشية السيد شريف؛

٥. حاشية على مباحث الجواهر و الأعراض من شرح التجريد القوشجى؛

٦. الحاشية على حاشية الدوانى على شرح الشمسيّة؛

۷. حاشية على حاشية سيد شريف على الشمسيّة لقطب الدين الرازى البويهى؛

۸. الحاشية على حاشية الدوانى على تهذيب المنطق المشهورة التى كتبها فى النجف قبل رحلته إلى شيراز سنة ستين و تسعمائة، فإنّه رحل إليها سنة إحدى و ستين و تسعمائة كما تقدّم، و رجع إلى النجف بعد وفاة أستاذه غياث‌الدين منصور؛

۹. شرح تهذيب المنطق بالفارسيّة، و طبع مع حاشيته العربيّة بإيران، و قيل إن الفارسى للميرزا عليرضا؛

۱۰. حاشية على مبحث الموضوع على متن التهذيب و على ما ذكره الدوانى فى حاشيته عليه فى مبحث الموضوع بالخصوص.

و توفّى فى النجف الأشرف سنة إحدى و ثمانين و تسعمائة. و فيها ولده و ذرّيته إلى الآن، و هم المعروفون ببيت الملّا، كانوا خزنة الحرم الشريف من قبل الصفويّة و بعدهم، إلى أواسط القرن الثالث عشر من الهجرة، و انتقلت الخزانة عنهم إلى السادات الأشراف الرفيعيّة الموسويّة فى هذه الأواخر.[۱]

۱٤. هدية العارفين از اسماعيل‌پاشا بن محمدامين بغدادى[۲]

اليزدى

عبدالله بن شهاب‌الدين حسين اليزدى الشهابادى الشيعى نزيل بغداد المتوفى سنة ۹۸۱ احدى و ثمانين و تسعمائة.

ثم تحقق وفاة اليزدى سنة (۱۰۱۵). قاله صاحب روضات الجنات له تحفة الشاهجانية فى شرح تهذيب التفتازانية. حاشية على حاشية الخطائى، حاشية على الحاشية القديمة الجلالية لشرح التجريد، حاشية على الحاشية القديمة الحلالية لشرح المطالع.

حاشية على شرح الشمسية. حاشية على مختصر التفتازابى.

---

۱. صدر، حسن؛ *تكملة أمل الأمل*؛ ج۳، ص۳۲٦ ـ ۳۲۸.

۲. بغدادى، اسماعيل؛ هدية العارفين اسماء المؤلفين و آثار المصنفين؛ ج۱، ص ۲۱۵

شرح العجالة. شرح القواعد فی فقه الشیعة.[۱]

۱۵. الفوائد الرضویه از شیخ عباس قمی (۱۳۵۹ق)

عبداللّه بن حسین الیزدی

فاضل کامل عالم جلیل منطقی امامی; صاحب حاشیه بر تهذیب ملا سعد تفتازانی معروف به حاشیه ملاعبدالله و حاشیه بر حاشیه خطائی، و حاشیه بر شرح شمسیه، و حاشیه بر استبصار و غیر ذلک. شریک بوده با مولانا احمد اردبیلی در درس، و قرائت کرده بر او صاحب معالم و مدارک و تلمذ کرده او نیز نزد آن دو بزرگوار در علوم شرعیه.

و از *سلافه* نقل شده که در وصف او گفته: عبدالله بن الحسین الیزدی استاد شیخ بهاءالدین، کان علامة زمانه لم یدانه أحد فی العلم و الورع و له مؤلفات مفیدة کثیرة کشرح القواعد فی الفقه و شرح العجالة و التهذیب فی المنطق و غیر ذلک، و در *وضات الجنات* از احسن التواریخ حسن بیک روملو نقل کرده که، وفات کرد ملاعبدالله یزدی در عراق عرب در اواخر دولت شاه طهماسب صفوی سنهٔ ۹۸۱.[۲]

---

۱. همان؛ ج۱، ص۳۷۳ ـ ٤٧٤.

۲. قمی، حاج شیخ عباس؛ *الفوائد الرضویه*؛ ج۱، ص٤٢٠.

١٦. معارف الرجال[1] از شيخ محمد حرزالدين (م ١٣٦٥ق)

١٩٧. المولى عبدالله اليزدى

المولى عبدالله بن شهاب‌الدين حسين اليزدى النجفى صاحب الحاشية فى المنطق، العالم المحقق المنطقى المشهور اشتهر بعلم المعقول و تخصص به اكثر من غيره، و كان فقيهاً له نوادر ضافية فى النجف نذكر بعضها فى محله و من مكارم أخلاقه و حسن تدبيره و تصرفه و علو منزلته صار خازناً لحرم على أميرالمؤمنين[7] فى النجف الأشرف؛ و المعروف المتسالم عليه انه أتى به السلطان الشاه عباس[2] الأول الصفوى الموسوى من ايران إلى العراق ليتولى نقابة الحرم المقدس و سلمه مفايتح الحرم و الخزانة الكبيرة، و التى فيها السلاح الموقوف الذى أعدّ للدفاع عن الحرم خاصة و النجف الأشرف عامة من الغارات

---

١. حرزالدين، محمد؛ *معارف الرجال فى تراجم العلماء والأدبا*؛ ج٢، ص٣٢١.

٢. الذى تولى زمام السلطنة سنة ٩٩٦ و المتوفى سنة ١٠٣٧ ق، و هو الذى عمر العتبات العالية فى العراق و صرف لذلك اموالا طائلة عليها. و الشاه عباس هذا هو البانى و الموسع لصحن امير المؤمنين[7] وحرمه الموجود بناؤه اليوم سنة ١٢٩٥ق، كما امر بحفر قناة من الفرات إلى النجف ليشرب المجاورون وطلبة العلم والعلماء الماء الحلو وهو المعروف اليوم بنهر الشاه من صدره وفى النجف بالقناة العباسية. و وجدت مكتوبا على ظهر كتاب الشرايع المخصوط من كتب والدنا العلامة البحاثة ان دخول الشاه عباس بن الشاه محمد الحسينى العراق سنة ١٠٣٣ بعد ان ارسل جملة من الرؤساء والخوانين فحاصروا بغداد... ثم هرب رجال الحكم من الروم فى بغداد و فتحها، وهرب ايضا ابن برهان و كانت الناس فى بغداد هلكى من الغلاء، حتى بلغت قيمة وزنة العلماء مائة شاهية. (المؤلف)

البدوية و الوهابية، و خزانة الآثار النفيسة، و بنى له الشاه عباس مدرسة فى النجف فى الجانب الشمالى الغربى منها و سماها بمدرسة الآخوند تقع فى محلة المشراق حوالى دور السادة ال كمونة و المدرسة اليوم أعنى سنة ۱۲۹۵ اندرست آثارها، و جلب له الطيور من الهند، المعروفة عند العامة فى النجف بطيور «الحضرة» تارة و الطورانية[۱] أخرى. و لما قدم النجف السلطان مراد العثمانى[۲] و تشرف بزيارة مرقد اميرالمؤمنين[۳۷] أقر المترجم له على ولايته للحرم المطهر لما رأى من عناية و حسن تدبير و تصرف، و بقيت نقابة الحرم الغروى فى النجف بأيدى أولاده و احفاده ألى زمن الملا يوسف المتوفى حدود سنة ۲۷۲ق. و كان جل أحفاده علماء و فضلاء و من أهل الأدب و الكمال، و نقل عن الملالى أحفاده انهم من آل بويه و لم أتحققه. و حدثنى الزعيم النجفى «مطلق الملحة» ان اصلهم من عنزة - الرولة سكن أحد أجدادهم الأوائل فى بلاد العجم. قال فى أمل الآمل ص ٤٨٢

---

۱. نسبة إلى قطعة جبل يسمى بجبل الطور عند قدماء النجفيين، حيث ان هذه الطيور كانت تألف له دائماً. يقع هذا الجبل حول بلد النجف من شرقية إلى الشمال يقرب من خندق سور النجف الأخير؛ غطاء تراب عمارة البلد اليوم. (المؤلف)

۲. جاء فى ناسخ التواريخ ان السلطان مراد بن السلطان سليم بن السلطان سليمان توفى ٤ جمادى الأولى سنة ۱۰۰۳. (الناشر)

۳. دخل الحرم المطهر من الباب المسمات باسمه وفتحت لأجله المعروفة اليوم بباب المراد و هى مغلوقة دائما فى جهة القبلة. و من هنا لم تفتح هذه الباب إلا لسطان المسلمين قدم لزيارة الحرم. و آخر من دخل منها السلطان ناصرالدين شاه قاجار الذى تولى السلطنة سنة ۱۲٦۰ و توفى سنة ۱۳۱۳. (المؤلف)

عبدالله بن الحسين اليزدى فاضل عالم جليل امامى، و قرأ عليه الشيخ حسن بن الشهيد الثانى، و السيد محمد بن السيد ابى الحسن العاملى، و قرأ عليهما انتهى.

و المعروف أنه قرأ عليهما الفقه و الأصول فى النجف و حضرا عليه العلوم العقلية. و فى السلافة أنه استاذ الشيخ بهاء الدين، كان علامة زمانه لم يدانيه أحد فى العلم و الورع.

و فى الروضات ص٣٦٣ عبدالله بن شهاب‌الدين حسين اليزدى الشهابادى الفاضل العالم الفقيه المنطقى الجامع الكامل المعروف، صاحب الحواشى على «تهذيب المنطق» للعلّامة التّفتازانى المعروفة بحاشية مولى عبداللّه و غيرها من المؤلفات، كما ذكره صاحب «رياض العلماء». و كان شريک الدّرس مع المولى أحمد الأردبيلى المتوفى سنة ۹۹۳ المعروف، و المولى ميرزا جان الباغنوى الشّيرازى السنّى المشهور، فى قراءة العلوم العقلية عند المولى جمال‌الدين محمود تلميذ العلّامة الدّوانى، و فيها إنما كانت قرائته على ولدى الشهيد المذكور و ان تقدم عليهما طبقة فى خصوص العلوم الشرعية و ذلک فى النجف الاشرف. و تلمذ أيضا على السيد الأمير غياث‌الدين منصور الشيرازى فى شيراز صاحب المدرسة المنصورية انتهى.

مؤلفاته

حاشية على حاشية الخطائى فرغ منها فى اواخر سنة ۹٦۲ فى شيراز فى مدرسة استاذه غياث‌الدين المذكور، و حاشية على

تهذیب المنطق المعروفة الیوم بحاشیة الملاعبدالله فرغ منها فی اواخر ذیقعدة سنة ۹٦۷ فی المشهد المقدس الغروی، و حاشیة علی شرح الشمسیة، و شرح القواعد فی الفقه، و شرح العجالة، و حاشیة علی الحاشیة القدیمة الجلالیة علی الشرح الجدید للتجرید، و حاشیة علی الحاشیة القدیمة الجلالیة علی شرح المطالع و علی حاشیة السید علیه، و شرح فارسی علی تهذیب المنطق، و حاشیة أخری علی بحث الموضوع من تهذیب المنطق، و علی حاشیة الدوانی رسالة برأسها، و حاشیة علی مبحث الجواهر من شرح التجرید.

وفاته

توفی[۱] فی النجف فی عهد الشاه عباس الأول الصفوی و دفن فی الحرم العلوی الاقدس فی السرداب الذی دفن فیه عضد الدولة البدیهی، الواقع بین عتبة الباب الأولی و الثانیة للاستیذان من الشرق، و بابه من الزاویة الیسری الداخل من ایوان الذهب مما یلی باب الرحمة، و زعم مناؤوه انه اخرج عضد الدولة من هذا السرداب و دفنه مما یقرب من الرکن الرابع للصحن... و هو افتراء کذبه الاثر و النقل المتواتر.[۲]

---

۱. جاء فی روضات‌الجنات واحسن‌التواریخ المولی عبدالله الیزدی توفی فی بلاد عراق العرب فی اواخر دولة السلطان شاه طهماسب الصفوی سنة ۹۸۱ و کان مدفنه فی جوار ائمة العراق. (الناشر)

۲. حرزالدین، محمد؛ *معارف الرجال فی تراجم العلماء والأدبا*؛ ج۲، ص٤ ـ ۷.

۱۷. أعیان الشیعة از سید محسن امین (م ۱۳۷۱ق)[۱]

المولی عبدالله بن شهاب الدین حسین الشهاب‌آبادی

معاصر للاردبیلی قرأ علیه صاحبا المعالم و المدارک فی العقلیات و قرأ علیهما فی الشرعیات توفی سنة ۹۸۱ له شرح العجالة و هو حاشیة علی الجلالیة الدوانیة علی تهذیب المنطق و سمیت بالعجالة لما فی أوله هذه عجالة نافعة و غلالة رائعة و یظهر من الریاض ان اسم الشرح الخرارة و له الحاشیة المشهورة علی تهذیب المنطق.

و کان خازن الحرم الشریف الغروی من قبل السلاطین الصفویة و کذلک ولده خزنة الحرم الشریف و الیه تنتسب الطائفة المشهورة ببیت الملا الموجودة الآن فی النجف. [۲]

۱۸. ریحانة الأدب از میرزا محمدعلی مدرس (م ۱۳۷۳ق)[۳]

یزدی، ملاعبدالله بن شهاب‌الدین حسین یزدی شاه آبادی که در محلهٔ شاه آباد نامی از شهر یزد سکونت داشت. لقبش نجم‌الدین بوده و گاهی خود را به عبارت نجم بن شهاب موسوم به عبدالله معرفی می‌نماید. وی از فحول علمای امامیه و متبحرین فقهای

---

۱. عاملی، سیدمحسن امین؛ *أعیان‌الشیعة*؛ ج۱، ص۳۵۷.
۲. عاملی، سیدمحسن امین؛ *أعیان‌الشیعة*؛ ج۸، ص۵۳.
۳. مدرس، میرزا محمدعلی؛ *ریحانة الأدب در شرح احوال و آثار*؛ انتشارات خیام، ۱۳۶۹ش.

اثنی‌عشریه می‌باشد جامع معقول و منقول، حاوی فروع و اصول، علامهٔ وقت خود، مرجع استفادهٔ اکابر، در علم و ورع و تقوی بی‌نظیر بود.

علاوه بر تبحر معقولی که مسلم یگانه و بیگانه می‌باشد تمهّر او در فقه نیز به حدّی بوده که بالاستحقاق می‌گفته است اگر بخواهم به توفیق خداوندی تمامی مسائل آن را با ادلّه و براهین عقلیّه طوری واضح و روشن می‌نمایم که ابداً جای ردّ و مجال چون و چرا نمی‌ماند.

ملاعبدالله بهابادی; با مقدس اردبیلی; و نظائر وی معاصر و با ملامیرزاجان باغنوی نیز شریک درس بود. هر دو فنون علم معقول را از جمال‌الدین محمود تلمیذ جلال‌الدین دوانی خوانده‌اند. خودش نیز از اساتید شیخ بهائی; بوده و صاحب معالم و صاحب مدارک نیز معانی و بیان و منطق را از وی خوانده‌اند. به نوشتهٔ امل الآمل او نیز از ایشان درس خوانده یعنی ملاعبدالله نیز علوم شرعیّه را از ایشان در نجف خوانده است. چنانچه گویند خواجه نصیر طوسی شرعیّات را نزد علامه حلی; خوانده در مقابل عقلیات خواندن علامه نزد خواجه که از مسلّمات است.

از تألیفات ملاعبدالله است:

۱. التجارة الرابحة فی تفسیر السورة والفاتحة؛ ۲. حاشیهٔ استبصار؛ ۳. حاشیهٔ تهذیب المنطق به عربی که بس معروف، بارها چاپ، از کتب درسی طلاب و به حاشیهٔ ملاعبدالله معروف

است و ظاهر معنی آن‌که ملاعبدالله دو فقره حاشیهٔ عربی به تهذیب المنطق نوشته است: یکی آن‌ها همین حاشیهٔ معمولی درسی و یکی دیگر هم چاپ نشده و نسخه‌اش در کتابخانهٔ رضویه موجود است؛ ٤. حاشیهٔ تهذیب المنطق به عربی که تنها حاشیهٔ ضابطهٔ اشکال اربعهٔ آن کتاب است؛ ٥. حاشیهٔ تهذیب المنطق به فارسی؛ ٦. حاشیهٔ شمسیهٔ قطبی؛ ۷. حاشیهٔ مختصر مطول؛ ۸. حاشیهٔ مطول؛ ۹. الدرة السنیة فی شرح الرسالة الألفیة که شرح الفیهٔ شهید است؛ ۱۰. شرح قواعد در فقه. چنانچه سید علی خان مدنی در سلافة العصر بدو نسبت داده و بعضی احتمال داده‌اند که شرح قواعد از ملاعبدالله یزدی نبوده و از معاصرش ملاعبدالله تستری است و در نسبت، اشتباه اسمی شده است. وفات ملاعبدالله یزدی; به سال نهصد و هشتاد و یکم ه .ق در عراق عرب در اواخر دولت شاه طهماسب صفوی واقع گردید.

۱۹. ماضی النجف وحاضرها از شیخ جعفر باقر آل محبوبه (م ۱۳۷۷ق)

الملا عبدالله بن شهاب‌الدین حسین الیزدی، العلامة الفاضل الفقیه المنطقی الجاع للعلوم العقلیة والحاوی للکمالات الروحیة و هو الأصل لهذی الأسرة و إلیه تعود و عنه تفرعت.

ذکر العلامه الخبیر المتتبع السید حسن الصدر فی تکملة أمل الآمل فی ترجمة الاملا عبدالله بن الملا طاهر... ما نصه:

بیت الملالی المشهورین فی النجف، ذرّیة الملاعبدالله الیزدی.

کانت فیهم خازنیة الحرم العلوی الشریف و هی من متعلقات جدّهم الملا عبداللّه الیزدی إلی زمن الملا یوسف؛ فأخذت من أیدیهم بعد موته و نقلت إلی السادة آل الرفیعیّ.

اشتهر فی المعقول حتی ظن فیه أنه لا خبرة له بغیره، و قد قال هو إنی لو شئت أن أقیم علی کل مسألة شرعیة برهاناً من أدلة المعقول بحیث لم یکن لأحد رده لفعلت!!

«تخرجه» کان شریکا فی الدرس مع المولی أحمد الاردبیلی النجفی و المولی میرزا جان الباغنوی الشیرازی السنی المشهور فی قراءة العلم العقلیة عند المولی جمال الدین محمود تلمیذ العلالمة الدوانی. و قرأ العلوم الشرعیة فی النجف الأشرف علی المحقق الشیخ حسن ابن الشهید الثانی صاحب المعالم و العلامة السید محمد ابن السید ابو الحسن الموسوی العلاملی صاحب المدارک وقرئا علیه العلوم العقلیة و قرأ أیضا علی الدمیر غیاث‌الدین منصور الشیرازی صاحب المدرسة فی شیراز و قرأ علیه الشیخ البهائی کما فی السلافة .

آثاره

له مؤلفات نافعة فی المعقول و علی بعضها مدار الدرس منذ عصره حتی الیوم، منها:

۱. الحاشیة علی التهذیب للعلامة التفتازانی المعروفة بحاشیة ملاعبدالله، فرغ منها فی الغری سنة ۹٦۷؛

۲. حاشیة علی حاشیة الخطائی، فرغ منها فی أواخر سنة ۹٦۲ فی شیراز فی المدرسة المنصوریة؛

۳. حاشية على شرح الشمسية و هى حاشية على الحاشية القديمة للدوانى على شرح الشمسية و على حاشية السيد عليه (أى على شرح الشمسية)؛

٤. شرح العجالة و هو حاشية على حاشية العلامة الدوانى أيضاً على تهذيب المنطق؛

٥. حاشية على الحاشية القديمة الجلالية على الشرح الجديد للتجريد؛

٦. حاشية على الحاشية القديمة الجلالية على شرح المطالع؛

۷. شرح فارسى لتهذيب المنطق؛

۸. حاشية على بحث الموضوع من تهذيب المنطق؛

۹. حاشية على مبحث الجواهر من شرح التجريد؛

۱۰. حاشية على مختصر التلخيص؛

و له فى الفقه:

۱۱. شرح على القواعد.

و كانت له مدرسة دينية فى النجف معروفة - كما تحكيه بعض الصكوک القديمة، و يعيّن موقعها بعض حملة الآثار فى محلة المشراق فى حارة آل كمونه، و هى اليوم من بعض الدور و تعرف كما فى بعض الصكوک بالمدرسة القديمة.

«وفاته» توفى أواخر دولة السلطان الشاه طهماسب الصفوى سنة ۹۸۱ - كما فى أحسن التواريخ.[۱]

---

۱. آل‌محبوبه، جعفرالشيخ باقر؛ *ماضى النجف و حاضرها*؛ ج۳، ص۱٥٦.

۲۰. نجوم السرد از جواد مدرسی (م ۱۳۸۷ق)[۱]

۱۷٦. ملاعبدالله یزدی

فرزند شهاب‌الدین حسین یزدی. بنا بر نقل تاریخ مفیدی و نیز مشهور علمای یزد و بهاباد، وی اصلاً از اهالی بهاباد یزد می‌باشد.

بعضی او را شهابادی خوانده‌اند که اصلِ این اشتباه از کتاب *روضات الجنات* سرچشمه گرفته است.

مدرس خیابانی تبریزی در کتاب ریحانة الأدب، او را چنین معرفی کرده است:

لقبش نجم‌الدین بوده و گاهی خود را به عبارت نجم بن شهاب موسوم به عبدالله معرفی می‌نماید. از فحول علمای امامیه است که جامع معقول و منقول، و علامهٔ وقت خود، و مرجع استفادهٔ اکابر، و در علم و ورع بی نظیر بوده. از ایشان نقل است که می‌گفته اگر بخواهم تمامی مسائل فقه را از روی ادلهٔ عقلیه ثابت کنم، می‌توانم.

ملاعبدالله بهابادی یزدی; با مقدس اردبیلی; معاصر، و ملامیرزا جان باغنوی نیز، شریک درس و هر دو، فنّ معقول را از جمال‌الدین محمود، تلمیذ جلال‌الدین دوانی خوانده و خودش از اساتید شیخ بهائی بوده، و صاحب مدارک نیز معانی، بیان و

---

۱. مدرسی، سیدجواد؛ *نجوم السرد بذکر علماء یزد*؛ ص٤٥٠.

منطق را از وی آموخته‌اند و به نوشتهٔ امل الآمل او نیز دس فقه را از ایشان در نجف اشرف خوانده است.

تألیفات ملاعبدالله به شرح زیر است:

۱. التجارة الرابحة فی تفسیر سورة الفاتحة؛

۲. حاشیهٔ استبصار؛

۳. حاشیهٔ تهذیب المنطق به عربی، که بسی معروف و به حاشیهٔ ملاعبدالله مشهور است و ظاهر بعضی این است که ملاعبدالله دو حاشیه بر تهذیب دارد یکی همین حاشیهٔ معروف و دیگری هم چاپ نشده که نسخه‌اش در کتابخانهٔ رضویه موجود است؛

٤. حاشیهٔ تهذیب المنطق به عربی که تنها حاشیهٔ ضابطهٔ اشکال اربعهٔ آن کتاب است؛

٥. حاشیهٔ تهذیب المنطق به فارسی؛

٦. حاشیهٔ شرح شمسیهٔ قطبی؛

۷. حاشیهٔ مختصر مطوّل؛

۸. حاشیهٔ مطول؛

۹. الدرة السنیة فی شرح الرسائل الالفیة که شرح الفیهٔ شهید است؛

۱۰. شرح قواعد در فقه که بعضی گفته‌اند از ملاعبدالله بهابادی نبوده و از معاصرش ملاعبدالله تستری است؛

۱۱. الخرارة فی شرح العجالة در منطق به زبان عربی؛

۱۲. حاشیه بر حاشیهٔ قدیم دوانی بر شرح تجرید. نام این دو کتاب در فهرست کتابخانهٔ آیت الله مرعشی نجفی قم، آمده است.

۱۳. بنابر نقل، حاشیه‌ای بر ختایی دارد که حاشیه بر مختصر تفتازانی است و به خط خودش در کتابخانهٔ ملک تهران موجود است.

وفات ملاعبدالله در سال ۹۸۱ ه .ق در عراق اتفاق افتاد، ولی به نقل منتظم ناصری تاریخ وفاتش ۹۸۸ ه .ق بوده است.[۱]

محل دفن ایشان هم بنا بر نقل منتخب التواریخ، نجف اشرف می‌باشد. از مجلّهٔ یغما نقل شده که به ایران آمده و مراجعتش به عراق، معلوم نیست. مؤلف می‌گوید:

در بهاباد، اکنون قبری مورد توجه مردم است که بنابر مشهور، قبر ملاعبدالله می‌باشد.

در کتاب نجوم السماء از سلافه چنین نقل شده است:

«ملاحسنعلی پسر ملاعبدالله، عالم صالح و قدوهٔ فضلای کرام، در سال ۱۰۶۹ وفات یافته است.[۲]

---

۱. در نسخه تاریخ منتظم ناصری به تصحیح محمداسماعیل رضوانی وفات ملاعبدالله بهابادی یزدی[۱] ذیل وقایع سال ۹۸۱ق (همان نقل مشهور) آمده است: [اعتمادالسلطنه، محمدحسن؛ *تاریخ منتظم ناصری*؛ ج۲، ص۱۰۶۸]

۲. کشمیری، آزاد؛ *نجوم‌السماء*؛ ص۴۳۱ ـ ۴۳۳.

۲۱. طبقات اعلام الشیعه از علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی (م ۱۳۸۹ق)[۱]

عبداللّه الیزدی

نجم‌الدین بن شهاب‌الدین حسین المتوفی فی عراق العرب سنة ۹۸۱ کما فی «أحسن التواریخ» کان معاصراً للمقدس الأردبیلی و مشارکا معه و مع المیرزا جان الشیرازی العامی فی التلمذ علی جمال‌الدین محمود الشیرازی تلمیذ المحقق الدّوانی و هو صاحب الحاشیة المشهورة علی «تهذیب المنطق» و قد فرغ منه فی ضحوة الأربعاء ۲۷ قعدة ۹٦۷ و یوجد مکتوب الشهید الثانی إلی صاحب الترجمة فی مجموعة مختصرة موجودة فی الرضویة. و فرغ من الحاشیة علی المختصر (ذ ٦ قم ۳٦٦) فی المدرسة الصدریة المنصوریة بشیراز فی ۱۷ ذی‌الحجة ۹٦۲ و تلمّذ علیه البهائی فی العلوم العقلیة کما فی «تاریخ عالم‌آرا» المؤلف ۱۰۲۵.[۲]

۲۲. خدمات متقابل اسلام و ایران از استاد شهید مرتضی مطهری(ره) (۱۳۵۸ش / ۱۳۹۹ق)

ملاعبدالله یزدی صاحب حاشیه معروف بر منطق التهذیب که به حاشیه ملاعبدالله معروف و کتاب درسی طلاب در منطق است. بعضی مدعی شده‌اند که از علوم

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *طبقات اعلام الشیعه*؛ ج٤، ص۱۳۵.
۲. همان.

شرعیه بی‌اطلاع بوده‌است، ولی بر عکس، هم فقیه بوده و هم اهل معقول، خصوصاً منطق. در شیراز نزد جمال‌الدین محمود سابق‌الذکر و امیر غیاث‌الدین دشتکی تحصیل کرده است در آخر عمر به عراق رفته و مجاور شده و در همانجا در سال ۹۸۱ درگذشته است.[۱]

۲۳. آینهٔ دانشوران از سید علیرضا ریحان یزدی (م ۱۳۶۳ش) [۲]

۳۱ . ملاعبدالله بهابادی یزدی

ملاعبدالله یزدی از بزرگان و مشاهیر علماست و استاد شیخ بهائی است و صاحب تألیفاتی است از جمله حاشیه‌ای بر ختائی[۳] که نسخه‌ای از آن به خط خودش مورخ ۹۶۲ به شماره ٦٦٢ در کتابخانه ملک موجود است. وفات ملاعبدالله حسب نوشتهٔ منتظم ناصری، سال ۹۸۸ واقع شده.

٢٤. معجم المؤلفين از عمر رضا كحاله (م ١٤٠٨ق)

عبداللّه اليزدی (... - ١٠١٥ ه) (٠٠٠-١٦٠٦ م)

عبد اللّه بن الحسين اليزدی. عالم، مشارک فی بعض العلوم. توفی باصبهان. من آثاره: شرح تهذيب المنطق و الكلام لسعد

---

۱. مطهری، مرتضی؛ *خدمات متقابل اسلام و ایران*؛ ص۵۸۰.

۲. ریحان یزدی؛ سیدعلیرضا؛ آینهٔ دانشوران، چاپ سوم، ص۱۸۷.

۳. خطائی صحیح است.

الدين التفتازانى، شرح القواعد فى الفقه، حاشية على شرح الشمسية، حاشية على الشرح المختصر على التلخيص للسعد، و شرح العجالة. (خ) فهرس كتب منتخبة من خزائن استانبول ۹۸ (ط) المحيى: خلاصة الاثر ۳:٤۰، البغدادى: هدية العارفين ۱:٤۷٤ الخوانسارى: روضات الجنات ۳٤۳، فهرست الخديوية ٦: ۷۹، ۸۲، اسعد طلس: الكشاف ۲۰۸، المكتبة البلدية: فهرس المنطق ۲۲، فهرس البلاغة ٦، حاجى خليفة: كشف الظنون ٤۷٦، عباس قمى: فوائد الرضوية ۲٤۹

۲۵. معجم رجال الحديث از آیت الله خوئی (م ۱٤۱۳ق)

٦۸۲۹. عبدالله بن الحسين اليزدى:

قال الشيخ الحر فى تذكرة المتبحرين (٤٦٥): «مولانا عبدالله بن الحسين اليزدى.

فاضل، عالم، جليل، إمامى، له حاشية على حاشية الخطائى، و حاشية على شرح الشمسية و غير ذلک.

و قرأ عليه الشيخ حسن ابن الشهيد الثانى، و السيد محمد بن أبى الحسن العاملى، و قرأ عليهما. و ذكره صاحب السلافة فقال: عبدالله بن الحسين اليزدى أستاد الشيخ البهائى، كان علامة زمانه، لم يدانه أحد فى العلم والورع، و له مؤلفات مفيدة كشرح القواعد فى الفقه، و شرح العجالة و [حاشية] التهذيب فى

المنطق و غیر ذلک» (إنتهی).[۱]

۲۶. رجال الفکر والادب فی النجف شیخ محمدهادی امینی (م ۱۳۷۹ش/ ۱۴۲۱ق)

الملاعبدالله ابن الملا شهاب‌الدین حسین الیزدی النجفی المتوفی ۹۸۱ / ۱۵۶۱.

الفقیه المنطقی و العالم المحقق، و المؤلف المتتبع الذی اشتهر بعلم المعقول و تخصص به أکثر من غیره. و کان فقیهاً له نوادر ضافیة و مکارم أخلاق و حسن تدبیر و علوّ منزلة، و صار خازناً لروضة أمیرالمؤمنین۷ فی النجف الأشرف.

و حین زار السلطان الشاه عباس الأول الصفوی لیتولی نقابة الحرم المقدس و یتسلم المفاتیح و الخزانة، شاهد من المترجم له من عنایة و حسن تدبیر و تصرف و أمانة و عقل مما دفع الشاه عباس أن یقرء علی ولایته للروضة و ملحقاتها، فبقیت نقابة الحرم بیده و بأیدی أولاده و أحفاده، و جلّهم علماء و فضلاء و من أهل الأدب و الکمال و کانت السدانة بأیدیهم إلی سنة ۱۲۷۲ق عقبه: الملاحسین.

کان المترجم له علامة زمانه لم یدانیه أحد فی الورع و العلم و الفضل، و کان زمیل المولی أحمد المقدس الأردبیلی المتوفی ۹۹۳ق فی الدرس، تتلمذ علی الشیخ حسن ابن الشهید الثانی، و

---

۱. خویی، سید ابوالقاسم؛ *معجم رجال الحدیث*؛ ج۱۱، ص۱۸۱ ـ ۱۸۲.

السید محمد ابن السید أبو الحسن العاملی فی الفقه و الحدیث و الأصول فی النجف و حضرا علیه العلوم العقلیة. و لم یزل یواصل التدریس و التألیف إلی أن مات فی النجف سنة ۹۸۱ق و دفن فی الحرم العلوی الأقدس.

له: التجارة الرابحة فی تفسیر سورة الفاتحة. حاشیة الاستبصار. حاشیة تهذیب المنطق. حاشیة تهذیب المنطق فارسیة. حاشیة شرح الشمسیة للقطبی. حاشیة مختصر المطوّل. حاشیة المطول. حاشیة شرح التجرید. الخرارة فی شرح العجالة. الدرة السنیة فی شرح الرسالة الألفیة. رسالة فی التشکیک. شرح تهذیب المنطق. شرح قواعد العلامة الحلی فی الفقه.[۱]

۲۷. مشاهیر مدفونین در نجف نوشته کاظم عبود فتلاوی (م ۱٤۲۸ق)

الملّا عبداللّه الیزدی[۲] . . . - ۹۸۱

الملّا نجم‌الدین عبداللّه بن الحسین الیزدی البهابادی، عالم منطقی مشهور

تلمذ فی شیراز علی جمال‌الدین محمود الشیرازی و غیره من علماء عصره، ثمّ انتقل إلی النجف و سکنها بقیة عمره مواصلا التدریس و الإفادة، و هو صاحب (الحاشیة) المشهورة المتداولة علی (تهذیب المنطق).

---

۱. امینی، محمدهادی؛ *معجم رجال الفکر والأدب فی النجف*؛ ج۳، ص۱۲۳۸ - ۱۲۳۹.

۲. امینی، محمدهادی؛ *معجم رجال الفکر والأدب فی النجف*؛ ج۲، ص٤. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج٦، ص٥۳.

و هناک نوع غموض فی حیاته، و لم تسعفنا المصادر المتداولة إلّا بنزر من أحواله، لذا تجد ارتباکا واضحاً بین شخصیته و شخصیة جدّ الملالی خزنة حرم أمیرالمؤمنین[۷] و المسمّی أیضاً بـ(الملّاعبدالله)، و حاصله أنّ الأوّل من أعلام القرن العاشر الهجری، و الثانی من أهل القرن الحادی عشر و المسألة تحتاج إلی تحقیق.

توفی بالنجف سنة ۹۸۱ و دفن فی الصحن الشریف داخل الرواق المطهر.[۱]

۲۸. موسوعة طبقات الفقهاء از آیت الله شیخ جعفر سبحانی (دام ظله)

عبدالله الیزدی[۲] (... - ۹۸۱ ه)

عبد اللّه بن الحسین الیزدی، نزیل النجف، العالم الإمامی، المنطقی، صاحب الحاشیة علی «تهذیب المنطق» المعروفة بحاشیة الملا[۳]عبداللّه، و یلقّب: نجم‌الدین.

وصفه المحبّی فی«خلاصة الأثر» بعلامة زمانه، و قال: کان منهمکا علی المطالعة والاشتغال بالعلم و منحه لمستحقیه، و

---

۱. عبود الفتلاوی، کاظم؛ *مشاهیر المدفونین فی الصحن العلوی الشریف*؛ ص۱۸۸-۱۸۹.

۲. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۳، ص۳۸۵. قمی، عباس؛ *سفینة البحار*؛ ج۲، ص۱۳۲. قمی، عباس؛ *الفوائد الرضویة*؛ ص۲۴۹

۳. و إلیه تنسب أسرة الملالی التی تمکنت طیلة ثلاثة قرون من سدانة الحرم العلوی المقدس فی النجف الأشرف، و کان لبعضهم زمام الحکم المطلق فی البلاد ثم نزحوا عن النجف(سنة ۱۲۸۹ ه)، فتلاشی صیتهم.ماضی النجف و حاضرها.

کان مبارک التدریس ما اشتغل علیه أحد إلّا انتفع به.

و قال الأفندی التبریزی: العلّامة المتکلّم الفقیه المنطقی.

أخذ المترجم عن: جمال‌الدین محمود الشیرازی تلمیذ الدوانی، و الأمیر غیاث‌الدین بن منصور الشیرازی.

و برع فی التعلیقات، و صنّف فیها، و درّس.

و ارتحل إلی النجف الأشرف، و قرأ فی الفقه و الحدیث علی: الحسن بن الشهید الثانی، و السید محمد بن علی بن أبی الحسن الموسوی صاحب «المدارک» و قرءاهما علیه فی العقلیات.[۱]

و کان شریکاً و زمیلاً للمقدّس أحمد الأردبیلی.

و ممن أخذ عن المترجم: بهاءالدین محمد بن الحسین بن عبد الصمد الحارثی العاملی، و ظهیر الدین إبراهیم بن الحسین بن عطاء الهمدانی.

و له تصانیف وصفها المحبی بأنّها مفیدة سهلة العبارة مع الوجازة، منها:

الحاشیة علی الشرح المختصر لتلخیص المفتاح فی البلاغة ألفها بشیراز (سنة ۹٦۲ه)، الحاشیة علی«تهذیب المنطق» للتفتازانی(مطبوع)، ألّفها بالنجف (سنة ۹٦۷ ه) و صارت مدارا للتدریس لزمن طویل، شرح القواعد فی الفقه، و حاشیة علی

---

۱. و کان قد ورد النجف و درسا علی المقدس أحمد الأردبیلی(المتوفّی ۹۹۳ ه)، رفیق المترجم فی الأخذ عن جمال‌الدین محمود الشیرازی.

مبحث الجواهر من شرح التجريد.

توفّی بالنجف الأشرف. سنة إحدى و ثمانين و تسعمائة[۱].

و كانت له مدرستان دينيتان إحداهما فی النجف، و الأخرى فی أصفهان.[۲]

۲۹. اثرآفرینان از انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

یزدی، نجم‌الدین عبداللّه؛ قرن: ۱۰؛ وفات: ۹۸۱ ق

عالم دینی، فقیه و منطقی. جامع معقول و منقول بود. وی همدرس ملااحمد مقدس اردبیلی و ملامیرزا جان باغنوی شیرازی بود و در فراگیری علوم عقلی نزد ملا جمال‌الدین محمود شاگرد علامه دوانی تلمذ نمود.

شیخ حسن بن شهید ثانی، صاحب «معالم» و سید محمد بن ابوالحسن عاملی، صاحب «مدارک» بر او قرائت کرده‌اند. او نیز به نوبه خود نزد ایشان علوم شرعیه را فراگرفته است.

در «هفت اقلیم» از خود وی نقل شده که گفته است اگر برهان و دلایل عقلی بر مسائل فقهی بیاورم علم فقه را چنان مدلل سازم که مجال چون و چرا نماند. وی صاحب حاشیه معروف بر «تهذیب المنطق» تفتازانی مشهور به «حاشیه ملاعبداللّه» و از اساتید شیخ‌بهائی می‌باشد.

و فی خلاصة الأثر: و كانت وفاته فی سنة خمس عشرة بعد الألف بمدينة أصبهان.

۲. سبحانی، جعفر؛ *موسوعة طبقات الفقهاء*؛ ج۱۰، ص۱۳۳ ـ ۱۳۵.

اصحاب تراجم مراتب علم، تقوی، زهد و ورع او را ستوده‌اند. در اواخر دولت شاه طهماسب صفوی در عراق عرب درگذشت. در «الاعلام» و «معجم‌المؤلفین» وفات وی ۱۰۱۵ ه .ق در اصفهان ذکر شده است. از دیگر آثار او: «التجارة الرابحة فی تفسیر السورة والفاتحة»؛ «الدرة السنیة فی شرح الرسالة الالفیة» که شرح «الفیه» شهید اول است؛ حاشیه بر «حاشیه خطائی»؛ حاشیه بر «شرح شمسیه» قطبی؛ حاشیه بر «استبصار»؛ شرح «القواعد» در فقه؛ حاشیه بر «مطول»؛ شرح «العجالة» محقق دوانی.[۱]

۳۰. گفتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر قاسم کاکایی[۲]

پس از رحلت غیاث‌الدین منصور دشتکی فرزند بزرگ و وارث منصب علمی و کرسی درس صدرالدین محمد دشتکی(سیدسند)، به علل گوناگونی حوزه فلسفی شیراز از جوانب مختلف مورد فشار و بی‌مهری قرار گرفت و فضلا و دانشمندان شیراز مجبور به جلای وطن شدند. از جمله این علل می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. تحولات سیاسی- اجتماعی؛

۲. قوی‌تر شدن حکومت مرکزی صفویه؛

---

۱. انجمن مفاخر فرهنگی، اثرآفرینان، ج٦، ص۱۵۹.

۲. دبیرخانهٔ بزرگداشت علامه میرزا عبد الله بهابادی http://www.molaabdellah.ir

۳. شروع اختلافات بین غیاث‌الدین منصور و دستگاه صفوی؛
٤. ستیز برخی از کوته‌نظران درباری نسبت به حکمت و فلسفه.

با وجود تمامی این علل مکتب فلسفی شیراز با این هجرت‌ها نه تنها از بین نرفت، بلکه در نقاط و سرزمین‌های دیگر گسترش یافت. شاگردان با واسطه و بی‌واسطه[۱] غیاث‌الدین منصور، همچون ملاعبدالله بهابادی صاحب حاشیه و دیگران مکتب شیراز را که وارث حکمتِ اسلامیِ مشاء و اشراق بود در تمام مراکز علمی آن روز گسترش دادند.

پس از استقرار حکومت صفوی، شاهان صفوی برای تعلیم اصول و فروع مذهب امامی اثنی‌عشری و برای تقویت وجهه مذهبی حکومت خود ناچار بودند دست یاری به سوی علماء بزرگ دراز کند. برای اجرای‌شدن این ایده، حکومت قصد داشت تا ابتدا از علماء بزرگ و صاحب نظر که در دسترس بودند، استفاده کند. به‌طور طبیعی به دلیل جایگاه رفیعی که غیاث‌الدین منصور دشتکی در شیراز داشت، انتظار می‌رفت که حکومت

---

۱. جمال‌الدین محمود شیرازی بارزترین شاگرد غیاث‌الدین منصور دشتکی محسوب می‌گردد که فضلای زیادی چون مرحوم مقدس اردبیلی;، ملاعبدالله یزدی; صاحب کتاب معروف حاشیه ملاعبدالله، عبدالواحدبن علی استاد قاضی نورالله شوشتری، ملاحاجی محمود یزدی، ملامیرزا جان باغنوی، سید حسین عمیدی، ملاعبدالله شوشتری، افضل‌الدین محمد ترکه، ملامحمد شریف اصفهانی رویدشتی، ملا آقاجان شیروانی و شاه ابومحمد شیرازی همزمان در این حوزه نزد او درس می‌خوانده‌اند.

صفوی برای عملیاتی شدن این ایده دست یاری به سمت ایشان داز کنند، اما بعدها بنا به دلائلی حکومت صلاح را در این دید که این مسأله را متوجه خارج مرزهای ایران به خصوص منطقه جبل عامل نماید به همین منظور از محقق کرکی; درخواست یاری کردند و محقق بنا به دلایلی درخواست آنان را استجابت کرد. بدین ترتیب با قدرت ظاهری که شاهان صفوی به محق کرکی دادند و با توجه به این که ایشان اصالتاً اهل ایران نبود، لذا با وضعیت سیاسی اجتماعی ایران چندان آشنایی نداشت. در چنین شرایطی طبیعی بود که فرصت‌طلبان و نان به نرخ روز خوران دور ایشان را به‌عنوان مشاور گرفتند و با استفاده از قدرت قزلباش‌ها دست به اقداماتی کردند که محقق کرکی; از آن اطلاعی نداشت و بعد از اطلاع پیدا کردن از این رویدادها اظهار تأسف کرد. از جمله این اقدامات برخوردهای ناشایست با برخی از بزرگان علوم معقول بود که در سر سلسله آن‌ها غیاث‌الدین منصور دشتکی قرار داشت. البته در ابتدای ورود محقق کرکی به ایران روابط بسیار خوبی بین ایشان و غیاث‌الدین منصور دشتکی برقرار بود منتهی بعدها که نزاع بین علوم معقول و منقول پیش آمد این روابط تحت تأثیر برخی مسائل دیگر قرار گرفت که در نتیجه این اختلاف‌ها غیاث‌الدین از منصب صدارت استعفاء داده و به شیراز برگشت و تا آخر عمر خود به کار تألیف و تدریس پرداخت.

ملاعبدالله بهابادی صاحب حاشیه برخلاف استادِ استاد خود

غیاث‌الدین منصور دشتکی توانست، راه تعامل با حکومت صفوی را برگزید. این انتخاب صحیح توسط ایشان و هم دوره‌های وی موجب گشت مکتب شیراز از انزوا و نابودی بیرون آمده و در حوزه علمیه نجف تأثیرات شگرفی بگذارد.

ملاعبدالله بعد از هجرت به نجف علاوه بر تدریس علوم معقول منصب خزانه‌داری حرم امیرالمومنین علی[۷] را برعهده گرفت. بعدها از دهه چهارم قرن یازدهم حوزه علمیه نجف همانند دیگر حوزه‌های شیعه درگیر موضوع اخباری‌گری شد. بزرگ‌ترین تأثیر را در این بین محمدامین استرآبادی (متوفی ۱۰۳۳) داشت.

مکتب اخباری، با شتاب، در نجف و دیگر مراکز علمی عراق و ایران و بحرین نفوذ و بیش‌تر فقیهان را به خود جذب کرد. دانش اصولِ فقه و اصولیان از جنبش اخباری لطمات بسیار خوردند و حوزه علمیه نجف نیز از این آسیب‌ها مصون نماند.

اقدامات ملاعبدالله و بزرگان دیگر بستری را در نجف به وجود آورد تا با آمدن محمدمهدی بن مرتضی مشهور به بحرالعلوم(متوفی۱۲۱۲) از شاگردان وحید بهبهانی، حوزه نجف با پشت سر گذاشتن ناملایمات دوره اخباری‌گری، به دوره جدیدی گام نهاد.

این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که مجموعه انتقادهای دانشمندان اخباری و نیز میراث علمی آنان، به ویژه تلاش‌های آخرین فقیه نام‌بردار این جریان، شیخ یوسف بحرانی; و

کتاب مهم فقهی او، الحدائق الناضرة، در بالندگی و شکوفایی این دوره جدید، تأثیر درخور توجهی داشته است.

۳۱. ملاعبدالله بهابادی یزدی در بیانات مقام معظم رهبری

در علوم اسلامی، در تفسیر، در ریاضیات، در فقه، در حدیث، شخصیت‌های برجسته‌ای از این منطقه کویری - حاصلخیز نیروی انسانی – برخاسته‌اند. یزد را دارالعباده گفته‌اند، اما اگر یزد را دارالعلم هم بنامیم سخنی به گزافه نگفته‌ایم... مثلاً فرض بفرمایید ملاعبدالله صاحب حاشیه، که مال همین بهاباد شماست استاد شیخ بهایی - معاصر با مقدس اردبیلی - استاد منطق و فلسفه و ریاضیات و صاحب مدارک؛ خیلی نکته اساسی‌ای است. صاحب مدارک می‌دانید در بین فقهای ما- فقهای متأخرین- جزو برجسته‌هاست. استاد علوم عقلیِ صاحب مدارک، همین ملاعبدالله است و آن وقت نکته جالب که حالا الان یادم آمد در مورد زندگی ملاعبدالله عرض بکنم این عالم دینی برخلاف آنچه که امروز ممکن است بعضی گوشه کنار تصور کنند در متن فعالیت‌های سیاسی قرار گرفت و قرار داشت... آنوقت وضع آن جور بود که آن کسی که رئیس و خزانه‌دار آستان حرم امیرالمؤمنین[۷] بود، رئیس نجف هم بود. ملاعبدالله صاحب حاشیه حاکم نجف- شاید این را اکثراً ندانید- و جالب این است که حکومت در خانواده ملاعبدالله سال‌های متمادی ماند. تا زمان شیخ جعفر کاشف الغطاء:. و بعد از ایشان

خاندان ملالی (ملاها) حکومت می‌کردند.[۱]

۱. بیانات مقام معظم رهبری در جمع فضلا و روحانیون استان یزد در سال ۱۳۸٦ش.

بخش سوم

خاندان ملا عبدالله بهابادی یزدی

درآمد

دربارهٔ فرزندان و خاندان ملاعبدالله یزدی; اطلاعات پراکنده‌ای را می‌توان در منابع مختلف تاریخی جست.

از آنجایی که ملاعبدالله، خزانه‌دار حرم علوی۷ بود؛ این منصب در میان فرزندانش دست به دست گشته است؛ و فرزندان وی سلسله‌ای از کلیدداران حرم مطهر علوی۷ بوده‌اند؛ برخی از اینان از نامداران نجف بوده‌اند.

محمدأمین بن فضل الله حنفی(م ۱۱۱۱ق) در خلاصة الأثر ذیل نام شاگردانش از فرزند وی با نام حسن علی نام می‌برد.[۱] هم‌چنین سید علی خان مدنی در سلافة العصر فرزندی به نام مولاحسنعلی که از علماست برای وی ذکر کرده و تاریخ وفاتش را ۱۰۶۹ق درج کرده است، اما از زندگی وی چیزی نمی‌دانیم.

به جز وی به گواهی منابع ملاجلال‌الدین محمد منجم نیز از فرزندان او به شمار آمده است. با استناد به این منابع سلسله‌ای از فرزندان ملاجلال‌الدین از منجمان دربار صفوی بوده‌اند.

همچنین در منابعی افراد نامداری را از بستگان و خویشاوندان وی به شمار آورده‌اند.

بر این اساس، در این بخش، خاندان ملاعبدالله بهابادی را در سه قسمت می‌شناسانیم:

الف) کلیدداران حرم امیرمؤمنان۷ (بیت الملالی)؛

---

۱. محبی، محمد بن فضل‌الله؛ *خلاصة‌الأثر*؛ ج۳، ص۳۸ ـ ۳۹.

ب) منجمان دربار صفوی؛
ج) خویشان و بستگان ملاعبدالله یزدی.

الف) کلیدداران حرم امیرمؤمنان۷ (بیت الملالی)

تولیت و خزانه‌داری حرم امیرمؤمنان۷ از دیر باز یکی از مناصب رسمی و مورد توجه بوده است. خزانه دار یا تولیت بر اساس امر سلطان یا نظر آقایان علما انتخاب می‌شد و نسل به نسل با توجه به صلاحیت علمی و عملی افراد از پدر به فرزند منتقل می‌شد. خاندان مختلفی تولیت آستانهٔ مقدس حرم امیرمؤمنان۷ را بر عهده داشته‌اند. یکی از این خاندان‌های خوشنام، خاندان ملاعبدالله یزدی مشهور به بیت الملالی یا آل ملالی هستند.[۱] ملاعبدالله صاحب حاشیه نخستین کلیددار خزانه حرم امیرمؤمنان۷ در دورهٔ صفویه به شمار می‌آید؛ پس از وی این منصب در میان فرزندان وی برقرار بوده است و نوادگان او کلیددار حرم امیرمؤمنان۷ بوده‌اند. سید حسن صدر دربارهٔ این خانواده می‌نویسد:

> و هؤلاء بیت الملّا المشهورین فی النجف، ذرّیة المولی عبداللّه الیزدی. کانت فیهم خازنیة الحرم الشریف متلقّاة من جدّهم المولی عبداللّه الیزدی إلی زمن المولی یوسف فأخذت منهم بعد موته و انتقلت إلی السادات الأشراف

---

۱. عاملی، سیدمحسن امین؛ *أعیان‌الشیعة*؛ ج۳، ص۱۸. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۱، ص۱۶.

الرفيعيّة الموسويّة، أولهم السيد رضا الشهيد.[۱]

نام‌آوران این خانواده که در شمارش به پانزده تن می‌رسند مردمانی خوشنام، امین، و اهل علم بوده‌اند. در کتب تراجم متأخری همچون تکملهٔ امل الآمل سید حسن صدر، اعیان الشیعه علامه محسن امین، ماضی النجف و حاضرها شیخ جعفر باقر آل محبوبه، و معجم رجال الفکر و الأدب شیخ هادی امینی برخی از آنان شناسانده شده‌اند. علامه محسن امین با احتساب ملاعبدالله، دوازده تن،[۲] و ماضی النجف[۳] پانزده تن از آنان را به تصریح نام برده است؛ آنچه در ادامه آمده است از این کتب أخذ شده‌اند؛ گرچه در مواردی اطلاعاتی از دیگر کتب نیز بدانها افزوده شده است. کوشش شد ترتیب تاریخی در درج فهرست اسامی به کار رود.

۱. ملامحمد طاهر

او در سال ۱۰۷۲ کلیددار حرم بوده است.

علامه مجلسی از وی با وصف «الصالح التقی» یاد می‌کند به هنگامی که کرامتی از امیرمؤمنان[۷] را از او نقل می‌کند. می‌نویسد:

---

۱. صدر، حسن؛ *تکملة أمل الأمل*، ج۳، ص۳٤٦.

۲. عاملی، سیدمحسن امین؛ *أعیان‌الشیعة*؛ ج۳، ص۱۸.

۳. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۱، ص۱۶. و ج ۳، ص ۳۸۳ ـ ٤۰۵، ذیل مدخل «آل ملالی».

وإنی سمعت من المولی الصالح التقی مولانا محمد طاهر الذی بیده مفاتیح الروضة المقدسة... .[۱]

او از مجتهدین فاضل عصر خویش بوده است. وی یکی از تصدیق‌کنندگان اجازهٔ اجتهاد میرزا عمادالدین محمد حکیم ابو الخیر بن عبدالله بافقی در نجف به سال ۱۰۷۱ است.[۲]

۲. ملاعبدالله بن ملامحمد طاهر

یکی از علمای این خاندان است که سید حسن صدر در تکمله وی را چنین ستوده است:

خازن حرم مولانا أمیرالمؤمنین۷. عالم و ابن عالم و أبو علماء، و هو سمیّ جدّه المولی عبداللّه الیزدی صاحب حاشیة التهذیب المعروفة باسمه.

کان معاصراً للشیخ محمد بن عبد العلی النجفی المحاویلی کما یظهر من مقابلته معه بعض کتب الأدب فی سنة ۱۰۸۸ (ألف و ثمانی و ثمانین).

و له أولاد، منهم المولی عبد المطّلب...، و منهم المولی أحمد. و یظهر من وقفه لبعض الکتب علی أولاده أنّه من

---

۱. مجلسی، محمدباقر؛ *بحارالأنوار*؛ ج۹۷، ص۳۵۶.

۲. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۳، ص۳۹۰.

العلماء أيضاً.[۱]

آل محبوبه او را به بزرگواری و جلالت قدر ستوده و بخشی از مدح شیخ محمد علی بن شیخ بشار صاحب نشوة السلافه را دربارهٔ وی با مطلع «لقد غاب صبح الوصل فی غهیب الصد» نقل کرده است که می‌گوید:

هو العالم المفضال والفرقد الذی
لأهل الحجی مازال فی نوره یهدی
فلم أر شخصاً فی الوری کابن «طاهر»
یساميه فی الاحساب أو کرم الجد
إذا نصبت للصید أعلام مفخر
علی علم یوماً له رایة الحمد
وأخلاقه أبهی من الروض نضرة
طلیق المحیا للنزیل وللوفد

همچنین از خط وی بر پشت کتاب که نشان تملک نسخه خطی غریب القرآن فخرالدین طریحی است چنین نقل کرده است:

انتقل إلیّ بالبیع الشرعی و أنا أقل الخلیفة عبدالله الکلیدار فی سنة ۱۱۳۵.[۲]

شیخ جعفر آل‌محبوبه وفات وی را بعد از سال ۱۱٦۳ دانسته

---

۱. صدر، حسن؛ *تکملة أمل الأمل*؛ ج۳، ص۳٤٦.
۲. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۳، ص۳۸۷.

است.[۱]

دو نکته شایان توجه است:

نخست، سخن مرحوم صدر که وی معاصر شیخ محمد بن عبدالعلی نجفی محاویلی بوده و کتاب‌های ادبی با هم مقابله کرده‌اند که تاریخ ۱۰۸۸ را دارد. بنا به این تاریخ شاید اجازهٔ علامه مجلسی بدوست که او را به فضایلی ستوده است:

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی شید قواعد الأحکام بنبیه سید الأنام و عترته الغر الکرام، علیهم أفضل الصلاة و السلام و أکمل التحیة و الاکرام .

و بعد:

فقد استجازنی الأخ الایمانی و الخلیل الروحانی، جامع مکارم الشیم بمعالی الهمم، الاخذ بمجامع الورع و التقی علی الوجه الأتم، المولی الرضی الزکی مولانا عبدالله الیزدی، ختم الله له بالحسنی و جعل أخراه خیرا من الأولی، روایة هذا الکتاب المستطاب طوبی لمؤلفه العلامة و حسن مآب، و سائر مؤلفات علمائنا الماضین و سلفنا الصالحین رضوان الله علیهم أجمعین.

فاستخرت الله سبحانه وأجزت له زید تأییده روایة ما صح لی [روایته] وجاز لی اجازته، لا سیما کتب الدعوات المأثورة عن

---

۱. همان.

الأئمة السادات: ما دامت الأرضون و السماوات، بأسانيدی المتكثرة المتصلة إلی مؤلفيها المضبوطة فی محالها، مراعيا لشرائط الرواية، طالبا أقصی مدارج الدراية، متدرعا بمدارع الخوف و الضراعة، داعيا لی و لمشايخی فی مآن الإجابة.[۱]

دوم با توجه به این مطلب تاریخ وفاتی که شیخ جعفر آل‌محبوبه یاد کرده، اشتباه است؛ چراکه در این صورت باید وی از معمرین علما باشد و کسی چنین چیزی نگفته است.

۳. ملاعبدالمطلب بن ملاعبدالله بن مولی محمد طاهر

از فضلا و عالمان و صاحب کمالان عصر خویش، برادر احمد و هم عصر سید نصر الله حائری که بینشان نامه‌هایی به شعر رد و بدل شده است.

سید نصر الله همچنین قصیده میمه‌ای به وی ارسال کرده است با مطلع:

سلام من محب مستهام

حمول لجسيم من الغرام[۲]

وی از ابو الحسن شریف فتونی نجفی دارای اجازه است. سید

---

۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالأنوار؛ ج۱۱۰، ص۱۵۰. تهرانی، آقابزرگ؛ ذریعه؛ ج۱، ص۱۵۲، ش ۷۳۶.

۲. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۳، ص۳۸۸.

حسن صدر در تکمله او را چنین معرفی کرده و اجازه فتونی به وی را نقل کرده است:

«۱۱۵۳ - المولی عبدالمطلب بن المولی عبداللّه بن المولی طاهر الخازن للحضرة الغرویّة تلمیذ الشیخ المحدّث المولی أبی الحسن الشریف الفتونی النجفی. رأیت إنهاءه لکتاب الصلاة من الکافی و هو بخطّ صاحب الترجمة.

قال المحدّث الشریف: قد أنهاه مقابلة و قراءة تدقیقا و تحقیقا، الولد الأعزّ الصالح الفالح الألمعی اللوذعی الزکی الذکی النحریر الکامل خازن حضرة مولانا و سیدنا سید الأوصیاء و إمام أهل الأرض و السماء، أسدالله الغالب علی بن أبی‌طالب۷ مولانا عبدالمطلب (وفقه اللّه) فی مجالس عدیدة آخرها آخر شهر جمادی الثانیة من سنة ثمان و عشرین و مائة بعد الألف الهجریّة، و قد أجزت له - کثّر اللّه أمثاله - أن یروی عنّی عن مشایخی ما قرأه علیّ و سمعه منّی و غیر ذلک من أخبار أصحابنا (رضوان اللّه علیهم) مراعیاً لجانب الاحتیاط. حرّره العبد الضعیف الراجی فضل ربّه اللطیف أبو الحسن الشریف حامدا مصلّیا مسلّما». [۱]

ملامحمود فرزند وی است که او نیز از خزانه‌داران حرم بوده است.

شیخ هادی امینی مولی عبدالمطلب را با این عنوان معرفی

---

۱. صدر، حسن؛ *تکملة أمل الأمل*؛ ج۳، ص۳۸٤ - ۳۸۵. تهرانی، آقابزرگ؛ *ذریعه*؛ ج٦، ص۱۸۰.

کرده است: «الملا عبد المطلب ابن الملاحسین ابن عبدالله کان حیّاً ۱۱۲۸ / ۱۷۱٦». سپس در توضیح نوشته که برخی او را ملاعبدالمطلب بن ملاعبدالله ذکر کرده‌اند و از آنجایی که بعید است وی فرزند بلافصل ملاعبدالله یزدی باشد؛ یعنی سنی در حدود ۱٤۸ سال داشته باشد نام پدر وی را حسین یاد کرده و او را نوهٔ ملاعبدالله بهابادی دانسته است.[۱]

٤. ملااحمد بن ملاعبدالله بن ملامحمد طاهر نجفی یزدی

وی برادر عبدالمطلب است و دانسته نیست که کلیدداری به وی منتقل شده یا نه.

نسخه‌ای از شرح دیوان امیرالمؤمنین۷ اثر واحدی نزد وی بوده است که آن را بر فرزندانش وقف کرده و با خط خود وقف‌نامه‌ای بر آن نگاشته است.۲

٥. ملامحمود

او از اهل علم و کلیدداران حرم امیرمؤمنان۷ بوده است. علامه مجلسی; از او با تعبیر «الصالح البارع التقی مولانا محمود» یاد می‌کند و کرامتی از امیرمؤمنان۷ دربارهٔ روغن چراغ روضه از وی نقل کرده است.[۳]

---

۱. امینی نجفی، محمدهادی؛ *معجم رجال الفکر والأدب*؛ ج۳، ص۱۲٤۰.
۲. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۳، ص۳۸٤.
۳. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الأنوار*؛ ج۹۷، ص۲٥٤.

وی هم‌چنین متولی لشکر در نجف بوده است.[۱]

٦. ملامحسن

معاصر شاه صفی است. در ایام زیارت شاه، از دو فرزندش نزد شاه سعایت کردند و شاه آن دو را زندانی کرد. در آن روزگار ملامحسن خود خزانه‌دار بود و کلیدهای روضه مقدسه را داشت.

شیخ یونس بن یاسین نجفی غروی اشعاری برای وی سروده است با این مطلع:

سلام علی من لم أزل بقلبی وان کلت من

ملامحسن قبل از سال ۱۱۵۸ وفات کرده است. قباله‌ای به امضای پسرش محمد صالح در این تاریخ است که از او با تعبیر «خلف المرحوم ملامحسن الکلیدار» نام برده‌اند.[۲]

۷. ملامحمود بن عبدالمطلب بن ملاعبدالله

دانشمندی ادیب بوده و شعر نیکو می‌سروده است. کلیددار و حکمران دیار بوده است. زمانی که نعش محمد شاه قاجار را به نجف بردند. وی حاکم نجف بوده است.

سید عبداللطیف شوشتری صاحب تحفة العالم گوید که کسی را در عالم مثل او ندیده است.

---

۱. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۳، ص۳۹۷.
۲. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۳، ص۳۹۷.

از شعر او صد بیت در مدح رسول خدا[۹] در مجموعه‌ای نزد آل‌کبه بوده است که علامه محسن امین ابیات چندی را از آن در اعیان‌الشیعه نقل کرده است. مطلع آن چنین است:

ما علی الکرب الحجازی حملت عنی نواجیه

او را بسیاری از ادبا و علما مدح و ستایش کرده‌اند از جمله صاحب نشوة السلافة، سید نصر الله حائری، سید صادق فحام، سید احمد عطار، سید حسین بن سید میر رشید هندی نجفی و....

او در سال ۱۲۳۰ درگذشت.[۲] ملامحمد طاهر و ملاحسین را از فرزندان وی دانسته‌اند.[۳]

۸. احمد بن ملاصالح بن ملامحسن بن ملاعبدالله

در سال ۱۱٦۰ به دنیا آمد، سید صادق فحام نجفی شاعر مشهور در تاریخ ولادتش سروده است:

لما أتی قرة عین بدر البهاء والکمال
قلت له مهنیاً مؤرخاً مبارک سیدنا ذا لولد

فردی بسیار بزرگوار و مورد احترام بوده است. نویسنده ماضی النجف می‌گوید که گواهی وی را بر برخی از قباله‌ها دیده‌ام که

---

۱. أعیان‌الشیعة؛ سیدمحسن الأمین؛ ج۱۰، ص۱۰٦ ـ ۱۰۷.
۲. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۳، ص۳۹۸ ـ ٤۰۰. امینی نجفی، محمدهادی؛ *معجم رجال الفکر والأدب*؛ ج۳، ص۱۲٤۰.
۳. امینی نجفی، محمدهادی؛ *معجم رجال الفکر والأدب*؛ ج۳، ص۱۲٤۰.

تاریخش ۱۲۱۲ بود. همچنین یکی از آن‌ها که تاریخ ۱۲۱۸ داشت تصریح به کلیدداری وی داشت. برخی از مشهورین آن دوره نیز در این گواهی بودند که سید حسین نقیب الاشراف یکی از آنان بود.[۱]

۹. ملامحمد صالح بن ملامحسن بن ملاعبدالله

از علما و ادبای بزرگوار و مورد احترام عصر خویش. از کسانی بوده که در معرکة الخمیس (محفل شعر نجف که پنجشنبه‌ها برگزار می‌شده و عنوان مسابقه پیدا کرده بود) حاضر می‌شده است. برخی از شعرا وی را مدح کرده‌اند از جمله: سید صادق فحام، سید احمد عطار (م ۱۲۱۵ق)، و سید محمد زینی (م ۱۲۱٦ق).

دارای سه پسر به نام‌های احمد، محمود و سلیمان و یک برادر به نام هادی بوده است که همه از بزرگان عصر خویش بوده‌اند در علم و فضیلت.

وی بعد از سال ۱۱۸٤ کشته شد.

سیدصادق فحام و سیداحمد عطار در سوگ وی مرثیه سروده و به فرزندانش تعزیت و تسلیت گفته‌اند. مطلع قصیده سید احمد عطار چنین است:

مصاب علی مر الجدید یجدد و تسکاب دمع للخدود یخدد[۲]

---

۱. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۳، ص۳۸٤.

۲. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۳، ص۳۸۹ ـ ۳۹۰.

۱۰. ملامحمود بن ملامحمد صالح بن ملامحسن بن ملاعبدالله

از فضلای عصر خویش بوده است. کتابخانه‌ای داشته که آثار علمی بسیار نفیسی در آن بوده که در خزانه‌های شاهان پیدا نمی‌شده است.

شیخ محمد یونس در یکی از نامه‌هایش بعد از یادکرد نام برخی از پدرانش او را به اوصافی بلند می‌ستاید:

«فیا ولید المجد و فطیم الحمد و یعسوب العباد و ... کیف لا تکون کذالک و قد أصبحت و بیدک مفاتیح باب المدینة أعطاک الله الوقار و السکینة ...

آل محبوبه می‌نویسد: «از این نامه معلوم می‌شود که وی فردی صاحب نفوذ نیز بوده است». [۱]

۱۱. ملاسلیمان بن ملامحمد طاهر

وی معاصر شیخ موسی آل کاشف‌الغطا بود. کلیدداری حرم و حکمرانی آن دیار را باهم داشت.

وی به دست عباس حداد از بزرگان نجف کشته شد. نزدیک تکیه بکتاشیه، سنگی بر وی اصابت کرد و او مجروح خود را به مرقد رساند، اما جان باخت. وفاتش بین ۱۲۲۲ و ۱۲۲۳ بوده است. این تاریخ بر اساس تاریخ قباله خرید خانه‌ای در محله قبه مصطفی است که ملاسلیمان آن را خریده و امضاء کرده است.[۲]

---

۱. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۳، ص۴۰۱.
۲. همان.

۱۲. ملامحمد طاهر بن ملامحمود

او هم کلیددار بود و هم فرمانروای آن دیار در روزگار داود پاشا به سال ۱۲۳۵. هم‌چنین اهل علم و ادب بود و از حاضرین معرکة الخمیس به شمار می‌رفت.

در زمان وی از ترس استیلای وهابیون، خزانه علوی از بغداد به نجف اشرف منتقل شد.

شخصیت قابل احترامی داشت؛ شعرایی همچون شیخ محمد علی اعسم، سید احمد بن سید محمد عطار در مدحش شعر سروده اند. ابیاتی از این قصیده‌ها در ماضی النجف و حاضرها نقل شده است.[۱]

وی در سال ۱۲٤۲ در رواق حرم علوی به تیری که دشمنانش زدند کشته شد.

او پسر عموی ملاصالح بوده و فرزندی به اسم محمد داشته است که قباله‌هایی به تاریخ ۱۲۷۳ و ۱۲۵۳ با امضای پسرش گواهی شده اند.[۲]

۱۳. ملایوسف بن ملاسلیمان بن ملاطاهر بن ملامحمود

وی مردی غیور و صاحب هیبت و صولت بود که کلیدداری با حکمرانی در وی جمع شده بود. هر گونه می‌خواست می‌شد.

---

۱. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۳، ص۳۹٦ ـ ۳۹۷.
۲. همان.

از اقدامات او ممانعت از اختلاط مرد و زن در حرم علوی۷ بود. زیارت حضرت۷ روزی به مردان و روزی به زنان اختصاص داشت. هم‌چنین ممانعت زنان از پوشیدن لباسی که در بازارها، مساجد و خیابان‌ها مورد جلب نظر می‌شد.

وی گاهی از بعضی از زوار و ولایات همجوار به غصب اموالی می‌گرفته است که علامه شیخ محمد بن شیخ علی آل شیخ کبیر به خاطر این کارش، او را از تولیت عزل می‌کند و مدتی سید رضا رفیعی به عنوان نایب به اداره امور حرم می‌پردازد. اما ملایوسف عذرخواه پیش علامه می‌آید و سوگند می‌خورد که دیگر چنان نکند؛ شیخ کلیدها را به وی می‌دهد. پس از آن تا پایان عمر کلیددار بود.

وی بسیار حاضر جواب بوده است. گفته‌اند روزی بر روی چشمش حوله‌ای گذاشته بوده است که مردی می‌پرسد: آیا درست است که احول یکی را دوتا می‌بیند؟ می‌گوید: بله، من الان تو را چهار پا می‌بینم.

آثار عمرانی مختلفی از وی بر جای مانده است. یکی از آن‌ها آباد کردن عمارت شیلان نزدیک صحن حرم علوی۷ در رجب ۱۲۵۲ است. دیگری سرای یوسف بوده است در محله مشراق و ...

حدود سال ۱۲۷۰ وفات کرده است. قباله‌های مختلفی به امضای وی است که تاریخ آن‌ها سال۱۲٦۵ است. هم‌چنین قباله‌ای است به تاریخ ۱۲۷۳ که در آن مرحوم ملایوسف آمده

است. بنابراین، قبل از این سال باید وفات کرده باشد.[۱]

۱۴. ملامحمود بن ملایوسف بن ملاسلیمان بن ملاطاهر بن ملامحمود

بعد از وفات پدرش خزانه را به مدت شش ماه قفل زد؛ کم سال بود و مغرور. حکومت او را منصوب نمی‌کرد مگر به ضمانتی. حاج اسماعیل شعبان که نیابت اداره امور حرم را داشت، ضمانتش کرد. وقتی حاج اسماعیل عدم لیاقت و سوء مدیریت و غصب برخی از اموال را دید به بغداد رفته و ضمانتش را پس گرفت. او معزول شد و کلیدداری به شیخ محمد بن شیخ علی آل کاشف‌الغطا محول شد و سپس از ایشان به سید رضا رفیعی.

بعد از برکناری این خاندان از تولیت، آنان عظمت خود را از دست نداد و در سامان‌دهی لشکر و بعضی از امور شهر نقش داشتند. این خانواده اهل حل و عقد بودند و به دست آنان قراردادهای مهم امضاء می‌شد. به نوعی حاکم مطلق شهرها بودند.

ملا محمود با سید صالح قزوینی نجفی بغدادی گفتگویی داشته است که وی

---

۱. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۳، ص۴۰۲ ـ ۴۰۵.

سروده است:

الناس صفنان مذموم و محمود والفضل قسمان موجود و مفقود

فأتعس الناس مذموم بما کسبت لـه یـداه و خیـر الناس «محمود»[۱]

۱۵. ملایوسف بن ملاسلیمان بن ملاطاهر، آخرین بازماندهٔ مشهور در نجف

شیخ جعفر آل محبوبه در ماضی النجف و حاضرها، ذیل شرح حال ملایوسف بن ملاسلیمان بن ملاطاهر، از ملاشاکر بن ملامحمود، نوهٔ ملایوسف یاد می‌کند که در حوالی دیوانیه نجف ساکن بوده و همانجا وفات کرده است.

وی می‌افزاید با مرگ ملاشاکر، این خاندان منقرض شدند.[۲]

«و أدرکنا أولاد الملایوسف فی النجف أیام إقامتنا هناک و کانت له بنت تسمی الملاظفیرة بنت مسجداً فی الکوفة و کانت دارهم محل المدرسة التی فی البراق بجانب دار آل الطباطبائی. ثم انتقلت السدانة منهم إلی السید رضا الرفیعی و بقیت فی ذریته إلی الیوم».[۳]

---

۱. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۳، ص۴۰۱ - ۴۰۲.

۲. همان.

۳. عاملی، سیدمحسن امین؛ *أعیان الشیعة*؛ ج۳، ص۱۸.

ب) منجمان دربار صفوی

ملاجلال‌الدین محمد نویسندهٔ کتاب‌های تحفة المنجمین و تاریخ عباسی فرزند ملاعبدالله یزدی است؛ وی سال‌ها منجم و ملازم شاه عباس بوده است. پس از وی فرزند و نوه‌اش چنین سمتی را در دربار صفوی داشته‌اند. در ادامه معرفی اجمالی از این خاندان منجم آمده است:

۱. جلال‌الدین محمد یزدی مشهور به ملاجلال (م ۱۰۲۶)

دربارهٔ این شخص علامه شیخ آقا بزرگ در ذریعه به هنگام معرفی کتاب تحفة المنجمین، احتمال داده است که از فرزندان ملاعبدالله صاحب حاشیه باشد:

(۱۷۳۶: تحفة المنجمین) فارسی فی النجوم للمولی جلال‌الدین محمد ابن عبدالله الیزدی، توجد نسخة منه فی الخزانة الرضویة من موقوفات السلطان نادرشاه سنة ۱۱٤٥، أوله «الهی بحمدک أبتدئ و بثنائک أنتهی» وآخره «والله أعلم بالصواب». و تاریخ کتابة النسخة سنة ۱۰٥٦ و قد حکی السید عبدالله التستری فی تذکرته فی تاریخ تستر عن التحفة هذا أن مؤلفه اختار أن طالع تستر السرطان خلافا لما فی بعض الکتب القدیمة ثم استصوب هو مختار صاحب التحفة، فیظهر من کلامه أن مؤلفه من المتأخرین، و یحتمل أنه ابن المولی

عبدالله الشاه آبادی الیزدی مؤلف حاشیة التهذیب المتوفی سنة ۹۸۱.[۱]

اعیان الشیعه تنها به معرفی کتاب تحفة پرداخته است:

المولی جلال‌الدین محمد بن عبدالله الیزدی المنجم له کتاب تحفة المنجمین حکی عنه السید عبدالله فی تذکرته عن مطالع تستر السرطان خلافا لما فی بعض الکتب القدیمة من أن طالعها الجوزاء.[۲]

ملاجلال‌الدین محمد منجم یزدی از منجمان معروف دربار شاه عباس اول (کبیر) صفوی بود.[۳] او به‌عنوان مردی ادیب، منجم، منشی و مورخ شناخته می‌شد و مورد احترام خاص شاه عباس بود به نحوی که نظراتش بدون درنگ به مرحله اجرا در می‌آمد. زمان تولدش مشخص نیست. در ۱۰۲۹ ق فوت کرد و ۳٤ سال در خدمت شاه عباس بود. خانه مجللی داشت که از آن به‌عنوان محل اقامت میهمانان پادشاه و سفیران خارجی استفاده می‌شد. پس از مرگ ملا جلال، شاه این خانه را خرید و به پذیرایی از میهمانان فوق اختصاص داد.

کتاب‌های تاریخ عباسی[٤] و تحفة المنجمین (تحفهٔ خانی) از آثار

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج۳، ص٤٧٢ ـ ٤٧٣.

۲. عاملی، سیدمحسن امین؛ *اعیان‌الشیعة*؛ ج۹، ص۳۹۰.

۳. سهیلی خوانساری، احمد؛ جلال‌الدین محمد بن عبدالله منجم یزدی (منجم شاه عباس بزرگ)؛ (مجله هنر و مردم، سال ۱۳۵۵ش، شماره ۱٦۷).

٤. تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال منجم کتابی است که به تاریخ ایران بین ←

اوست.

۲. ملا کمال منجم

ملاجلال، پسری به نام «کمال» داشت که او نیز منجم بود و اواخر عمر پدر به دستگاه سلطنت راه یافت و او نیز مانند پدر، تاریخی به نام «لب التواریخ» به رشته تحریر درآورده که نسخ متعدد آن در کتابخانه‌ها دیده شده است. در این کتاب، کمال منجم، وقایع تاریخی را از آغاز خلقت تا سال ۱۰٦۳ هجری قمری، به اختصار، مرقوم داشته و در حوادث سال ۱۰۲۸ این تاریخ نوشته است که با کسب اجازه از شاه عباس، عازم زیارت کعبه شده و یک سال بعد، یعنی در ۱۰۲۹ ه .ق مراجعت کرده و هنگام درگذشت پدر، در اصفهان نبوده است. در جای دیگر نوشته که

→

سال‌های ۹۸۴ تا ۱۰۲۰ قمری / ۱۵۷۶ تا ۱۶۱۱ میلادی می‌پردازد. این کتاب شامل تاریخ ایران از اواخر زمامداری شاه طهماسب یکم تا اواخر بیست و پنجمین سال سلطنت شاه عباس یکم است. تاریخ عباسی دیباچه و عنوان ندارد و مشخص نیست چرا به این نام معروف شده است. در نسخه‌ای که از آن در کتابخانه ملی موجود است، نام کتاب روزنامه ملاجلال در احوال شاه عباس ذکر شده است. این کتاب شامل حوادث تاریخ صفویان از مرگ شاه طهماسب یکم در ۹۸۴ هجری قمری، کشته شدن حیدر میرزا و رخدادهای پس از آن، مرگ شاه اسماعیل دوم در ۹۸۵ق و رویدادهای بعد از درگذشت او، حوادث دوره شاه محمد خدابنده، اتفاقات زمان شاه عباس یکم از ۹۹۶ تا ۱۰۲۰ق می‌باشد. در تاریخ عباسی اشتباهات تاریخی نیز دیده می‌شود، از جمله تولد اسماعیل میرزا در ۱۰۱۲ق نوشته شده است. این کتاب به کوشش سیف‌الله وحیدنیا چاپ شده است.

در سال ۱۰۵۸ ه .ق که «مرتضی قلیچخان» به سپهسالاری قندهار سرافراز گردیده، شاه عباس ثانی، او را روانه قندهار فرموده و ساعت و وقت جنگ را کمال منجم برای مرتضی قلیچ خان تعین کرده است.[۱]

۳. ملا جلال ثانی

کمال، پسری به نام جلال دارا بود که او، رساله‌ای در کرامات شاه عباس اول نگاشته و این جلال، تا زمان سلطنت شاه سلطان حسین، در قید حیات بوده است.[۲]

---

۱. جلال‌الدین محمد بن عبدالله منجم یزدی (منجم شاه عباس بزرگ)، نوشتهٔ احمد سهیلی خوانساری، (مجله هنر و مردم، سال ۱۳۵۵ش، شماره ۱۶۷).

۲. سهیلی خوانساری، احمد؛ جلال‌الدین محمد بن عبدالله منجم یزدی (منجم شاه عباس بزرگ)؛ (مجله هنر و مردم، سال ۱۳۵۵ش، شماره ۱۶۷).

ج) خویشان و بستگان ملاعبدالله یزدی

کتاب *جامع مفیدی*، میرزا خلیل الله بهابادی را از بستگان علامه ملاعبدالله یزدی معرفی کرده که برادری هم به نام نورا محمد اعلمی داشته است. مطالب پیش رو معرفی این دو برادر است:

۱. میرزا خلیل الله بهابادی[۱]

میرزا خلیل الله بهابادی وزیر سده یازدهم ق و از اعیان و اشراف بهاباد. وی در زمان وزارت علی قلی‌خان شاملو، منشی وی بود. سپس در حدود ۱۳۰٤ق مستوفی و متصدی امور زرتشتیان شد و پس از آن عهده دار منصب وزارت یزد گردید. او هم‌چنین مدتی متصدی خالصه، کلانتری و استیفای یزد را بر عهده داشت. «باغ چشمه محلهٔ خیرآباد» و «بازار تازیان» از بناهایی است که وی در طول دوران خدمتش بنا کرد. میزا خلیل الله به اهل علم احترام می‌گذاشت و به رعایا و زیردستان توجهی خاص داشت. وی حدود هشت سال پس از وزارتش درگذشت و در محلهٔ «گلشن» به خاک سپرده شد.[۲]

در سال ۱۰۳٤ ه .ق میرزا خلیل الله بهابادی از سوی شاه

---

۱. محمدرضا خادمی: http://www.molaabdellah.ir

۲. مفید مستوفی بافقی، محمد؛ *جامع مفیدی*؛ ج۳، ص۱۹۲-۱۹۰.

عباس بزرگ (متوفی ۱۰۳۸) به منصب وزارت و تصدی خالصه و حکومت یزد منصوب شد. یکی از شعرا ماده تاریخ انتصاب وی را در مصراع «کعبه یزد را خلیل آمد» آورده است. محمد مستوفی بافقی در وصف میرزا خلیل الله چنین نوشته است:

آباء و اجداد آن آصف مقام در سلک اشراف و اعیان بهاباد من اعمال قصبهٔ بافق انتظام داشته‌اند و در سنهٔ اربع و ثلاثین و الف هجرت نبوی پادشاه زمان اختیار منصب جلیل المرتبهٔ وزارت و تصدی خالصه و حکومت دارالعبادهٔ یزد را بر رأی صواب نمای و فکر مشکل گشایش باز گذاشت. آن جناب با وجود جلالت قدر و نفاذ حکم نسبت به ارباب علم و فضیلت در غایت تواضع و تملق بود و در تعظیم و اجلال سادات و اصحاب کمال بسیار مبالغه می‌فرمود و در رفاه حال رعایا و زیردستان غایت سعی می‌نمود. لاجرم از رشحات سحاب عدالتش غنچهٔ آمال طبقات اهالی در چمن فرح بشکفت و از زلال مکرمتش نهال امانی کافهٔ برایا در گذر روزگار نشو و نما پذیرفت.

مؤلف جامع مفیدی در قسمتی دیگر از کتاب خود به خویشاوندی نزدیک میرزا خلیل الله با آخوند ملاعبدالله بهابادی; اشاره کرده است:

بر خواطر دانایان سلسلهٔ انساب پوشیده نماند که فخرالوزرا برهانا خلیل الله‌ها وزیر قرابت قریبه با آن فاضل افادت

دستگاه داشت و بدان واسطه علم مفاخرات می‌افراشت.[۱]

به روایت و شهادت تاریخ دوران حکومت میرزا خلیل الله در یزد دوران شکوفایی علمی و پیشرفت‌های همه‌جانبه خطهٔ یزد بوده است. دربارهٔ حاکمیت قسط و عدل در دوران حکومت او نیز داستان‌های فراوانی نقل شده است. از جمله روزی فردی خاطی مستوجب اجرای حدود الهی گردید. در حین اجرای حد شرعی (شلاق زدن) کلاه از سر مجرم می‌افتد، میرزاخلیل الله می‌گوید اجازه دهید کلاهش را بر سر گذارد، سپس ادامه دهید. (ظاهراً کلاه بر سر گذاشتن در آن زمان از آداب اجتماعی مهم بوده است.)

۲. نورا محمد اعلمی

میرزا خلیل الله برادری عالم و فرزانه نیز داشت: نورا محمد اعلمی، عالم دینی سده ۱۱ق. بنا به گفته مستوفی (م ۱۰۹۱ق) نورا محمد جامع علم و عمل بود. وی ادیبانه و با تکلف سخن می‌گفت. او برادر وزیر، میرزا خلیل الله (وزارت: ۱۰۳٤ق)، بود؛ از این رو همواره به حل مشکلات مردم می‌پرداخت.[۲]

---

۱. مفید مستوفی بافقی، محمد؛ *جامع مفیدی*؛ ج۳، ص۳۲۳-۳۲۱.
۲. مفید مستوفی بافقی، محمد؛ *جامع مفیدی*؛ ج۳، ص۳۲۳-۳۲۱.

بخش چهارم

آثار ملا عبدالله بهابادی یزدی

درآمد

این بخش شامل دو نوشتار است:

بخش نخست، معرفی آثار ملاعبدالله بهابادی است؛ در میان آثار وی، حاشیه تهذیب به‌عنوان متن درسی مراکز علمی بسیار مورد توجه بوده و دارای حواشی و ترجمه‌های بسیاری است؛ افزون بر آنکه خود علامه نیز چندین حاشیه بر تهذیب المنطق نگاشته است. از این رو معرفی آن دارای تفصیل بیشتری است، اما برخی از آثار مشهور نیستند و تنها در فهارس نسبت آن‌ها به علامه آمده است. کوشش شد کلید واژه‌های آثار ملاعبدالله (عناوین خاص کتاب‌ها) و عنوان‌های مرتبط با نام میرزا عبدالله یزدی نظیر: شهابادی، شاه آبادی، عبدالله بن حسین، عبدالله یزدی در فهارس به‌ویژه در دو فهرست «فهرست‌واره دست نوشته‌های ایران (دنا)» و «فهرستگان نسخه‌های ایران (فنخا)» جستجو شوند؛

بخش دوم، شامل نوشته‌های علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه دربارهٔ آثار ملاعبدالله یزدی است. ابتدا معرفی آثار ملا عبد الله و سپس حواشی «حاشیه ملا عبدالله» به قلم ایشان آمده است.

۱. آثار ملاعبدالله بهابادی

ملاعبدالله بهابادی از اساتید و دانشمندان بسیار نویس بوده است. حجم آثار برجای مانده از وی بیانگر این مطلب است. در این قسمت آثار قلمی وی را شناسانده‌ایم، اما پیش از آن شایسته است مطلبی را یادآور شویم:

بسیاری از آثار ملاعبدالله یزدی حواشی و شرح کتب دیگر است در موضوعات مختلف؛ برای آشنایی با سنت حاشیه‌نویسی و دلائل آن مقاله‌ای را از دانشنامهٔ جهان اسلام در ملحقات کتاب آورده‌ایم.

معرفی آثار بر اساس موضوع علوم مرتب شده است و با توجه به حجم حاشیه‌های ملاعبدالله در موضوع منطق، ابتدا آن‌ها را شناساندیم.

یک. منطق

بیشترین حجم آثار وی در این موضوع است. وی حاشیه‌های مختلفی بر تهذیب المنطق تفتازانی و حواشی ملاجلال دوانی نگاشته است:

الف) حاشیه‌های ملاعبدالله بر تهذیب المنطق

سعد الدین مسعود بن عمر تفتازانی (م ۷۹۲ق) کتابی در

منطق و کلام در دو بخش نگاشت باعنوان تهذیب المنطق و الکلام؛ بخش نخست آن، منطق، مورد توجه علما قرار گرفت به طوری که متن درسی حوزه‌های علمیه گشت و در مراکز علمی بزرگ قرن نهم به بعد در ایران، هند، ترکیه، عراق و... تدریس شد.

تفتازانی این کتاب را در ماه رجب سال ۷۸۹ ق به پایان رسانده است. او کتابش را چنین معرفی می‌کند:

هذا غایه تهذیب الکلام فی تحریر المنطق و الکلام.

الذریعه علت ناموری تهذیب منطق را در بهترین متن منطق بودن آن دانسته[۱] و برخی از مهم‌ترین شروح و حواشی آن را شناسانده است. این کتاب تهذیب است یعنی به جهت مهذب‌بودن از حشو و زوائد و تکرار به دور و مباحث مختلف دانش منطق در آن بیان شده است. از همین رو، اقبال به تهذیب در گذشته و حتی امروز بسیار زیاد بوده است. تفتازانی در مقدمهٔ تهذیب می‌گوید:

این کتاب را چونان درسنامه برای پسرم، حبیب الله، که همنام پیامبر۹ است نوشتم.

داستانی پرآوازه در بارهٔ این کتاب بر زبان‌ها جاری بوده است که می‌گوید سعدالدین تفتازانی پس از نوشتن کتاب تهذیب منطق و کلام مدعی شده بود هر کس بتواند، بدون تغییر دادن معنای بیان، واژه‌ای از عبارتی از این کتاب را حذف کند یا آن را

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعه*؛ ج٦، ص ۵۳.

دگر کند من در ازای هر واژه که او بتواند تغییر دهد صد درهم زر به او جایزه خواهم داد. و همواره چنین القا شده - از گفتن این داستان - که گویا کسی موفق به انجام این کار و در نتیجه صد درهم زر نشده باشد.[۱]

گفتنی است که بخش دوم کتاب تهذیب یعنی بخش کلام آن به نوشتهٔ حاجی خلیفه در کشف الظنون[۲] خلاصه‌ای از کتاب مقاصد خود تفتازانی بوده است، اما همچون بخش منطق آن با اقبال روبرو نشد.

اما بر بخش نخست یعنی منطق این کتاب شرح و حاشیه‌های بسیاری نوشته شد به طوری که می‌توان بالغ بر صد شرح و حاشیه - و شرح شرح - برای تهذیب نشان داد. حاشیهٔ دوانی و حاشیهٔ غلامحسین فیض از آن جمله‌اند؛ در آن میان تنها حاشیه ملاعبدالله بهابادی بود که خود هویتی مستقل پیدا کرد.

ملاعبدالله بهابادی بر بخش منطق کتاب تهذیب المنطق و الکلام تفتازانی شروح متعددی نگاشته است: یکی از آن‌ها کامل و به عربی است که متداول شده و متن درسی گشته است. از همین رو بر خود این حاشیه نیز شروح فراوان نگاشته شده است. در این بخش ابتدا این شرح عربی را می‌شناسانیم و برخی از حواشی آن را یاد می‌کنیم.

---

۱. برگرفته از «نگاهی به کتاب تهذیب المنطق»، سایت اطلاع رسانه مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران (http://irip.ir).

۲. ایکنجی، مصطفی بن عبدالله؛ *کشف‌الظنون*؛ ج۱، ص۵۱۵ ـ ۵۱٦.

ملاعبدالله بار دیگر تهذیب را به فارسی شرح کرده، اما شهرت چندانی نیافته است. شاید به این دلیل که متن کتب درسی در حوزه‌های علمیه عربی بوده، چندان مورد توجه واقع نشده است.

افزون بر آن دو، ملاعبدالله بر بخشی از تهذیب با عنوان «ضابطه اشکال اربعه» شرحی دارد که به عنوان شرح سوم معرفی می‌کنیم.

از شرح غیر متداولی نیز علامه شیخ آقا بزرگ نام برده است که نوشتار ایشان را نقل می‌کنیم.

یکم: شرح عربی بر تهذیب المنطق

ملاعبدالله نگارش حاشیه را در صبح چهارشنبه ۲۷ ذیقعده ۹٦۷ق (مصادف با ایام حکمرانی شاه طهماسب صفوی) به پایان برده است. این حاشیه اگرچه خود حاشیه‌ای است بر کتاب تهذیب، و حتی بدین نام، مشهور است، ولی خود هویتی مستقل دارد. حتی بخشی از شهرت تهذیب به جهت آوازهٔ همین حاشیه است.

این حاشیه چنان دقیق و کامل بوده که در ایران، هند و عراق خود متن درسی گشته است. این توجه به حاشیه ملاعبدالله یزدی تا بدانجا ادامه یافت که حتی دربارهٔ آن گفته‌اند:

توهمت آیات لها لسته اعوام و ذوالعام

حاشیهٔ ملاعبدالله در ایران، عراق، هندوستان و پاکستان در حوزه‌های درسی قدیم هنوز نیز به عنوان نخستین کتاب شایستهٔ

تدریس پذیرفته شده است. حتی امروزه نیز در حوزه‌های علمیهٔ قم، نجف، مشهد و دیگر حوزه‌های علمی به سبک قدیم تنها کتاب درسی منطق همانا همین حاشیهٔ ملاعبدالله کتاب تهذیب منطق تفتازانی است. طلاب حوزه‌های علمیه ابتدا منطق کبری را می‌خواندند، سپس به درس حاشیه ملاعبدالله راه می‌یافتند.[۱]

فهرست کلی حاشیه را برای پرهیز از اطناب و ذکر جزئیات، چنین می‌توان تصویر نمود:

المقدمة

المقصد الأول فی التصورات

المقصد الثانی فی التصدیقات

باب الحجیة وهیئة تألیفها

خاتمة (اجزاء العلوم الثلاثة)

آغاز و انجام کتاب به قرار ذیل است:

آغاز: بسلمه «قوله: الحمد لله»: افتتح بحمد الله بعد البسملة ابتداء بخیر الکلام و اقتداء بحدیث خیر الانام علیه و آله الصلاة و السلام».

---

۱. صدر حاج سیدجوادی، احمد؛ دائرة *المعارف تشیع*؛ ج٦، ص۲۰ـ۲۱.
شایان ذکر است که چند سالی است در حوزه علمیه قم، در مدارس تحت پوشش مرکز شورای عالی حوزه، حاشیه ملاعبدالله از دروس حوزوی حذف شده و کتاب المنطق نوشتهٔ محمدرضا مظفر (م ۱۳۸۳ق) یا خلاصهٔ آن تدریس می‌شود. (م)

انجام: قوله و هذا بالمقاصد اشبه» أی الأمر الثامن أشبه بمقاصد... بل المقصود من العلم العمل. جعلنا الله و ایاکم من الراسخین فی الأمرین... و عترته الطاهرین إنه موفق و معین.

شیوه حواشی در این کتاب

ملاعبدالله حاشیه را با عناوین «قوله» آغاز کرده است؛ بدین صورت که کلمه یا عباراتی از متن تهذیب را انتخاب کرده و باعنوان «قوله» آن را از متن خود متمایز کرده، سپس توضیح و تفسیر داده است.

توضیحات ملاعبدالله شامل توضیح معانی واژگان، بیان ترکیب نحوی عبارت، بیان مراد مصنف تهذیب، و پروراندن موضوعی مرتبط است. نمونه‌های زیر از آن جمله‌اند:[۱]

الف) بیان معنی واژگان

قوله «سواء الطریق»: أی وسطه الذی یفضی سالکه إلی المطلوب البتة و هذا کنایة عن الطریق المستوی... (ص ۸)

قوله «و الصلوة»: هی بمعنی الدعا أی: طلب الرحمة و إذا

---

۱. این نمونه‌ها از چاپ انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین انتخاب شده‌اند و شماره صفحات به این چاپ اشاره دارد.(الحاشیة علی تهذیب المنطق للمولی عبدالله بن شهاب‌الدین الحسین الیزدی المتوفی، ۱٤۱٥ق). این کتاب اگر چه، چاپ زیبا و مرتبی دارد و حاشیه‌های بسیاری را هم به‌عنوان تعلیقات در پاورقی‌ها و یا انتهای کتاب آورده است، اما عدم معرفی نسخه‌ها، عدم معرفی حاشیه نویس‌ها و نسخه‌های آن‌ها و... از مواردی است که می‌تواند زبان منتقدین را بر ناشر این کتاب تیز گرداند.

اسند إلى الله تجرد عن معنى الطلب و يراد به الرحمة مجازاً. (ص ۹)

قوله «مناهج»: جمع منهج و هو الطريق الواضح. (ص ۱۰)

ب) ترکیب نحوی عبارات

قوله «جعل لنا»؛ الظرف، اما متعلق ببجعل و اللام للانتفاع كما قيل فى قوله تعالى: «و جعل لكم الارض فراشاً».

قوله «هدى»: اما مفعول له لقوله: «ارسله» و يراد بالهدى هد الله حتى يكون فعلا لفاعل الفعل المعلل به؛ أو حال عن الفاعل... (ص ۹ - ۱۰)

ج) بیان مراد مصنف

قوله «المفهوم»: اى ما حصل عند العقل. (ص ۳۰)

قوله «و الكليات»: أى الكليات التى لها افراد بحسب نفس الأمر... (ص ۳۵ - ۳٦)

د) بیان مسئله و پروراندن موضوع

قوله «الذى هدانا»: الهداية قيل: هى الدلالةالموصلة أى: ايصال إلى المطلوب و قيل: هى ارائة الطريق الموصل إلى المطلوب. و الفرق بين هذين المعنيين... (ص ۸)

قوله «فى جواب ما هو»: ما هو سؤال عن تمام الحقيقة. فإن اقتصر فى السؤال على ذكر امر واحد.... (ص ۳٦-۳۷)

قوله «و التحلیل»: فی شرح المطالع کثیراً ما یورد فی العلوم قیاسات منتجة للمطالب لا علی الهیئات المنطقیة لساهل المرکب اعتماداً علی الفطن العالم بالقواعد...

نیز بنگرید: قیاس استثنائی (ص۱۰۳)، بحث ذوات (ص۱۱۷ - ۱۱۸)

شروح و حواشی حاشیهٔ عربی تهذیب المنطق

از آنجایی که حاشیه ملاعبدالله، به دلایلی همچون اتقان مطالب، روانی بیان و... هویتی مستقل پیدا کرد. علما و مدرسین بدان توجه کردند و حواشی و تعلیقاتی در شرح و توضیح آن نگاشتند. علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه ذیل حاشیه ملاعبدالله، هیجده عنوان از آن حاشیه‌ها را شناسانده است. افزون بر آن تعدادی از شرح‌های حاشیه در دوره اخیر نگاشته شده و در ذریعه نیامده است.

فهرستی از عناوین شروح و حواشی حاشیه ملاعبدالله چنین است:

۱. حاشیهٔ شیخ اسحاق حویزی بر حاشیهٔ ملاعبدالله که باعنوان «قوله، قوله» تا بحث قیاس نوشته و مشتمل بر ۳۰۰۰ سطر است.[۱] فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) ۲۷ نسخه خطی

---

۱. عاملی، سیدمحسن امین؛ *اعیان‌الشیعة*؛ ج۳، ص ۲٦۹. نیز تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج٦، ص٦۰. (۳۰۷: الحاشیة علیها للشیخ اسحق الحویزی. تنتهی إلی بحث القیاس فی ثلاثة آلاف بیت أولها (الحمد لله حق حمده) نسخة منها فی ←

آن را شناسانده است.[۱]

۲. حاشیهٔ آقا محمد تقی بن محمّد علی کرمانشاهی (م ۱۲۹۹ق).[۲]

۳. حاشیهٔ شیخ محمد حسن فرزند ملا\ محمد جعفر شریعتمدار.[۳]

٤. حاشیهٔ شیخ محمد سعید[٤] فرزند سید محمد طباطبایی;.[٥]

در فهرست دنا چهار نسخه از این حاشیه شناسانده شده است:[٦]

→

مکتبة (الصدر) و أخری منضمة إلی حاشیة المولی محسن النحوی فی بقیة مکتبة (الطهرانی بکربلا).

۱. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ ج۱۱، ص۷٥٦ ـ ۷٥۸.

۲. الذریعه: (۳۰۸: الحاشیة علیها) للآقا محمدتقی بن الآقا محمد جعفر بن الآقا محمد علی الکرمانشاهی المتوفی بالنجف فی (۱۲۹۹) یوجد عند أحفاده بکرمانشاه.

همچنین بر این حاشیه، ملامحمّدحسین بن اسماعیل یزدی پاشنه طلا\یی حاشیه‌ای نگاشته که معروف به صراط المستقیم است. (تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج٦، ص٦۰)

۳. الذریعه: (۳۰۹: الحاشیة علیها) للشیخ محمد حسن بن المولی محمد جعفر شریعتمدار المتوفی بطهران فی (۱۳۱۸) ذکرت فی فهرس تصانیفه.

٤. عاملی، سیدمحسن امین؛ *أعیان‌الشیعة*؛ ج۹، ص۳٤٤.

٥. الذریعه: (۳۱۰: الحاشیة علیها) للسید محمدسعید بن السید سراج‌الدین قاسم بن السید محمد الطباطبائی المتوفی (۱۰۹۲) ترجمه فی «جامع الرواة» وذکر أنه ولد فی (۱۰۱۳). نیز بر این حاشیه، میر صدرالدین مدرسی یزدی حاشیه‌ای دارد با عنوان مرصع الحواشی. همچنین حاشیه‌ای دیگری با عنوان کشف الاستار نوشته شده است که همگی در سال ۱۳۲۳ چاپ شده‌اند. (تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج٦، ص٦۰)

٦. فهرست دنا (فهرست‌واره دست نوشت‌های ایران)؛ ج٤، ص۱۲٥.

الف) وزیری یزد شماره ۱۱۵۹ کتابت محمد سعید حسینی به تاریخ شوال ۱۰۳۵؛

ب) مطالعات اسلامی تهران شماره ۳ / ٦۲؛

ج) مرکز احیاء قم شماره ٤۳٦ کتابت علی بن موسی بن عبدالله هریوی به تاریخ ۱۲۹۵؛

د) دانشگاه تهران شماره ۷۳۱۵ نستعلیق قرن ۱۲ و ۱۳.

۵. حاشیهٔ معروف به تعدیل المیزان از سید بهاءالدین محمد بن محمدباقر حسینی مختاری نائینی (متوفی در اوائل فتنه افغان).

حاشیه تعدیل المیزان در حاشیهٔ حاشیه میرزا عبدالله، کتابت عبدالله بن محمدباقر تبریزی به تاریخ دوازدهم شعبان ۱۳۱۵ق به همت حاج شیخ رضا تاجر کتاب فروش تهرانی چاپ سنگی شده است.[۱]

٦. حاشیهٔ شیخ عبدالرحیم.[۲]

۷. حاشیهٔ ملاعبدالرزاق لاهیجی.[۳]

---

۱. الذریعه: (۳۱۱: الحاشیة علیها) اسمها «تعدیل المیزان» قد طبع تمامه علی هامش نسخة الحاشیة المطبوعة فی ۱۳۲۳.

۲. الذریعه: (۳۱۲: الحاشیة علیها) للشیخ عبد الرحیم، بعضها مطبوع، مع الحاشیة الأصلیة فی (۱۳۲۳).

۳. الذریعه: (۳۱۳: الحاشیة علیها) للمولی عبد الرزاق اللاهجی المتوفی (۱۰۵۱) کما کتب علی ظهر النسخة الموجودة فی مکتبة السید جعفر بحر العلوم فی النجف. وهی مختصرة یقرب من أربعة آلاف وخمسمائة بیت مع آن‌ها بلغت إلی ←

۸. حاشیهٔ میرزا عبدالغفّار.[۱]

۹. حاشیهٔ میرزا علی رضا بن کمال الدین حسین.[۲]

۱۰. حاشیهٔ میرزا محمّد فرزند احمد علی قراچه داغی تبریزی (م

→

قوله (ولا عکس للممکنتین) وحواشی متفرقة بعد هذا قلیلا. وتأریخ کتابة النسخة (۱۲٤٦) وهی مغلوطة. وقد کتب الکاتب فی آخر النسخة آن‌ها الرسالة الموسومة بـ «حویزی» ولعلّه توجد نسخة أخری منها فی إیران.

۱. الذریعه: (۳۱٤: الحاشیة علیها) للمیرزا عبد الغفار، أیضا طبع بعضها مع الحاشیة فی (۱۳۲۳) ولعله عبد الغفار بن محمد بن یحیی صاحب «حاشیة آلهیات الشفاء».

۲. الذریعه: (۳۱۵: الحاشیة علیها) للمیرزا علیرضا، و هی فارسیة کتبها لتعلیم تلمیذه میرزا إبراهیم خان عند قرائتها علیه و طبعت مکرراً فی آخر حاشیة المولی عبدالله الیزدی و عندنا منها نسخة کتابتها فی (۱۱۲۲) و لعل المؤلف هو المیرزا علیرضا التجلی المتوفی (۱۰۸۵) مؤلف التفسیر المذکور فی (ج٤، ص۳٦۷). نیز: تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج۱۳، ص۱۸۰. (٦۰۵ : شرح حاشیة التهذیب) للمولی عبد الله الیزدی، للمیرزا علیرضا، طبع بالفارسیة مراراً مع الحاشیة الّفه حین مذاکرته لإبراهیم خان. همچنین: (تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج۲۳؛ ص٦۱ - ٦۲

(حاشیة بر حاشیهٔ ملا عبدالله) المذکور، لتجلی الشیرازی، المذکور فی (۹ : ۱٦۷). أوله: [حمد له، این قیودی است سودمند... که در حین مذاکره... إبراهیم خان بر زبان خامهٔ حقیر علیرضا جاری گشته...] فهرستواره دنا ۱۵۷ عنوان نسخه خطی از این حاشیه معرفی کرده است:

و فی بعض النسخ: [اعلم أن فی التسمیة یستدعی...] طبعت بطهران فی ۱۲۸۲ وبعدها نسخة مذهبة منها فی (سنا ۲/ ۳۲۷) کتبت بقلم النسخ ضمن المجموعة المؤرخة ۱۰۲۸، ونسخة أخری فی (یزد، سر یزدی) کتبت بقلم النسخ فی القرن الحادی عشر ومر ذکره فی (٦ : ٦۱) کما مر للمؤلف «تفسیر التجلی» فی (٤ : ۳٦۷). شایان ذکر است که این حاشیه در سال ۱۲۹٦ق به قطع وزیری در ۱۵٦صفحه در تهران چاپ سنگی شده است. (فهرست خانبابا مشار، ج ۲، ص ۱۷۰۸)

۱۳۱۰ق).[۱]

فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) نسخهٔ خطی آن را در کتابخانه وزیری یزد شناسانده است.[۲]

۱۱. حاشیهٔ محمد علی فرزند قربان علی اردبیلی.[۳]

۱۲. حاشیهٔ ملامحسن تهرانی.[٤]

۱۳. حاشیهٔ ملامحسن فرزند محمد طاهر قزوینی.[٥]

---

۱. الذریعه: (۳۱٦: الحاشیة علیها) للمیرزا محمدعلی بن أحمد القراچه داغی التبریزی المتوفی (۱۳۱۰) طبع بعضها مع الحاشیة فی (۱۳۲۳).

۲. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۱۱، ص ۷٦۰.

۳. الذریعه: (۳۱۷: الحاشیة علیها) للمولی محمد علی بن قربان علی الأردبیلی معاصر السلطان نادر شاه و هو أحد السبعین عالما شیعیا حضر مجلس اتحاد العامة و الخاصة الذی تأسس بأمر نادر شاه لرفع البغضاء بین المسلمین وتوفی (حدود ۱۱٦۰). و دفن فی صحن مقبرة الشیخ صفی الدین بأردبیل. و له شرح الشرایع لم یتم. و هذه الحاشیة فی غایة التحقیق أولها (الحمد لله الذی تفرد فی وحدانیته وکلت الألسن عن غایته وانحسرت العقول عن کنه معرفته) و نسخة خط مؤلفه یوجد فی قم عند السید شهاب‌الدین التبریزی النجفی کما کتبه إلینا مفصلا.

٤. الذریعه: (۳۱۸: الحاشیة علیها) للمولی محسن الطهرانی فرغ من تألیفها فی صفر (۱۲٥۷) و فرغ تلمیذ المحشی عن استنساخها فی طهران فی ربیع الثانی من تلک السنة بعینها، و هو المولی محمد بن ملک حسین، و أطری فی آخر الکتابة أستاده المحشی و بعد ذکر محامده الکثیرة عبر عنه بقوله (مولانا محسنا) رأیت النسخة فی کتب الشیخ عبد الجواد بن المولی أبی الحسن المازندرانی الحائری الذی أدرک الشیخ الأنصاری سنتین من أوائل بلوغه و کان یقیم الجماعة من حدود (۱۳۲۰) فی الحرم الحسینی علی جانب الرأس الشریف إلی أن صار ضریرا، و لما اشتد ضعفة لکبر السن قام مقامه ولده الشیخ علی فی الأواخر، حتی توفی فی لیلة الجمعة (۳ رجب۱۳٦۱).

٥. الذریعه: (۳۱۹: الحاشیة علیها) للمولی محسن بن محمد طاهر القزوینی، أوله (الحمد لله الذی خلق فسوی والذی قدر فهدی) وعلی ظهر النسخة بخط بعض ←

۱٤. حاشیهٔ میرزا محمد تنکابنی.[۱]

۱۵. حاشیهٔ میرزا محمد یزدی.[۲]

۱٦. حاشیهٔ سید محمد مهدی بن جعفر موسوی.[۳]

۱۷. ملانظر علی فرزند محسن گیلانی صاحب تفسیر انوار القرآن الحمید از حکمای اواخر قرن ۱۲ق.[٤]

→

الفضلاء أن له حاشية فارسية على الحاشية اليزدية. وله " زينة المسالک فی شرح ألفية بن مالک، ومعه اعراب أبيات «ثمانا بعد ما جاوزت الاثنين» نظم المولى محسن النحوی. يقرب من ثلاثمائة بيت. يوجد نسخته عند السيد شهاب الدين بقم.علامه شیخ آقا بزرگ در مدخلی جداگانه نیز از این حاشیه نام برده است:

(تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*؛ ج۱۳، ص۱٦۲ - ۱٦۳)

(۵۵۰ : شرح تهذيب المنطق) للمولى محسن بن محمد طاهر القزوينی المعروف بالنحوی، و هو حاشية وتعليقات عليه وعلى حاشية المولى عبدالله اليزدی عليه، و هی بعنوان قوله، قوله. أوله : الحمد لله الذی خلق فسوی.. الخ شرع فی تدوينها بعد أن كانت متفرقة فی شعبان سنة ۱۱۳۲ هـ. و فرغ منه بعد شهر، و الشارح هو جد الطائفة النحوية القزوينية، يوجد الشرح عند أحفاده فی قزوين، و نسخة منه فی (مكتبة المولى محمد على الخوانسارى) فی النجف، وأخرى عند السيد هبة الدين الشهرستانی، و غيرهما، و هو يقرب من ألف وخمسمائة بيت.

۱. الذريعه: (۳۲۰: الحاشية عليها) للميرزا محمد التنكابنی المتوفی (۱۳۰۲) قال قصصه لم يكتب مثلها إلى اليوم.

۲. الذريعه: (۳۲۱: الحاشية عليها) للميرزا محمد اليزدی، طبع بعضها مع الحاشية فی (۱۳۲۳).

۳. الذريعه: (۳۲۲: الحاشية عليها) للسيد محمد مهدی بن محمد جعفر الموسوی، ذكرها فی آخر كتابه «خلاصة الاخبار» المؤلف فی (۱۲۵۰).

٤. الذريعه: (۳۲۳: الحاشية عليها) للمولى نظر على بن محسن الجيلانی أولها (سبحانک اللهم يامن كل المنطق عن رسمه الناقص فضلا عن حده التام) عنوانها (قوله، قوله) تقرب من ألفين و خمسماية بيت: نسخة منها فی مكتبة (الخوانساری) وهی بخط الشيخ محمد بن الحسن القرمسينی (الكرمانشاهی) ←

فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) ده نسخه خطی از آن را در کتابخانه‌های مختلف شناسانده است.[۱]

۱۸. حاشیهٔ یعقوب بختیاری حویزی.[۲]

۱۹. تعلیق مصطفی حسینی دشتی.

مؤسسه اسماعیلیان، چاپ پنجم، قم، ۱۳۶۹ش. نیز چاپ مکتبة المفید، چاپ دوم، قم، ۱۳۶۲ش.

۲۰. شرح استاد محمدعلی مدرس افغانی

رفع الغاشیة من غوامض الحاشیة، دار الکتاب، قم، ۱۳۶۳ش.

۲۱. شرح محمدحسین مختاری

توضیح المنطق یا راهنمای فارسی حاشیهٔ ملاعبدالله، نشر مرتضی، قم، ۸ آذر ۱۳۶۴ش.

۲۲. شرح محمدعلی گرامی

→

کتبها لنفسه بعنوان أقل الطلاب فی (۱۲۵۵).

۱. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ ج۱۱، ص ۷۵۸ ـ ۷۵۹.

۲. الذریعه: (۳۲٤: الحاشیة علیها) للشیخ یعقوب بن إبراهیم بن جمال بن إبراهیم البختیاری الحویزی أستاد السید عبدالله الجزائری کما ترجمه فی اجازته الکبیرة. و قال أنه توفی فی عشر الخمسین یعنی بعد المائة و الألف، کتب بخطه نسخة «الحاشیة الیزدیة» و کتب فی آخرها نسبه کما ذکرناه و فرغ عن الکتابة فی شعبان(۱۰۸۵) و علق علیها الحواشی بخطه و جعل رمزها(ع. ق) و تلک النسخة عند السید آقا التستری فی النجف. ثم دونت تلک الحواشی فی عصر المحشی أو بعده، و قد رأیت النسخة المدونة منها، و هی بخط السید أحمد بن محمد بن عبدالکریم بن جواد السید عبدالله الجزائری التستری فرغ من کتابتها فی(۱۲٤۰) و السید أحمد هذا کان أستاد الشیخ جعفر التستری الواعظ الشهیر الذی توفی(۱۳۰۳).

مقصود الطالب فی تقریر مطالب المنطق و الحاشیة، منشورات الاعلمی، تهران، ۱۳٦۱ش.

۲۳. شرح مصطفی حسینی مازندرانی

شرح نفیس حاشیه ملاعبدالله، دانشجوی دینی سید مصطفی حسینی مازندرانی، چاپ اول، ۱۲۸۰ق / ۱۲٤۰ش، از انتشارات کتاب‌فروشی طباطبائی - مدرسه فیضهٔ قم. چاپخانهٔ علمیه - قم. (۲ جلد)

۲٤. حاشیهٔ محمد الکرمی

التقریب الی حواشی التهذیب المعروفة بحاشیة ملاعبدالله، بی‌نا، چاپ اول، قم، ۱۳۷۳ق.

۲۵. حاشیهٔ ابومعین‌حمید حجت‌هاشمی‌خراسانی

کتاب شافیه: شرح حاشیه ملاعبدالله، ۱۳٦۷ش، قم.

۲٦. حاشیه نادر حسین عبداللهی

شرح تهذیب المنطق، حاشیه ملاعبدالله، ۱۳۷۹ش، قم.

۲۷. حاشیه از مؤلفی ناشناخته

آغاز: بسمله، سبحانک لا علم لنا... و بعد، فإنّی لما رایت تهذیب المنطق للمحقق التفتازانی قدس سره متنا متینا و شرحه للنحریر المدعو بعبد الله... حصنا حصینا اردت ان اعلق هما تعلیقات ملتقة من مصنفات الفضلاء...».[۱]

۲۸. حاشیه عبد الوحید بن محمد حسن ضریر متخلص به

---

۱. فهرست کتابخانه آصفیه هند؛ شماره ۳/ ۲۸۵٤۹.

آصف باعنوان تحفة الأحباب.[۱]

۲۹. حاشیهٔ سید إبراهیم بن إسماعیل بن محمود آل بالیل موسوی که در سال ۱۲۳۲ تألیف کرده است.[۲]

۳۰. تعلیقهٔ سید ابوطالب بن اسماعیل حسینی.[۳]

۳۱. حاشیهٔ سیدرضا بن مهدی بن صادق حسینی خوئی.[٤]

۳۲. حاشیه سید صدرالدین طباطبائی از نوادگان میرصالح مدرس طباطبائی.[٥]

۳۳. حاشیهٔ ملاعبدالعلی

کاتب آن عبدالوهاب است به تاریخ ۱۲۷۲.[٦]

۳٤. حاشیه سید شهاب‌الدین بن محمد حسینی تبریزی.[۷]

۳٥. حاشیه سید أبوالقاسم بن سید رضا طباطبائی مشهور به علامه تبریزی.[۸]

---

۱. اشکوری، سیداحمد؛ *تراجم‌الرجال*؛ ج۱، ص۳٤۱.

۲. موسوعة مؤلفی الإمامیة؛ مجمع الفکرالإسلامی؛ ج۱، ص ۱٤٦

۳. موسوعة مؤلفی الإمامیة؛ مجمع الفکرالإسلامی؛ ج۲، ص۱۷۷. فهرستگان، نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ ج۱۱، ص٤۹۷ که نسخه‌ای از آن را در دانشگاه تهران معرفی کرده است.

٤. عاملی، سیدمحسن امین؛ *أعیان‌الشیعة*؛ ج۷، ص ۲۸ به نقل از آیت‌الله مرعشی نجفی)

٥. عاملی، سیدمحسن امین؛ *أعیان‌الشیعة*؛ ج۷، ص۳۸٥.

٦. مجله تراثنا؛ ش۲۲، ص ۱۰٦ (فهرست نسخه‌های باقریه مشهد)

۷. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعه*؛ ج۱۱، ص۲٤۳. (۱٤۸۷: رفع الغاشیة عن وجه الحاشیة) شرح مزج لحاشیة المولی عبدالله الیزدی علی التهذیب، للسید شهاب‌الدین بن محمد الحسینی التبریزی. ألفه (۱۳۳۹) و کانت ولادته (۱۳۱۸) کما کتبه إلینا و لم یذکر انه عربی أو فارسی.

۸. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعه*؛ ج۱۲، ص٥۹. (٤٤٥: الزوائد الجزیلة) حاشیة علی حاشیة ←

۳٦. حاشیهٔ سید محمدحسن بن سید عبدالرسول طالقانی نجفی.[۱]

۳۷. حاشیهٔ شیخ علی بن حسین جامعی عاملی.[۲]

→

المولی عبدالله الیزدی الشاه آبادی علی التهذیب. للسید أبی‌القاسم ابن السید رضا الطباطبائی الشهیر بالعلامة التبریزی المعاصر المتوفی ۱۳٦۱ ذکره فی فهرس تصانیفه. و مر مثله فی٦: ٦۰.

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعه*؛ ج۱۲، ص۱۸۱. (۱۱۹۹: سعادة المتأنق فی توضیح حاشیة المنطق) حاشیة و شرح مزج علی حاشیة المولی عبدالله الیزدی. للسید محمدحسن بن السید عبدالرسول الطالقانی النجفی المولود ۱۳۵۰ فرغ منه لیلة الاثنین (۲۷ - ع۲ - ۱۳۷۰) و النسخة المسودة بخطه عنده بالنجف. همچنین نوشته است: [تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعه*؛ ج۱۳، ص۱٦۰]
(شرح تهذیب المنطق) هو شرح مزجی لحاشیة المولی عبدالله الیزدی علی التهذیب فی ۲۸۸ ص للسید حسن بن السید عبدالرسول آل الطالقانی النجفی صاحب مجلة (المعارف) و المولود سنة ۱۳۵۰ هـ. فرغ منه فی ربیع‌الأول سنة ۱۳۷۰ هـ. و سماه (سعادة المتأنق فی توضیح حاشیة المولی عبدالله فی المنطق) کما مر فی حرف السین، و قد ذکره فی عداد مؤلفاته علی ظهر (دیوان السید موسی الطالقانی) الذی طبع باشرافه سنة ۱۳۷۷ هـ.

۲. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعه*؛ ج۱۳، ص۱٦۲. (٥٤۹: شرح تهذیب المنطق) للشیخ علی بن الحسین الجامعی العاملی، فرغ منه صبح غرة صفر سنة ۱۰۹٦ هـ. و هو شرح علی حاشیة المولی عبدالله الیزدی مزجا بها، لذلک صار شرحاً مفصلاً کما ذکره فی أول مبحث تصدیقاته. همچنین: [تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعه*؛ ج۱۳، ص۱۸۰] (شرح حاشیة التهذیب) للمولی عبدالله الیزدی، للشیخ علی بن الحسین ابن محی‌الدین بن عبد اللطیف الجامعی، قال الشیخ جواد محی‌الدین فی رسالة آل أبی جامع: انه شرح التصدیقات، و قیل التصورات أیضاً.
أقول: هو شرح لهما و یعبر عنه بشرح التهذیب کما أشرنا إلیه فی ص۱٦۲ و هو شرح لطیف موجود بعنوان: قوله. و له (ارشاد المتعلم إلی الطریق) فی المنطق أیضاً، مر فی ج۱، ص ٥۱۸، و منظومة (تحفة المبتدی) فی المنطق أیضاً المذکور فی ج۳ ص ٤٦٤ مع شرحها المذکور آنفا. همچنین بنگرید: [صدر، سیدحسن؛ *تکملة أمل الأمل*؛ ص۲۹۸، ش ۲۷۳.]

۳۸. القسطاس المستقیم و المکیال القویم از ملامحمّدحسین بن اسماعیل یزدی اردستانی

علامه شیخ آقابزرگ تهرانی; آن را آورده و گفته: وی معروف به پاشنه طلائی است تا از همنام معاصر خود تمایز داده شود. آغاز آن چنین است:

أعلی تهذیب منطق المتکلمین و أزکی ذکر أجناس العارفین...[۱].

و احتمال داده است که وی همان پاشنه طلا باشد.[۲]

در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) هشت نسخه خطی از آن شناسانده شده است.[۳]

نیز بنگرید: موسوعه طبقات فقهاء، ج۱۳، ص ۵۷۵ - ۵۷۶، ش ۴۳۱۹، مدخل «اردستانی».

۳۹. کشف الاستار.[۴]

گفتنی است که در الذریعه، ج۶، ص۶۱ آن را حاشیه‌ای بر حاشیهٔ شیخ محمد سعید فرزند سید محمد طباطبایی شاسانده است.

---

۱. تهرانی، آقا بزرگ؛ الذریعه؛ ج۱۷، ص۷۸. ممکن است همچنان که در ج۶، ص۶۰ نوشته الطلح المنضود حاشیه بر حاشیه محمد علی کرمانشاهی باشد.

۲. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعه*؛ ج۱۵، ص۱۷۷.

۳. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ ج۲۵، ص ۱۶۵.

۴. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعه*؛ ج۱۸، ص۱۰. (۴۲۳: کشف الأستار) حاشیة علی حاشیة المولی عبدالله الیزدی، المتوفی ۹۸۱ طبع کثیراً، منه فی هامش نسخة الحاشیة المطبوعة فی ۱۳۲۳.

٤٠. حاشیه از ناشناخته.

علامه شیخ آقا بزرگ معرفی کرده است.[۱]

هشت عنوان حواشی ناشناخته را فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) شناسانده که آغاز آن‌ها همانند است.[۲]

همچنین در جلد نوزده تعدادی شرح حاشیه تهذیب المنطق به فارسی معرفی شده است.[۳]

٤١. شرح یعقوب بختیاری حویزی برمقدمهٔ حاشیه.

در کتاب کشف الأسرار فی شرح الإستبصار (ج۱، ص۱۰۳) از شاگردش جزائری نقل کرده است که شرحی بر مقدمه حاشیه ملاعبدالله - به جز حاشیه بالا - نیز داشته است.[٤]

٤٢. حاشیه فیض کاشانی

فهرست‌وارهٔ دست نوشته‌های ایران (دنا) نسخه‌ای از آن را معرفی کرده است: الهیات تهران شماره ۱ / ۳۲۹ به خط بهاءالدین اسماعیل موسوی زنجانی، شکسته نستعلیق ۱۳۱۵.[٥]

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعه*؛ ج۲۳، ص٦۱ . (حاشیة بر تهذیب المنطق) المذکور متنه و سایر حواشیه فی (٦ : ٥۳) و أما المحشی هذا فلا نعرفه إلا أنه کتبها مع النظر إلی «الحاشیة» للمولی عبدالله الیزدی أوله: [بدان که حمد در لغت ثنائی است به لسان بر قصد تعظیم...] نسخة منه فی (الملک ۲۰۰٦) کتبت بقلم النستعلیق فی القرن الحادی عشر فی ۱۳٦ ورقا.

۲. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ ج۱۱، ص۷٦۱ ـ ۷٦۲.

۳. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ ج۱۹، ص۳۸٥.

٤. همچنین رک: جزایری، سید نعمت‌الله؛ *نابغهٔ فقه*؛ ص۲۱٤.

٥. فهرست دنا؛ ج٤، ص۱۲٥، شماره ۸۹۳۲۳.

٤٣. حاشیه نصیر بن حسین قزوینی

فهرست‌واره دست نوشت‌های ایران: نسخه خطی کتابخانه مهدوی، شماره ٤ / ٤٥٩، نستعلیق قرن ۱۳.[۱]

٤٤. حاشیه محمد بن سلیمان کافیجی (م ۸۷۹ق).

نویسنده خود را در پایان رساله محی‌الدین معرفی کرده است. نسخه‌هایی از آن در دانشگاه تهران و کتابخانهٔ آیت الله گلپایگانی; در فنخا معرفی شده است.[۲]

٤٥. حاشیه محمد علی بن عبد الغفار بیدگلی

مؤلف هنگام تدریس حاشیه ملاعبدالله یزدی بعضی مطالب آن را بر دو شاگردش سید ابراهیم حسنی ساوجی و محمد حسین بن محمدمحسن قمی مشکل می‌دید، برای توضیح مشکلات این حاشیه را با عناوین «قوله، قوله» نگاشت. نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرکز احیا به شماره ۱۸۸/۲ موجود است.[۳]

٤٦. حاشیه محمد بن محمدعلی هرندی (م ۱۲٤۳ق)

حاشیه اجمالی است بر بعضی جاهای حاشیه ملاعبدالله که با عجله هنگام تدریس کتاب نوشته و تفصیل به بعد موکول کرده است.

فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) پنج نسخه خطی آن را

---

۱. فهرست دنا؛ ج٤، ص۱۲٥، شماره ۸۹۳۲۸.
۲. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ ج۱۱، ص۷٥۲ ـ ۷٥۳.
۳. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ ج۱۱، ص۷٥۹.

شناسانده است.[۱]

٤٧. حاشیه ابوالقاسم بن حسین حسینی

فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) نسخه‌ای از آن را در کتابخانهٔ ملی شناسانده است.[۲]

٤٨. حاشیه حسن بن عبدالله چوری (م ۱۲۹۲ق)

فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) دو نسخه خطی آن را در کتابخانه مفتاح و کتابخانه ملی شناسانده است.[۳]

٤٩. حاشیه عبدالرحیم بن ادی گوزل

فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) نسخهٔ خطی آن را در کتابخانه گلپایگانی شناسانده است.[٤]

٥٠. حاشیه عبدالرحیم مراغی

فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) نسخهٔ خطی آن را در کتابخانه فیضیه شناسانده است.[٥]

٥١. حاشیه محمد تقی بن اسدالله حسینی.

فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) نسخهٔ خطی آن را در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی; شناسانده است.[٦]

---

١. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ ج١١، ص ٧٥٩.
٢. همان؛ ص٧٥٩ ـ ٧٦٠.
٣. همان.
٤. همان.
٥. همان.
٦. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ ج١١، ص٧٦١.

۵۲. حاشیه محمد باقر طبری آملی

فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) نسخهٔ خطی آن را در کتابخانه مروی تهران شناسانده است.[۱]

۵۳. مرصع الحواشی از محمد بن محمد نصیر حسنی طباطبائی (م ۱۱۵٤ق)

فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) شش نسخهٔ خطی آن را در کتابخانه‌های مختلف شناسانده است.[۲]

۵٤. شرح دیباجة حاشیة تهذیب المنطق از ناشناس

فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) نسخهٔ خطی آن را در کتابخانه شیخ علی حیدر مشهد شناسانده است.[۳]

۵۵. موضح التهذیب از ناشناس

فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) نسخه‌ای از آن را در کتابخانه مجلس شناسانده است.[٤]

۵٦. الزوائد الجزیله از سیدابولقاسم بن سیدرضا طباطبائی مشهور به علامه تبریزی(م ۱۳٦۱ق)

علامه شیخ آقابزرگ آن را معرفی کرده است.[۵]

۵۷. سعادة المتأنق فی توضیح حاشیة المنطق از سید محمدحسن بن سیدعبدالرسول طالقانی نجفی

---

۱. همان.

۲. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ ج۲۹، ص ۱۰۸ ـ ۱۰۹. نیز: ج۱۱، ص۷٦۱.

۳. همان؛ ج۱۹، ص۷۰۱.

٤. همان؛ ج۳۲، ص۵۵٤.

۵. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج۱۲، ص۵۹.

حاشیه و شرح مزجی حاشیه میرزا عبدالله است. تاریخ فراغت از تألیف شب دوشنبه ۲۷ ربیع‌الثانی سال ۱۳۷۰می‌باشد.[۱]

۵۸. الطلح المنضود از ملامحمّدحسین بن اسماعیل

(۱۱۸۳: الطلح المنضود) حاشیة علی حاشیة المولی عبدالله الیزدی، علی (تهذیب المنطق) للمولی محمدحسین بن إسماعیل، و لعله الشهیر بپاشنه طلائی، المتوفی بالحائر ۱۲۷۳ ترجمنا له فی (الکرام البررة ص ۳۷۸) و النسخة فی مکتبة (البروجردی بالنجف).[۲]

نسخه‌های خطی حاشیه

در کتاب فهرست‌واره نسخه‌های خطی ایران (دنا) ٦٤٦ نسخهٔ خطی از این کتاب شناسانده شده است. این نسخه‌ها را از صفحهٔ ۸۷ تا ۱۰٤ جلد چهارم دنا (دو ستونی) می‌توان ملاحظه کرد. بر اساس این فهرست، و نسخه‌هایی که کنگره از کتابخانه آستان قدس رضوی تهیه کرده است، نسخ زیر از قدیم‌ترین نسخه‌های خطی شناخته شده، به شمار می‌روند:

۱. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۹۹٤، کتابت ۹۷۱ق، به خط ابن خلیل الله.

۲. نسخهٔ کتابخانه ملک به شماره ۱ / ۱٦٥۱ خط عنایة الله به

---

۱. همان؛ ص۱۸۱

۲. همان؛ ج۱۵، ص۱۷۷. ملاحظه می‌شود که علامه آقابزرگ تهرانی; احتمال داده است که وی شاید همان پاشنه طلا باشد.

تاریخ ۲۲ رجب ۹۸۵ق؛

۲. نسخه کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی به شماره ۲ / ۱۰۵٤۲ خط ابوالقاسم بن سلطان حسین عبدالعظیمی رازی به تاریخ غره جمادی الأول ۹۹۷.

۳. نسخه آستان قدس رضوی[۷] به شماره ۱۰٤۹ که نستعلیق قرن ۱۰ کتابت شده است.

ترجمه‌های حاشیه

این کتاب از دیرباز تاکنون بارها ترجمه شده است. فهرست دنا ۳۲ نسخه خطی از ترجمه‌های این کتاب را در صفحات ۱۰٤ - ۱۰۵ شناسانده است.

چاپ‌های حاشیه

این کتاب نخستین بار در سال ۱۲٦۸ق به همراه حاشیه میرزا علیرضا در تهران چاپ شد،[۱] سپس بارها باز چاپ شد که تاریخ برخی از آن‌ها در بخش روز شمار آمده است.

شایان توجه است که این کتاب، متن درسی حوزه‌های علمیه بوده است و عجیب نیست که صدها نسخهٔ خطی و ترجمه فارسی داشته باشد و یا ده‌ها بار چاپ شود.

---

۱. حاج سیدجوادی، احمد؛ *دائرة المعارف تشیع*؛ ج٦، ص۲۱.

دوم: شرح تهذیب المنطق به فارسی

ملاعبدالله علاوه بر حاشیه معروف خود بر تهذیب المنطق تفتازانی شرحی به زبان فارسی نیز بر آن کتاب نوشته است. وی در کتاب دیگر خود یعنی الدرة السنیة فی شرح الرسالة الألفیة الشهیدیة از این شرح نام برده است. او به هنگام بیان مقدمه علم و کتاب چنین نوشته است:

> «و قد أشبعنا الکلام فی هذا المقام فی الشرح الثانی لتهذیب المنطق»؛ بنا به نوشتهٔ علامه آقابزرگ تهرانی; شرح دوم تهذیب المنطق همین شرح فارسی است.[۱]

میرزا عبدالله افندی در ریاض گوید که نسخه‌ای از آن نزد من است.[۲]

همچنین علامه آقابزرگ تهرانی; در معرفی آن می‌نویسد:

> نسخه‌ای از آن نزد سید محمدباقر خوانساری صاحب روضات‌الجنات و نسخه‌ای دیگر نزد میرزا عبدالله افندی صاحب ریاض‌العلماء بوده است.

وی ضمن اشاره به این دو نسخه، می‌نویسد که نسخه دیگری از این شرح در کتابخانه میرزا باقر قاضی در تبریز، نسخه‌ای دیگر در کتابخانه عمومی امام علی۷ و یکی هم نزد شیخ عزالدین

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج۸، ص۹۸.

۲. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج۳، ص ۱۹٤.

الجزائری در نجف موجود است.[۱] ابتدا و پایان آن به روایت ذریعه چنین است:

آغاز: الحمد لله در لغت وصفی است بجمیل اختیاری جهت تعظیم و تجلیل نه بطریق سخریة و استهزاء، و در اصطلاح فعلی أست که دال باشد بر تعظیم منعم از آن حیث که منعم است... انجام: بالمقاصد أشبه.

بر اساس تاریخ کتابت نسخه‌ای از آن که در کتابخانه وزیری یزد است، این شرح سال‌ها پیش از شرح معروف عربی به نگارش در آمده است. نسخه موجود در کتابخانهٔ وزیری به مشخصات ذیل است:

خط: نسخ باقر بن حاج حسینعلی، دهم رمضان ۹۵۲ ه .ق. عنوان و نشانه‌ها شنگرف ...

آغاز: بسمله، حمد در لغت وصفی است بجمیل اختیاری بر

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج۱۳، ص۱٦۱ - ۱٦۲: (٥٤٦: شرح تهذیب المنطق) فارسی، للمولی عبدالله بن شهاب‌الدین الیزدی الشاه آبادی معاصر المقدس الأردبیلی و المتوفی سنة ۹۸۱ ه. قرأ علیه صاحبا (المعالم) و (المدارک) فی العقلیات و قرأ علیهما فی الشرعیات کما فی (أمل الآمل)، و هو صاحب الحاشیة العربیة علی (التهذیب) المعروفة بـ (حاشیة المولی عبدالله) کانت نسخة منه عند کل من صاحب (الریاض) و (الروضات) کما ذکراه فی کتابیهما، و نسخة فی (مکتبة السید المیرزا باقر القاضی) فی تبریز، و أخری فی (مکتبة الامام أمیرالمؤمنین۷ العامة) فی النجف و أخری عند الشیخ عزالدین الجزائری فی النجف أیضا، و أوله: الحمدلله در لغت وصفی است بجمیل اختیاری جهت تعظیم و تجلیل نه بطریق سخریه و استهزاء، و در اصطلاح فعلی است که دال باشد بر تعظیم منعم از آن حیث که منعم است.. و آخره: بالمقاصد أشبه.

جهت تعظیم و تجلیل.[۱]

این نسخه در مجموعه‌ای شامل: حاشیه تهذیب ملاعبدالله برگ ۱ ـ ۹۹ و حاشیه میرزا علیرضا شامل برگ ۹۹ ـ ١٦٤ است. پس از مکاتبات و درخواست کنگره، از سوی کتابخانه تنها شرح ملاعبدالله را دریافت کردیم و معلوم نشد که آیا حاشیه میرزا علیرضا حاشیه بر همین شرح فارسی است یا حاشیه فارسی وی بر متن عربی حاشیه ملاعبدالله است.

حاشیه بر حاشیه فارسی

شرح عنایت‌الله کنبو لاهوری (م ۱۰۸۲ق).[۲]

سوم: شرح بخش ضابطه اشکال اربعه

این شرح را ملاعبدالله به امر استادش جمال‌الدین محمود شیرازی که خود شاگرد ملاجلال‌الدین دوانی بوده نگاشته است.

آغاز آن چنین است:

حمداً لإله هو بالحمد حقیق، إذ ارشدنا إلی رموز التدقیق. نسألک اللهم هدایة.

نسخه‌ای از آن به گزارش علامه آقابزرگ تهرانی; در ذریعه در

---

۱. فهرست کتابخانهٔ وزیری؛ ج٤، ص ۱۳۸۰، شماره ٢٦٦٠. (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ وزیری یزد وابسته به کتابخانه آستان قدس رضوی، نگارش محمد شیروانی)

۲. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ ج۱۹، ص ۳٤۲ ـ ۳٤۳.

کتابخانهٔ آستان مقدس رضوی است که نشان وقف ۱۰٦۷ دارد بنا بر آنچه که در فهرست آن کتابخانه (ج۱؛ ص۳٦) نوشته شده است.[۱]

چهارم: حاشیه غیر مشهور

از این حاشیه علامه آقابزرگ تهرانی; نام برده است. وی می‌نویسد:

> نسخه‌ای از آن به کتابت سال ۹۷۱ ه .ق در کتابخانه آستانه قدس رضوی است. فهرست نویس (ج۱، ص۱۱) اظهار کرده است که آن از ملاعبدالله و غیر از حاشیه متداول است چراکه اول و آخر و وسط آن با حاشیه متداول متفاوت است. آغاز آن چنین است: «الحمد هو الوصف بالجمیل الاختیاری».

تهرانی برای روشن شدن حقیقت ماجرا به دیدن و ملاحظه‌کردن اصل نسخه حواله می‌دهد، و احتمال می‌دهد همچنان که ملاعبدالله بر تجرید و مطالع حواشی متعددی دارد و طبقات جلالیه و صدریه نامیده می‌شود، بر تهذیب نیز حواشی متعدد و قدیم و جدید داشته است.[۲]

ب) حواشی بر حاشیه دوانی بر تهذیب

ملاعبدالله حاشیه‌های مختلف بر حاشیه دوانی بر تهذیب دارد،

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج٦، ص٥٤.
۲. همان.

یکی از آن‌ها دارای عنوان خاص و مستقل باعنوان الخراره است، اما بقیه شامل شرح بخش‌هایی از حاشیه دوانی هستند.

۱. الخرارة فی شرح العجالة

تهذیب المنطق نوشتهٔ سعدالدین تفتازانی به جز شرح ملاعبدالله صاحب حاشیه، شروح و حواشی بسیاری دارد. یکی دیگر از مهم‌ترین آن‌ها شرح ملاجلال‌الدین محمد بن اسعد دوانی است.

دوانی در مقدمه به هنگام وصف شرح خود، این عبارت را نوشته است:

«فهذه عجالة نافعة و غلالة رائقة...». به خاطر وجود واژه عجاله در آغاز شرح، کتاب وی به عجاله معروف شده است.

ملاعبدالله شرحی بر شرح دوانی نوشته و آن را «الخرارة فی شرح العجالة» نام نهاده است. علامه آقابزرگ تهرانی; از این شرح به مناسبت‌های مختلف اقلاً پنج بار در الذریعه یاد کرده و ضمن توضیح معنای خراره (صدای آب فراوان که از بلندی بریزد)، نسخه‌هایی از این کتاب را شناسانده است.

نسخه‌ای از آن در کتابخانه آستانهٔ رضویه به خط محمدتقی بن محمد أشرف شریف استرآبادی است که در مدرسه خیراتیه مشهد در سال ۱۰۶۰ کتابت شده است. آغاز آن چنین است:

«غایة تهذیب الکلام حمد الله العزیز العلام».

ملاعبدالله می‌گوید: آن را زمانی که حاشیه دوانی را تدریس

می‌کرده، نگاشته است.

نسخه دیگری از این کتاب در کتابخانهٔ تستریه است که آن را سید محمد بن حسین حسینی خامنه‌ای معروف به پیغمبر تبریزی (متوفای ۱۳۵۳ در نجف) وقف کرده است.[۱]

از این کتاب سید اعجاز حسین در کشف الحجب،[۲] اسماعیل پاشا در هدیة العارفین،[۳] و علامه محسن امین در اعیان‌الشیعه[٤] نام برده‌اند.

۲. شرح دیباجة العجالة

شرح مزجی مختصری است توضیحی بر مقدمهٔ رساله «العجالة فی شرح تهذیب المنطق» دوانی.

آغاز: الحمد لله علی ما أنعم علینا ظاهراً و باطناً و الصلاة و السلام علی من هو شفیع العاصین شرحاً و ماتناً.

انجام: و عین الخطأ علیلة و رمیدة و الله الحمید الأعلی و رسوله صلاة من العلی و علی آله و صحبه المقتدی.[٥]

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج٦، ص٥٤؛ ج۷، ص١٤٥؛ ج۱۳، ص۱۷۹ ـ ۱۸۰ و ۳٦۷ ـ ۳٦۸؛ ج۱٥، ص۲۲۰.

۲. کنتوری، حسین بن محمد؛ *کشف الحجب والاستار*؛ ص۳٤۳، شماره ۱۹۰۱.

۳. بغدادی، اسماعیل؛ *هدیة العارفین*؛ ج۱، ص٤۷٤.

٤. حر عاملی؛ *اعیان الشیعه*؛ ج۸، ص٥۳.

٥. معرفی این این نسخه از کتاب فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) اخذ شده است. (ج ۱۹، ص ۷۰۳).

۳. حاشیه بر مطلب «موضوع» خاصةً

این رساله بحث موضوع را شامل است. از این رساله صاحب ریاض نام برده و گفته که در همدان آن را دیده است و نسخه‌ای نیز از آن دارد. [۱]

علامه شیخ آقا بزرگ آغاز و انجام آن را چنین آورده است:

آغاز: بعد الحمد و الصلاة علی عبادة الذین اصطفی، فهذه کلمات منتشرة و معرفات منتثرة، متعلقة ببحث الموضوع من حاشیة التهذیب...

انجام: علقها فقیر ربّه الأبدی عبدالله الیزدی تذکرة لبعض الأحباء.

نسخه‌ای از این رساله در ۲۰ صفحه به خط ابراهیم بن خلیل الله به تاریخ کتابت ۹۷۱ در کتابخانهٔ آستانه قدس رضوی است که در فهرست آن کتابخانه (ج۱، ص۳٦) شناسانده شده است.

نسخهٔ دیگری نیز نزد سید محمدتقی سبزواری بوده است.[۲]

٤. حاشیه بر موضوع علم

در این رساله ملاعبدالله خود را بهابادی معرفی کرده است:

... علقّها اقلّ خلق الله الهادی عبدالله البهابادی تذکرة لبعض الأخیار نفعه الله بها و سائر الأذکیاء انه قادر علی ما یشاء... .

---

۱. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج۳، ص۱۹٤.

۲. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج٦، ص٦۰.

نسخه‌ای از آن را کنگره بین‌المللی علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی[۱] از کتابخانه آستان قدس تهیه کرده است که تاریخ کتابت ۹۷۱ ه .ق دارد.

ج) حاشیه بر حاشیه قدیمیه جلالیه بر شرح مطالع

نخستین بار صاحب ریاض از این اثر خبر داده و نوشته که آن را دیده است.[۱] نسخه‌ای از آن در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی; به شمارهٔ ۱۱۲۷۲ موجود است که کنگره بین‌المللی علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی[۱] تصویری از آن را تهیه کرده است.

د) حاشیه بر تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الشمسیه

علامه آقابزرگ تهرانی; نسخه‌ای از آن را در موقوفه سیدمحمد خامنه‌ای در شوشتر، چنین معرفی کرده است:

آغاز: «مطلع کلّ منطق ومبدأ کلّ کلام حمد الله الملک العلام».[۲]

ه) حاشیه بر حاشیه شریفیه بر شرح المطالع

کتاب مطالع الانوار نوشتهٔ سراج‌الدین محمود ارموی (م ٦٨٩) است؛ یکی از شرح‌های مهم آن لوامع الاسرار نوشتهٔ قطب‌الدین رازی است. بر این شرح حواشی مختلفی زده شده است از جمله

---

۱. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض العلماء*؛ ج۳، ص۱۹٤.
۲. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج٦، ص۳٦، ش۱۷۰.

حواشی شریفیه نگاشتهٔ سید شریف جرجانی.

به نوشتهٔ صاحب ریاض، ملاعبدالله یزدی بر این حاشیه دارای حواشی است که وی آن را دیده است.[۱] همچنین علامه شیخ آقا بزرگ نیز در الذریعه آن را شناسانده است.[۲]

نکته‌ای دربارهٔ کتاب تحفهٔ شاهجهانیه

ادوارد ون دایک در کتاب اکتفاء القنوع خود یکی از تألیفات ملاعبدالله یزدی را تحفه شاهجهانیه ذکر می‌کند. کتاب تحفه شاهجهانیه که در کشورهایی چون هند، پاکستان، اندونزی و... به‌عنوان کتاب درسی منطق در حوزه‌های علمی خوانده می‌شود، در حقیقت همان کتاب حاشیهٔ علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی بر تهذیب المنطق سعد تفتازانی است.[۳]

دو. فلسفه

رساله در تشکیک (رسالة فی التشکیک)

علامه آقا بزرگ تهرانی; این رساله را معرفی کرده است. همچنین نسخه‌ای از آن را به خط سید محمدعلی موسوی که

---

۱. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض العلماء*؛ ج۳، ص۱۹٤.

۲. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج٦، ص۷٦، ش ۳۹٤.

۳. *کشف نکاتی تازه از زندگی علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی* ۱؛ محمدعلی نجفی (http://www.molaabdellah.ir).

دارای کتابت ۱۰۱۸ و در تملک جلال‌الدین محمد بن قطب‌الدین محمد اصفهانی در کتابخانه شوشتریه بوده، شناسانده است.

آغاز: «تحقیق التشکیک اللهم بالهامک، و إزاحة الشکوک بنبضک و أنعامک...».[۱]

پس از وی شیخ هادی امینی نیز آن را بدو نسبت داده است.[۲]

گفتنی است که برخی این رساله را شرح مبحث تشکیک از آثار ملاجلال دوانی (م ۹۰۸ق) به شمار آورده‌اند.[۳]

سه. کلام

۱. حاشیه بر حاشیهٔ قدیم ملاجلال بر شرح جدید تجرید العقائد خواجه نصیر طوسی

میرزا عبدالله افندی از این حاشیه نام برده و نوشته که آن را در استرآباد دیده است. هم‌چنین از نسخه‌ای از آن نزد خود یاد کرده است.[٤]

۲. حاشیه بر شرح جدید تجرید مبحث جواهر

علامه خوانساری در روضات‌الجنات[٥] و سید حسن صدر در

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج۱۱، ص۱٤۸، ش ۹۲۸.
۲. آل‌محبوبه، جعفرالشیخ باقر؛ *ماضی النجف و حاضرها*؛ ج۳، ص۱۲۳۹.
۳. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج٥، ص۲۸۱.
٤. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض العلماء*؛ ج۳، ص ۱۹٤.
٥. خوانساری، محمد باقر؛ *روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات*؛ ج٤، ص۲۲۹.

تکمله آن را نسبت داده است؛[۱] گرچه برخی در نسبت آن به ملاعبدالله یزدی تشکیک کرده و آن را از عبدالخالق قاضی زاده کرهرودی دانسته اند.[۲]

همچنین نسخه‌ای از حاشیه شرح بر مبحث جواهر در فنخا معرفی شده است.[۳]

چهار. فقه

۱. الدرة السنیة فی شرح الرسالة الألفیة الشهیدیة

کتاب الفیه نوشتهٔ شهید اول در موضوع فقه است. شروح و حواشی مختلفی دارد. ملاعبدالله از کسانی است که به شرح این کتاب دست یازیده و آن را الدرة السنیة نامیده و به نام سید عبدالمطلب بن حیدر بن فلاح بن محسن بن محمد بن فلاح مشعشعی تألیف کرده است.

شرح مزجی بر کتاب الفیه است. علامه شیخ آقا بزرگ نسخه‌ای از آن را که در عصر مؤلف کتابت شده، و در کتابخانهٔ آل مشکور در نجف دیده، چنین وصف کرده است:

---

۱. صدر، سیدحسن؛ *تکملة أمل الأمل*؛ ج۳، ص ۳۲٦ ـ ۳۲۸.
۲. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ ج۱۱، ص ۹۲۳.
۳. همان؛ ج۱۹، ص۲٤٤.

متن کتاب با جوهر قرمز و شرح با قلم مشکی کتابت شده است. نشان سماع و بلاغ و برخی حواشی دارد، اما برگهٔ اولش افتاده است. بعد از اتمام شرح، شارح خاتمه‌ای در فضل روز جمعه و برخی از آداب آن آورده است.

مشعشعی از خاتون آبادی‌هاست و نویسنده به نام او چنین نوشته است:

فلما افتخر بالعلوم و أفضل حسب وفاق بهذا العالی من النسب لقب بالسید عبدالمطلب لأنه محقق طلب کل طالب و مروج أمل کل آمل.

همچنین ملاعبدالله در این کتاب به کتاب‌های دیگرش نیز اشاره کرده؛ از جمله در شرح بسمله نوشته است: «و نقلنا ما فیه کفایة فی مؤلفاتنا خصوصاً فی رسالتنا المسماة بالتجارة الرابحة»؛ یعنی از کتاب تجارة الرابحهٔ خود که در تفسیر سورهٔ حمد است، نام برده است.

همچنین به هنگام بیان مقدمه علم و کتاب نوشته است:

و قد أشبعنا الکلام فی هذا المقام فی الشرح الثانی لتهذیب المنطق؛ یعنی به شرح فارسی تهذیب خویش اشاره کرده است.

نیز به هنگام تعریف طهارت دربارهٔ سخن محقق کرکی; چنین نوشته است:

«نعم قد ذکر شیخنا; فی حاشیة الشرایع.. ان المتبادر من

تأثیر الاستباحة للصلاة کونه فعلیا فیخرج الوضوء المجدد لعدم التأثیر الفعلی له لحصول الاستباحة قبله و تحصیل الحاصل ممتنع»؛ در این عبارت از کتاب شرح قواعد خود نام برده است؛ همچنین در این بخش از کرکی به شیخنا تعبیر آورده است.

در پایان علامه شیخ آقا بزرگ; می‌نویسد دربارهٔ این کتاب سخن به درازا کشید تا خواننده کتاب ملاعبدالله صاحب حاشیه را هم نام وی یعنی ملاعبدالله بن حسین شوشتری که او نیز شرح الفیه دارد اشتباه نگیرد.[۱]

محمدحسن نجفی; (صاحب جواهر) در جواهرالکلام (جلد دوازدهم) سه بار از الدرة السنیه نام برده، در یک مورد آن را شرح الفیه نامیده، اما اشاره نکرده است که آیا مراد وی همین الدرة السنیه تألیف ملاعبدالله یزدی; است یا کتاب دیگری را مد نظر داشته است.[۲]

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج۸، ص ۹۸ ـ ۹۹.

۲. بر خود لازم می‌دانم از آقای خادمیان که مرا به این مطلب راهنمایی کردند، تشکر کنم.

۲. شرح قواعد الأحکام

قواعد الأحکام علامه حلی; یکی از بهترین کتاب‌های فقهی تاریخ شیعه است. بر این کتاب شروح بسیاری نوشته شده و برخی از آن شروح دارای عنوان مستقلی است، مانند جامع المقاصد محقق کرکی، شوارع الأحکام استرآبادی، مفتاح الکرامه عاملی. اما برخی دیگر از شروح دارای عنوان مستقل نیستند؛ همچون شرح ملاعبدالله صاحب حاشیه. این کتاب را نخست سیدعلی خان مدنی در سلافه بدو نسبت داده است.[۱]

گفتنی است که ملاعبدالله صاحب حاشیه به صاحب معالم (حسن بن زین الدین) و سید محمد عاملی صاحب مدارک علوم عقلی آموخته و از آنان فقه فراگرفته است. وی هم‌چنین همدرس مقدس اردبیلی بوده است؛ پس تسلط وی بر فقه انکار نشدنی است. گرچه برخی در شرح وی تشکیک کرده و گفته‌اند که شرح قواعد الأحکام از همنام وی؛ یعنی عبدالله شوشتری است.[۲] اما شرح عبدالله

---

۱. صدرالدین الحسینی، علی؛ سلافةالعصر؛ ج۱، ص۲۸۹. مدرس تبریزی، محمدعلی؛ *ریحانة الادب*؛ ج٦، ص۳۹۰.

۲. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج۳، ص۱۹۳. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعه*؛ ج١٤، ص۲۰.

شوشتری دارای عنوان مستقل «جامع الفوائد فی شرح القواعد» است که در سال ۱۰۰٤ ه .ق کتابت شده است.

افزون بر آن صاحب ریاض در تسلط ملاعبدالله صاحب حاشیه بر فقه به سخن امین رازی در هفت اقلیم استناد جسته است.[۱]

امین رازی در هفت اقلیم در معرفی ملاعبدالله می‌نویسد:

> مولانا عبدالله پیوسته به قلم گوهر نگار نقش تألیف و تصنیف بر لوح روزگار می‌نگاشت و در میدان و افادهٔ لوای سبقت بر امثال و اقران می‌افراشت و مهارتش در فنون علم فقه به غایتی بوده که می‌گفته اگر متوجه بدان علم گردم، به توفیق الله تعالی، برهان و دلایل عقلی بر مسایل فقهی گفته، چنان علم فقه را مدلل سازم که مجال چون و چرا نماند.[۲]

نیز بنگرید مقدمهٔ مصححین کتاب قواعدالأحکام را که ۲۷ عنوان از شروح آن کتاب را فهرست کرده‌اند.[۳]

۳. حاشیه بر ارشادالأذهان

---

۱. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض‌العلماء*؛ ج۳، ص۱۹۱.

۲. رازی، امین احمد؛ *هفت اقلیم*؛ ج۱، ص۱۵۵.

۳. حلی، حسن بن یوسف؛ *قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام*؛ ج۱، ص۱٦۰ - ۱٦۳.

«ارشادالاذهان فی احکام الایمان» یکی از کتب معتبر فقهی است که حواشی و شروح متعددی بر آن نگاشته شده است. از جمله این حواشی حاشیه علامه ملاعبدالله بهابادی است. حاشیه ارشادالاذهان علامه بهابادی حاشیه‌ای کاملاً استدلالی است که قرآن و سنت جایگاهی اساسی در آن دارد.

حاشیه ارشادالاذهان ملاعبدالله بهابادی از سوی دبیرخانه کنگره بین المللی ملاعبدالله بهابادی یزدی تصحیح و در کنار شروح دیگر در دو مجلد [۹۰۰ صفحه] به چاپ خواهد رسید.[۱]

٤. حاشیه بر استبصار

شیخ عباس قمی در فوائد الرضویه،[۲] و جواد مدرسی در نجوم السرد[۳] آن را نسبت داده‌اند.

پنج. بلاغت

۱. حواشی بر حاشیه خطایی (حاشیه بر مختصر و مطول)

سعدالدین تفتازانی بر تلخیص المفتاح دوگونه شرح نوشته است: یکی مختصر و دیگری مطول که هر دو به همین عنوان یاد می‌شوند (شرح مختصر و مطول). هر یک از این دو شرح، نیز به

---

۱. دبیرخانهٔ بزرگداشت علامه میرزا عبد الله بهابادی http://www.molaabdellah.ir

۲. قمی، عباس؛ *فوائد الرضویه*؛ ج۱، ص٤٢٠.

۳. کشمیری، آزاد؛ *نجوم السرد*؛ ص٤٣٢.

قلم دانشمندان دیگر شرح شده و یا حاشیه خورده‌اند. یکی از مشهورترین آنان حاشیهٔ ملا\زاده نظام‌الدین عثمانی خطائی (ختائی) است. از زندگی وی چیزی دانسته نیست جز اینکه چلبی او را بدین نام خوانده و تاریخ مرگ او را ۹۰۱ آورده، اما ظاهراً وی پیش از این تاریخ وفات کرده است. از آنجایی که نام «خطای = ختای» در معجم البلدان، و نسبت «خطایی = ختایی» در انساب سمعانی نیامده است برخی گمان کرده‌اند که این واژه غلط است و خطابی (خ ط ط ب) درست می‌باشد چنانکه کشف الظنون آورده است. ولی این گمان درست نیست و خطایی معرب ختایی، نسبت به شهر ختای ترکستان است. حتی از شاعران ایران چندین تن خطایی تخلص دارند مانند شاه اسماعیل صفوی خطایی، خطایی سمرقندی، خطایی سرایندهٔ یوسف و زلیخا، خطائی یزدی و ... .[۱]

بنابر این حاشیه خطابی که در کتاب‌هایی مثل کشف الظنون آمده همان حاشیه خطائی است. به هر حال، ملاعبدالله بهابادی هم بر مختصر حاشیه دارد و هم بر مطول. در فهارس هم ظاهراً توجه به این مسأله نکرده‌اند همچنان که در فهرست‌وارهٔ دنا همه ۱۳۸ نسخه را در یک عنوان حاشیه خطائی آورده است.

حاشیه ملاعبدالله بر حاشیه نظام‌الدین عثمان خطایی بر شرح

---

۱. فهرست کتاب‌های اهدایی مشکوة؛ ج۲، ص ۳۷٦ ـ ۳۷۷.

مطول دارای ۳۰۰۰ بیت است و چنانکه خود ملاعبدالله در پایان آن مرقوم داشته، در ۱۷ ذی‌الحجه ۹۶۲ ه .ق در مدرسهٔ منصوریهٔ شیراز پایان یافته است.

گفته شده است: نسخهٔ خطی از این کتاب به خط نستعلیق و در ۷۶ برگ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است که به خط خود آخوند ملاعبدالله است. در کتاب قاموس تراجم تصویری از یکی از صفحات همین نسخه، به‌عنوان نمونه خط آخوند ملاعبدالله آورده شده است.

آغاز: «حمداً لمن خلق الانسان علمه البیان».[۱]

فهرست‌واره دنا ۱۳۸ عنوان نسخه خطی از حاشیه خطائی ملاعبدالله بدون تفکیک حاشیه بر مختصر یا مطول شناسانده است.[۲] برخی از قدیم‌ترین نسخه‌های آن چنین است:

۱. مرکز مطالعات قم شماره ۲ / ۵۸۹ به خط عبدالله بن شهاب‌الدین یزدی (مؤلف)، به تاریخ ۱۷ ذی حجه ۹٦۲ (ف: ۱ ـ ٥٠٤)

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج٦، ص ۲۰۳.

۲. فهرست دنا؛ ج٤، ص١٤١ ـ ١٤٥.

۲. دانشگاه تهران، ش ۲ / ۸۱۲ خط استرابادی، به تاریخ ۲٤ ذی حجه ۹۷۳؛
۳. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، خط علی دوست بن فتح‌الله، ۹۷٦؛
٤. کتابخانه آستان قدس رضوی شماره ۲٦۲۱۲ خط ابن وجیه الدین، دوشنبه ۱۷ رجب ۹۸۸؛
٥. کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی; خط فضل‌الله بن شرف‌الدین علی شیرازی، جمادی‌الثانی، ۹۸۹.

۲. حاشیه بر حاشیه شریفیه بر مطول

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی; از این اثر نام برده که در فهرست آستان قدس رضوی (ج۳، ص٦۰) نسخه‌ای که از آخر افتادگی دارد، معرفی شده است.

آغاز: «الحمد لله رب العالمین...».[۱]

شش. تفسیر

۱. التجارة الرابحة در تفسیر سوره و فاتحه

ملاعبدالله از این کتاب در الدرة السنیه نام برده است. در آن کتاب نوشته است:

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج٦، ص ۷۲ ـ ۷۳، ش ۳۷۱.

إنی قد بسطت القول فیه فی مؤلفاتی خصوصاً فی رسالتنا المسماة بالتجارة الرابحة فی تفسیر السورة و الفاتحة.[۱]

این کتاب تفسیری به جز ذریعه، در ریحانة الأدب[۲] و مشاهیر مدفونین در نجف[۳] نیز معرفی شده است. علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی; افزون بر مدخل مستقل آن،[٤] ذیل معرفی الدرة السنیه نیز به این کتاب اشاره کرده است.[٥]

۲. درة المعانی یا خلاصة التجارة الرابحه

درة المعانی، خلاصة التجاره الرابحة است. ساختار آن موجز و تفکیکی و محتوایش ناظر به علوم ادبی، لغوی، بلاغی، تجویدی، روایی، عقلی و معرفتی است. امری که نشان می‌دهد مرحوم بهابادی نگاهی اجتهادی به علوم تفسیر قرآن داشته و در این زمینه نیز دارای مهارت مخصوص به خود بوده است.

---

۱. همان؛ ج۸، ص ۹۸ ـ ۹۹.

۲. مدرس تبریزی، محمدعلی؛ *ریحانة الأدب*؛ ج ٦، ص۳۹۰.

۳. عبود الفتلاوی، کاظم؛ *مشاهیر المدفونین فی الصحن العلوی الشریف*؛ ص ۱۸۸ـ۱۸۹.

٤. تهرانی، آقابزرگ؛ الذریعة، ج۳، ص ۳٤۸: (۱۲٥٦ : التجارة الرابحة) فی تفسیر السورة و الفاتحة للمولی عبدالله ابن شهاب‌الدین حسین الشهابادی الیزدی المتوفی سنة ۹۸۱ق قال فی أول الدرة السنیة فی شرح الرسالة الألفیة عند شرح البسملة (إنی قد بسطت القول فیه فی مؤلفاتی خصوصا فی رسالتنا المسماة بالتجارة الرابحة فی تفسیر السورة والفاتحة) أی سورة التوحید و فاتحة الکتاب لحاجة کافة المسلمین إلی معرفة تفسیرهما.

٥. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج۸، ص ۹۸ ـ ۹۹.

این اثر به تحقیق آقایان علی اوسط ناطقی و محمدحسین درایتی تصحیح و چاپ شده است.

شایان ذکر است که محقق این رساله، تفسیر را منسوب به عبدالله شاه آبادی دانسته است، اما کمیته علمی، پژوهشگران دبیرخانه به این نتیجه رسیده که این تفسیر، خلاصه التجاره الرابحه ملاعبدالله یزدی است. این اثر تنها اثر تفسیری مرحوم یزدی به حساب می‌آید که چاپ شده است و می‌توان از آن اطلاعات بسیاری دریافت نمود و مشرب‌های مختلف تفسیری، صرفی، نحوی، لغوی، بلاغی، عرفانی، فلسفی، فقهی و.. مرحوم یزدی را تا اندازه‌ای کشف نمود.

دلائل محققان:

اولاً: در قرن دهم ه .ق غیر از مرحوم ملاعبدالله بهابادی (که در برخی منابع به غلط از ایشان به نام شهابادی نام برده‌اند) طبق کتاب طبقات الاعلام شیخ آقا بزرگ; شخص دیگری به این نام وجود ندارد؛

ثانیاً: براساس کتاب الذریعه آقا بزرگ تهرانی غیر از علامه ملاعبدالله بهابادی[۱] فرد دیگری تألیفی به نام «التجاره الرابحه فی تفسیر السوره و الفاتحه» ندارد، لذا تفسیر چاپ شده فعلی خلاصه همان التجاره الرابحه است؛

ثالثاً: این اثر نمی‌تواند از ملاعبدالله شوشتری; باشد؛ زیرا

محتوای متن و سیاق آن ناظر به تأویل‌پذیری است، این روش با مبنـای اخباری‌هـا کـه مرحـوم شوشـتری یکـی از آن‌هـا می‌باشـد سازگاری ندارد، چراکه ایشان ظواهر قرآن را حجت ندانسته و علـم آن را به اهل‌بیت: واگذار می‌کنند؛

رابعاً: محقـق ایـن کتـاب زمـان تـألیف ایـن اثـر را ۹۹۲ هـ .ق ذکـر کرده که علی‌الظاهر با سال وفـات ملاعبـدالله که متـوفی ۹۸۱ هـ .ق می‌باشـد، سـازگاری نـدارد. لـیکن بایـد گفـت کـه ایـن بـه سـبب اشـتباه گـرفتن لفـظ تسـعین (۹۰) بـا سـبعین (۷۰) می‌باشـد. در حقیقت سال تألیف این اثر اثنین و سبعین و تسعماء (۹۷۲) یعنی نه سال قبل از وفات ملاعبدالله یزدی بوده است.[۱]

۳. تفسیر شهابادی یا حاشیه بر تفسیر بیضاوی

از این کتاب علامه شیخ آقا بزرگ; نام برده است:

«تفسیر الشهابادی، المولی عبدالله الیزدی محشی «التهـذیب»، و تفسیره حاشیة منه علی البیضاوی، یأتی فی الحاء».[۲]

همچنین در ج٦، ص٤٢ به هنگام ذکر حاشیه سیالکوتی از این تفسیر یاد می‌کند؛ با این حال آن را به طور مستقل در مدخلی جداگانه نیافتیم.

---

۱. دبیرخانهٔ بزرگداشت علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی۱ (http://www.molaabdellah.ir)
۲. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج٤، ص ۲۷۸.

تصویر نسخهٔ خطی آن در دبیرخانه کنگرهٔ بزرگداشت علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی[۱] تهیه شده است.

۲. آثار ملا عبدالله یزدی و حواشی حاشیه ملا عبدالله در الذریعه

یکی از کتاب‌های بسیار ارزشمند و ماندگار شیخ آقا بزرگ تهرانی; کتاب الذریعه است که در آن نام کتب نویسندگان شیعه را جمع کرده است. مؤلّف در این کتاب آثار مؤلّفان شیعه، اعم از خطی و چاپی، چاپ شده یا نشده، موجود یا مفقود را آورده است. او در طول ٦٠ سال نام هر کتابی را که در فهارس کتابخانه‌های شخصی و عمومی و غیر آن می‌دید، در الذریعه آورده است.

این کتاب علاوه بر این که کامل‌ترین کتاب در موضوع کتاب‌شناسی است، ذیل عناوین کتاب‌ها نکات بسیاری را درباره مؤلفان نیز بیان کرده است.

از همین روست که می‌توان در الذریعه اطلاعات قابل توجهی در خصوص زندگینامه علماء و دانشمندان شیعی یافت. اطلاعاتی که در کتاب‌های دیگر دربارهٔ مؤلّفین پیدا نمی‌شود.

هیچ مؤلّف و نویسنده‌ای در تحقیق و پژوهش از مراجعه به الذریعه بی‌نیاز نیست. به ویژه آنجا که موضوع پژوهش درباره رجال و کتاب‌شناسی باشد.

توجه به آثار ملاعبدالله بهابادی یزدی[۱] و حجم نگارش علامه

شیخ آقا بزرگ; در این باره، بیانگر این نکته است. از همین رو، نگاشته‌های علامه شیخ آقا بزرگ; را از الذریعه درباره ملاعبدالله بهابادی یزدی[۱] به‌طور مستقل با عناوین کتاب‌ها نقل کردیم. علامه ذیل عناوین آثار ملاعبدالله، مطالب بسیاری درباره انتساب کتاب‌ها بدیشان، تصحیف نام تستری با یزدی در کتب تراجم، حواشی و شروح کتاب‌های ملاعبدالله عبدالله یزدی[۱] و ... را بیان کرده است.

شایان ذکر است که: برخی از کتاب‌ها به مناسبت‌های گوناگون در چند مدخل آمده است که کوشش شد مطالب مرتبط یک عنوان کنار هم چیده شوند.

الف) آثار ملاعبدالله یزدی

۱. الدرة السنیه

(۳۷۲: الدرة السنية) فی شرح الرسالة الألفية الشهيدية. صرّح مؤلفه بهذه التسمية فی دیباچة الکتاب، و هو للمولی عبد الله بن شهاب الدین حسین الیزدی المتوفی فی عراق العرب کما فی (أحسن التواریخ) (۹۸۱). هو شرح مزج. کتب المتن بالحمرة والشرح بالسواد، نسخة عصر المصنف التی علیها بلاغ السماع وعدة

حواشی من المؤلف مد ظله أو دام ظله موجودة فی مکتبة (آل مشکور فی النجف) لکن فیها نقص الورقة الأولی، ثم بعد تمام الشرح أورد الشارح خاتمة فی فضل یوم الجمعة وبعض آداب الجمعة والموجود منها صفحة واحدة ویظهر من أوله الموجود أنه ألفه باسم السید عبد المطلب ابن حیدر بن فلاح بن محسن بن محمد بن فلاح المشعشعی المذکور نسبه کذلک فی مشجرة الخاتون آبادیین باثبات فلاح بین حیدر و محسن و هو الصحیح، والمتوفی کما أرخه فی «مناهل الضرب» (۱۰۱۹) قال ما لفظه:

فلما افتخر بالعلوم وأفضل حسب وفاق بهذا العالی من النسب لقب بالسید عبد المطلب؛ لأنه محقق طلب کل طالب ومروج أمل کل آمل.

فیظهر منه انه الفه باسمه أو ان کونه والیاً فانّ الوالی فی (۹۹۸) کان ولده مبارک بن مطلب.

وأحال فیه إلی بعض تصانیفه:

منها عند شرح البسملة قال: «و نقلنا ما فیه کفایة فی مؤلفاتنا خصوصا فی رسالتنا المسماة بالتجارة الرابحة». و قد ذکرناه فی (ج۳، ص۳٤۸).

و قال عند ذکر مقدمة العلم و الکتاب:

«و قد أشبعنا الکلام فی هذا المقام فی الشرح الثانی

لتهذيب المنطق». و مراده الشرح الفارسى الموجود فى مكتبة السيد محمد على الروضاتى و آخر فى مكتبة (القاضى بتبريز).

و عند تعريف الطهارة نقل كلام شيخه المحقق الكركى و اعتراضه على قيد استباحة الصلاة بما لفظه:

«نعم قد ذكر شيخنا; فى حاشية الشرايع: «... ان المتبادر من تأثير الاستباحة للصلاة كونه فعليا فيخرج الوضوء المجدد لعدم التأثير الفعلى له لحصول الاستباحة قبله وتحصيل الحاصل ممتنع».

ثم أجاب عن الاعتراض بمنع التبادر إلى أن قال:

«فعلمت أن توجيه شيخنا; حل للعبارة بما لا يرضى به صاحبها».

و فى بحث اشتراط صلاة الجمعة باذن الامام أو نائبه قال: «قد أفتى شيخنا; فى شرحه للقواعد بجوازها مع وجود الفقيه». و شرح القواعد هو جامع المقاصد.

و بالجملة فى كثير من مواضع الشرح يعبر عن المحقق الكركى بشيخنا;و الغرض من اكثار هذه القرائن ان لا يشتبه هذا الشرح بشرح الألفية لسمىّ هذا المؤلف و هو المولى عبدالله ابن الحسين التسترى المتوفى بأصفهان فى (۱۰۲۱) إذ هو من تلاميذ المولى أحمد المقدس الأردبيلى المتوفى (۹۹۳) و شرحه موجود

فی النجف تاریخ کتابته (۱۰۸۷) کما یأتی فی الشروح.[۱]

۲. شرح قواعد الأحکام

(۱۵٦٦: شرح قواعد الأحکام) للمولی الحکیم عبدالله بن شهاب‌الدین حسین الیزدی الشهابادی المعاصر للمقدس الأردبیلی. قرأ علیه صاحبا المعالم و المدارک فی العقلیات کما قرأ علیهما فی الشرعیات کما فی أمل الآمل، و مرت حاشیته علی تهذیب المنطق فی ج٦ ص٥٣. و نسب الشرح إلیه فی أمل الآمل أخذا من عبارة السلافة؛ لکن المقطوع ان مراد السلافة هو شرح التستری السابق. ذکره لأنه ترجم أولاً التستری و ذکر الشرح له؛ لکن صحف فی النسخة التستری بالیزدی بشهادة انه بلا فصل ترجم ولده المولی حسن علی إذ لا شک فی أنه ابن التستری لا الیزدی و لفظ الیزدی غلط فی نسخة السلافة حیث لا یترجم فیه إلا أهل المائة الحادیة عشرة. و المولی الشهابادی من أهل القرن العاشر لأنه توفی سنة ۹۸۱.[۲]

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج۸، ص ۹۸ ـ ۹۹.

۲. همان؛ ج١٤، ص٣٠.

عبارت سلافه چنین است: «...والمولی عبدالله بن الحسین الیزدی، استاذ الشیخ بهاءالدین محمد المقام المذکر، کان علامة زمانه من غیر نزاع، و لم یدانه أحد فی جلالة القدر و علوّ المنزلة و کثرة الورع. و له مؤلفات مفیدة کشرح القواعد فی الفقه وشرح العجالة والتهذیب فی المنطق و غیر ذلک. و منهم ابنه المولی حسن علی خلفه الصالح. و قدوة کلّ فالح. توفی سنة تسع وستین وألف;» [صدرالدین الحسینی، علی؛ *سلافة العصر*؛ ج۱، ص ۲۸۹].

۳. الخرارة در شرح العجالة

(۱٤٤۹: العجالة) حاشية على «تهذيب المنطق» للمحقق الدوانى جلال‌الدين محمد ابن أسعد المتوفى ۹ ع ۲ - ۹۰۸. فى خطبته: «هذه عجالة نافعه وغلالة رائقة». سمى به.

أوله: «بسمله وبه نستعين على تهذيب المنطق و الكلام و توشيحه بذكر المفضل المنعام - إلى قوله - و بعد هذه عجالة نافعة و غلالة رائقة تروى غليل طالبى صناعة الميزان و تشفى الشائقين إلى البرهان إلى قوله مع انى أمليتها بالاستعجال على طريق الارتجال..».

و عناوينه «قوله، قوله» و هو إلى آخر القضايا. موجود بخط السيد ضياءالدين محمد الصادقى. فرغ منه فى ۱۱ ج۲: ۹۷۲ عند السيد عبد الحسين الحجة بكربلا و عندى نسخة فى مجموعة كتابة بعضها فى ۱۰۸۲.

و يظهر من (الرياض) ان شرحه تسمى (الخرارة) و هى للملاعبدالله اليزدى كما مر.[۱]

(شرح حاشية التهذيب) فى المنطق، للدوانى، للمولى عبدالله اليزدى المتوفى سنة ۹۸۱ هـ. اسمه (شرح العجالة) كما يأتى.[۲]

(۸۰۱: الخرارة) فى شرح «العجالة» المذكورة فى (ج٦، ص٥٤ و ٦۰) و هى حاشية الدوانى على تهذيب المنطق، لقوله فى أوله:

---

۱. تهرانى، آقابزرگ؛ *الذريعة*؛ ج۱٥، ص ۲۲۰.
۲. همان؛ ج۱۳، ص ۱۷۹.

«هذه عجالة». و الشرح هذا للمولى عبدالله بن شهاب‌الدين حسين اليزدى الشهابادى المتوفى (۹۸۱) و تسميته بالخرارة بالخاء المعجمة و الرائين المهملتين كما فى الرياض، تشبيه بالعين الخرارة أى كثيرة الخرور و السيلان والخرير صوت الماء و الريح. نسخة منه فى (الرضوية) بخط محمدتقى بن محمد أشرف الشريف الاسترآبادى كتبه فى المدرسة الخيراتية بمشهد خراسان فى (۱۰٦۰) أوله: «غاية تهذيب الكلام حمد الله العزيز العلام».

ذكر فيه أنه كتبه حين تدريسه للحاشية الدوانية.

ونسخة أخرى فى مكتبة (التسترية) من وقف السيد محمد بن الحسين الحسينى الخامنه‌اى المعروف بـ (پيغمبر) التبريزى، المتوفى بالنجف (۱۳۵۳).[۱]

(۲۷۲: الحاشية عليه) للمولى جلال‌الدين محمد بن أسعد الدوانى المتوفى (۹۰۷) صاحب نور الهداية، المطبوع المصرح بعقيدته ففيه، أوله: «تهذيب المنطق و الكلام توشيحه بذكر المفضل المنعام».

عناوينها «قوله قوله». نسخة منها فى مكتبة (الصدر) و أخرى فى مكتبة (الفاضلية) خرج منها إلى أواسط القضايا و آخرها: «تسهيلا للضبط على المبتدى».

و فى «الرياض» أنها تسمى بالعجالة لقوله فى أول الديباجة: «فهذه عجالة نافعة و غلالة رائقة»؛ و لذا سمى المولى

---

۱. تهرانى، آقابزرگ؛ *الذريعة*؛ ج۷، ص ۱٤٥.

عبدالله اليزدى شرحه لها بـ «الخرارة فى شرح العجالة» كما يأتى فى الخاء، و حكى أنه سماها بعض (بنخود فولاد) و قيل (نقطه فولاد).[۱]

(شرح العجالة) و هى حاشية الدوانى على تهذيب المنطق، و قد سمّيت بذلک لقوله فى أولها: «هذه عجالة نافعة»؛ للمولى عبدالله بن شهاب‌الدين حسين اليزدى الشاه آبادى المعاصر للمقدس الأردبيلى، و المتوفى سنة ۹۸۱ هـ. و قد قرأ عليه صاحبا (المعالم) و (المدارک) فى العقليات و قرأ عليهما فى الشرعيات.

و المؤلف صاحب الحاشية المشهورة على التهذيب، و يظهر من (الرياض) ان اسم هذا الشرح «الخرارة» كما مر فى الخاء.[۲]

٤. حاشيه بر تهذيب دوانى (بحث موضوع)

(۳۰٤: الحاشية عليها) أيضا للمولى عبدالله اليزدى الشاه آبادى، المتوفى (۹۸۱) و هى على بحث الموضوع خاصة فى عشرين صفحة بخط إبراهيم بن خليل الله فى (۹۷۱). يوجد نسخة منها فى الرضوية كما فى (ج۱ ص۲٦) من فهرسها. و نسخة أخرى عند السيد محمدتقى السبزوارى.

أولها: «بعد الحمد و الصلاة على عبادة الذين اصطفى، فهذه كلمات منتشرة و معرفات منتثرة، متعلقة ببحث الموضوع من

---

۱. همان؛ ج٦، ص٥٤.

۲. تهرانى، آقابزرگ؛ *الذريعة*؛ ج۱۳، ص ۳٦۷ ـ ۳٦۸.

حاشیة التهذیب... علقها فقیر ربه الأبدی عبدالله الیزدی تذکرة لبعض الأحباء».[۱]

۵. حاشیه بر تهذیب المنطق (عربی)

(۲٦۸: الحاشیة علیه) للمولی نجم الدین عبدالله بن شهاب‌الدین حسین الیزدی الشهابادی المتوفی (۹۸۱). عبر عن نفسه فی بعض تصانیفه بقوله:

«نجم بن شهاب المدعو بعبد الله». طبع بإیران مکرراً. و أول المطبوع: «افتتح بحمد الله بعد البسملة».

و هی من الکتب المتداولة. و قد علقوا علیها حواشی کثیرة تأتی بعنوان «الحاشیة علی حاشیة التهذیب» التی کانت تدرس فیها.[۲]

٦. حاشیه بر تهذیب المنطق (فارسی)

(٥٤٦: شرح تهذیب المنطق) فارسی، للمولی عبدالله بن شهاب‌الدین الیزدی الشاه آبادی معاصر المقدس الأردبیلی و المتوفی سنة ۹۸۱ هـ. قرأ علیه صاحبا (المعالم) و (المدارک) فی العقلیات و قرأ علیهما فی الشرعیات کما فی أمل الآمل. و هو

---

۱. همان؛ ج٦، ص٦۰.

۲. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج٦، ص٥۳.

صاحب الحاشية العربية على (التهذيب) المعروفة بـ (حاشية المولى عبدالله). كانت نسخة منه عند كل من صاحب (الرياض) و (الروضات) كما ذكراه في كتابيهما، و نسخة فى (مكتبة السيد الميرزا باقر القاضى) فى تبريز، و أخرى فى (مكتبة الامام أمير المؤمنين[۷] العامة) فى النجف و أخرى عند الشيخ عزالدين الجزائرى فى النجف أيضاً.

و أوله: «الحمد لله در لغت وصفى است بجميل اختيارى جهت تعظيم وتجليل نه بطريق سخرية و استهزاء، و در اصطلاح فعلى است كه دال باشد بر تعظيم منعم از آن حيث كه منعم است...».

و آخره: بالمقاصد أشبه.[۱]

۷. حاشيه بر تهذيب المنطق (ضابطهٔ أشكال)

(۲۷۰: الحاشية عليه) على ضابطة الاشكال الأربعة خاصة. أيضاً للمولى عبدالله المذكور.

كتبها بأمر أستاذه جمال‌الدين محمود الذى هو تلميذ الدوانى.

أوله: «حمدا لإله هو بالحمد حقيق، إذ ارشدنا إلى رموز

---

۱. همان؛ ج۱۳، ص۱٦۱ ـ ۱٦۲.

التدقیق. نسألک اللهم هدایة».

توجد نسخة منه فی (الرضویة) من وقف (۱۰٦۷) کما فی فهرسها (ج۱، ص۳٦).[۱]

۸. حاشیه بر تهذیب المنطق (غیر معروف)

(۲٦۹: الحاشیة علیه) الموجود نسخة منها کتابتها سنة (۹۷۱) فی الرضویة.

استظهر مؤلف فهرسها أنها أیضاً للمولی عبدالله المذکور و أنها غیر الحاشیة المتداولة أولاً و آخراً و وسطا فأن أولها: «الحمد هو الوصف بالجمیل الاختیاری». ذکر ذلک فی (ج ۱، ص۱۱) من الفهرس مفصلا فلیرجع إلیه لعله یتبین حقیقة الحال ولا بعد فی تعدد الحاشیة له علی التهذیب بأن تکون إحداهما قدیمة والأخری جدیدة کما وقع فی حواشی شرحی التجرید و المطالع و یقال لها طبقات الجلالیة و الصدریة.[۲]

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج٦، ص ٥٤.
۲. همان.

۹. التجارة الرابحة در تفسیر سوره و فاتحه

(۱۲۵٦: التجارة الرابحة) فی تفسیر السورة و الفاتحة للمولی عبدالله ابن شهاب‌الدین حسین الشهابادی الیزدی المتوفی سنة ۹۸۱. قال فی أول الدرة السنیة فی شرح الرسالة الألفیة عند شرح البسملة:

«إنی قد بسطت القول فیه فی مؤلفاتی خصوصاً فی رسالتنا المسماة بالتجارة الرابحة فی تفسیر السورة والفاتحة؛ أی سورة التوحید و فاتحة الکتاب لحاجة کافة المسلمین إلی معرفة تفسیرهما».[۱]

۱۰. تفسیر الشهابادی یا حاشیه بر تفسیر بیضاوی

(تفسیر الشهابادی) المولی عبدالله الیزدی محشی التهذیب، و تفسیره حاشیة منه علی البیضاوی، یأتی فی الحاء.[۲]

۱۱. رساله در تشکیک

(۹۲۸: رسالة فی التشکیک) للمولی عبدالله بن شهاب‌الدین حسین الیزدی الشهابادی المتوفی (۹۸۱).

أولها: «تحقیق التشکیک اللهم بالهامک، و إزاحة الشکوک

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج۳، ص ۳٤۸.
۲. همان؛ ج٤، ص ۲۷۸.

بنبضک و أنعامک...».

و النسخة بخط السید محمدعلی الموسوی فی (۱۰۱۸). و علیها تملک جلال‌الدین محمد بن قطب‌الدین محمد الأصفهانی فی مکتبة (التستریة).[۱]

۱۲. اجازه علامه مجلسی به مولی عبدالله یزدی

(۷۳٦: اجازته) للمولی عبدالله الیزدی أدرجت قطعة من أولها فی إجازات البحار. أولها:

«الحمد لله الذی شید قواعد الأحکام...». و فی کشف الحجب أن المجاز هو عبدالله بن الحسین الیزدی.[۲]

۱۳. تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الشمسیه

(۱۷۰: الحاشیة علیها) مع الحاشیتین علیه وهما الحاشیة الشریفیة والقدیمة الجلالیة للمولی عبد الله الیزدی صاحب حاشیة التهذیب؛

أولها: «مطلع کلّ منطق ومبدأ کلّ کلام حمد الله الملک العلام».

---

۱. همان؛ ج۱۱، ص۱٤۸.

۲. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج۱، ص۱۵۲ ـ ۱۵۳. چنان که در بخش‌های دیگر گذشت، صدور این اجازه نامه برای ملاعبدالله یزدی۱ امکان تاریخی ندارد و مربوط به یکی از نوادگان ملاعبدالله است، اما از آنجا که علامه شیخ آقابزرگ; به خود ملاعبدالله نسبت داده است، آوردیم.

توجد نسخة منها من موقوفة السيد محمد الخامنه ای فی مكتبة (التسترية). ومنه يظهر أن للدوانی على شرح الشمسية حاشيتين، قديمة وجديدة.[۱]

۱٤. حاشيه بر شريفيه بر شرح مطول

(۳۷۱: الحاشية عليها) للمولى عبد الله اليزدی صاحب حاشية التهذيب.

أولها: «الحمد لله رب العالمين».

يوجد نسخة منه ناقصة الآخر فی (الرضوية) كما فی فهرسها (ج ۳، ص ٦۰).[۲]

۱٥. حاشيه بر حاشيه شريفيه

(۳۹٤: الحاشية عليها و على الحاشية القديمة الدوانية على شرح المطالع) وهی للمولى عبدالله اليزدی، صاحب الحاشية على تهذيب‌المنطق، قال فی الرياض انی رأيتها.[۳]

۱٦. حاشيه بر حاشيه دوانی

(الحاشية الدوانية على شرح الشمسية) فی المنطق تأليف عمر بن على القزوينی تلميذ الخواجة، و شارحه قطب‌الدين

---

۱. همان؛ ج٦، ص ۳٦.

۲. همان؛ ص ۷۲ ـ ۷۳.

۳. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذريعة*؛ ج٦، ص ۷٦.

محمد بن محمد الرازی المجاز من العلامة الحلی.

و الحاشیة علی الشرح لجلال الدین محمد بن أسعد الدوانی و علی هذه الحاشیة أیضاً حواش نذکر منها:

(۳۷٤: الحاشیة علیها) وعلی الحاشیة الشریفیة علی شرح الشمسیة. قال فی «الریاض» أن للمولی عبدالله الیزدی الشاه آبادی، المتوفی (۹۸۱) حاشیة علی حاشیتی الدوانیة و الشریفیة علی شرح الشمسیة. [۱]

۱۷. حاشیه بر شرح شمسیه

(حاشیة بر شرح شمسیة) مر الشمسیة وشروحها وحواشی شروحها فی (۱۳: ۳۳٦ و ٦: ۳٤) ویوجد مقالتان فارسیتان تعتبران حاشیة علی شرح الشمسیة إحدیهما فی (الرضویة ۸۸ منطق) فی ۱۹ ورقا.

أوله: «المقالة الثانیة فی القضایا وأحکامها مدخول فی در أمثال همچنین جاها...».

و النسخة غیر مؤرخة علیها وقفیة ۱۱۷۰، و أخری فی (الإلهیات ۱ / ۱۲۳) کتبت بقلم النسخ و النستعلیق فی القرن الثالث عشر. [۲]

۱۸. حاشیه بر خطائی

---

۱. همان؛ ص ۷۳.

۲. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج۲۳، ص٦۲.

(۱۱۲۲: الحاشية عليه) المطول يعنى الخطائ للمولى عبدالله الشهآبادى اليزدى المتوفى (۹۸۱).

أولها: «حمداً لمن خلق الانسان علمه البيان».

و فرغ منه فى ذىالحجة ۹٦۲.[۱]

۱۹. حاشيه خطابيه

(۳٦٦): الحاشية عليها) للمولى عبدالله الشاه آبادى اليزدى صاحب «حاشية التهذيب» المتوفى (۹۸۱).

أوله: «حمدا لمن خلق الانسان علمه البيان، و شكرا لمن علمه بدايع المعانى فى روايع البيان».

ألفها بشيراز فى المدرسة المنصورية و فرغ منه فى (۱۷ذىالحجة۲٦۲) ذكرت فى كشف الظنون بعنوان الحاشية على الشرح المختصر و أيضا فى كشف الحجب و نسخها شايعة، نسخة منها مع حاشية المولى حامد فى سپهسالار كما أشرنا إليها آنفا، و نسختان فى «الرضوية» و نسخ فى النجف فى مكتبة الشيخ عبدالرضا بن الشيخ مهدى بن الشيخ راضى الفقيه آل خضر النجفى المتوفى (۱۳٥۸) وساير مكتباتها، والمكتبة (الحسينية) بالموصل و (الخديوية) بمصر ومكتبة «لعله لى» بإسلامبول كما فى فهارسها.[۲]

---

۱. همان؛ ج٦، ص۲۰۳.

۲. تهرانى، آقابزرگ؛ *الذريعة*؛ ج٦، ص ۷۱ ـ ۷۲.

۲۰. حاشیه خطائی

(الحاشیة علیه) للمولی عبدالله الشهآبادی الیزدی، ذکرها بهذا العنوان فی کشف الظنون (ج۱، ص۳۲۵)؛ و لکن ذکرناها بعنوان الحاشیة علی الحاشیة الخطابیة علی الشرح المختصر لأنّها حاشیة علی الشرح و علی حاشیته الخطابیة.[۱]

ب) حواشی حاشیه ملا عبد الله (حاشیه بر تهذیب المنطق)

بر حاشیه ملاعبدالله یزدی حواشی بسیاری نگاشته شده است؛ تعدادی از آن‌ها در کتاب الذریعه شناسانده شده‌اند که در ذیل می‌آید. شایان ذکر است که برخی از آن‌ها در چند مدخل و به مناسبت‌های گوناگون یاد گشته بودند که کنار هم قرار دادیم.

۱. حاشیه سید شهاب‌الدین بن محمد حسینی تبریزی

(۱٤۸۷: رفع الغاشیة عن وجه الحاشیة) شرح مزج لحاشیة المولی عبدالله الیزدی علی التهذیب، للسید شهاب‌الدین بن محمد الحسینی التبریزی. ألفه (۱۳۳۹) وکانت ولادته (۱۳۱۸) کما کتبه إلینا و لم یذکر أنّه عربی أو فارسی.[۲]

۲. حاشیه از متأخرین

---

۱. همان؛ ص۱۹۳.
۲. همان؛ ج۱۱، ص ۲٤۳.

(۲۰۰: رسالة الاحتجاجات) لبعض المتأخرين المقاربين للعصر. فيها ردود على الطوائف حتى البابية، كما أحال إليها المؤلف فى حاشيته على حاشية المولى عبدالله اليزدى، الموجودة قطعة منها عند السيد مهدى (آل الخرسان) بالنجف.[۱]

۳. حاشيه سيد أبوالقاسم بن سيد رضا طباطبائى مشهور به علامه تبريزى

(٤٤٥: الزوائد الجزيلة) حاشية على حاشية المولى عبدالله اليزدى الشاه آبادى على التهذيب. للسيد أبىالقاسم ابن السيد رضا الطباطبائى الشهير بالعلامة التبريزى المعاصر المتوفى ۱۳٦۱ ذكره فى فهرس تصانيفه. و مر مثله فى ٦: ٦۰.[۲]

٤. حاشيهٔ سيد محمدحسن بن سيد عبدالرسول طالقانى نجفى

(شرح تهذيب المنطق) هو شرح مزجى لحاشية المولى عبدالله اليزدى على التهذيب فى ۲۸۸ ص للسيد حسن بن السيد عبدالرسول آل الطالقانى النجفى صاحب مجلة (المعارف) و المولود سنة ۱۳٥۰ هـ.

فرغ منه فى ربيع‌الأول سنة ۱۳۷۰ هـ. وسماه «سعادة المتأنق فى توضيح حاشية المولى عبد الله فى المنطق» كما مر فى حرف السين، و قد ذكره فى عداد مؤلفاته على ظهر (ديوان

---

۱. تهرانى، آقابزرگ؛ *الذريعة*؛ ج۱۱، ص۳٤.
۲. همان؛ ج۱۲، ص ٥۹.

السید موسی الطالقانی) الذی طبع باشرافه سنة ۱۳۷۷ هـ.[۱]

(۱۱۹۹: سعادة المتأنق فی توضیح حاشیة المنطق) حاشیة وشرح مزج علی حاشیة المولی عبدالله الیزدی. للسید محمدحسن بن السید عبدالرسول الطالقانی النجفی المولود ۱۳۵۰ فرغ منه لیلة الاثنین (۲۷ - ع ۲ - ۱۳۷۰) و النسخة المسودة بخطه عنده بالنجف.[۲]

۵. حاشیهٔ شیخ علی بن حسین جامعی عاملی

(۵٤۹: شرح تهذیب المنطق) للشیخ علی بن الحسین الجامعی العاملی، فرغ منه صبح غرة صفر سنة ۱۰۹٦ هـ. و هو شرح علی حاشیة المولی عبدالله الیزدی مزجا بها، لذلک صار شرحاً مفصلاً کما ذکره فی أول مبحث تصدیقاته.[۳]

(شرح حاشیة التهذیب) للمولی عبدالله الیزدی، للشیخ علی بن الحسین ابن محی‌الدین بن عبد اللطیف الجامعی، قال الشیخ جواد محی‌الدین فی رسالة آل أبی‌جامع: انه شرح التصدیقات، و قیل التصورات أیضاً.

أقول: هو شرح لهما و یعبر عنه بشرح التهذیب کما أشرنا إلیه فی ص۱٦۲ و هو شرح لطیف موجود بعنوان: قوله. وله (ارشاد

---

۱. همان؛ ج۱۳، ص۱٦۰.
۲. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج۱۲، ص ۱۸۱.
۳. همان؛ ج۱۳، ص ۱٦۲.

المتعلم إلى الطريق) فى المنطق أيضاً، مر فى ج۱ ص۵۱۸، و منظومة (تحفة المبتدى) فى المنطق أيضا المذكور فى (ج۳ ص٤٦٤) مع شرحها المذكور آنفا.[۱]

٦. حاشيه محسن بن محمد طاهر قزوينى

(۵۵۰: شرح تهذيب المنطق) للمولى محسن بن محمدطاهر القزوينى المعروف بالنحوى، و هو حاشية وتعليقات عليه و على حاشية المولى عبدالله اليزدى عليه، و هى بعنوان قوله، قوله.

أوله: «الحمد لله الذى خلق فسوى...».

شرع فى تدوينها بعد أن كانت متفرقة فى شعبان سنة ۱۱۳۲ هـ. وفرغ منه بعد شهر، و الشارح هو جد الطائفة النحوية القزوينية، يوجد الشرح عند أحفاده فى قزوين، و نسخة منه فى مكتبة المولى محمدعلى الخوانسارى فى النجف، و أخرى عند السيد هبةالدين الشهرستانى، و غيرهما، و هو يقرب من ألف و خمسمائة بيت.[۲]

۷. حاشيه ميرزا عليرضا تجلى

(٦۰۵ : شرح حاشية التهذيب) للمولى عبدالله اليزدى، للميرزا عليرضا، طبع بالفارسية مراراً مع الحاشية الّفه حين مذاكرته

---

۱. همان؛ ص۱۸۰.

۲. تهرانى، آقابزرگ؛ *الذريعة*؛ ج۱۳، ص۱٦۲ ـ ۱٦۳.

لإبراهيم خان.[۱]

(حاشـية بـر حاشـيهٔ ملاعبـدالله) المـذكور، لتجلـى الشـيرازى، المـذكور فـى (۹ : ١٦٧). أولـه: «حمـد لـه، ايـن قيـودى اسـت سودمند... كه در حين مذاكره... إبراهيم خان بـر زبـان خامهٔ حقير عليرضا جارى گشته...».[۲]

و فـى بعـض النسـخ: «اعلـم أن فـى التسـمية يسـتدعى...». طبعـت بطهـران فـى ۱۲۸۲ و بعـدها نسـخة مذهبـة منهـا فـى (سنا۲/۳۲۷) كتبت بقلم النسخ ضمن المجموعـة المؤرخـة ۱۰۲۸، و نسخة أخرى فـى (يـزد، سر يـزدى) كتبـت بقلـم النسـخ فـى القـرن الحادى عشر و مر ذكره فى (٦: ٦١) كما مر للمؤلف تفسير التجلـى فى (٤: ٣٦٧).[۳]

(۳۱۵: الحاشـية عليهـا) للميـرزا عليرضـا، و هـى فارسـية كتبهـا لتعليم تلميذه ميرزا إبراهيم خان عند قرائتها عليه و طبعت مكـررا فى آخر حاشية المولى عبدالله اليزدى و عندنا منها نسخة كتابتهـا فـى (۱۱۲۲) و لعـل المؤلـف هـو الميـرزا عليرضـا التجلـى المتـوفى (۱۰۸۵) مؤلف التفسير المذكور فى (ج ٤ ص ٣٦٧).[٤]

---

۱. همان؛ ص۱۸۰.
۲. همان؛ ج۲۳، ص٦١ - ٦٢
۳. ترانى، آقابزرگ؛ *الذريعة*؛ ج۲۳، ص٦١ - ٦٢.
٤. همان؛ ج٦، ص٦٢.

۸. حاشیه ملا محمّدحسین بن اسماعیل یزدی اردستانی

(٤١٥: قسطاس) اسمه: (القسطاس المستقیم و المکیال القویم فی علم المیزان) و هو تعلیقة علی حاشیة المولی عبدالله، علی (التهذیب) فی المنطق للمولی الآقا محمدحسین الأردستانی الیزدی المتوفی ۱۲۷۲ کان معاصر اللحاج میرزا علی‌نقی الطباطبائی و معارضا له، و بینهما حکایات من جهة الوثیقة الهندیة، و هو المعروف بپاشنه طلائی امتیازا عن سمیه المعاصر له، رأیت نسخة منه فی کتب الحاج میرزا علی الشهرستانی بکربلا. أوله: «أعلی تهذیب منطق المتکلمین و أزکی ذکر أجناس العارفین...».

و مر للمؤلف (الفلک المشحون فی أصول الفقه).[۱]

۹. حاشیه ملا محمّد حسین بن اسماعیل

(۱۱۸۳: الطلح المنضود) حاشیة علی حاشیة المولی عبدالله الیزدی، علی (تهذیب المنطق) للمولی محمدحسین بن إسماعیل، و لعله الشهیر بپاشنه طلائی، المتوفی بالحائر ۱۲۷۳ ترجمنا له فی (الکرام البررة ص ۳۷۸) و النسخة فی مکتبة (البروجردی بالنجف).[۲]

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج۱۷، ص ۷۸.

۲. همان؛ ج۱۵، ص۱۷۷: ملاحظه می شود که علامه شیخ آقا بزرگ; احتمال داده است که وی شاید همان پاشنه طلا باشد.

۱۰. کشف الاستار

(٤۲۳: کشف الأستار) حاشیة علی حاشیة المولی عبدالله الیزدی، المتوفی ۹۸۱ طبع کثیراً، منه فی هامش نسخة الحاشیة المطبوعة فی ۱۳۲۳.[۱]

۱۱. حاشیه از ناشناخته

(حاشیة بر تهذیب المنطق) المذکور متنه و سایر حواشیه فی (٦: ٥۳) و أما المحشی هذا فلا نعرفه إلا أنه کتبها مع النظر إلی «الحاشیة» للمولی عبدالله الیزدی.

أوله: «بدان که حمد در لغت ثنائی است به لسان بر قصد تعظیم...».

نسخة منه فی (الملک ۲۰۰٦) کتبت بقلم النستعلیق فی القرن الحادی عشر فی ۱۳٦ ورقاً.[۲]

۱۲. حاشیهٔ شیخ اسحاق حویزی

(۳۰۷: الحاشیة علیها للشیخ اسحق الحویزی. تنتهی إلی بحث القیاس فی ثلاثة آلاف بیت أولها (الحمد لله حق حمده) نسخة منها فی مکتبة (الصدر) وأخری منضمة إلی حاشیة المولی محسن النحوی فی بقیة مکتبة (الطهرانی بکربلا).[۳]

---

۱. همان؛ ج ۱۸، ص۱۰.
۲. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج۲۳، شرح ص٦۱.
۳. همان؛ ج٦، ص٦۰.

۱۳. حاشیه آقا محمد جعفر کرمانشاهی

(۳۰۸: الحاشية عليها) للآقا محمدتقى بن الآقا محمدجعفر بن الآقا محمد على الكرمانشاهى المتوفى بالنجف فى (۱۲۹۹) يوجد عند أحفاده بكرمانشاه..[۱]

۱٤. حاشیه شیخ حسن بن محمد حسن شریعتمدار

(۳۰۹: الحاشية عليها) للشيخ محمدحسن بن المولى محمدجعفر شريعتمدار المتوفى بطهران فى (۱۳۱۸) ذكرت فى فهرس تصانيفه.[۲]

۱۵. حاشیه سید محمدسعید سراج

(۳۱۰: الحاشية عليها) للسيد محمدسعيد بن السيد سراج‌الدين قاسم بن السيد محمد الطباطبائى المتوفى (۱۰۹۲) ترجمه فى «جامع الرواة» و ذكر أنه ولد فى (۱۰۱۳).[۳]

۱٦. حاشیهٔ سید بهاءالدین محمد بن محمدباقر حسینی مختاری نائینی (متوفی در اوائل فتنه افغان).

(۳۱۱: الحاشية عليها) اسمها «تعديل الميزان» قد طبع تمامه

---

۱. همان.
۲. همان.
۳. همان.

على هامش نسخة الحاشية المطبوعة فى ۱۳۲۳.[۱]

۱۷. حاشیهٔ شیخ عبدالرحیم

(۳۱۲: الحاشية عليها) للشيخ عبد الرحيم، بعضها مطبوع، مع الحاشية الأصلية فى (۱۳۲۳).[۲]

۱۸. حاشیهٔ ملاعبدالرزاق لاهیجی

(۳۱۳: الحاشية عليها) للمولى عبدالرزاق اللاهجى المتوفى (۱۰۵۱) كما كتب على ظهر النسخة الموجودة فى مكتبة السيد جعفر بحرالعلوم فى النجف. و هى مختصرة يقرب من أربعة آلاف و خمسمائة بيت مع أنها بلغت إلى قوله (و لا عكس للممكنتين) و حواشى متفرقة بعد هذا قليلا. و تأريخ كتابة النسخة (۱۲٤٦) و هى مغلوطة. و قد كتب الكاتب فى آخر النسخة أنها الرسالة الموسومة بـ «حويزى» و لعلّه توجد نسخة أخرى منها فى إيران.[۳]

۱۹. حاشیهٔ میرزا عبدالغفّار

(۳۱٤: الحاشية عليها) للميرزا عبدالغفار، أيضا طبع بعضها مع الحاشية فى (۱۳۲۳) و لعله عبدالغفار بن محمد بن يحيى صاحب

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج٦، ص٦١.
۲. همان؛ ص٦٢.
۳. همان؛ ص٦٢.

«حاشية آلهيات الشفاء».[١]

٢٠. حاشیهٔ میرزا محمّد فرزند احمد علی قراچه داغی تبریزی (م ١٣١٠ق)

(٣١٦: الحاشية عليها) للميرزا محمدعلى بن أحمد القراچه داغى التبريزى المتوفى (١٣١٠) طبع بعضها مع الحاشية فى (١٣٢٣).[٢]

٢١. حاشیهٔ محمدعلی فرزند قربان علی اردبیلی

(٣١٧: الحاشية عليها) للمولى محمدعلى بن قربان على الأردبيلى معاصر السلطان نادرشاه و هو أحد السبعين عالما شيعيا حضر مجلس اتحاد العامة و الخاصة الذى تأسس بأمر نادرشاه لرفع البغضاء بين المسلمين وتوفى (حدود ١١٦٠). و دفن فى صحن مقبرة الشيخ صفى‌الدين بأردبيل. و له شرح الشرايع لم يتم. و هذه الحاشية فى غاية التحقيق أولها (الحمدلله الذى تفرد فى وحدانيته وكلت الألسن عن غايته وانحسرت العقول عن كنه معرفته) و نسخة خط مؤلفه يوجد فى قم عند السيد شهاب‌الدين التبريزى النجفى كما كتبه إلينا مفصلا.[٣]

٢٢. حاشیهٔ ملامحسن تهرانی

(٣١٨: الحاشية عليها) للمولى محسن الطهرانى فرغ من تأليفها

---

١. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج٦، ص٦٢.
٢. همان.
٣. همان.

فی صفر (۱۲۵۷) و فرغ تلمیذ المحشی عن استنساخها فی طهران فی ربیع‌الثانی من تلک السنة بعینها، و هو المولی محمد بن ملک حسین، و أطری فی آخر الکتابة أستاده المحشی و بعد ذکر محامده الکثیرة عبر عنه بقوله (مولانا محسنا) رأیت النسخة فی کتب الشیخ عبدالجواد بن المولی أبی الحسن المازندرانی الحائری الذی أدرک الشیخ الأنصاری سنتین من أوائل بلوغه و کان یقیم الجماعة من حدود (۱۳۲۰) فی الحرم الحسینی علی جانب الرأس الشریف إلی أن صار ضریرا، و لما اشتد ضعفة لکبر السن قام مقامه ولده الشیخ علی فی الأواخر، حتی توفی فی لیلة الجمعة (۳ رجب ۱۳٦۱).[۱]

۲۲. حاشیهٔ ملامحسن فرزند محمدطاهر قزوینی

(۳۱۹: الحاشیة علیها) للمولی محسن بن محمدطاهر القزوینی، أوله (الحمد لله الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی) و علی ظهر النسخة بخط بعض الفضلاء أن له حاشیة فارسیة علی الحاشیة الیزدیة. وله «زینة المسالک فی شرح ألفیة بن مالک، و معه اعراب أبیات» ثمانا بعد ما جاوزت الاثنین نظم المولی محسن النحوی. یقرب من ثلاثمائة بیت. یوجد نسخته عند السید شهاب‌الدین بقم.[۲]

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج٦، ص ٦۲.
۲. همان.

٢٣. حاشیهٔ میرزا محمد تنکابنی

(٣٢٠: الحاشية عليها) للميرزا محمد التنكابنى المتوفى (١٣٠٢) قال قصصه لم يكتب مثلها إلى اليوم.[١]

٢٤. حاشیهٔ میرزا محمد یزدی

الذریعه: (٣٢١: الحاشية عليها) للميرزا محمد اليزدى، طبع بعضها مع الحاشية فى (١٣٢٣).[٢]

٢٥. حاشیهٔ سید محمدمهدی بن جعفر موسوی

(٣٢٢: الحاشية عليها) للسيد محمدمهدى بن محمد جعفر الموسوى، ذكرها فى آخر كتابه «خلاصة الاخبار» المؤلف فى (١٢٥٠).[٣]

٢٦. حاشیه ملانظر علی فرزند محسن گیلانی از حکمای اواخر قرن ١٢ق

(٣٢٣: الحاشية عليها) للمولى نظر على بن محسن الجيلانى أولها (سبحانک اللهم يامن كل المنطق عن رسمه الناقص فضلا عن حده التام) عنوانها (قوله، قوله) تقرب من ألفين وخمسماية بيت: نسخة منها فى مكتبة (الخوانسارى) و هى بخط الشيخ محمد بن الحسن القرمسينى (الكرمانشاهى) كتبها لنفسه بعنوان

---

١. تهرانى، آقابزرگ؛ الذريعة؛ ج٦، ص ٦٢.
٢. همان.
٣. همان.

أقل الطلاب فی (١٢٥٥).[١]

٢٧. حاشیهٔ یعقوب بختیاری حویزی

(٣٢٤: الحاشیة علیها) للشیخ یعقـوب بـن إبـراهیم بـن جمـال بـن إبـراهیم البختیـاری الحـویزی أسـتاد السـید عبـدالله الجزائـری کمـا ترجمه فـی اجازتـه الکبیـرة. و قـال أنـه تـوفی فـی عشر الخمسـین یعنی بعد المائة و الألف، کتب بخطه نسخة «الحاشیة الیزدیـة» و کتب فی آخرها نسبه کما ذکرناه و فـرغ عـن الکتابـة فـی شـعبان (١٠٨٥) و علق علیها الحواشی بخطه و جعـل رمزهـا (ع. ق) و تلـک النسـخة عنـد السـید آقـا التسـتری فـی النجـف. ثـم دونـت تلـک الحواشی فی عصر المحشی أو بعده، و قد رأیـت النسـخة المدونـة منها، و هی بخط السید أحمد بـن محمـد بـن عبـدالکریم بـن جـواد السـید عبـدالله الجزائـری التسـتری فـرغ مـن کتابتهـا فـی (١٢٤٠) و السید أحمد هذا کان أستاد الشیخ جعفر التستری الـواعظ الشـهیر الذی توفی (١٣٠٣). [٢]

---

١. همان.

٢. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعة*؛ ج٦، ص٦٢.

بخش پنجم

مأخذشناسی
کتاب‌ها و
مقالات مرتبط

با ملا عبدالله

بهابادی یزدی

درآمد

این بخش شامل فهرست آثار و مطالبی است که دربارهٔ علامه ملاعبدالله یزدی; و آثار وی نگاشته شده‌اند.

شایان ذکر است که پیش از فراخوان کنگرهٔ علامه ملاعبدالله یزدی; اثر مستقلی جز یک کتاب کوچک و یک مقاله کوتاه درباره این حکیم نامدار منتشر نشده بود.

الف. کتاب‌های مستقل

۱. آخوند ملاعبدالله بهابادی «صاحب حاشیه»، احمد ترحّمی، انتشارات بهاباد، ۱۳۷٤ش، تهران. (۱۳۰ صفحه)

گفتنی است که این کتاب، تنها اثر چاپ شده مستقل به‌عنوان کتاب دربارهٔ ملاعبدالله یزدی; است. عناوین اصلی مطالب آن چنین است:

بهادباد زادگاه آخوند ملاعبدالله
آخوند ملاعبدالله بهابادی
ملاعبدالله بهابادی نه شهابادی
در کرامات ملاعبدالله
اساتید آخوند ملاعبدالله و مقام علمی وی
شاگردان آخوند ملاعبدالله
تألیفات آخوند ملاعبدالله
رحلت آخوند ملاعبدالله
فهارس فنی

شایان ذکر است که خلاصه‌ای از این کتاب به قلم علی براری در گلشن ابرار جلد ۹ چاپ شده بود؛ با اندکی تصرف در همین مجموعه نیز بازچاپ می‌شود.

۲. بررسی و تحلیل سیرهٔ علمی و عملی علامه بهابادی یزدی، حسن عبدی‌پور. کنگرهٔ بزرگداشت ملاعبدالله بهابادی یزدی[۱] (آمادهٔ چاپ).

این کتاب شامل چهار فصل ذیل است:

فصل اول، گذری کوتاه بر زندگی علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی; می‌باشد که به معرفی ملاعبدالله، اساتید، شاگردان، آثار و...پرداخته است.

فصل دوم، به تحلیل و بررسی سلسله صفویه و جایگاه علماء در پیشبرد آن پرداخته و علل همگرایی علماء شیعه به‌خصوص ملاعبدالله بهابادی; بررسی شده است.

فصل سوم، نقش منطق در پیشبرد تمدن اسلامی موضوع این فصل است که در ضمن آن مباحثی همچون سیره علمی-اخلاقی، علل تألیف حاشیه ملاعبدالله، ویژگی‌های آن، و مقایسه حاشیه ملاعبدالله با منطق مظفر به بحث گذاشته شده است.

فصل چهارم، سیره سیاسی - اجتماعی ملاعبدالله را مورد واکاوی قرار داده و نقش ایشان در مبارزه با جریان اخباری‌گری در نیمه دوم قرن دهم را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

فصل پنجم، در این فصل به نتیجه‌گیری از کل مباحث پرداخته شده و در پایان نکات برجسته ایشان به منظور الگو قرار گرفتن برای طلاب حوزه‌های علمیه و مردم خاطر نشان شده است.[۱]

---

۱. دبیرخانهٔ بزرگداشت علامه میرزا عبد الله بهابادی http://www.molaabdellah.ir

۳. حیات علمی در عصر ملاعبدالله بهابادی یزدی، عظیم عابدینی. (آمادهٔ چاپ از سوی کنگره بزرگداشت علامه بهابادی۱).

نویسنده این کتاب نوشته است: کتاب در دو بخش تدارک دیده شده است. در بخش اول به اوضاع عمومی عصر ملاعبدالله یزدی پرداخته‌ایم. این بخش مشتمل بر چهار فصل است که به ترتیب اوضاع سیاسی، اوضاع اجتماعی و فرهنگی، اوضاع دینی و بالاخره اوضاع علمی این روزگار را تبیین می‌کند.

بخش دوم کتاب که عنوان حیات علمی در عصر ملاعبدالله یزدی را داراست، مشتمل بر چهار فصل است که بر اساس آثار علمی ملاعبدالله یزدی و علوم رایج در زمان وی، چه در مکتب شیراز و چه مکتب اصفهان و حتی عراق و خراسان، پیرامون علوم‌آفاقی، علوم‌شناختی و عقلانی، علوم شناختی و اشراقی و نهایتاً علوم ادبی و تاریخی سخن می‌گوید.

در انتها خاتمه‌ای در ارائه دورنمای کلی بحث و اشاره‌هایی حلی و نقضی در شبهات ایجاد شده توسط مکتب براون علیه تمدن عصر صفوی به ویژه تمدن سدهٔ اول آن آورده شده است.

در کتاب از منابع مکتوب و مخطوط غربی‌ها و شرقی‌ها، و نیز از تمامی آثار یافت شده از حکیم بهابادی که توسط دبیرخانهٔ کنگره از ایران و عراق و نقاط دیگر تهیه شده و در اختیار بنده قرار گرفته، استفاده کرده‌ایم. طبق بررسی انجام گرفته، در زمان

ملاعبدالله بهابادی یزدی، حدود ٦٠ علم در بازار دانش رواج داشته و آثار متعددی در این علوم تهیه شده است. اما وضعیت این علوم یکسان نبوده و رصد علوم در ابتدای قرن دهم و آغاز زندگی ملاعبدالله بهابادی، با وضعیت همان دانش‌ها در انتهای سدهٔ دهم و اواخر زندگی ملاعبدالله نشانگر فراز و نشیب عارض شده به آن علوم می‌باشد. ولی در مجموع تفاوت قابل اعتنایی بین وضعیت علوم و عملگرد نخبگان در این عصر با وضعیت علوم و عملکرد نخبگان در نیمهٔ دوم عصر صفوی مشاهده می‌شود. ناگفته نماند که در تحقیق حاضر، ضمن بررسی علوم مختلف به تغییرات وضعیت علوم اشاره شده و دانشمندان برجسته و نیز آثار مهم هر شاخهٔ علمی معرفی، و جایگاه ملاعبدالله یزدی و اساتید و معاصران و بعضا شاگردان وی نیز به همراه تحولی که شخص ایشان در برخی علوم ایجاد کرده، مشخص گردیده است.

٤. مجموعه دیدارها و گفتگوها توسط دبیرخانه کنگره بین-المللی علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی[۱]، به کوشش اصغر میرزاپور در دو جلد. (آمادهٔ چاپ).

این اثر حاصل مجموعه دیدارها و گفتگوهای علمی با اندیشمندان و فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی دربارهٔ شخصیت آخوند ملاعبدالله و اندیشه‌های سیاسی -اجتماعی و جایگاه

علمی ایشان در قرن دهم است.

۵. **تحقیق و تصحیح حاشیه ارشادالاذهان در دو جلد**، با تحقیق اسماعیل بیگ المندلاوی به همت دبیرخانه کنگرهٔ بین‌المللی علامه ملاعبدالله بهابادی با همکاری مرکز احیاء آثار اسلامی چاپ می‌شود.

٦. **درة المعانی فی سورة الاخلاص و السبع المثانی**، ترجمه و توضیح ابراهیم حسن‌پور، دبیرخانه کنگره علامه ملاعبدالله بهابادی[۱]

این کتاب خلاصة التجاره الرابحة در تفسیرِ سوره و فاتحه است که خود مؤلف آن را تلخیص کرده است. ساختار آن موجز و تفکیکی و محتوایش ناظر به علوم ادبی، لغوی، بلاغی، تجویدی، روایی، عقلی و معرفتی است. امری که نشان می‌دهد مرحوم بهابادی نگاهی اجتهادی به علوم تفسیر قرآن داشته و در این زمینه نیز دارای مهارت مخصوص به خود بوده است.

۷. **مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علامه ملا عبدالله بهابادی یزدی**[۱]. **به کوشش جمعی از نویسندگان، ۲ جلد (آماده چاپ).**

۸. **مفکّرة العلامة ملا عبدالله بهابادی الیزدی**[۱]. **(دبیرخانه کنگره**

علامه ملا عبدالله بهابادی یزدی۱).

۹. التشکیک (تصحیح و تحقیق: اسماعیل بیک المندلاوی) توسط دبیرخانه کنگره علامه ملا عبدالله بهابادی۱.

ب. کتاب‌های مشتمل

منظور از کتاب‌های مشتمل، کتاب‌هایی هستند که عنوان و مدخل مستقلی به ملاعبدالله یزدی اختصاص داده‌اند و یا ذیل عناوین دیگر مطالب درخور و قابل توجهی دربارهٔ ملاعبدالله یزدی; دارند. شایان ذکر است که متن مربوط برخی از این کتاب‌ها در فصلی باعنوان «ملاعبدالله یزدی در آثار علما» آمده است؛ این کتاب‌ها عبارتند از:

۱. آینهٔ دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی (م ۱۳٦۳ش)، به اهتمام ناصر باقری بیدهندی، انتشارات کتابخانهٔ آیة الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش، قم.

۲. احسن‌التواریخ، ص۵۹۱ (حسن بیگ روملو، تصحیح دکتر عبدالحسین نوائی، انتشارات بابک، ۱۳۵۷ش، تهران).

۳. أعیان‌الشیعه، علامه سید محسنامین، تحقیق و تصحیح حسنامین، دارالتعارف للمطبوعات.

٤. أمل‌الآمل، محمد بن حسن حر عاملی، تصحیح سیداحمد حسینی اشکوری، دارالکتاب الاسلامی.

۵. تکملة أمل الآمل، سید حسن صدر، عبدالکریم دباغ، حسین علی محفوظ، عدنان دباغ، دارالمؤرخ العربی.

٦. جامع مفیدی، محمدمفید مستوفی بافقی؛ به کوشش ایرج افشار، اساطیر، ۱۳۸۵، تهران.

۷. خدمات متقابل ایران و اسلام، مرتضی مطهری
۸. خلاصة الأثر فی أعیان القرن الحادی عشر، محمدأمین بن فضل‌الله محبّی حنفی (م ۱۱۱۱ق)، تحقیق: محمدحسن اسماعیل، دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۶م، بیروت.
۹. دائرة المعارف تشیع، زیر نظر حاج سید جوادی، بهاءالدین خرمشاهی، کامران فانی، حسن یوسفی اشکوری، نشر شهید سعید محبی، چاپ اول، ۱۳۷۶ش، تهران.
۱۰. الذریعة إلی تصانیف الشیعة، علامه شیخ آقابزرگ تهرانی؛ این کتاب بیشترین اطلاعات را نسبت به سایر کتب درباره آثار ملاعبدالله یزدی دربر داشت.
۱۱. روضات‌الجنات فی أحوال العلماء و السادات، محمدباقر بن زین‌العابدین خوانساری، انتشارات اسدالله اسماعیلیان، دهاقانی (اسماعیلیان).
۱۲. ریاض‌العلماء و حیاز الفضلاء، عبدالله بن عیسی‌بیگ افندی، تصحیح سیداحمد حسینی اشکوری، محمود بن شهاب‌الدین مرعشی، مطبعة الخیام.
۱۳. ریحانة الأدب در شرح احوال و آثار...، میرزا محمدعلی مدرس، انتشارات خیام، ۱۳۶۹ش.

۱٤. طبقات اعلام‌الشیعه، إحیاء الداثر من القرن العاشر، علامه شیخ آقابزرگ طهرانی، تحقیق: علی نقی منزوی، مؤسسه اسماعیلیان، قم.

۱٥. الفوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریة، سرگذشت عالمان شیعه، خاتم المحدثین شیخ عباس قمی، تحقیق ناصر باقری بیدهندی، بوستان کتاب، ۱۳۸٥ش، قم.

۱٦. ماضی النجف و حاضرها، جعفرباقر آل‌محبوبه (۱۳۷۷ق)؛ این کتاب بیشترین اطلاعات را درباره خاندان ملاعبدالله یزدی دارد.

۱۷. مرآة‌الکتب، محمد علی بن موسی حائری ثقة‌الاسلام تبریزی، کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی;

۱۸. مراصدالاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع، صفی‌الدین عبدالمومن بن عبدالحق بغدادی، بیروت، دارالاحیاء الکتب العربیه، ۱۹٥٤م

۱۹. مشاهیر المدفونین فی الصحن العلوی الشریف؛ کاظم عبود الفتلاوی، عتبه علویه مقدسه، ۲۰۱۰م / ۱٤۳۱ق.

۲۰. معارف الرجال فی تراجم العلماء و الأدبا، شیخ محمد حرزالدین (م ۱۳٦٥ق)، تعلیقه محمدحسین حرزالدین، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱٤۰٥ق، قم.

۲۱. معجم‌البلدان، شهاب‌الدین بن ملاعبدالله مصر

۲۲. معجم‌المؤلفین، عمر رضا کحاله، دار احیاء التراث العربی.

۲۳. معجم رجال الحدیث، آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی، ج۱۱، ص۱۸۱ - ۱۸۲، شماره ٦۸۲۹. (چاپ پنجم، ۱٤۱۳ق / ۱۹۹۲ م)

۲٤. معجم رجال الفکر و الادب فی النجف خلال ألف عام، دکتر شیخ محمد هادی امینی، چاپ دوم، ۱٤۱۳ / ۱۹۹۲، نجف.

۲٥. موسوعه طبقات الفقهاء، گروه علمی مؤسسه امام صادق۷ زیر نظر آیت‌الله جعفر سبحانی تبریزی، قم.

۲٦. نجوم السرد بذکر علماء یزد، سیدجواد مدرسی، تحقیق و بازنویسی سید محمدحسین مدرسی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان یزد، وصال، ۱۳۸٤.

۲۷. نجوم السماء فی تراجم العلماء (شرح حال علمای شیعه قرن‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم هجری)، محمد علی آزاد کشمیری (م ۱۲۸٦ق)، تصحیح میر هاشم محدث، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به مؤسسهٔ انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۲ش، تهران.

۲۸. هدیة العارفین، اسماء المؤلفین و آثار المصنفین، اسماعیل بغدادی، محمدمحسن آقابزرگ تهرانی، سید محمدمهدی خرسان، دار احیاء التراث العربی.

۲۹. هفت اقلیم، احمد امین رازی، تحقیق جواد فاضل، کتاب‌فروشی علی‌اکبر علمی، تهران.

ج. مقالات

مقالاتی که دربارهٔ شرح احوال و معرفی آثار میرزا عبدالله یزدی نوشته شده اند به قرار ذیل‌اند:[۱]

۱. آیا تحفه شاهجانیه تألیف ملاعبدالله یزدی است؟ از محمدحسین نقی پور
۲. اندیشه مهدویت و تحولات فرهنگی عصر حکیم ملاعبدالله بهابادی، از محمود ملکی راد
۳. اندیشه و فعالیت سیاسی ملاعبدالله یزدی با نگرش به روابط صفویه و علمای شیعه، از سید ابو الحسن توفیقیان.
٤. انگاره‌های حدیثی در سیرهٔ علمی ملاعبدالله بهابادی یزدی، از سیده مریم صمدی
٥. بدیهیات تصدیقی و اقسام آن از دیدگاه ملاعبدالله یزدی در کتاب حاشیه، از رضا بازلی
٦. بررسی آراء و سبک فقهی علامه ملاعبدالله بهابادی با تکیه بر حاشیه ارشاد الأذهان از مرتضی خوشنویس زاده اصفهانی

---

۱. شایان ذکر است که بسیاری از این مقالات به همت و سفارش دبیرخانهٔ بزرگداشت علامه میرزا عبد الله بهابادی فراهم آمده اند و متن آنها را می توان در سایت http://www.molaabdellah.ir ملاحظه کرد.

٧. بررسی احوال چهار ملاعبدالله در عصر صفویه، از عبدالله پوررضا
٨. بررسی تطبیقی «حاشیه» ملاعبدالله با «النضید» علامه حلی، از عبدالرضا عسکری وادقانی
٩. بررسی جایگاه قضیه طبیعیه از منظر ملاعبدالله یزدی، از محمدحسین ایراندوست
١٠. بررسی و تحلیل دلائل هم‌گرایی عالمان شیعه با دولت صفوی؛ از حسن عبدی‌پور و اصغر میرزاپور
١١. تحلیل روش تفسیری ملاعبدالله بهابادی با تأکید بر «دره المعانی فی تفسیر السوره و الفاتحه» از ابراهیم حسن‌پور، اصغر میرزاپور
١٢. تلامذه ملاعبدالله بهابادی یزدی، از عبدالصمد جودتی استیار
١٣. جایگاه «حاشیه» ملاعبدالله در میان کتب منطقی، از سید حامد صدر
١٤. جلال‌الدین محمد بن عبدالله منجم یزدی (منجم شاه عباس بزرگ)، احمد سهیلی خوانساری، (مجله هنر و مردم، سال ١٣٥٥ش، شماره ١٦٧)
١٥. جلوه‌های بلاغی مکتب شیراز و جایگاه بلاغت در سیره علمی ملاعبدالله، از دکتر امید علی

١٦. جلوه‌های ادبی و بلاغی تفسیر «درة المعانی»، از علی عباس‌پور
١٧. «حاشیه نگاری» و تأثیر آن در تعالی دانش مسلمین، با رویکردی بر آثار ملاعبدالله بهابادی، از محمدتقی ربانی
١٨. سبک‌شناسی استدلال اخلاقی حکمای مسلمان در آثار علمی و سیرة عملی حکیم بهابادی یزدی از محمدتقی اسلامی
١٩. سبک‌شناسی شروح و تعلیقات حاشیه ملاعبدالله در دوران معاصر، از حسین غلامی بدربانی
٢٠. سیر کلام در مکتب شیراز و فعالیت‌های کلامی ملاعبدالله بهابادی;، از محمدکاظم حججی
٢١. سیری در احوال شارحان و حاشیه‌نویسان «حاشیهٔ» ملاعبدالله، از خلیل آقایی
٢٢. شخصیت‌شناسی اساتید ملاعبدالله بهابادی یزدی;، تحلیل و پژوهشی پیرامون احوال استادان ملاعبدالله یزدی، از حسین پریزاد
٢٣. شیخ عبدالله یزدی; و حکومت صفویه از نگاه مقام معظم رهبری، از حسین عرفانی
٢٤. صناعات خمس از دیدگاه ملاعبدالله بهابادی یزدی;، از حسینعلی دیلم

۲۵. علامه ملا عبدالله بهابادی فقیهی اخباری یا اصولی؟ از مرتضی خوشنویس‌زاده اصفهانی
۲٦. عالمان و اندیشمندان معاصر ملاعبدالله یزدی;، از سمیه سادات سجادی
۲۷. فعالیت‌های تفسیری علامه ملاعبدالله یزدی;، از عظیم عابدینی و حبیب الله یوسفی
۲۸. مطالعه توصیفی حاشیه ملاعبدالله بهابادی از منظر تحلیل ژانر، از سید عبدالمجید طباطبایی لطفی و طاهره قاسمی
۲۹. المقارنه بین شرّاح «الحاشیة» من الشیعة و اهل السنة، از حسین الأهوازی
۳۰. مقایسه تطبیقی «حاشیه» ملاعبدالله و «المنطق» مطفر، از رشیدزاده
۳۱. مقایسه ساختاری و محتوایی دره المعانی ملاعبدالله با عروه الوثقی شیخ بهایی، از مهدی حسن‌پور
۳۲. مکتب شیراز و ملاعبدالله بهابادی یزدی از دیدگاه شهید مطهّری، از علی اصغر حسینی
۳۳. ملاعبدالله بهابادی یزدی; در «الذریعه» از محمدعلی نجفی کرمانشاهی

۳٤.ملاعبدالله یزدی; و خاندان ملالی در عرصهٔ تولیت حرم علوی۷، از دکتر احمد جنت امانی
۳٥.نوآوری منطقی ملاعبدالله بهابادی یزدی; پیرامون آشکال اربعه، از محمدامین یزدان پناه
۳٦.سبک‌شناسی استدلال اخلاقی حکمای مسلمان در آثار علمی و سیرهٔ عملی حکیم بهابادی یزدی۱؛ محمدتقی اسلامی

د. پایان نامه‌ها

در این باره تنها پایان نامهٔ ذیل را یافتیم:

خاندان ملاجلال منجم یزدی، زمانه زندگی و نقش آن‌ها در تاریخ نگاری عصر صفوی

الهام زحمتکش، استاد راهنما: منصور صفت گل، دانشگاه تهران، تاریخ دفاع ۱۳۸۷ش؛ مقطع: کارشناسی ارشد.

بخشی از چکیده:

خاندان ملاجلال که شامل خود ملاجلال، ملاکمال منجم و جلال‌الدین ثانی می‌باشند، یک خانواده درباری - دیوانی در عصر صفوی بودند، اما روش‌های اعمالی آن‌ها در آثارشان، متفاوت و مجزا از دیگر نوشته‌های درباری هم عصرشان می‌باشد، با این حال چارچوب اندیشهٔ آن‌ها، برگرفته از رهیافت‌های فکری اسلام، تشیع و صوفی‌گری بوده و کاربرد تقدیرگرایی، جبرگرایی و مشیت الهی در نوشته‌های این خاندان، تاریخ‌نویسی آنان را هم، چون دیگر متون این مقطع در قالب تاریخ‌نویسی دینی در آورده است که خط ومشی آن در راستای ارتقاء تشیع تعیین می‌شد. تواریخ تألیفی این خاندان طی سه دورهٔ مهم از حکومت صفوی یعنی در فاصله سال‌های (۱۰۷۷-۹۹٦ ه) تدوین شده و همین دورهٔ زمانی خاص و تألیف متون مهمی چون عالم آرای اسکندر بیک و تاریخ جهان آرای عباسی وحید قزوینی، تأثیر مستقیمی بر درجه و جایگاه این آثار داشته است، خصوصاً که حرفهٔ اصلی

ملاجلال و پسرانش متفاوت از یک مورخ یا واقعه نگار دورهٔ صفوی بوده، اما با همه این اوصاف زبان کاربردی این خاندان و حضور در صحنه رویدادها، از نکات قابل تأمل در نوشته‌های آن‌هاست و بررسی این آثار را لازم می‌کند. پژوهش حاضر در صدد شناخت و آگاهی از همین زمینه‌هاست و امید می‌رود پژوهش‌های بیشتری را در این حوزه فراهم آورد.

بخش ششم

ملحقات

درآمد

دو مقاله به عنوان ملحقات در این قسمت درج می‌شود. مقاله نخست شرح حال ملاعبدالله یزدی است که در مجموعه گلشن ابرار چاپ شده است. این مقاله به نوعی خلاصه کتاب آخوند ملاعبدالله بهابادی «صاحب حاشیه»، احمد ترحّمی است. با اندکی تصرف و حذف برخی اشکالات بازنشر می‌شود.

مقاله دوم درباره موضوع حاشیه‌نویسی است که از دانشنامه جهان اسلام انتخاب شده است. از آنجایی که بسیاری از آثار ملاعبدالله یزدی حاشیه بر متون دیگر است شایسته بود دربارهٔ این شیوه نگارش سخنی آورده شود.

ملاعبدالله بهابادی یزدی؛ (متوفای۹۸۱قمری)، معلم منطق

علی براری

بهاباد در یک نگاه

بهابـاد در ۲۱۰ کیلـومتری جنـوب شـرقی شـهر یـزد و بـر روی تپـهٔ ماهورهای بین دو رشته کوه قرار گرفته است. آب و هوای خشـک دارد.[۱]

بهاباد منطقه‌ای کوهستانی است و هوای آن معتدل و آب زراعتی آن بیشتر از چشمه و قنوات تأمین می‌شود.[۲] وسعت آن حدوداً ٤٥۰۰ کیلومترمربع که ۹٦۰ کیلومتر آن دشت و بقیه را نواحی کوهستانی و کوهپایه‌ای تشکیل می‌دهد.[۳]

---

۱. *جغرافیای کامل ایران*، وزارت آموزش و پرورش،ج دوّم تهران شرکت چاپ و نشر ایران ۱۳٦٦ ش، ص۱۳۷۱.

۲. فرهنگ جغرافیای ایران، دائرة جغرافیایی ستاد ارتش، تهران چاپخانه ارتش ۱۳۳۲، ص ٤۲.

۳. همان.

مهم‌ترین محصولات بهاباد، انگور، پسته، زیره، گندم، جو، زعفران، پنبه، انواع صیفی جات، محصولات سر درختی است. پنبه و زعفران آن، در کنار انگور و پسته، از مرغوبیت خاصی برخوردار است. در قرن هفتم بهاباد جزء استان کرمان بود و توتیا[۱] از صادرات قابل توجه این استان بود که در بهاباد و کوه بنان به عمل می‌آمده است.[۲]

مردم بهاباد به خاطر ریشه‌دار بودن سنت‌های مذهبی و عمق اعتقادات دینی، اصالت فرهنگی اجتماعی و مذهبی خود را حفظ کرده‌اند. آنان مردمی سخت کوش و مقاوم و در عین حال مؤمن و متعبّد هستند. اهالی بهاباد مردمی مهمان‌نواز و خون گرم و خوش فکر و سلحشور و اهل دین و دیانت اند. همگی شیعهٔ اثنا عشری و شیفتهٔ مکتب اهل بیت: هستند.

تولد و تحصیل

ملانجم‌الدین عبدالله بن شهاب‌الدین حسین بهابادی یزدی در اوایل قرن دهم ه .ق در بهاباد پا به عرصه وجود گذاشت. پدرش شهاب‌الدین از متدینان بهاباد بود که از تمکن مالی خوب و از

---

۱. معین، محمد؛ *فرهنگ فارسی معین*؛ ص۳۹۲. درباره توتیا چنین آورده است: توتیا اکسید طبیعی و ناخالص روی که در کوره‌های ذوب، سرب و روی دست آید و محلول آن گندزدایی قوی است و در چشم پزشکی محلول رقیق آن برای شست وشوی مخاط و پلک ها به کار می‌رود در قدیم اکسید ناخالص مزبور را در جوش‌های بهاره و جوش‌های تراخمی به صورت پودر روی پلک‌ها می پاشیدند.

۲. حموی، یاقوت بن عبدالله؛ *معجم البلدان*؛ ج۲، ص۳۱۲.

منزلت و مرتبتی خاص برخوردار بود.[۱] ملاعبدالله بعد از رشد و شکوفایی و تحصیلات مقدماتی پس از چندی اقامت در زادگاه خود برای فرا گرفتن علوم دینی به شهرهای اسلامی شیرازو اصفهان مسافرت کرد.[۲]

وی در شیراز مقیم مدرسهٔ صدریهٔ منصوریه گشت و به کسب معارف پرداخت.[۳] ملاعبدالله در عین حالی که به فراگیری علوم اشتغال داشت، در مدرسهٔ منصوریه به تدریس نیز مشغول بود و شاگردانی را تربیت کرد.

آخوند مدتی را نیز در جوار مرقد مطهر امام اوّل شیعیان امیرالمؤمنین۷ در نجف اشرف به بحث و تدریس مشغول بود.

از ثمرات این اقامت، حاشیهٔ معروف وی بر کتاب تهذیب المنطق سعدالدین تفتازانی است. کتاب مذکور شهرتی بسزا دارد و قرن‌ها است که به عنوان کتاب درسی در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود.[٤]

مرحوم ملاعبدالله شرح نفیس خود را در روز چهارشنبه ۲۷

---

۱. مفید مستوفی، محمد؛ *جامع مفیدی*؛ به کوشش ایرج افشار؛ ج۳، ص۳۳۱.

۲. حسینی مازندرانی، سیدمصطفی؛ *شرح نفیس حاشیه ملاعبدالله*؛ ص۲٤۱.

۳. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض العلماء*؛ ج۳، ص۱۹۱.

٤. خوانساری، میرزا محمدباقر؛ *روضات‌الجنات*؛ ج٤، ص۲۲۹. آقای احمد ترحمی بهابادی صاحب کتاب ملاعبدالله بهابادی صاحب حاشیه یکی از نویسندگان خوش قلمی هستند که در این مقاله از کتاب ایشان بهره‌ها گرفته‌ایم و جا دارد در این مجال از زحمات طاقت فرسای ایشان در تهیه و چاپ کتاب مذکور قدردانی و تشکر ویژه داشته باشیم.

ذوالقعده ۹٦۷ ه .ق در نجف اشرف به پایان رساند.[۱]

استادان

۱. امیرغیاث‌الدین منصور شیرازی

ملاعبدالله در شیراز نزد عالم وارسته امیرغیاث‌الدین منصور شیرازی صاحب مدرسهٔ معروف منصوریه مشغول به کسب معارف دینی شد.[۲]

او وحید ایام و جلالت علمی او مسلم دوران است. منصور در چهارده سالگی داعیهٔ جدل و مناظره با علّامه دوانی را در مطالب علمیهٔ عالی در خود دید و در بیست سالگی از تحصیل و ضبط علوم فارغ و در سال ۹۳٦ هجری در عهد سلطنت شاه طهماسب (۹۸۳ - ۹۳۰) به صدرات عظمی نایل و به «صدر صدور ممالک» ملقّب و عاقبت در نتیجهٔ پاره‌ای مباحثات علمیه که در محضر سلطان بین او و محقق کرکی; وقوع یافته از صدارت استعفا کرد و به شیراز رفت و اقامت گزید. سپس مدرسه‌ای را که به جهت انتساب او به مدرسهٔ منصوریه معروف است، تأسیس کرد.

تألیفات طریفه‌ای دارد که در اثبات تبّحر او برهانی قاطع است:[۳]

---

۱. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض العلماء*؛ ج۳، ص۱۹۱.
۲. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض العلماء*؛ ج۳، ص۱۹۱.
۳. مدرس، محمدعلی؛ *ریحانة الادب*؛ ج٤، ص۲٥۸.

- اثبات الواجب تعالی
- اخلاق منصوری
- الاساس (در هندسه)
- الاشارات والتلویحات
- التصوف والاخلاق
- تعدیل المیزان (در منطق)
- تفسیر سورهٔ هل اتی
- جام جهان نما (فارسی)
- مقالات العارفین
- معرفةالقبله[۱]

وفات این دانشمند نامی با اختلاف سال‌های ۹٤۰ و ۹٤۸ و ۹٤۹ ه .ق در شیراز ذکر شده است. جنازهٔ او در مدرسهٔ منصوریه - که خود ریاست آن را برعهده داشت - مدفون است.[۲]

۲. جمال‌الدین محمود شیرازی

جمال‌الدین محمود شیرازی از مشاهیر فضل و سرآمد شاگردان علامه دوانی بود. مدت چهل سال در اصفهان به تدریس اشتغال داشت. اکثر فضلا و مشاهیر در نزد او درس خوانده‌اند. و شهرتی عالم‌گیر به دست آورده‌اند.[۳] از جمله شاگردان طراز اوّل او ملاعبدالله بهابادی صاحب حاشیه معروف

---

۱. ترحمّی، احمد؛ *آخوند ملاعبدالله بهابادی صاحب حاشیه)*؛ ص ٥٥

۲. مدرس، محمدعلی؛ *ریحانة الادب*؛ ج٤، ص۲٥۹.

۳. ترحمّی، احمد؛ *آخوند ملاعبدالله بهابادی صاحب حاشیه)*؛ ص ٥٦.

در منطق است.

جمال‌الدین محمود تألیفاتی دارد، از جمله چندین حاشیه بر کتب علامه دوانی و دیگران است.[۱]

همدرسان

آخوند ملاعبدالله با ملا احمد اردبیلی معروف به مقدس اردبیلی و هم‌چنین میرزا جان باغنوی شیرازی همدرس بوده است. هرسه نزد جمال‌الدین محمود (از شاگردان علامه دوانی) علوم عقلی را در شهر اصفهان فرا گرفته اند.[۲]

در قرن دهم ه .ق در شهر اردبیل، کودکی سعادت‌مند پا به عرصهٔ وجود گذاشت. او بعد از رشد و شکوفایی و طی مراحل علمی و کسب کمالات معنوی و عرفانی به مرتبه‌ای از دانش و معرفت و زهد و تقوا رسید که تاکنون الگوی عالمان و پرهیزگاران است. نامش احمد و فرزند محمد از خانواده‌ای دوستدار اهل‌بیت: بود. او علم و عمل را وجههٔ همت خویش ساخت و در زهد و تقوا به درجه‌ای رسید که به «مقدس» شهرت یافت و در تحقیق و ژرف‌نگری علمی به اندازه‌ای تبّحر داشت که به «محقّق» معروف شد. ایشان در رجب سال ۹۹۳ قمری از دنیا رفت.[۳]

سرنوشت این سه همدرس و همکلاسی، چنین بود که مقدس

---

۱. قزوینی، عبدالنبی؛ *تتمیم امل الامل*؛ ص۱۵٦

۲. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض العلماء*؛ ج۳، ص۱۹۱.

۳. جمعی از مولفان؛ *گلشن ابرار*؛ ج۲، ص۱۷۹.

اردبیلی به راه فقه و زهد رفت و آخوند ملاعبدالله و میرزا جان باغنوی شیرازی به راه ادب گام برداشتند، به طوری که ملاعبدالله از دانشمندان و مدرسان ادب و علوم کلاسیک سدهٔ دهم گشت و حاشیه‌هایی که این دو تن بر کتاب‌های کلاسیک روزگار خویش نگاشته‌اند، سال‌ها است که در شمار کتاب‌های درسی است.[۱]

شاگردان

ملاعبدالله پس از کسب تحصیل و مهارت فراوان، علامهٔ روزگار خویش گردید. کسی در دانش و تقوا و فضیلت به او نرسد. ملاعبدالله سال‌های دراز به تدریس اشتغال داشت در این دوران متفکران بسیاری در مکتب درس او تربیت یافتند که شرح زندگی برخی از آنان در ذیل آورده می‌شود:

۱. شیخ بهایی

شیخ بهاءالدین محمدبن حسین بن عبدالصمد حارثی جبعی عاملی معروف به شیخ بهایی در سال ۹۵۳ ه .ق در بعلبک لبنان زاده شد. سپس به ایران آمد. وی در دامن پدر بزرگوارش که از مشایخ بزرگ بود، تربیت یافت تا جایی که همگان به فضل و کمالات او اعتراف کردند.

شیخ مدت ۳۰ سال به سیر در شهرها پرداخت و در این مدت

---

۱. منزوی؛ علی‌نقی؛ *فهرست کتب اهدایی سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران*؛ ج۲، ص۳۷۹.

از محضر اساتیدی بزرگ بهره‌مند شد و از هر خرمنی خوشه‌ای چید. یکی از اساتید وی، فقیه منطقی آخوند ملاعبدالله بهابادی یزدی بوده است.[۱] شیخ بهایی حکمت و کلام و یک قسمت از علم منقول را از ملاعبدالله بهابادی فرا گرفته است.[۲] در بعضی از مطالب، شیخ بهایی تصریح کرده که کلیّات قانون و دورس دیگر را نزد ملاعبدالله یزدی خوانده است.[۳]

شیخ بهایی در حاشیه بر تفسیر قاضی می‌نویسد که در خدمت آخوند ملاعبدالله یزدی که صاحب حاشیه بر تهذیب المنطق است، تلمّذ کرده و او را وصف به علامه یزدی کرده است.[٤]

شیخ بهایی در تألیفات خود، حاشیه‌ای بر حاشیه استاد خود ملاعبدالله بر شرح ملاجلال الدین محمد دوانی بر تهذیب المنطق تفتازانی نوشته است.[٥]

شیخ بهایی سرانجام در اصفهان اقامت کرد و به تدریس و تحقیق مشغول شد تا این که در سال ۱۰۳۰ ه .ق بعد از مراجعت از سفرِخانه خدا در سن ۷۷ سالگی در اصفهان وفات یافت. جنازه او را به مشهدمقدس انتقال دادند و در خانه اش که مجاور

---

۱. خوانساری؛ محمدباقر؛ *روضات الجنات*؛ ج۷، ص٦٤.
۲. مدرس، میرزا محمدعلی؛ *ریحانة الادب*؛ ج۳، ص۳۰٦.
۳. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض العلماء*؛ ج٥، ص۹۸.
٤. تنکابنی، میرزا محمد بن سلیمان؛ *قصص العلماء*؛ ص۱۷٤
٥. افندی، میرزا عبدالله؛ *ریاض العلماء*؛ ج٥، ص۹٦.

آستان قدس رضوی بود، دفن کرده اند. مزارش هم اکنون زیارت گاه مشتاقان و زائران است.[۱]

۲. فرزند شهید ثانی

شیخ حسن بن زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی ملقّب به جمال‌الدین مکنی به ابومنصور عالم و فقیه ادیب شاعر ماهر و زاهد جلیل‌القدر و عظیم‌الشان، از اعیان علمای امامیه اوایل قرن یازدهم هجری است. وی در سال ۹۱۱ قمری در شهرک جُبع در جنوب لبنان دیده به جهان گشود. پدر وی شهید ثانی، فردی فاضل و از عالمان با فضیلت جبل عامل بود.[۲] بسیاری از نیکان و دودمان شهید ثانی در زمرهٔ دانشمندان و عالمان شیعی‌اند و از بزرگان علم و ادب به شمار می‌روند. به همین سبب است که خاندان شهید ثانی، به سلسلة الذهب، یعنی زنجیره‌های طلایی معروف گردیده‌اند.[۳]

شیخ حسن در ۹ سالگی پس از آن که روخوانی قرآن مجید را فرا گرفت، تحصیلات خود را آغاز کرد. نخستین معلم وی، پدرش علی بن احمد عاملی بود. شهید، ادبیات عرب و کتاب‌های مختصر النافع تألیف محقق حلی و اللمعةالدمشقیّة از محمد بن مکّی شهید اوّل و برخی کتاب‌های دیگر را از محضر وی فرا

---

۱. خوانساری؛ محمدباقر؛ *روضات الجنات*؛ ج۷، ص٦٤.
۲. مدرس، میرزا محمدعلی؛ *ریحانة الادب*؛ ج۳، ص۳۹۳.
۳. دوانی، علی؛ مفاخر اسلام؛ ج٤، ص٤٨١.

گرفت.[۱]

شهید با خواهرزادهٔ خود سید محمد (صاحب مدارک) هم سن و هم درس بود و هر دو مصداق حقیقی نفس سلیم بودند. در نماز به هم اقتدا می‌کردند و به درس هم حاضر می‌شدند، بلکه هر کدام کتابی تألیف می‌کرد به دیگری عرضه داشت و بعد از مذاکره در اطراف مطلب و تنقیح آن با توافق هر دو، ثبت اوراق می‌کردند. هر دو از محضر مقدس اردبیلی و ملاعبدالله یزدی صاحب حاشیه منطق معروف استفاده کردند.

شیخ حسن بعد از مراجعت به لبنان، معالم را تصنیف کرد.[۲] وی بیش از هفتاد کتاب و رساله در موضوعات گوناگون نوشته است که دو کتاب شرح لمعه و مسالک وی در فقه و منیه المرید در اخلاق و تعلیم و تربیت از جمله مهم‌ترین آن‌ها است.[۳]

شهادت وی در اوّل محرّم سال ۱۰۱۱ ه .ق در قریهٔ جُبع جبل عامل در سن ۵۲ سالگی بود و در کنار قبر خواهرزاده‌اش صاحب مدارک مدفون گردید.[٤]

۳. سید محمد ملقب به شمس‌الدین

---

۱. جمعی از مولفان؛ *گلشن ابرار*؛ ج۱، ص۱۷۳.
۲. مدرس، میرزا محمدعلی؛ *ریحانة الادب*؛ ج۳، ص۳۹۳.
۳. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعه*؛ ج۱، ص۱۹۳. ج۲، ص۲۹٦. ج۳، ص۵۸. ج٤، صص٤۳۳ و ۵۲. ج۵، ص۲۷۸. ج۱۱، صص ۱۲٦و ۲۷۵. ج۲۰، ص۳۷۸.
٤. مدرس، میرزا محمدعلی؛ *ریحانة الادب*؛ ج۳، ص۳۹۳.

محمدبن علی بن حسین موسوی عاملی جبعی ملقب به شمس‌الدین فقیه کامل، محدّث فاضل از علمای امامیه که در علم و زهد و تقوا دارای مقامی عالی بود. ایشان یکی از شاگردان بزرگ ملاعبدالله بهابادی بود.

سید محمد شمس‌الدین تألیفاتی دارد که بعضی از آن‌ها به شرح ذیل است:

۱. حاشیه استبصار؛

۲. حاشیه الفیه شهید؛

۳. حاشیه تهذیب الأحکام شیخ طوسی؛

٤. حاشیه الروضة البهیه؛

٥. شرح مختصرالنافع محقق؛

٦. مدارک الأحکام فی شرح شرایع الاسلام که کتاب شرایع محقق را از اوّل تا آخر باب حج به طور تعلیقه و حاشیه شرح کرده است. بارها در ایران چاپ شده است.

سید محمّد (صاحب مدارک) در سال ۱۰۰۹ ه .ق در سن ٦۲ سالگی در قریهٔ جُبع از جبل عامل لبنان زندگی را بدورد گفت و دایی او شیخ حسن (صاحب معالم) بر سر قبرش نوشت: رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدوُا اللّٰه عَلَیه فمِنهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن

ینْتَظِرِ وَ ما بَدَّلُوا تَبْدیلاً. (احزاب: ۲۳)[۱]

ملاعبدالله و دربار صفوی

شاهان صفوی بنا به دلایل مختلف دینی و سیاسی و مصالح حکومتی، ضمن احترام و تقدیس علمای دین از آنان در امورمختلف نظرخواهی می‌کردند. این احترام‌ها و تقدیس‌ها بیش‌تر برای حفظ موقعیت خویش و به منظور برخورداری از حمایت و پشتیبانی جامعه شیعی بود که سر در فرمان عالمان و فقیهان داشتند. از آن سو علما نیز از این موقعیت برای گسترش و نفوذ مکتب تشیع استفاده فراوان بردند. به واقع، ارتباط آنان با پادشاهان صفوی، نقشی انکارناپذیر در گسترش و نفوذ تشیع داشت. به طوری که تشیع در این زمان از انزوا خارج شد و با رسمیت مذهب تشیع، نشر و تبلیغ اندیشه‌های شیعی رواج فراوان یافت و دانشمندان و بزرگانی مانند محقق ثانی و شیخ بهایی و علامه بزرگوار مجلسی، با جهت دادن سیاست‌های دربار صفوی به سمت ترویج و تبلیغ تشیع، خدمات بی نظیری را برای اسلام و تشیع به انجام رساندند.

این دوران یکی از دوران‌های اوج‌گیری تفکر شیعی است. ملاعبدالله نیز از جمله عالمانی است که در پرتو رابطه با دربار صفوی بر گسترش تشیع و حل مشکلات شیعیان تلاش‌های

---

۱. مدرس، میرزا محمدعلی؛ *ریحانة الادب*؛ ج۳، ص۳۸۸.

فراوانی به ثمر نشاند. آخوند از طرف سلاطین صفوی، سمت خزانه‌داری حرم شریف حضرت علی۷ را بر عهده داشت.

بعد از وفات او نیز فرزندانش عهده دار این سمت شدند. طایفه‌ای که اکنون در نجف اشرف به «بیت الملا» معروف هستند، منسوب به آخوندند.[۱]

مقام معنوی و علمی

آخوند، سرآمد علمای عصر خود بود. در زهد و تقوا بی‌نظیر بود. تعابیری از قبیل علّامهٔ زمان، فقیه منطقی، عالم فاضل، اتقی و ازهد عصر خود، شارح متفکر منطق، همه، دال بر علوّ درجه و شأن و مرتبت علمی و معنوی او است.

از جمله کرامات آخوند ملاعبدالله یزدی; این که وقتی وارد اصفهان شد، چون قدری از شب گذشت، با توجه باطنی نظری به شهر اصفهان کرد. پس به همراهانش گفت: وسایل ما را جمع کنید تا از این شهر با عجله بیرون رویم؛ زیرا چند هزار بساط شراب می‌بینم که در این شهر چیده شده است که اگر خدای تعالی عذابی نازل کند، ما هم با آن می‌سوزیم. پس همراهانش اسباب و وسایل را برداشتند و ملاعبدالله سوار بر مرکب خویش شد. هنوز بیرون شهر نرسیده بودند که وقت سحر فرار رسید آخوند دوباره توجه باطنی به شهر اصفهان کرد. پس به

---

۱. امین، سیدمحسن؛ *اعیان‌الشیعه*؛ ج۲و۳، ص۱۱۸.

همراهانش گفت: برگردید؛ زیرا چندین هزار سجاده را می‌بینم که پهن شده و نماز شب می‌خوانند. این جبران آن را می‌کند. آن‌گاه به منزلی که در شهر داشت، مراجعت کرد.[۱]

قصهٔ مذکور حاکی از آن است که ملاعبدالله را اشتغالات اجتماعی و دل مشغولی‌های تحصیلی و علمی از فتوحات معنوی غافل نساخته بود. هر روز که می‌گذشت، شکوفایی اخلاقی و عطر ملکوتی بر شاخسار وجود این فقیه منطقی فرهیخته بیش‌تر و افزون‌تر می‌گردید. دوری گزیدن از دنیای فانی، موجب آرامش نفس و اطمینان خاطر آن فرزانهٔ والا گوهر شده بود، به طوری که رسیدن به قلّهٔ تکامل و تهذیب نفس برای او آسان شده و ارجمندی شخصیت ملاعبدالله را پدید آورد.

سخنانی که از نفس گرم ملاعبدالله سرچشمه می‌گرفت، نه تنها نسخه‌ای کارآمد، بلکه دارویی شفابخش حساب می‌شد و نورانیتی ویژه با خود داشت.

آخوند ملاعبدالله در علوم فقه نیز در غایت تبحّر و استادی بود، به حدّی که بالاستحقاق گفته است اگر بخواهم، به توفیق خداوندی، می‌توانم تمامی مسائل آن را با ادّله و براهین عقلی طوری واضح و روشن کنم که ابداً جای رد و مجال و چون و چرا.[۲]

شهرت ملاعبدالله

۱. تنکابنی، میرزا محمد بن سلیمان؛ *قصص العلماء*؛ ص۱۷٤
۲. مدرس، میرزا محمدعلی؛ *ریحانة الادب*؛ ج٦، ص۳۹۰.

مسعود بن عمر بن عبدالله هروی خراسانی ملقب به سعدالدین و معروف ملاسعد تفتازانی از اکابر علمای مسلمانان و در سال ۷۲۲ ه .ق در قریهٔ تفتازان نزدیک شهر نساءاز بلاد خراسان متولد شد.[۱]

ملاسعد تفتازانی در فقه و اصول و تفسیر و کلام و منطق و تمامی فنون ادبی و اکثر علوم متداول، استاد کلّ و محقّق و وحید عصر خود بود.[۲]

معروف‌ترین اثر علامه تفتازانی، کتاب تهذیب المنطق و الکلام است که شامل دو بخش منطق و کلام است. گفته می‌شود بخش منطق آن، بهترین است که در نهایت ایجاز دربارهٔ علم منطق نگاشته شده است.

مشهور است که تفتازانی موقعی که کتاب تهذیب خود را با نهایت ایجاز و اختصار به پایان رسانید و از خلاصه‌نگاری خود مسرور و خشنود بود، بارها می‌گفت و ادعا می‌کرد که هر که عبارت مرا خلاصه‌تر کند به تعداد هر جمله‌ای که تلخیص شد، یک دینار به وی خواهم پرداخت. اشخاص زیادی در این مسابقه علمی شرکت کردند و در میان آنان پس از وفات وی، گوی سبقت نصیب شیخ بهایی شده است که بسیاری از عبارات او را خلاصه‌تر کرد.

---

۱. حسینی خاندمیر، غیاث‌الدین؛ *تاریخ حبیب السیر*؛ ج۳، ص۳٤۰.
۲. مدرس، میرزا محمدعلی؛ *ریحانة الادب*؛ ج۱، ص۳٤۰.

بر کتاب تهذیب المنطق تفتازانی شروح بسیاری نوشته شده است که مشهورترین آن‌ها حاشیه نجم‌الدین ملاعبدالله بن شهاب‌الدین حسین بهابادی است.[۱]

یکی از علل بزرگ شهرت کتاب تهذیب المنطق تفتازانی حاشیهٔ نفیس ملاعبدالله یزدی است که در زمان شاه طهماسب برای تفسیر و بیان تهذیب المنطق نگاشته شده است. آن‌چنان دقیق و کامل است که در ایران و هند بیشتر خود این حاشیه و نه تهذیب، کتاب درسی گشته است.[۲]

بیشتر اشتهار ملاعبدالله به واسطهٔ همین اثر مشهور او، یعنی حاشیهٔ تهذیب المنطق تفتازانی است.[۳]

نظر به این که حاشیه تهذیب المنطق تفتازانی از کتب درسی حوزه‌های علمیه و بسیار مشهور است، آن را اختصاراً حاشیه ملاعبدالله گویند و مؤلف دانشمند آن در محافل علمی حوزه و دانشگاه، به «صاحب حاشیه» مشهور است.

در آینهٔ دیگران

شیخ بهایی; در حاشیه و تفسیر قاضی می‌نویسد که در خدمت آخوند ملاعبدالله یزدی که صاحب حاشیه بر تهذیب المنطق است، تلمذ کرده‌ام. وی، او را وصف به «علامه یزدی» کرده

---

۱. ترحمّی، احمد؛ *آخوند ملاعبدالله بهابادی صاحب حاشیه)*؛ ص ۷۳.
۲. ملکشاهی، حسن؛ *ترجمه و تفسیر تهذیب المنطق*؛ ص۲٤.
۳. انصاری، محمدعلی؛ *تاریخچه ادوار منطق*؛ ص٦.

است.[۱]

سیدعلی خان کبیردر کتاب سلافة العصر[۲] درباره‌اش می‌نویسد: عبدالله پسر حسین یزدی، استاد شیخ بهاءالدین، علامهٔ روزگار خویش است. کسی در دانش و تقوا و فضیلت به او نرسد. وی کتاب‌هایی مفید در علم فقیه و در علم منطق و... تألیف کرده است.[۳]

ملاامین احمد رازی ساکن هند در تذکره هفت اقلیم که به سال ۱۰۱۰ ه .ق نگارش یافته، در شرح احوالات آخوند ملاعبدالله بهابادی، به استادی وی در فقه و فقاهت اشاره کرده و در بیان مرتبت فقهی آخوند در ذیل عنوان «مولانا عبدالله» چنین می‌نویسد:

> پیوسته به قلم گوهر نگار نقش تألیف و تصنیف بر لوح روزگار می‌نگاشت و در میدان و افادهٔ لوای سبقت بر امثال و اقران می‌افراشت و مهارتش در فنون علم فقه به غایتی بوده که می‌گفته اگر متوجه بدان علم گردم، به توفیق الله تعالی، برهان و دلایل عقلی بر مسائل فقهی گفته، چنان علم فقه را مدلّل سازم که مجال چون و چرا نماند.[٤]

---

۱. تنکابنی، میرزا محمد بن سلیمان؛ *قصص العلماء*؛ ص۱۷٤.
۲. عنوان کامل کتاب «سلافة العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر» می‌باشد.
۳. قمی، شیخ عباس؛ *الفوائد الرضویه*؛ صص۲٤۹ و ٥۰٦.
٤. رازی کلکته، امین احمد؛ *هفت اقلیم*؛ ص۱۷۹.

تألیفات ملاعبدالله

در تعریف علم منطق، چنین می‌توان گفت که منطق علمی است که به وسیلهٔ آن انسان از طریق تفکر در معلومات به مجهولات خویش دسترسی پیدا می‌کند. این علم، راه صحیح فکر کردن را برای انسان نمایان می‌کند. پس همه تلاش‌های علمی بشر نیازمند منطق است. جناب ملاعبدالله، این فقیه منطقی، ژرف‌نگر به نوبهٔ خود سرآمد علمای علم منطق در زمان خویش و حتی زمان‌های پس از خود بوده است. عظمت آثار قلمی این فقیه فرزانه و منطقی فرهیخته بر اهل دانش و حکمت پوشیده نیست. تألیفات آخوند ملاعبدالله در عین استحکام و جلالت قدر، عبارات آسان دارد. به دو زبان عربی و فارسی کتاب نوشته است. کتاب او برخوردار از حسن ایجاز است.[۱]

حاشیه تهذیب المنطق سعدالدین تفتازانی. به عربی است. این کتاب باعث اشتهار و شهرت ملاعبدالله شده است؛

۱. شرح تهذیب المنطق به فارسی؛
۲. حاشیه بر مختصر تفتازانی؛
۳. حاشیه بر مطوّل تفتازانی؛
٤. التجارة الرابحة فی تفسیر السورة و الفاتحة؛
٥. شرح قواعد در فقه شیعه؛
٦. حاشیه بر حاشیه شریفیه؛

---

۱. الزرکلی، خیرالدین؛ **الاعلام قاموس التراجم**؛ ج٤، ص۸۰.

۷. حاشیه بر حاشیه بر شرح شمسیه؛
۸. الدّرةالسنیة فی شرح الرسالة الالفیة الشهیدیة؛
۹. شرح العجاله؛
۱۰. حاشیه بر حاشیه شرح جدید تجرید (قدیم دوانی)؛
۱۱. حاشیه بر حاشیه شرح جدید تجرید (جدید دوانی)؛
۱۲. حاشیه بر حاشیه شریفیه و جلالیه؛
۱۳. حاشیه بر مبحث جواهر از شرح تجرید؛
۱٤. حاشیه بر مبحث موضوع علم از حاشیه دوانی؛

حاشیه بر حاشیهٔ خطایی.[۱] این کتاب یکی از تألیفات مشهور دانشمند و ادیب شیعی آخوند ملاعبدالله بهابادی است. در علم معانی و بیان به زبان عربی است. آنچه آخوند ملاعبدالله به رشتهٔ تحریر در آورده، حاشیه بر حاشیه نظام الدین عثمان خطایی بر مختصر و مطوّل تفتازانی است. چون خطایی فقط تا باب تعریف مسند الیه به ضمیر از کتاب مختصر را حاشیه نگاشته است، ملاعبدالله نیز به همین بخش بسنده کرده و به دیگر باب‌های مختصر کاری نداشته است. حاشیه ملاعبدالله بر حاشیه خطایی ۳۰۰۰ بیت نوشته دارد.[۲] چنان که خود ملاعبدالله در پایان آن مرقوم داشته، این کتاب در ۱۷ ذو الحجه ۹٦۲ ه .ق در مدرسهٔ منصوریهٔ شیراز پایان یافته است.[۳] نسخهٔ خطی از

---

۱. ترحمّی، احمد؛ *آخوند ملاعبدالله بهابادی صاحب حاشیه)*؛ صص۷۱. ۷۰.
۲. *فهرست کتاب‌های اهدایی مشکوة*؛ ج۲، ص۳۷۹.
۳. ترحمّی، احمد؛ *آخوند ملاعبدالله بهابادی صاحب حاشیه)*؛ ص ۸۹.

حاشیه بر حاشیه خطایی به خط نستعلیق و در ۷٦ برگ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است که گفته می‌شود به خط خود آخوند ملاعبدالله است.[۱] در کتاب قاموس تراجم تصویری از یکی از صفحات همین نسخه، به عنوان نمونه خط آخوند ملاعبدالله آورده شده است.[۲]

استقبال علما از حاشیه ملاعبدالله

علامه دانشمند شیخ آقا بزرگ تهرانی(صاحب الذریعه) در مبحث حاشیه می‌نویسد:

> تاکنون حواشی بسیاری بر حاشیهٔ عالمانه آخوند ملاعبدالله بهابادی; نوشته شده است. نام تعدادی از آن‌ها به ترتیبی که در الذریعه آمده است، ذکر می‌کنیم:

۱. حاشیهٔ شیخ اسحاق حویزی بر حاشیهٔ ملاعبدالله که تا بحث قیاس پیش رفته و مشتمل بر ۳۰۰۰ بیت است.

۲. حاشیهٔ آقا محمدتقی بن محمّد علی کرمانشاهی

۳. حاشیهٔ ملا محمّدحسین بن اسماعیل یزدی پاشنه طلایی معروف به صراط المستقیم است

٤. حاشیهٔ شیخ محمدحسن فرزند ملامحمدجعفر شریعتمدار

٥ . حاشیهٔ شیخ محمدسعید فرزند سید محمد طباطبایی

---

۱. همان، ص۸۹.

۲. الزرکلی، خیرالدین؛ **الاعلام قاموس التراجم**؛ ج٤، ص۸۰.

٦. حاشیهٔ میرصدرالدین مدرس یزدی به نام مرصع الحواشی
۷. حاشیهٔ معروف به کشف الاستار
۸. حاشیهٔ معروف به تعدیل المیزان
۹. حاشیهٔ شیخ عبدالرحیم
۱۰. حاشیهٔ ملاعبدالرزاق لاهیجی
۱۱. حاشیهٔ میرزا عبدالغفّار
۱۲. حاشیهٔ میرزا علی رضافرزند کمال الدین حسین
۱۳. حاشیهٔ میرزا محمّدفرزند احمد علی قراچه داغی تبریزی
۱٤. حاشیهٔ محمد علی فرزند قربان علی اردبیلی
۱۵. حاشیهٔ ملا محسن تهرانی
۱٦. حاشیهٔ ملا محسن فرزند محمد طاهر قزوینی
۱۷. حاشیهٔ میرزا محمد تنکابنی
۱۸. حاشیهٔ میرزا محمد یزدی
۱۹. حاشیهٔ سید محمد مهدی موسوی
۲۰. ملا نظر علی فرزند محسن گیلانی
۲۱. حاشیهٔ یعقوب بختیاری حویزی[۱]

اشتباه تاریخ نگاران

در بعضی از مراجع، نسبت ملاعبدالله بهابادی به اشتباه شهابادی نوشته اند. چنین به نظر می‌رسد که اولین اشتباه در ذکر موطن

---

۱. تهرانی، آقابزرگ؛ *الذریعه*؛ ج٦، ص٦۰.

ملاعبدالله، باعث نقل آن به وسیلهٔ سایر اصحاب تراجم و تواریخ شده است، در حالی که در استان یزد، شهر یا بخشی به نام شهاباد وجود نداشته است و ندارد.[۱] می‌توان تنها بی دقتی در ضبط صحیح نام بهاباد و عدم آشنایی با موقعیت جغرافیای آن را باعث این سهو دانست. خود ملاعبدالله در بعضی عبارات، خود را به نجم بن شهاب موسوم عبدالله بهابادی معرفی کنند.[۲]

یادگارهایی از ملاعبدالله در بهاباد

یکی از نوادگان آخوند ملاعبدالله تا چند سال پیش در حدود محلی که هم‌اکنون به مزار ملاعبدالله (صاحب حاشیه) در بهاباد مشهور و معروف است، می‌زیست و به تقوا و دیانت معروف بوده است.[۳]

همچنین از همین خاندان، قرآنی خطی به یادگار مانده که گفته می‌شود قرآن شخصی آخوند ملاعبدالله بوده که در بین نوادگان او دست به دست شده و به «قرآن ملاعبدالله» مشهور است. این قرآن هم‌اکنون در کتابخانهٔ فاطمیهٔ بهاباد نگهداری می‌شود.[٤]

---

۱. پاپلی یزدی، محمدحسین؛ *فرهنگ آبادی‌ها*؛ ص۱٤٥.
۲. مدرس، میرزا محمدعلی؛ *ریحانة الادب*؛ ج٦، ص۳۹۰.
۳. ترحمّی، احمد؛ *آخوند ملاعبدالله بهابادی صاحب حاشیه)*؛ ص ٥۲
٤. همان.

غروب غم‌انگیز

آخوند ملاعبدالله بهابادی بعد از عمری تلاش و مجاهدت در راه تعلیم و تعلّم، سرانجام در سال ۹۸۱ ه .ق در اواخر حکومت شاه طهماسب صفوی، چشم از جهان فرو بست و به دیار باقی شتافت.[۱]

در بهاباد زادگاه آخوند بقعه‌ای متبرکه وجود دارد که به مزار ملاعبدالله بهابادی یزدی (صاحب حاشیه) مشهور و منسوب است.[۲] این بقعه زیارتگاه خاص و عام و مورد توجه اهالی بهاباد و سایر مناطق اطراف بود. کراماتی نیز از صاحب آن مزار نقل می‌شود. مزار آخوند ملاعبدالله در محدوده‌ای واقع شده که بنابر قولی، سابقاً جزء املاک پدری این عالم شهیر بوده است.[۳]

دعایی که آخوند ملاعبدالله در پایان یکی از حواشی خود، نوشته چنین است:

«والحمدلله علی توفیق الاتمام والسلام علی سید الانام وعترته ذوالکرام».[٤]

---

۱. ترحمّی، احمد؛ *آخوند ملاعبدالله بهابادی صاحب حاشیه)*؛ ص ۱۰۸.
۲. افشار، ایرج؛ *یادگارهای یزد*؛ ج۱، ص ۱۹۵.
۳. ترحمّی، احمد؛ *آخوند ملاعبدالله بهابادی صاحب حاشیه)*؛ ص۱۱۱.
٤. همان، ص۱۱۵.

کتابنامه

۳۰. آخوند ملا عبدالله بهابادی «صاحب حاشیه»، احمد ترحّمی، انتشارات بهاباد، ۱۳۷٤ش، تهران. (۱۳۰ صفحه)

۳۱. آینهٔ دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی (م ۱۳٦۳ش)، به اهتمام ناصر باقری بیدهندی، انتشارات کتابخانهٔ آیة الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش، قم.

۳۲. اثر آفرینان، زندگی‌نامهٔ نام‌آوران فرهنگی ایران (مجموعه‌ای ۶جلدی)، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ویرایش دوم، ۱۳۸۴ش، زیر نظر محمدرضا نصیری، تهران.

۳۳. إجازات الحديث - العلامة المجلسي، ص ۷۷ – ۷۸ (تحقیق سید احمد حسینی، خیام و کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱٤۱۰ق، قم)

۳٤. احسن‌التواریخ، ص۵۹۱ (حسن بیگ روملو، تصحیح دکتر عبدالحسین نوائی، انتشارات بابک، ۱۳۵۷ش، تهران).

۳۵. أعیان‌الشیعه، علامه سید محسن امین، تحقیق و تصحیح حسن امین، دارالتعارف للمطبوعات.

۳٦. أمل‌الآمل، محمد بن حسن حر عاملی، تصحیح سیداحمد حسینی اشکوری، دارالکتاب الاسلامی.

۳۷. بحارالأنوار، علامه محمدباقر مجلسی، گروهی از مصححان، دار احیاء التراث العربی، لبنان؛

۳۸. ترکمان، اسکندر بیگ؛ تاریخ عالم آرای عباسی، زیر نظر با تنظییم فهرستها و مقدمه ایرج افشار، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۷ش، تهران.

۳۹. تکملة أمل الآمل، سید حسن صدر، عبدالکریم دباغ، حسین علی محفوظ، عدنان دباغ، دارالمؤرخ العربی.

٤٠. جامع مفیدی، محمدمفید مستوفی بافقی؛ به کوشش ایرج افشار، اساطیر، ۱۳۸۵، تهران.

٤١. الحاشیة علی تهذیب المنطق للمولی عبدالله بن شهاب‌الدین الحسین الیزدی المتوفی، مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١٥ق، قم.

٤٢. خدمات متقابل ایران و اسلام، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران.

٤٣. خلاصة الأثر في أعيان القرن الحادي عشر، محمد أمين بن فضل الله محبّی حنفی (م ١١١١ق)، تحقیق: محمدحسن اسماعیل، دارالکتب العلمیة، ٢٠٠٦م، بیروت.

٤٤. دائرة المعارف تشیع، زیر نظر حاج سید جوادی، بهاءالدین خرمشاهی، کامران فانی، حسن یوسفی اشکوری، نشر شهید سعید محبی، چاپ اول، ١٣٧٦ش، تهران.

٤٥. دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، معاون علمی حسن طارمی، ۱۳۸۷ش، تهران.

٤٦. الذريعة إلى تصانيف الشيعة، علامه محمد محسن شيخ آقابزرگ تهرانی، دارالاضواء، بيروت.

٤٧. روضات‌الجنات في أحوال العلماء و السادات، محمدباقر بن زين‌العابدين خوانساری، انتشارات اسد الله اسماعيليان، دهاقانی (اسماعيليان).

٤٨. رياض‌العلماء و حياز الفضلاء، عبدالله بن عيسی‌بيگ افندی، تصحيح سيداحمد حسينی اشکوری، محمود بن شهاب‌الدين مرعشی، مطبعة الخيام.

٤٩. ريحانة الأدب در شرح احوال و آثار...، ميرزا محمدعلی مدرس، انتشارات خيام، ١٣٦٩ش.

٥٠. سلافة‌العصر، سيد صدرالدين علی خان حسينی مدنی، تحقيق محمود خلف بادی، دار كنان، ١٤٣٠ق، دمشق؛

٥١. طبقات اعلام‌الشيعه، إحياء الداثر من القرن العاشر، علامه شيخ آقابزرگ طهرانی، تحقيق: علی نقی منزوی، مؤسسه اسماعيليان، قم.

٥٢. الفوائد الرضويه فی احوال علماء المذهب الجعفرية، سرگذشت عالمان شيعه، خاتم المحدثين شيخ عباس قمی، تحقيق ناصر باقری بيدهندی، بوستان كتاب، ١٣٨٥ش، قم.

٥٣. فوائد الارتحال ونتائج السفر فی اخبار القرن الحادی عشر، العلامة مصطفی بن فتح الله الحموی (م ١١٢٣ق)، تحقيق عبد الله محمد الكندری، دار النوادر، چاپ اول، ١٤٣٢ق - ٢٠١١م، بيروت.

٥٤. فهرست کتابخانهٔ اهدایی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ع. منزوی، چاپخانه دانشگاه، ۱۳۳۲ش، تهران.

٥٥. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ وزیری یزد وابسته به کتابخانه آستانه قدس رضوی، نگارش محمد شیروانی)

٥٦. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، مصطفی درایتی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران؛

٥٧. فهرست‌واره نسخه‌های خطی ایران (دنا)، مصطفی درایتی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ش، تهران؛

٥٨. کشف الحجب والاستار، سید اعجاز حسین نیشابوری کنتوری (م ١٢٨٦ق)، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ١٤٠٩ق، قم؛

٥٩. گلشن ابرار (جلد دوم)، جمعی از نویسندگان، پژوهشکده علمی کاربردی باقرالعلوم (ع)، ۱۳۸۵ش، قم؛

٦٠. ماضی النجف و حاضرها، شیخ جعفر الشیخ باقر آل‌محبوبه (١٣٧٧ق)، دار الاضواء، ١٩٨٦م، بیروت.

٦١. مرآة‌الکتب، محمد علی بن موسی حائری ثقة‌الاسلام تبریزی، تحقیق علی صدرائی خوئی و محمد علی حائری، کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره، ١٤١٤ق، قم؛

٦٢. مراصدالاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع، صفی‌الدین عبدالمومن بن عبدالحق بغدادی، بیروت، دارالاحیاء الکتب العربیه، ١٩٥٤م

٦٣. مشاهير المدفونين فی الصحن العلوی الشريف؛ كاظم عبود الفتلاوی، عتبه علويه مقدسه، ۲۰۱۰م / ١٤٣١ق.

٦٤. معارف الرجال فی تراجم العلماء و الأدبا، شيخ محمد حرزالدين (م ١٣٦٥ق)، تعليقه محمدحسين حرزالدين، كتابخانه آيت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ١٤٠٥ق، قم.

٦٥. معجم‌البلدان، شهاب‌الدين بن ملاعبدالله حموی، چاپ مصر؛

٦٦. معجم‌المؤلفين، عمر رضا كحاله، دار احياء التراث العربي.

٦٧. معجم رجال الحديث، آيت‌الله سيد ابوالقاسم خوئی، ج١١، ص١٨١ – ١٨٢، شماره ٦٨٢٩. (چاپ پنجم، ١٤١٣ق / ١٩٩٢ م)

٦٨. معجم رجال الفكر و الادب فی النجف خلال ألف عام، دكتر شيخ محمد هادی امينی، چاپ دوم، ١٤١٣ / ١٩٩٢، نجف.

٦٩. المفصل فی تاريخ النجف الاشرف، حسن عيسی حكيم، مكتبه حيدريه، ١٣٨٥ش، قم.

٧٠. موسوعه طبقات الفقهاء، گروه علمی مؤسسه امام صادق عليه السلام زير نظر آيت‌الله جعفر سبحانی تبريزی، قم.

٧١. نجوم السرد بذكر علماء يزد، سيدجواد مدرسی، تحقيق و بازنويسی سيد محمدحسين مدرسی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان يزد، وصال، ١٣٨٤.

۷۲. نجوم السماء فی تراجم العلماء (شرح حال علمای شیعه قرن‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم هجری)، محمد علی آزاد کشمیری (م ۱۲۸٦ق)، تصحیح میر هاشم محدث، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به مؤسسهٔ انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۲ش، تهران.

۷۳. هدیة العارفین، اسماء المؤلفین و آثار المصنفین، اسماعیل بغدادی، محمدمحسن آقابزرگ تهرانی، سید محمدمهدی خرسان، دار احیاء التراث العربي.

۷٤. هفت اقلیم، احمد امین رازی، تحقیق جواد فاضل، کتاب‌فروشی علی‌اکبر علمی، تهران.

مقالات

۳۷. آیا تحفه شاهجانیه تألیف ملاعبدالله یزدی است؟ از محمدحسین نقی پور؛

۳۸. بررسی آراء و سبک فقهی علامه ملا عبد الله بهابادی با تکیه بر حاشیه ارشاد الأذهان از مرتضی خوشنویس زاده اصفهانی؛

۳۹. بررسی و تحلیل دلائل هم‌گرایی عالمان شیعه با دولت صفوی؛ از حسن عبدی‌پور و اصغر میرزاپور؛

٤۰. تحلیل روش تفسیری ملاعبدالله بهابادی با تأکید بر «دره المعانی فی تفسیر السوره و الفاتحه» از ابراهیم حسن‌پور، اصغر میرزاپور؛

٤۱. جلال‌الدین محمد بن عبدالله منجم یزدی (منجم شاه عباس بزرگ)، نوشتهٔ احمد سهیلی خوانساری، (مجله هنر و مردم، سال ۱۳۵۵ش، شماره ۱٦۷)؛

٤۲. آشنایی با مکتب شیراز، شاگردان میر غیاث الدین دشتکی نوشتهٔ حجه الاسلام دکتر قاسم کاکائی (http://kakaie.com)؛
٤۳. «نگاهی به کتاب تهذیب المنطق»، سایت اطلاع رسانه مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران (http://irip.ir)؛
٤٤. کشف نکاتی تازه از زندگی علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی، نوشتهٔ محمدعلی نجفی (http://www.molaabdellah.ir).

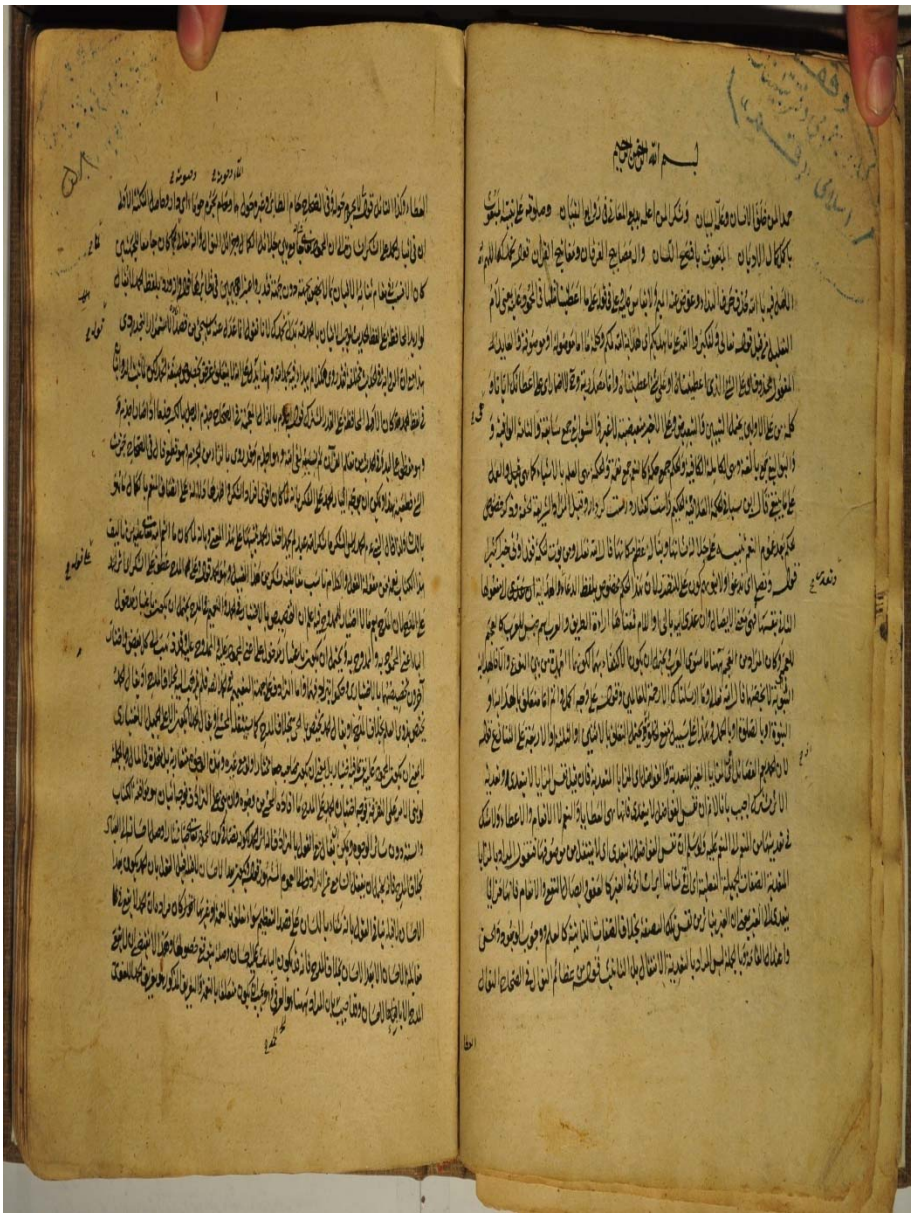
نرم افزارها و سایتها

۱. سایت کتابخانه دیجیتال نور www.noorlib.ir؛
۲. نرم افزار مکتبه اهل بیت علیهم السلام.

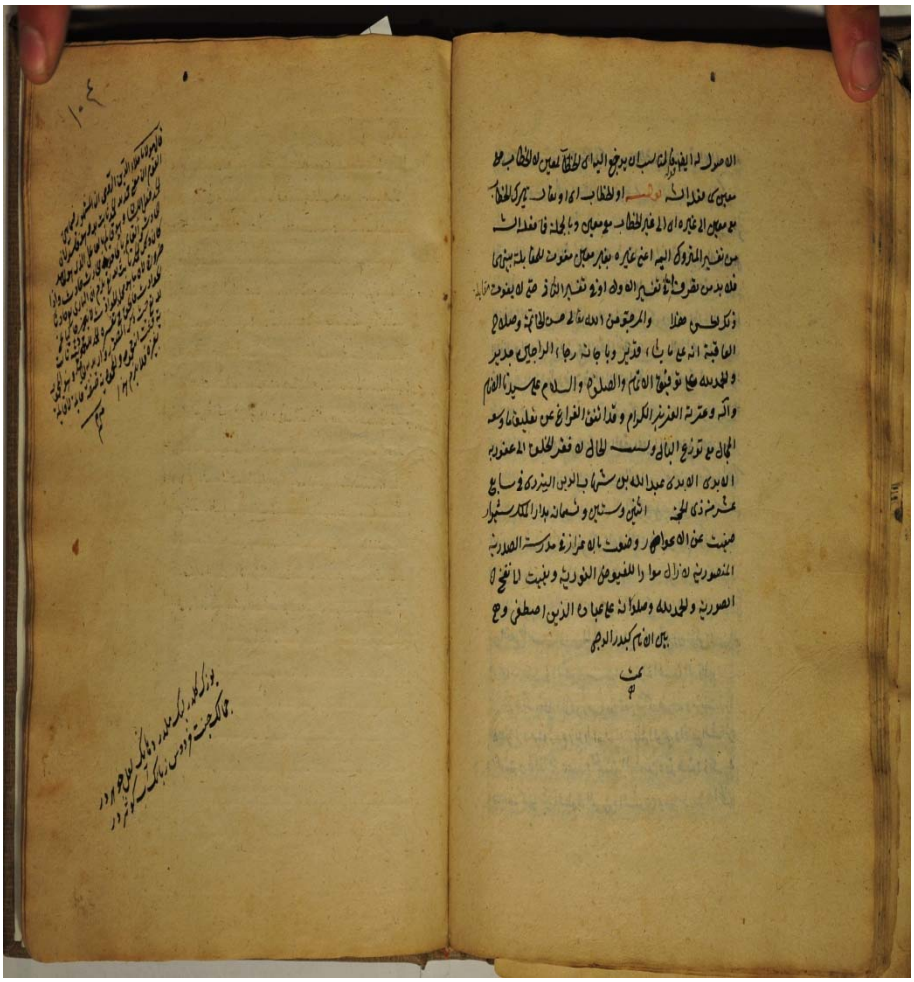
بخش هفتم

تصاویر

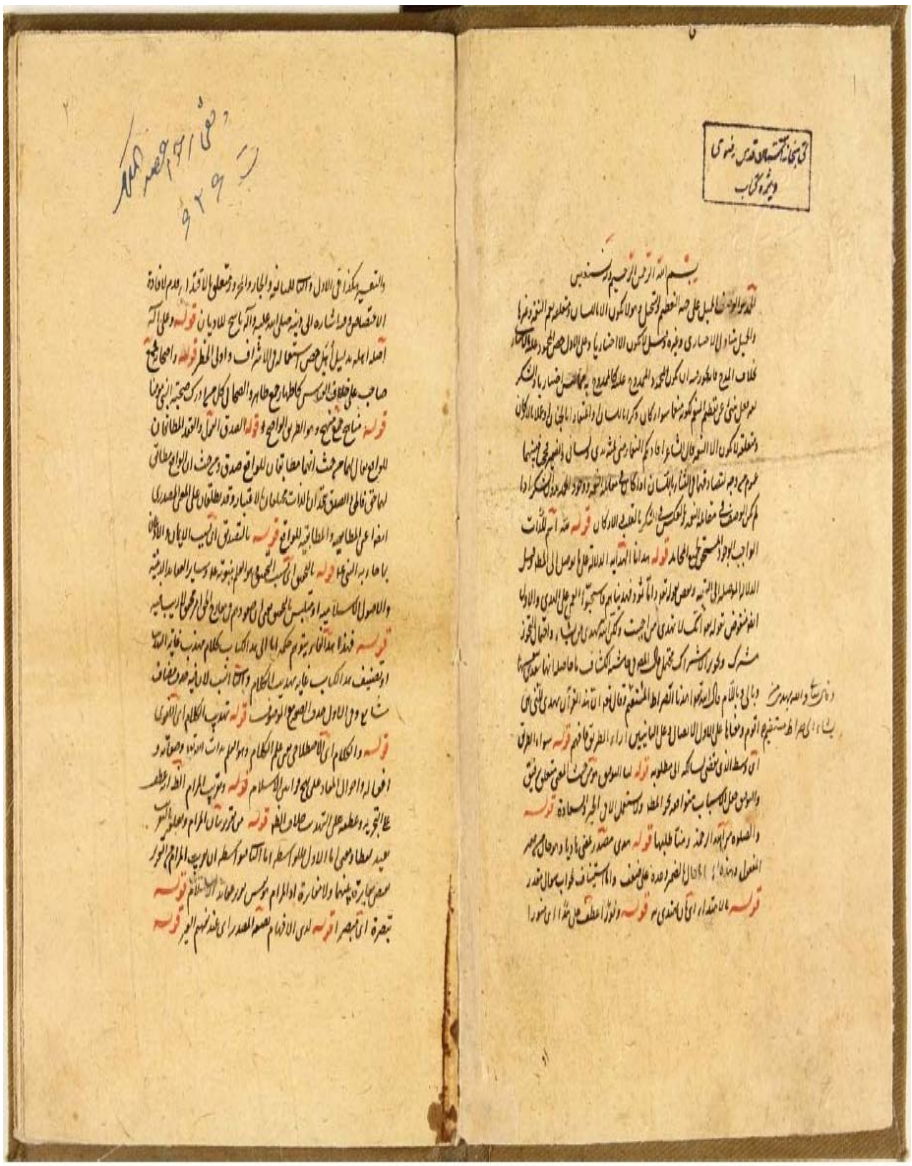
شامل تصویر دستنوشت‌های ملا عبدالله یزدی و تصویر آثار وی به خط کاتبان دیگر



۱. صفحه آغاز؛ حاشیه خطائی؛ دستخط میرزا عبدالله یزدی، تالیف ۹۶۲



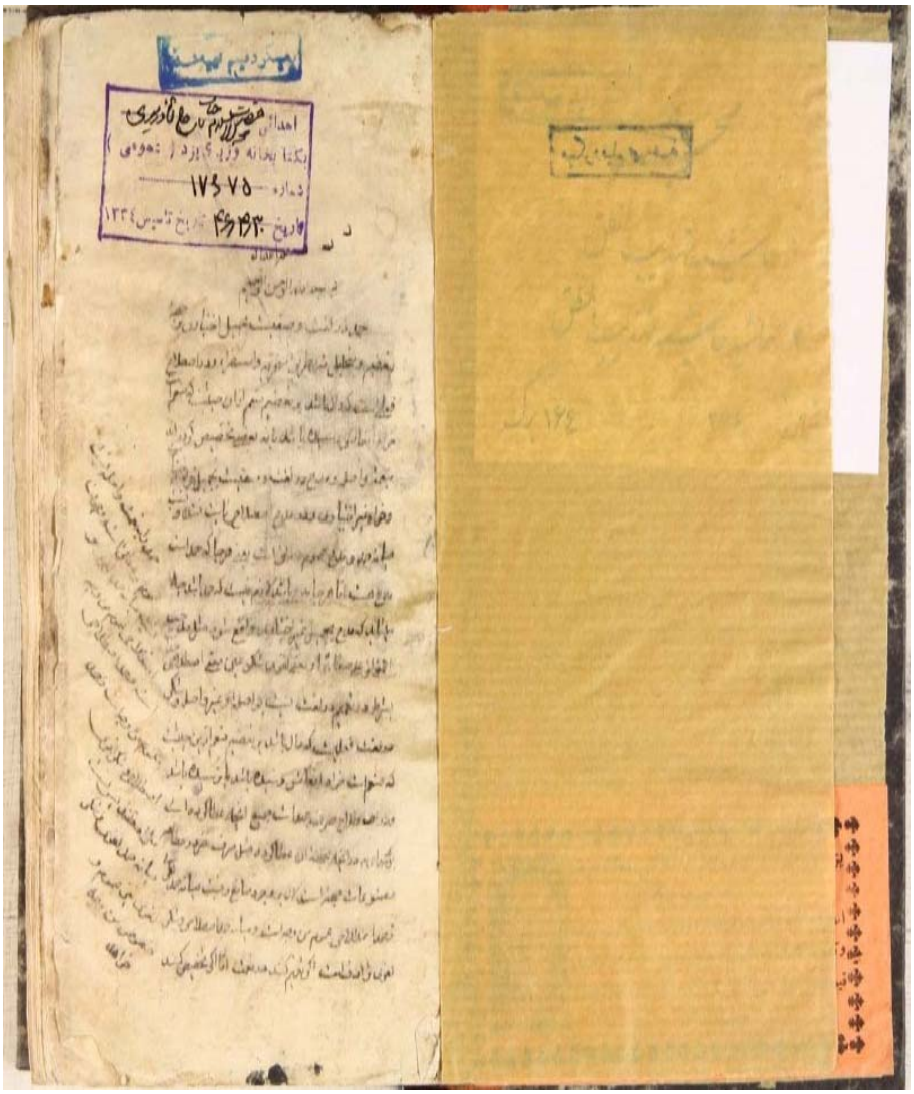
۲. صفحه انجام؛ حاشیه خطائی؛ دستخط میرزا عبدالله یزدی، تالیف ۹۶۲



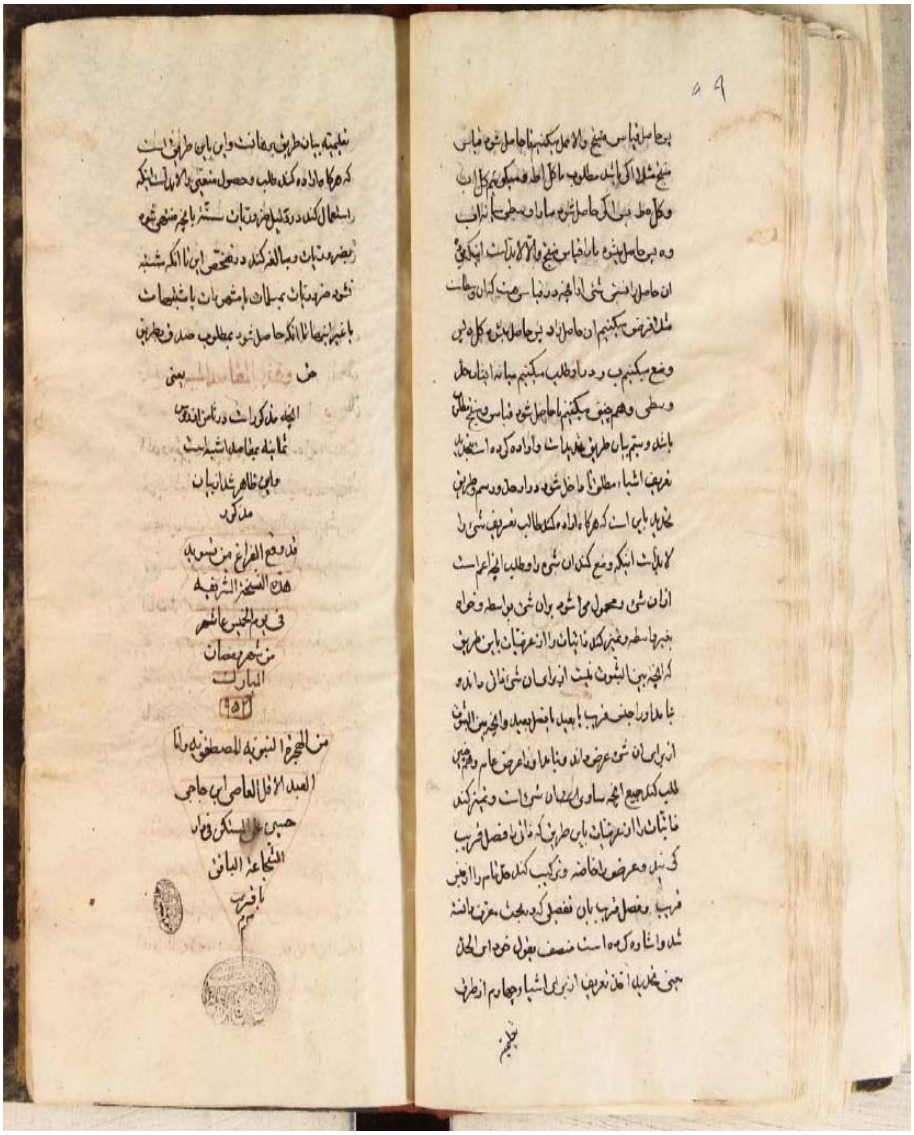
۳. صفحه آغاز؛ حاشیه عربی تهذیب؛ (حاشیه ملا عبدالله)؛ کتابت ۹۷۱



٤. صفحه انجام؛ حاشیه عربی تهذیب؛ (حاشیه ملا عبدالله)؛ کتابت ۹۷۱



۵. صفحه آغاز؛ حاشیه فارسی تهذیب؛ کتابت ۹۵۲



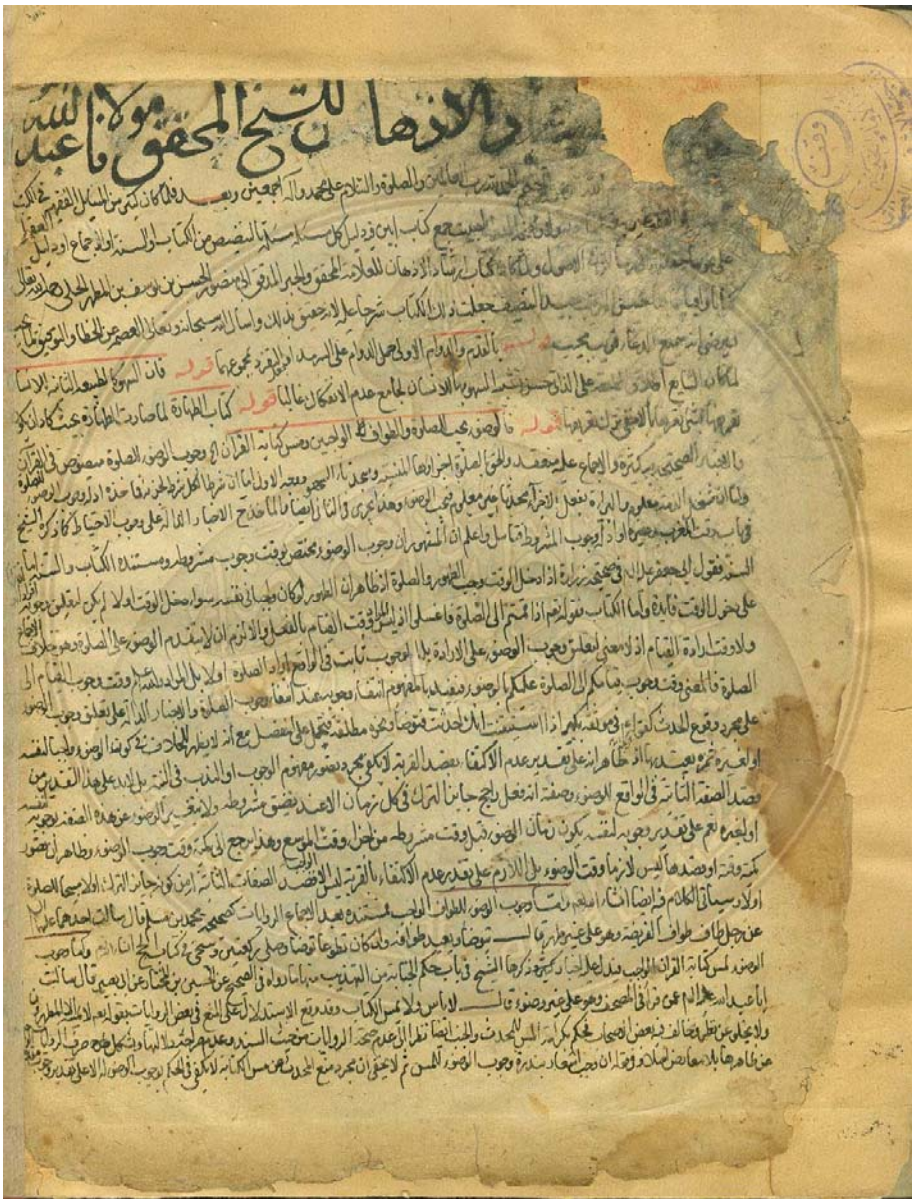
٦. صفحه انجام؛ حاشیه فارسی تهذیب؛ کتابت ۹۵۲



۷. صفحه آغاز؛ حاشیه بر مبحث موضوع؛ کتابت ۹۷۱



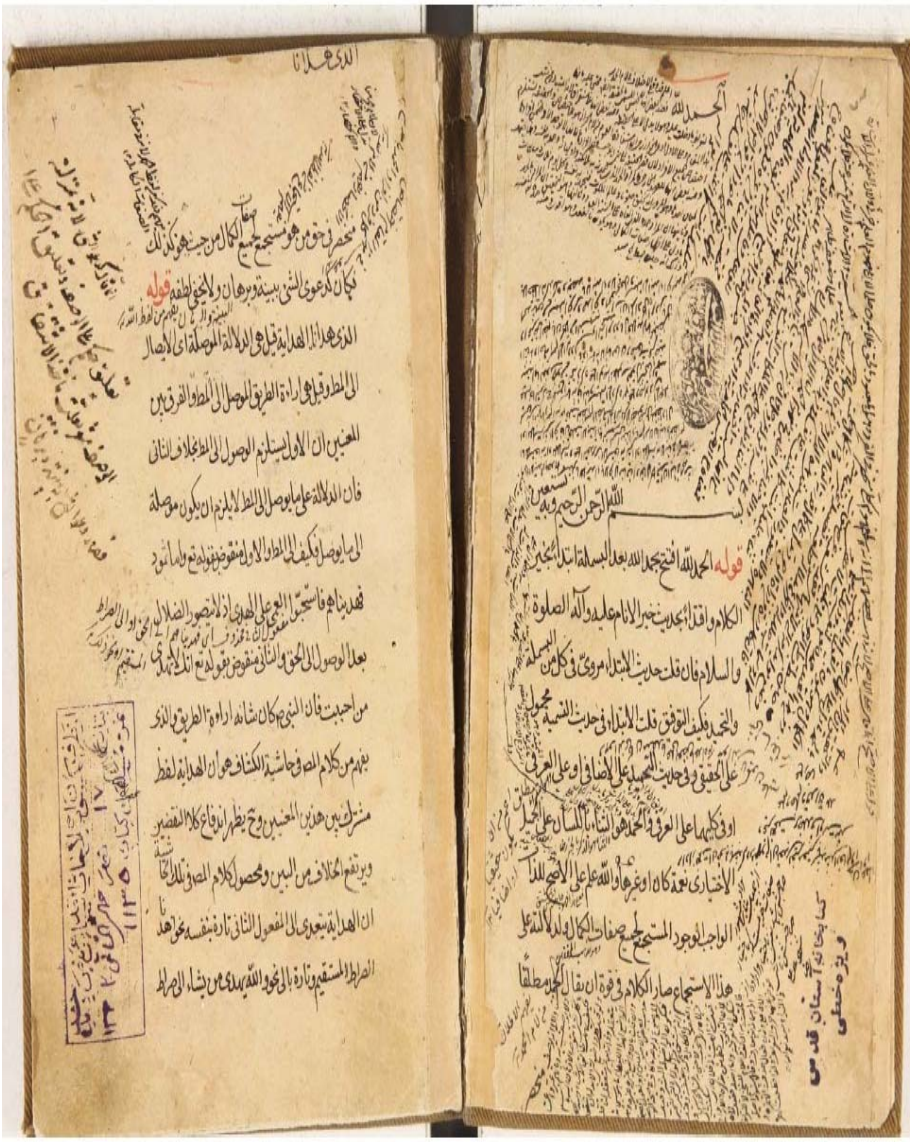
۸. صفحه انجام؛ حاشیه بر مبحث موضوع؛ کتابت ۹۷۱



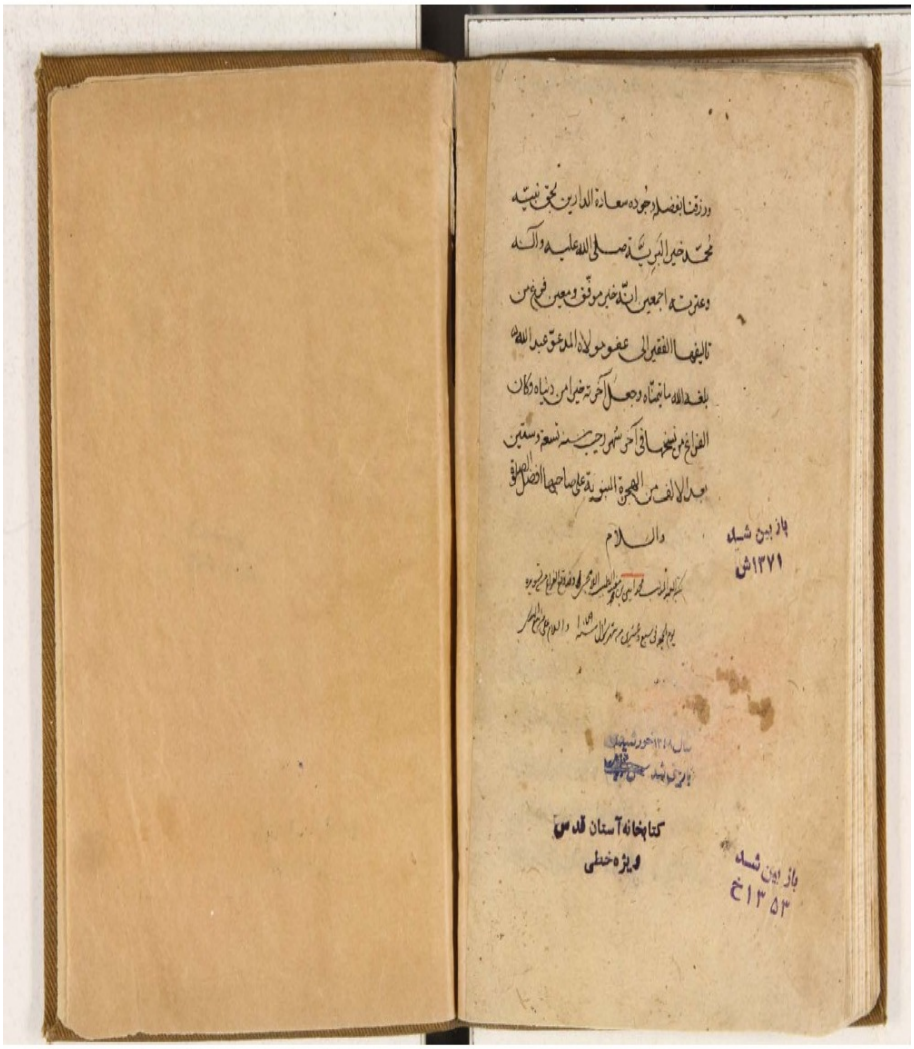
۹. صفحه آغاز؛ حاشیه ارشاد الاذهان، کتابت ۱۰۱۱



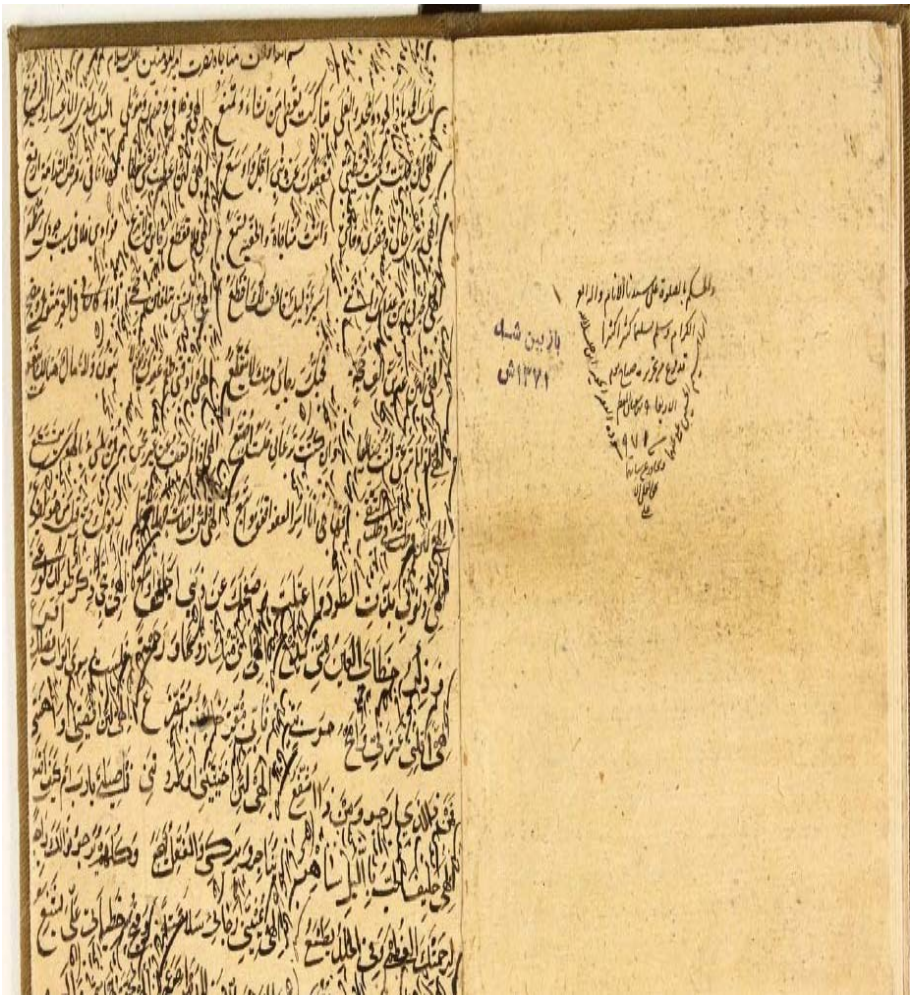
۱۰. صفحه انجام؛ حاشیه ارشاد الاذهان، کتابت ۱۰۱۱



۱۱. صفحه آغاز؛ حاشیه عربی تهذیب؛ (حاشیه ملا عبدالله)؛ کتابت ۱۰۷۹



۱۲. صفحه انجام؛ حاشیه عربی تهذیب؛ (حاشیه ملا عبدالله)؛ کتابت ۱۰۷۹



۱۳. صفحه انجام؛ حاشیه عربی تهذیب؛ (حاشیه ملا عبدالله)؛ کتابت ۹۷۱